

# تاریخ خط و نوشتہ ہامی کھن

افغانستان

از عصر قبل تاریخ تا کنون

تألیف

پوهاند عبدالحی حبیبی

نشر کردہ

انجمن تاریخ و ادب افغانستان اکادمی

کابل ۱۳۵۰



c

افغانستان اکادمی

نمبر نشرات: ۹



انجمن تاریخ

نمبر نشرات: ۱۰۳

## تاریخ خط و نوشته های کهن افغانستان

از عصر قبل التاريخ تا کنون

تألیف

پوهاند عبدالحي حبيبي



نشر کرده

انجمن تاریخ و ادب

افغانستان اکادیمی

کابل ۱۳۵۰

مہتمم: حبیب اللہ رفیع

تعداد طبع: هزار نسخه

دولتی مطبعہ

136399

## سرېزه

له ډیره وخته داسې غوښتل کیده چې په افغانستان کې دخط دپیدا کیدلو اوسره اوبستلو یو مستند اومصور تاریخ ولیکل سی، چې دتاریخ پلټونکي هم دخطونو دپیدا کیدلو په واقعاتو او عواملو او اوقاتو خبر سی اوهم دډول-ډول خطونو شکلونه اوانځورونه وگوری .

داکار له دی سببه گرانو، چې علمی پلټنې لاگرده نه وی بشپړی سوی، اود مخکې له لاندې څخه دپخوانو خطونو ډبر لیکونه اوپټي نهوی راییستل سوی .

په دی وروستنی پیری کې دا کار دغربي پوهانو له خوا ښه پرمخ ولاړ، اوډیر کښل سوی سندونه په لاس راغله چې دخط تاریخ ښه ځنی څرگند پیری .

خط دانسانی تاریخ اود مدنیت لمر څرک دی، او که انسان دا ښیگنه نه درلودای، ډیر څه به ئی کمو، اود علم نوم به هم نهو. نو له دی جهته دافغانستان په تاریخ کې دخط دپخوانیو بیښو پلټنه او څرگندو نه دتاریخ ټولنی یوه مهمه وظیفه ده .

دا کتاب لومړی پلا د اجتماعی تاریخ مهم پلوه ناڅه ښکاره کوی . اوله تاریخه دمخې زمانی څخه تاسی تردی وخته رارسوی . دا کتاب دافغانستان دگردوخطونو یوه لنډه اما جامعه تاریخچه ده، چې د ډیرو انځو رونو او عکسونو سره دافغانستان اکاډیمی د تاریخ او ادب ټولنی له خواتاسی ته وړاندی کیری .

(حبیبی)

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	اقراً وربك الاكرم الذی علم بالقلم
۲	مدخل
۴	<b>دوره قبل از اسلام</b>
۴	قد یمترین کتیبه های قبل التاریخ
۷	قد یمترین خط افغانستان در دوره تار یخی
۷	خط آرا می
۸	سنگ نبشته های آرا می ...
۱۲	نوشته های خط برا همی
۱۴	کتیبه های زبان و رسم الخط یونانی
۲۱	سنگ نبشته های خرو شتهی
۵۰	کتیبه های خرو شتهی در ترکستان شرقی
۵۲	سنگ نوشته های شناخته نشده موزه کابل
۵۳	نوشته های زبان تخاری بر رسم الخط یونانی
۶۱	کتیبه های شماره دا- نا گری سنسکریت
۶۳	کتیبه های شماره دا- نا گری سنسکریت
۶۵	رسم الخط پهلوی و دین دبیره
۶۸	دوره سه رسم الخط
۷۱	خط سفدی
۷۳	<b>خط و کتاب دوره اسلام</b>
۷۴	سوابق کتاب نویسی
۸۱	خط و کتاب در عصر اسلام
۹۰	افزایش جنبه هنری و تزئینی در خط
۱۰۴	دوره عروج خطوط
۱۱۴	خوشنویسان متاخر
۱۱۶	رسم الخط پنبستو
۱۲۳	<b>عکسها</b>
۲۵۲	نمونه های خطوط استاد عزیزالدین پوپلزایی ۳۵ قطعه

## تصحیح

از مطالعین محترم خواهش میشود تا قبل از مطالعه اغلاط و پریدگی های ذیل طباعتی را تصحیح نمایند و هم پریدگی های جزوی دیگری نیز هست که عندالمطالبه تصحیح میتوان شد .

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۴	۱۱	منسکر	منکسر
۵	۲۰	سرنیز	سرتیز
۱۶	۲۵	قبل المیلاد	قبل المیلاد
۲۳	۹	—	ایاسه
۳۰	۸	(۲)	(۳)
۳۱	۲	نماید	نماند
۳۳	۹	ساختند	ساختند،
۳۹	۱	سراونه	شراونه
۴۰	۱	پران	بران
۵۵	۲۱	ابن	این
۸۶	۱۴	منثور	منشور
۸۸	۱۰	لیت	لیث
۹۸	۲	زببای	زیبای
۹۸	۱۵	عز	عن
۱۲۰	۲۱	یبست	یبست

## اقراء وربك الاكرم الذي علم بالقلم

مسئله خط ونگاشتن در تار يخ مدنيت و فرهنگ افغانستان از مباحث بسيار مهم است، كه تا كنون بدان به تفصيل وارد نشده ايم .  
درين كتاب خواستم كه اين موضوع دشوار را تا جاييكه ممكن است، به استناد آثار يكه تا كنون بدست آمده ، مورد مطالعه قرار دهم .

در آغاز مباحث از پيدايش خطوط تاريخي و ريشه هاي باستاني آن و صورت رواج آنها در افغانستان قديم صحبت شده، و بعد از آن آثار مكشوفه و سنگ نبشته هاي خطوط قديم را كه در افغانستان يا ممالك مجاور كشف شده اند بر شمرده ايم ، ولي بهر صورت مركز كاوش و كنجكاويهاي ما خاك افغانستان قديم ( آريانه ) بوده است .

اين جستجوي نماز قديم ترين ادوار زندگاني اسلاف آغاز و پيدايش و رواج خط او ايل دوره اسلامي خاتمه مي يابد ، و تار يخ تحول و انشعاب خطوط دوره اسلامي و تحليل ارزش هاي هنري آن خود موضوع مهم جدا گانه ييست ، كه در قسمت دوم اين كتاب شرح داده شده است. و تاريخچه خط و كتابت را از عصر قبل التاريخ تا قرن حاضر مي رساند.

اميد است كه با اين جستجوي ابتدائي يك پهلوي تاريخ هنر مملكت را قدرتي روشن ساخته باشم .

كابل ، جمال مينه ۳۰ عقرب ۱۳۴۹

عبد الحى حبيبي

## مدخل

افغانستان از نظر جغرافیای چهارراه وسط آسیا واقع است ، همچنان که خصایص اقلیمی گرم و سرد و معتدل در آن پدیدار است ، در طول تاریخ از نگاه پیدایش افکار و اوضاع مدنی و پرورش کلتور و هنر نیز اهمیتی دارد ، که در تاریخ تمدن آسیای میانه همواره سهم عظیم مردم آن فرا موش شده نمیست.

سر زمین افغانستان دراز منة قدیم بنام آریانه ARIYANA

پرورشگاه مردمی بود ، که از زادگاه قدیم خود آر یانه و یجه به صفحات باختر و دامنه های ARYANA-VAEGO  
هندوکش هجرت کرده بودند ، و از همین جا شرقاً به هند شمالی و غرباً به سرزمین کنونی ایران وارو پسر افتند ، که آنان را نژاد هندواروپایی INDO-EUROPEEN گویند .

مردم آریایی که در سرزمین بین دجله و گنگاسکونت کردند ، در تاریخ تمدن بشری از مدت ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد سهم عظیمی دارند که مخصوصاً مظاهر تمدن ایشا ن در کتابهای ویدا و اوستا نمایانند ، و ازین دو کتاب قدیم به افکار و کلتور و تمام مظاهر مدنی زندگی ایشان پی می بریم .

مردم افغانستان قدیم یعنی آریانه از نظر کلتور و مدنیت و تحولات فکری و دینی دارای دو گونه موازیت قدیم فرهنگی اند :

اول: آنچه در بین خود با تکامل مراتب حیات مدنی دارای ذخایر فرهنگی و مدنی و فکری شده اند . امثال ترتیب قوانین دینی و آغاز به شهر نشینی و بنای بلاد و ترویج هنر و صنایع و آغاز به تفکر فلسفی و مبادی اخلاقی که در بقایای کتاب اوستا مظاهر آن بوجه احسن پدیدار است و مورخان یونان قدیم هم بآن اشارها دارند .

دوم: چون افغانستان بین هندوستان و چین و پارس و سفد افتاده بود ، و این ممالک دارای مدنیت و مبادی دینی و فکری بودند ، و با یکدیگر روابط تجارتهی و سیاسی و اجتماعی داشته اند بنابراین این سر زمین همواره



گذرگاه انتقالات فکری و مدنی و مرکز قوی و ملتقای مدنیت های متعدد گشته بود، و گاهی هم فاتحان ازین راه به هند و ماوراءالنهر میگذشتند. که آثار مدنیت ایشان هم در یمن سرزمین باقی میماند و باین طور مبادی مدنی شرق و غرب بمرور زمان با مواریث بومی این مردم می آمیخت و رنگ خاص مقامی را میگرفت، که در تاریخ مدنیت افغانستان فصول خاصی را بخود اختصاص داده است مانند آمیزش مدنیت گریک و بودیک در دو قرن قبل و بعد از میلاد، و امتزاج مدنیت اسلامی با مبادی خراسانی در قرن هفتم و بعد از آن.

فراموش نباید کرد: که مطالعه و تحقیق در تمام شعب تاریخ مدنیت افغانستان، متلازم با جستجو و تعیین عناصر بومی و مقامی مدنیت و اثر پذیریهای آن از مبادی و فراورده های دیگرانست، که در هر عصر و زمان، این آمیزش های فرهنگی، اندرین سرزمین فرهنگ های خاص افغانی را بوجود آورد و صبغه بخصوص خود را نگهداری کرده است، که در تاریخ فرهنگ آسیای میانه اهمیت خاصی دارد، و جزو مهم تاریخ کلتور بشریست.

ما در اینجا مخصوصاً با مسئله خط نویسی و کتاب سازی سروکار داریم، که هنر خاص نوشتن و ساختن کتاب است، و بحث و کاوش ما هم یک جزو «تاریخ هنر» بشمار میرود. چون تاریخ هنر شعب و فصول زیادی دارد، بنابراین ما تنها در اینجا راجع به خط و کتاب صحبت میکنیم.

## دوره قبل از اسلام

### قدیمترین کتیبه های قبل التاریخ

دردرة الی شنک لغمان در سلسله کوهساریکه راههای دره های آن شرقاً به دره های شمالی مجرای دریای کنر میگذرد. در سنه ۱۳۲۹ هـ = ۱۹۱۱ م نزدیک یک مغاره بین جبل بر صخره کوهی کتیبه یسی کشف شده، که در آنوقت امیر حبیب الله خان بدیدن آن رفت و عکس نخستین آن در جزیده سراج الاخبار افغانستانیه شماره (۱۶) سال (۶) مورخ ۵ حمل ۱۲۹۶ ش = ۲۵ مارچ ۱۹۱۷ م طبع کابل نشر شد. (۱)

تاکنون در آن باره مطالعات علمی بعمل نیامده، و تمام آن عبارت از خطوط مستقیم یا منسکر بهم پیوسته است که بروی یک صخره کوهی کنده شده و بسیار واضح و روشن است که باهیچ یکی از خطوط مکشوفه دوره تاریخی افغانستان تشابهی ندارد. و اگر آنرا با خطوط

(۱) بامر امیر حبیب الله خان ز در پهلوی این کتیبه قبل التاریخ این مضمون رادرسنگ نوشته اند:

«بیادگار تشریف آوری اعلی حضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان درانی بارکزا ثی محمد زایسی پادشاه دولت علیه خدا داد افغانستان اینکه در تاریخ ۲۱ ربیع الا اول سنه یک هزار و سه صد و بیست و نه هجری بود، که درین موضع، سنگهای نوشته را ملاحظه فرمودیم. چون خطهای آنها درین زمان مروج نبود خوانده و دانسته مانشد، که نقش سنگها برای چیست؟ و آثار کیست؟ لهذا نقل خطهای آنها را بذریعه عکس بحضور خود برداشتیم و بجهت ترجمه کردن در ولایات بعیده ارسال داشتیم. تا زمانیکه معلوم نشود. چند کلمه رادرسنگ هذا حکم نقش فرموده بیادگار گذاشتیم»

از دانشمند علی اکبر شهرستانی استاد پوهنخی ادبیات و علوم بشری که نقل این کتیبه را با داد تشکر میکنیم، وی گفت: که درین جا هشت سنگ نوشته موجود است.

وعلايم منقوشه مواهير و مجسمه‌های وادی سند و موهن جودیر و (که در حدود ۵ تا ۶ هزار سال عمر دارد) مقایسه کنیم، تناسب و هم‌آهنگی و هندسیتی که در خطوط موهن جودیر و دیده میشود، درین کتیبه مشهود نیست و بنا برین آنرا بدوره‌های بسیار ابتدایی مدنیت انسانی که قبل ازین عصر بود نسبت توان داد.

ناگفته نماند: که در مغارهای هزار سم ۱۶ کیلو متری غرب سمنگان در نشیب‌های شمالی هندوکش با ارتفاع ۳۳۰۰ فوت آثار زیاد قبل‌التاریخی موجود است، که در آنجا بر دیوارهای مغاره‌های سنگی نیز اشکال و رسم‌های منقوره در گچ‌کاری دیده میشود، که باستان‌شناسان بعضی از آن را با خطوط قبل‌التاریخ اروپای غربی در اسپانیا و ایتالیا و سویس و آیرلیند مشابه یافته‌اند. و در آثار هزار سم اشکال انسانی و دست‌ها و اشکال حیوانی و خطوط معوج شکسته‌ی دیده میشود، که خطوط منقوره لغمان یک صورت متکامل، و مهذب شده خطوط هزار سم پیدا شده‌اند. میتوانیم.

چون عمر آثار هزار سم را در حدود ۵۰۰۰۰ سال قبل در عصر قدیم سنگ طبقه میانه (چقماق) (۱) تخمین کرده‌اند (۲) و تشابهی هم بین خطوط منقوره لغمان و هزار سم دیده میشود، ولی قدری مهذب شده. بنا برین توان گفت: که نقوش سنگی لغمان، مربوط به عصر بعد از دوره هزار سم خواهد بود. زیرا کردن چنین خطوط و اشکال در سنگ خارا، محتاج به استعمال فلز سر نیز است که لابد در دوره استعمال فلز یعنی حدود پنج هزار سال قبل ازین، نقر آن واقع شده باشد.

(۱) MIDDLE PALAEO-LITHIC

(۲) برای شرح آثار قبل‌التاریخ هزار سم به مجله ایست ایندویست طبع روما ۱۹۶۳ مقاله EDITTA CASTALDI رجوع کنید و نیز دیده شود: مقاله دوره قبل‌التاریخ افغانستان از لوئیس دوپری - مجله آریانا طبع کابل شماره ۲۷۱ جوزا ۱۳۴۶ ش

THE PREHISTORIC PERIOD OF AFGHANISTAN BY LOUIS DUPREE JOURNAL. AFGHANISTAN, NO. 3, 1967.

بهر صورت تاکنون کلیدی برای خوانش چنین نقوش مبهم بدست نیامده، و موسیو فوشه (۱) هم متردد است که آیا این نقوش مربوط بدوره های قبل تاریخ خواهد بود یا نه؟

ناگفته نماند که برخی اشکال حیوانی یا انسانی در دوره های بسیار مابعد برسبیل هوس و تفریح بر برخی کتیبه های قدیم کنده شده اند (مانند نقش های جدیدیکه بر خرسنگ های جفتو و غیره نقش شده) ولی کندن چنین خطوط مثل منقورات دره لغمان نمیتواند برای هوس رانی باشد، وحتما مطالبی دران بوده است که ما اکنون کلیدی برای دریافت آن نداریم و بنابرین زیاده ازین درباره آن چیزی نتوان گفت: و ما درینجا تنها به عکس نقوش دره الی شنگ لغمان و هزار سم سمنگان اکتفا میکنیم. (شکل ۱-۲)

## قدیمترین خط افغانستان در دوره تا ریخی خط آرامی

مردم آرامی (۱) از حوالی قرن ۱۵ ق، م در وادیهای شمال غربستان تمکن داشته و دولتهایی را تا شمال سوریه تشکیل داده بودند. از نوشته های میخی قرن چهارم هم قبل المیلاد ثابت می آید، که جمعی از مردم سوتی (۲) آرامی در سوریه و حوالی دمشق میزیستند. در حالیکه برخی قبایل آرامی در مناطق جنوب فرات تا کرانه های خلیج فارس پراکنده شده بودند. (تاریخ اللغات السامیه ۱۱۵) که در حدود ۵۸۶ ق، م بعد از انحطاط قدرت فنیقیان، امور تجارت راه خشکه بدست آرا میان افتاد، و در وادی دجله و فرات رسم الخط آرامی، جای خط آشوری را گرفت که از هند تا مصر پهنائی یافت و حتی در عصر عروج آشوریان نیز از زبان آرامی با آشوری یکجهازبان تحریر و دفتر بود، چنانچه بر حواشی الواح مکشوفه آشوری، زبان آرامی هم دیده می شود. (تاریخ فن تحریر ۱۹۴)

قدیمترین سنگ نوشته های آرامی که تاکنون کشف شده، از قرن هشتم قبل المیلاد است که از تل سنجرلی (۳) شمال سوریه بدست آمده و با هربر رجب ملک شمال ۷۴۵ و ۷۲۵ ق، م نقر شده است (۴) و لی بعد از قرن ۵ ق، م خط آرامی بدین ترتیب شکل خاصی را بخود میگیرد، که سر و پهلوی حروف آرامی کشاده و زاویه های آن گرد می شود. که این تبدیل اشکال در عصر هخامنشیان (۵۵۰-۳۳۰ ق، م) در آن واقع میگردد. (۵)

در نقشه ۳ انشعاب خطوط متعدد آسیایی را از رسم - الخط آرامی با مطابقت قرون قبل و بعد از میلاد ملاحظه میفرمایید، که آنچه بتاریخ افغانستان قدیم و ممالک مجاور آن ربطی دارد بعلامت X نشانی شده است. (شکل ۳)

ARAMEANS (۱)

SUTI (۲)

SINJIRLI (۳)

(۴) تاریخ اللغات ۱ لسا میه ۱۲۲

(۵) فن تحریر ۱۹۴

## سنگ نبشته های آرامی یا قدیمترین آثار خط در افغانستان تاریخی

تاکنون در خاک افغانستان نوشته‌هایی که قدیمتر از آثار رسم الخط و زبان آرامی در دوره تاریخی باشد کشف نشده است. اگر چه این نوشته های آرامی مقارن رسم الخط یونانی است و به اواسط قرن سوم قبل المیلاد تعلق میگیرد، ولی چون مبداء و ریشه آن در تار یسج تمدن و هنر آسیا قدیمتر است بنابراین باید گفت: که رواج خط آرامی درین سرزمین سابق تر از خط یونانی و خروشتی است و خروشتی هم از خط آرامی برآمده که از راست بچپ نوشته میشود.

بایست فتوحات کوروش (۱) بزرگ (۵۲۹-۵۰۰ ق.م) و بعد از آن در شهر یاری داریوش (۲) (۵۲۲ ر ۴۳۶ ق.م) آثار مدنیت هخامنشی تاماورای دریای سند شرقاً رسیده بود و در آن جمله خط و زبان آرامی نیز شامل است، که بقول شیدر (۳) در یکی از لهجه های آرامی شرقی بود، و آنرا «خط شاهنشاهی» هم میگفته اند.

ولی تاکنون کتیبه ای مر بو ط بدوره هخامنشیان در افغانستان کشف نشده است. از طرف شرق نیز خط آرامی در حدود قرن ۷ ق.م بوسیله دریانوردان فنیقی و بابلی به جنوب هند رسیده بود که در آنجا مبداء رسم الخط دیوه ناگری (۴) (یعنی رسم الخط خدایی یا شاهلی) زبان سنسکریت گردید، و گویا اثر رسم الخط آرامی بر سرزمین افغانستان هم از شرق و هم از غرب بود. و بنابراین قدیمترین لوحه سنگی که بخط آرامی از تکسیلا برآمده و تاریخ آنرا بعدود ۵۰۰ ق.م نسبت میدهند، کهنترین آثار این رسم الخط در سرزمین شرقی دریای سند باید شمرده. این کتیبه قراریکه چون مارشل گوید: در نهایت اهمیت است و بر یک سنگ مرمر سپید مشتمل نقر شده و چون جای پیدا یس آن در بقا یا آبادیهای عصر از یس اول (۵) بوده بنابراین باید گفت که با همین وضع شکسته و آسیب دیده خود پیش از آغاز قرون میلادی درینجا دفن شده باشد، حروف آن با زبان آرامی مشابه آثار قرن چهارم قبل المیلاد است، ولی معنی متن

- (1) CYRUS
- (3) SCHEDEH
- (5) AZES

- (2) DARIUS
- (4) DEVA-NAGHRI

آن تاکنون روشن نیست د کتوربرنیت (۱) و پروفیسر کو لی (۲) آنرا راجع به بنای قصری دانسته اند . ولی برخی گویند که درباره جزای شخصی که آنرا بشکناند بوده است (رجوع به عکس نمبر ۴)

بقول جون مارشل : کشف این کتیبه میرساند که خط خرو شتهپی از آرامی که بوسیله هخامنشیا ندر حدود ۵۰۰ ق، م بدین سرز مین رسیده بود برآمده است و تکسیلا هم بعد از آن مرکز سرز مین رواج خرو شتهپی بود . (رهنمای تکسیلا ۷۸ کلکته ۱۹۲۱) (۳)

دو قرن بعد هنگامیکه آشوکا پادشاه بزرگ خاندان موریان از هند برخاست (۲۷۳ - ۲۳۲ ق، م) و در مدت چهل سال سلطنت خود بر افغانستان شرقی تا وادی ارغنداب هم دست یافت و دیانت بودایی را هم انتشار داد، در عصر او هنو زرسم الخط و زبان آرامی باقی بود . و سه سنگ نبشته مهم ازو در ین سرزمین باقیست .

اول : سنگ نوشته یونانی و آرامی که در مدخل شهر قدیم قندهار بر کنار جاده بر صخره کوه کنده شده و در سنه ۱۹۵۸ م از زیر خاک برآمد ، که طول آن ۵۵ سانتی و عرض ۴۵ تا ۵۰ سانتی است . متن یونانی بالای کتیبه شامل ۱۳ ونیم سطر و متن آرامی باین هفت ونیم سطر است که شیوه خط آرامی آن با خطوط پاپیروس یا چرم مشابه است و همچنین کتیبه دیگر به رسم الخط یونانی در سنه ۱۹۶۳ م در همین قندهار کهنه بدست آمد که در موزه کا بل محفوظست .

موضوع این دو سنگ نوشته همان مطالب اخلاقی است که در فرامین آشوکا در سر تاسر هند به السنه و رسم الخط های مختلف نقر گردیده ، و کتیبه قندهار در سال دهم بودایی شدن آشوکا ۲۵۰ ق، م نوشته شده است .

(1) BARNET

(2) COWLEY

(3) JOHN MARSHAL'S GUIDE TO TAXILA. p 78.

این کتیبه رواج خط و زبان آرامی رادر وادی ار غنداب در حدود ۲۵۰ ق، م ثابت میسازد و واضح میگرداند ، که سلطه آشوکا تا قندهار هم رسیده بود و درین جا علاوه بر خط آرامی رسم الخط و زبان یونانی هم باقی بود . (عکس نمبر ۵)

ترجمه تحت اللفظی مضمون یونانی کتیبه اینست :

در پایان ده سال پییده سی (۱) (آشوکا) پادشاه ، به انسا نسا اصول دیانت رانشان دادو از آن وقت انسانها رادر تمام روی زمین متدین تر و مسعودتر ساخت . و پادشاه از کشتن زندگان خودداری کرد و سایر انسانها و تمام شکاریان و ماهیگیران از شکار و ماهیگیری دست گرفتند و کسانیکه در عقیده راسخ نبودند در حدود ضعف خود منحرف شدند. و انسانان، خلا ف گذشته مطیع پدر و مادر و پیران شدند. و بعد ازین بارفتاری چنین بهتر زندگانی خواهند کرد، و بیشتر مستفید خواهند شد . (از روی ترجمه فرانسوی شلوم برژه (۲) رئیس باستان شناسی فرانسه . آریانا ۸ ر ۱۶ سنه ۱۳۲۷ ش)

دوم : کتیبه مهم دیگر که فقط چند سطر آن باقیست در گذر گاه درونته بین وادی لغمان و ننگرهار در شرق کابل بر سنگ مثلث نما بی بدست آمده، که درموزه کابل موجود است و خط آن آرامی و زبان پراگریت است ، مشتمل بر نصایح احتراز از قتل حیوانات ، که یکی از فرامین اخلاقی آشوکا باشد . (عکس نمبر ۶)

در حدود گو هایبهای شما لسی جلال آباد در جاییکه اکنون بنام درونته است ، زایر چینی سونگ یون (۳) در سال ۵۲۱ م از کتیبه بی ذکر میکند ، که مردم همان وقت می گفتند که آنرا بودا نوشته بود، و حروف بیگانه آن روشن و خوا نا بنظر می آمد .

(سی - یو - کی (۴) ار ۷۳ طبع کلکته ۱۹۶۳ م ) چون این کتیبه آرامی را از حدود درونته آورده اند و با همین جاییکه سونگ - یون گوید مطابقت دارد ممکن است مراد همین کتیبه بوده و حروف بیگانه

(1) PIYADASI=SAN: PRIYADAR'S IN

(2) D. SCHLUMBERGER

(3) SUNG-YUN

(4) SI-UY-KI



آن هم شاید همین رسم الخط آرامی (که برای چینیان بیکانه بود) باشد.

سوم - درنومبر ۱۹۶۹م بناغلی دانیل بورکویس بلژیکی، در شله نك قرغهی سه کیلو متری مهتر لام لغمان کتیبه سوم آرامی را کشف و عکاسی نمود، که بر صخره دا من کوهی در (۶) سطر کنده شده، و این جای در شمال غربی جلال آبا دبر کنار شمالی دریای کابل در وادی لغمان نزدیک مزاری پنا م مهتر لام واقع است، و مردم باین قبری که در حدود ده متر طول دارد عقیدت تام دارند، و حتی برخی آنرا گور یکی از انبیاء قدیم شمارند.

هیون - تسنگ زایر چینی که بتاریخ ۱۵ اگست ۱۶۳۰م از راه کاپیسا بدینجا رسیده و مدت سه روز توقف کرده بود (۱) گوید: که درینجا در حدود ده سنگها را (معبد) واقع است، که اکثر آن به مذهب کبیر بودایی تعلق دارد، در حالیکه برخی از معابد دیوا های مختلف هم موجود است. (۲)

نام این وادی در چینی لان-پو، و در سنسکریت لمپاکه بود، و در همین حدود دو کتیبه دیگر بخط دیوه ناگری نیز موجود است که در یکی از آن (سطر سوم) کلمه لمک دیده میشود، و ممکن است بانام اینجا بی تعلق نباشد و مادر مبحث خط دیوه ناگری شرح خواهیم داد.

اما اصل کتیبه آرامی شش سطر است محتاج خوانش و تحقیق دانشمندان آرامی شناس است که بگمان اغلب یکی از فرامین اخلاقی اشو کا خواهد بود، زیرا در سطر اول کلمه اول آن مانند کتیبه آرامی قندهار (اشو کا) بنظر می آید، که مضمون کتیبه مثلث نمای درو نته هم بخط آرامی عبارت از همان نصایح اخلاقی بودایی است در حفظ جانوران و احتراز از کشتن جاندار.

این کتیبه مکشوفه جدید چون بسیار روشن و واضح است و جز یک حرف سطر چهارم آن آسیب ندیده، بنا برین در خوانش آن هم مشکلی نخواهد بود.

چون مضمون این کتیبه تاکنون خوانده و تحلیل نشده، بنا برین درینجا فقط به آوردن عکس آن اکتفا میکنیم. (عکس A V)

(۱) جغرافیای قدیم هند از کنگهم ار ۷۵

(۲) سی - یو - کی آر ۱۴۴۲

## نوشته های خط براهمی

خط براهمی (۱) نیز از خطوط قدیم هنداست که بقول بعضی ریشه قدیم هندی دارد و نام آن به پرهما منسوبست . و جمعی از علماء آنرا مانند خرو شتهی از مبدأ آرامی شمرده اند که در تمام هندوسیلون (۲) عمومیت داشت و شباهت آنرا بخصوتی (۳) که برکتیبه میسح (۴) بن کموش پادشاه موآب (۵) (۸۵۰ ق م) کشف شده میدانند ، که بو سیله تاجران و دریانوردان بابلی بهند غربی رسیده بود ، و مبداء تمام الفباها ی کنونی هندی گردید ، و از چپ بر راست نوشته میشود .

بسا کتیبه های قرن ۴ قبل المیلاد و بعد آن در هند مو جو د اند ، که از ان جمله سنگ نوشته های متعدد آشوکا بدین رسم الخط اند ، و یک کتیبه کرنول ضلع مدراس (مکشوف ۱۹۲۹ م) نصف سطور از راست بچپ هم دارد ، ولی از کتیبه آرامی و یونانی قندهار و کتیبه آرامی لغمان ثابت می آید ، که نفوذ خط براهمی در عصر

آشوکا (حدود ۲۵۰ ق م) به آنجا نرسیده بود ، و درازمنه قبل المیلاد تنها در شمال غرب هند و وادی اندوس رواج داشت . چنانچه بر مسکوکات شاهان یونانی با ختر دران وادی دیده میشود ، و ملکه آگاتهو کلیس (۶) و انتی ماکو س (۷) (حدود ۲۵۰ تا ۱۴۰ ق م) بجای خرو شتهی بر یکطرف مسکوکات خود ، خط براهمی را هم نوشته اند . (کیمبرج هستری آف اندیا) (۸) رواج رسم الخط براهمی ، در سرزمین های شرقی افغانستان ، در مدت هفت قرن متواتر مقارن با خرو شتهی و یونانی و پهلوی و دیوه ناگری دیده میشود . چنانچه

- 
- |                                              |                |               |
|----------------------------------------------|----------------|---------------|
| (1) Brahmi.                                  | (2) Celon      | (3) Phonetic. |
| (4) Mesh'a.                                  | (5) Moab.      |               |
| (6) Agathocles.                              | (7) Antimachus |               |
| (8) Cambridge History of India. I.P. 62/449. |                |               |

در قرن چهارم میلادی هنگا میکه کوشانیان کو چک درین سرز مین حکم میراندند، جای خر و شتمی راهمین رسم الخط براهمی گرفته بود، وبرمسکوکات کیداره (۱) بخط براهمی کیداره کوشانه شا (۲) نوشته است. و همچنان برمسکو کات شاهان دیگر این خاندان مانند پیر و (۳) - و ا ر ه شاهی (۴) - ورهران (۵) - بود ها بله (۶) - بهاسه (۷) تاریکه (۸) - سد هنی (۹) نوشته های براهمی و گاهی مقارن با پهلوی هم دیده میشود (مجله مسکوکات) (۱۰) و ازین برمی آید که در قرن ۴م رواج خط براهمی و پهلوی در عصر کیداریان بدرجه بی بود که برمسکو کات خویش، خط یونانی و خرو شتمی و نا گری راننو شته اند (رجوع به عکس ۷) ولی بعد از آنکه در قرن پنجم هونان هفتلی سلطه کیداریان را خاتمه دادند، این رسم الخط کمتر بنظر می آید.

مطالعه و کشف اسرار خط براهمی بوسیله جیمس پرنسپ (۱۱) در سالهای ۱۸۳۴ تا ۳۸ م انجام گرفت که آنرا از روی کتیبه های متعدد ستونهای معبد سا نچی هند و منار اشوکا در دهلی خوانند. و الفبای آنرا ترتیب داد و اکنون آنرا از روی همان قواعد مرتبه بسهولت میخوانند.

- |                            |                       |
|----------------------------|-----------------------|
| (1) Kidara.                | (2) Kidara Kushanasha |
| (3) Piro                   | (4) Varashahi.        |
| (5) Varahran.              | (6) Buddha Bala.      |
| (7) Bhasa.                 | (8) Tarika.           |
| (9) Sadhni.                |                       |
| (10) Numismatic Supplement | 1937 Culcutta.        |
| (11) James Prinsep.        |                       |

## کتیبه های زبان و رسم الخط یونانی

رسم الخط یونانی با مجموعۀ افکار و رسوم و فرهنگ یونان که آنرا هیلینسم (۱) گویند، با فتح اسکندر در حوالی سال ۳۳۰ ق، م به سرزمین افغانستان آمد، اگر چه اسکندر درین سرزمین از سیستان تا سغدیانۀ با مقاومت شدید مردم مواجه گردید، و مدت چهار سال درینجا مشغول ماند، ولی در آخر توانست در ماه می ۳۲۶ ق، م بکنار جیلم برسد. وی از راه کنار غربی دریای سند به ملتان هم رسید، و در جولایی ۳۲۵ ق، م از راه های جنوب افغانستان و گدرو زیا به سوی پارس پس نشست، تا که در شب ۱۳ جون ۳۲۳ ق، م بعمر ۳۲ سالگی در بابل چشم از جهان بست.

در باختر و تمام ولایات افغانستان و هندوستان شمال غربی حکمرانان مقرر کرده اسکندر با برخی از یونانیان باقی ماندند، تا که در حدود ۲۵۶ ق، م دیو دوتوس (۲) حکمران باختر، سلاله شاهان یونانی باختر را اساس نهاد و اعلان شاهی داد و سکه زد، و ازین شاهان یونانی نژاد باختری شده در مدت دو نیم صد سال بعد سی و شش پادشاه و یک ملکه حکم راندند. تا که در نصف اول قرن نخستین میلادی با ظهور قبایل ساکه و سیتی از سمت شمال مملکت، سلطه یونانیان باختر پایان رسید.

سلطۀ اسکندر و اخلاف او در سرزمین آریانه مصدر بسط فرهنگ جدیدی شد، که از ناحیت دین، فکر، هنر، زبان، رسم الخط و تمام مظاهر فرهنگی ارزش های خاص تاریخی دارد، و درینجا مطالعات ماتنهای بارسم الخط یونانی و رواج آن درین سرزمین تا قرن هشتم

(1) Hellenism

(2) Diodotos

میلادیست و مامی بینیم که در مدته قرن این رسم الخط مورد استعمال مردم بود.

اثر رسم الخط یونانی از هما نفتح اسکندر تا شمال غربی هند رسید، اگر چه برخی مسکو کات بنام اسکندر بخط یونانی در هند شمال غربی بدست آمده، و لسی تا کنون یقینی نیست که آنرا در هند ضرب کرده باشد. اما مسکوکی از پادشاه معاصر اسکندر در شمال غرب هند، سلیقه یونانی دارد و بر یک طرف آن شکل پادشاه و بر طرف دیگر آن خروسی بانام پادشاه سوفیتیس (۱) دیده میشود که شکل یونانی شده نام سابوتی (۲) هندیست که آریین (۳) و سترابو (۴) هر دو آنرا ذکر کرده اند، و این سکه در ۳۲۰ ق، م ضرب شده باشد. (۵)

هیون تسنگ زایر چینی در ۶۳۰ م این سرزمین را از باختر تا کرانه های سند دید، وی رسم الخطی را که دارای ۲۵ حرف بود در اینجا ذکر مینماید. و این خط بلاشبته یونانیست که (۲۴) حرف داشت و یک صوت (بس) که در یونانی نبود و در السنه مقامی وجود داشت بشکل

شخ **px** یعنی مجموعه ش + خ بران افزوده شد، که در کتیبه سرخ

کوئل هم دیده میشود، و مادر قسمت رسم الخط تخاری یونانی شرح خواهیم داد.

این رسم الخط در آغاز سلطه یونانی، موافق آنچه در اصل بود نوشته میشد ولی بارواج آن در محیط جدید موافق ضروریات مردم آن تحول رنگ و شکل داد، و یک نوع خط یونانی شکسته (۶) از آن بوجود آمد مثلاً:

۱- اشکال حروف آن در کتیبه آرامی قندهار و نوشته های آی خانم و مسکوکات شاهان باختری یونانی خوش خط و عیناً به تقلید نگارشی اصیل یونانیست، ولی در کتیبه های متأخر آنقدر شکستگی و انحراف در آن راه یافته که تشخیص آن مشکل است.

۲- تعیین وادخال برخی از ضروریات محیطی در آن مشهود

(1) Sophytes

(2) Saubhuti

(3) Arrian

(4) Strabo

(5) Cambridge History of India 61 /388

(6) Cursive Writing

است، مثلاً صوت ش و صوت بن و فواصل و خواتم کلمات بشکل (O) و نوعین برخی اصوات مقامی به نقاط مثل:

ث = ع و ث = ح و ح

که در کتیبه های متأخر روز گان و توجی مشهود است .  
 ۳- گاهی تغییر سمت نگا رشی خط نیز مانند آرامی ، خروشتی ، پهلوی است یعنی رسم الخط یونانی را از سمت راست نوشته اند. اگر چه رسم الخط قدیم یونانی تا قرن ۶ ق، م از راست بچپ بود ولی در قرن ۴ ق، م نوشتن از چپ بر راست آغاز شد ، و اشکال حروف را هم مطابق به آن باز گردانیدند ، و رسم الخط یونانی که با اسکندر بافغانستان آمد نیز بر همین وتیره بود . ولی چون رسم نوشتن از راست بچپ در خود یونانی هم سابقه داشت ، و رسم الخط های آرامی و خروشتی و پهلوی نیز از سمت راست آغاز می یافت ، بنابراین در آسیای میانه هم گاهی رسم الخط یونانی را از راست بچپ نوشته اند. که یک نمونه این خط در تنگی تایغان (۱) الماتة قزاقستان، از جمهوریت های آسیای میانه اتحاد شوروی در سنه ۱۸۹۷ م کشف شده ، که بر صخره کوهی در سه سطر خط تبتی و دو سطر خط یونانی نوشته شده ، و مضمون تبتی آن عبارت از شکل تبتی تری رتنه (۲) یعنی سه جوهر بودا یی است که آنرا بزبان سنسکریت و خط یونانی در کتیبه جفتوی غزنی هم در سه سطر می بینیم.

در سطر اول تنگی تایغان کلمه ایزگ یا ایسگ (۳) را با سا کی تخاری و ساکیا سنسکریت (بودا) یا ساکه فرس قدیم که سکستان بنام آنهاست تطبیق کرده اند، که شاید نام نثار این نوشته باشد . در سطر دوم حروف الفا + گامارا بحساب ابجدی یونانی سال ۱۰۳۸ عهد سیلیو کید (۴) شمرده اند، که مطابق با سال ۷۶۹ ر ۷۷۰ م باشد (۵).  
 ۴- در نوشته های زبان یونانی قبل المیلاد و مسکوکات او لیس شاهان یونانی باختری در بین کلمات و یا خاتمه آن علامه فاصله (۶) دید می شود ، ولی در قرن نخستین میلادی از مسکوکات شهنشاه گوندو- فریس (۷) (۴۸۱۹ م) بعد یک دایره کوچک بشکل (۵) انگلیسی

(1) TAYGAN

(2) TRIRATNA

(3) ISZAG

(4) SELEUCID ERA

(5) ARCHIV ORIENTALNI 35, PRAGUE

(6) WORD DIVIDERS

(7) GONDOPHARES

یا مربع کوچک در بین کلمات یا درخاتمۀ آن آمده، که در تمام مسکوکات و نوشته های زبان تخاری رسم الخط یونانی تا اوایل دورۀ اسلامی مستعمل است. و این علامۀ فاصله مولود احتیاج مردم این سرزمین در رسم الخط یونانیست تا بو سیله آن کلمات جمل را از یکدیگر تفکیک کنند و حتی بقایای این علامت را در تفکیک آیات قرآنی بعد ها در رسم الخط کوفی شرقی هم می بینیم که در نسخ غربی قرآن رواج نداشت.

خط یونانی در تمام دورۀ شاهان پارتی از حدود ۳۰۰ تا ۲۰۰ ق، م و عهد یونانیان باختر و کوشانیان بر مسکوکات نوشته میشد، و مسکوکاتی نیز دیده میشود، که بخط یونانی باختری و کمی پهلوی ضرب شده، و ازین برمی آید که اساسا نیان هم در ولایات شرقی خود بدین رسم الخط سکه زده اند و ما مسکوکاتی را که از بگرام شمال کابل بدست آمده می بینیم، که بران تاج ساسانی و آتشکده با نام شاپور بر رسم الخط یونانی منقوش است (۱) و حتی مسکوکات سورا شترین (۲) گجرات هند در حدود قرن ۷ م خط یونانی دارد. (۳)

اما از کتیبه های زبان و رسم الخط یونانی در افغانستان تا کنون سه کتیبه مهم کشف شده است:

اول: سنگ نوشته یونانی و آرامی قندهار که یکی از آن بر قسمت بالایی ۱۳ ونیم سطر بزبان یونانی دارد و مادر شرح سنگ نبشته های آرامی شرح دادیم.

این نوشته یونانی در سال دهم بودایی شدن اشوکا پادشاه خاندان موریان در ۲۵۰ ق، م بريك صخره کوه مدخل خرابه های شهر قندیم قندهار بدست راست طاق چهل زینه بابر کنده شده و عبارت از نصایح و اندرز های اخلاقی دین بوداست که در سر تا سر هند کتیبه های متعدد آن بچندین زبان از طرف اشوکا نوشته شده است. بقول دانیل شلوم برژه (۴) مدیر هیئت باستان شناسی فرانسه که کاشف سرخ کوتل و شهر یونانی آی خانم است «در کتیبه های اشوکا بسا نقاط تاریک موجود است ازین جهت داشتن ترجمۀ یونانی این متون چه کامل با شد چه ناقص بسیار ارزش دارد و زبان

(1) ARIANA ANTIQUA 296/403 (2) SAURASHTRAN  
(3) A. AN 412 (4) D. SCHLUMBERGER

یونانی این کتیبه میرا از تمام اشیرهای لهجه های منطوقی وو لایتی است . طوریکه علمای یونان شناسی این متن یونانی را قطعات ممتاز ادبی یونانی خوانده اند که از نگاه ساختمان زبان، همپایه زمان فلاسفه و نطقان یونانی از قبیل افلاطون و ارسطو و ایز و قراطیس است . می بینیم که زبان تفکر و تحریر در قندهار قرن سوم ق، م هم از زبان نیست که به آتن یا به شهر میلیت (۱) مروج بوده و حتی طرز کندن و نوشتن این کتیبه ها وحدت کلتور یونانی را تایید میکند . و مای فهمیم که در حوالی ۲۵۰ ق، م در قندهار زبان و اصطلاحات فلسفی یونانی در بیان افکار اخلاقی بودایی بکار رفته است (مجله آریانا ۲۶۳ ص ۲۸ طبع کا بل ۱۳۴۴ ش ) .

سنگ نبشته های قندها ر می رساند : که بقایای مدنیت دورۀ هخامنشی و رسم الخط و زبان آرامی در اینجا با مدنیت یونانی خلط یافته ، در حالیکه از نظر فکر و فلسفه و آیین ، مبدأ آن کاملاً بودایی است . پس ازین روست که ما بسطیک مدنیت و هنر و رسم الخط آرا می و یونانی که هر دو از غرب آمده اند در وادی ارغنداب با مدنیت هندی مطالعه میکنیم ، در حالیکه این فرهنگ بودایی از همین وادی بطرف غرب سیر نکرده ، و آثار آن در قسمت غربی مجرای هلمند دیده نشده است .

چون در خرابه زار شهر قندیم قندهار و حوالی آن در ماشور (مها = بزرگ + شور = شهرستان) و اشوغه (شاید اشوکا) و غیره تا کنون حفاریات باستان شناسی صورت نگرفته بنا برین ممکن است در اثنای حفاریات علمی آن در آینده آثار گزیده تری بدست آید .

دوم: در سال ۱۹۶۳ م در ولایت تخار شمال شرقی افغانستان در ملتقای دریای آمو و کوچه بر نقطه مرزی افغانستان و شوروی که آی خانم نام دارد ، آثار یک شهر عظیم یونانیان باختری بابالا حصار و کوچه ها و میانی بزرگ و حصار ها و جاده ها ، و خندق ها و بقایای پایه های سنگی منقوش و خشت ها و تیگرهای مزین و ستونهای سنگی و برخی ابزار فلزی و ظروف سفالی و مجسمه های نهر کلیس (۲) و بازارها و عمارات و رز شنگام (چیناز یستم) یونانی ، یا فجنسجه هرتمس (۳) ( قهرمان زور و پهلوانی پسر زئوس ) که آنرا بقرار کتیبه مکشوفه

(1) MILETUS (2) HERACLES (3) ERMAI=HERMES



چهار سطری ، مردی بنام تریبالوس ولد ستراتون (۱) به هر مس و  
 هیرکلیس (۲) وقف کرده بود. از زیر خاک برآورده شد و این  
 کتیبه یونانی در چهار سطر بر سنگی منقور است . ( عکس ۸ )  
 در یکی از اتاقهای مکشوف این شهر که ۶ × ۷ مترساحه دارد ، در  
 نزدیکی دروازه ، کتیبه پنج سطری یونانی با چهار سطر دیگر طرف چپ  
 برآمده ، که در داخل اتاق چهار رقبه بود و استخوانهای مردگان از آن  
 کشف شد ، و دو تابوت فرسوده چوبی که در بین آن استخوانهای  
 پوسیده بود بدست آمد ، و با این تابوتها همین کتیبه نصب است که  
 بران بخط و زبان یونانی چنین نوشته اند (۳) :  
 « این کلمات حکیمانۀ مردان گذشته و گفتار رجال مشهور در  
 پیتهو مقدس (۴) محفوظ بود . و از آنجا کلی ارخوس (۵) آنرا برداشته  
 و بادقت درینجا نقل نمود . تا از دور بر گورکی نه ویو (۶) بتابد :  
 در کوچکی خوب تربیه بگیر !  
 در جوانی خواهش های خود را ضبط کن !  
 در پخته سالی راستکار باش !  
 در پیبری اندرز دهند خوب باش !  
 و در روزهای باز پسین زندگانی بدان ، که چگونه بدون فسوس  
 بمیری ! (۷) (شکل ۹)

(1) TRIBALLOS SON OF STRATON STRATONOS

(2) HRAKLEI=HERACLES

(۳) این ترجمۀ تخمینی از ترجمۀ فرانسوی متن یونانیست که مطابق  
 آن بدون ترجمۀ تحت اللفظ در نظر گرفته شده .

(۴) PYTHES نام شهر مقدس دلف DELPH است که نخست بنام

PYTHO بسر DELPHOS یکی از قهرمانان باستانی یونان شهرت

داشت و بعد از آن آنرا دلف نامیدند منسوب بخود دلفوس ( فرهنگ  
 اساطیر یونان و روم از پیر گریمال ۲۴۴-۶۸۵ طبع تهران ۱۳۳۹  
 ش.۰)

(5) KLEARXOS

(6) KINEU=KINEAS.

(7) INSCRIPTIONS GRECQUES NOUVELLES DE LA BACTRIANE  
 PAR M. LOUIS ROBERT PARIS 1968.

لویس روبرت در شرح این کتیبه‌های یونانی می‌نویسد : که کلی  
از خوس از مکتب تلامیذ ارسطو بوده، که برای مطالعه فلسفه هندی  
و بودایی به باختر افتاده و در زمان بعد از سکندر بدین شهر یونانی  
باختر آمده، و این گفتارها را حکیمان اسلاف یونانی را برین  
گوریکی از یونانیان نوشته باشد .

چون اثر فکری و فرهنگی یونانیان ، مقارن با سلطه سیاسی  
تا اوایل قرون میلادی درین سرزمین جریان داشت و رنگ مقامی  
باختری را گرفته بود، و در حدود ۲۵۰ ق،م آثار آنرا در کتیبه قندهار  
هم می‌یابیم . پس این نوشته حکیمان را بیک قرن بعد از اسکندر  
یعنی پس از ۳۲۳ ق،م منسوب کرده می‌توانیم . و در تاریخ هنر خط  
هم یکی از قدیمترین آثار خط یونانی در افغانستان کهن است .

## سنگ نبشته های خروشتهی

خروشتهی فقط نام رسم الخط است نه زبان . و این رسم الخط در افغانستان شرقی از قرن ۳ ق ،م تا قرن ۵ م مدت هشت قرن دوام داشته ، و کتیبه های سنسکریت و پراکریت بدان نوشته شده ، و بر مسکوات شاهان موریان و شاهان یونانی باختر و کوشانیان هم بنظر می آید. و چون پیدا یشگاه آن سرزمین آریانه (افغانستان قدیم) است ، بنابراین ویلسون (۱) در کتاب آریانه انتیکوا (۲) (طبع لندن ۱۸۴۱ م) آنرا الفبای آریانه (۳) نامیده است ، که کتیبه های متعدد آن از ختن تا افغانستان و هند شمالی باقیست ، و بر مسکوات و کتیبه های نوشتن آن مقارن رسم الخط های یونانی ، آرامی ، براهمی ، رواج تام داشت .

رسم الخط خروشتهی (۴) مانند آرامی از راست به چپ نوشته میشود . و آثار آن در افغانستان از جنوب آمو تا وادی ارغنداب میرسد ، که از ستوپه ها و معابد و اوقاف بودا یی درهده و بگرام و بلخ و جلال آباد و بامیان و وردک غرب کابل و غز به و وادی ماورای خیبر آمده است .

بقول بیو هلر (۵) از برخی مشخصات الفبای خروشتهی ما نند حروف علت (مصوته) و حروف صحیح (مصمته) مرکب برمی آید . که به کمک رسم الخط براهمی تکمیل شده ، و بنابراین براهمی چند ی بیشتر ازان وجود داشته است . ولی خروشتهی در نتیجه آمیزش ساتراپها و سلطه موقتی دولت هخامنشی با مردم محلی و روسای شرقی افغانستان کنونی و پنجاب بوجود آمد ، که بمرور زمان در رسم الخط آرامی تعدیلاتی وارد شده و الفبای خروشتهی از آن برآمد . ولی تکامل آن تدریجی بود و ما میبینیم که در اواسط قرن سوم ق .م

(1) H.H. Wilson

(2) Ariyana-Antiqua

(3) Arianian-Alphabet

(4) Kharoshthi

(5) Buhler

در فرا مین شهباز گرهی و مانسیهره اشوکا در حالی استعمال شده، که در همین عصر ر سم الخط آرامی نیز وجود داشت، که در تکسیلا شرقاً و در قند هار جنوباً کشف گردیده است. و آخرین نوشته های خروشتی تا قرن ۵ میلادی هم میرسد و منطقه نفوذ آن شمالاً تا ختن هم بوده که نوشته های متعدد و نسخه خطی دهامه پده (۱) در قرن ۲ م بدین خط و یک پراکریت شمال غربی هند از نزدیکیهای ختن بدست آمده است. در حالیکه انتهای شرقی استعمال خروشتی در پنجاب تا کرنال و مانی کیاله (۲) بوده، و از کانگره (بهیم نگر العتیبی) دو کتیبه خروشتی و براهمی و همچنین از ما تورای کنار دریای جمنا نیز کتیبه های آن کشف گردیده است. اما در باره کتیبه دیگر مکشوف از مقام پتنه هند گویند که آنرا از شمال غربی هند بدانجا آورده باشند.

در جنوب غرب مسکو که تی بخ خط خروشتی، از سیستان و قند هار هم بدست آورده اند، و کتیبه خروشتی و براهمی در تهل وادی ژوب و هم آثار این خط در وادی سوات و لداخ و جنوباً در پارچه های مکشوفه از موهن جو دیرو وادی لار کانه سند میرساند، که منطقه نفوذ خروشتی مخصوصاً از حدود ۶۹ درجه تا ۷۳ درجه وسیع قیقه طول شرقی و از هندو کش تا حدود ۳۳ درجه عرض شمالی و سعنت داشته که مبدأ آن بلا شبه همان ولایت گندهاره تا تکسیلا بوده است.

اگرچه نوشته های متعدد خروشتی از ختن بدست آمده، ولی انتقال آنرا به دست مهاجرین هندی بسرزمین ترکستان چینی میدانند. زیرا این نوشته ها از قرن ۲ میلادی قدیمتر نیستند، در حالیکه استعمال خروشتی در هند شمال غربی تا قرن ۳ قبل-المیلاد بالامیرود، و از همان خط آرامی برآمده که در دفاتر هخامنشی، ساتراپهای شمال غربی هند استعمال میکردند. و درین اوقات وجود هندیان در ترکستان شرقی ثابت نیست (۳) و ظاهر آدی متر یوس (۴) پادشاه یونانی باختری در حدود ۱۹۰ ق.م و بعد از وایوگراتیدیس (۵) در حدود ۱۸۱ ق.م از یونانیان باختر برخاست و بار اولی سکه های

(1) Dhama Pada

(2) Mani Kiala

(3) Kharoshthi inscriptions. By Sten Konow. Calcutta 1929, Vol. 2. Part

(4) Demetrius

(5) Eukratides

مربع مسی خود را بدو رسم الخط یونانی و خروشتی نشر داد .  
 و درین رسم الخط کلمه مهاراجه سه (۱) هندی را در مقابل بازیو ز (۲)  
 یونانی نوشت که به معنی پادشاه باشد (۳) . همچنین مسکو کاتی  
 از ارا کوزیا (وادی ارغنداب) به دست آمده، که روی سکه نام  
 شهنشاه مهرداد دوم پارتی (۱۲۳-۸۸ ق.م) به خط یونانی نوشته شده.  
 و پشت سکه نام شهرزاده بخط خروشتی است (۴) و این گونه  
 مسکوکات یونانی و خروشتی در پنجاب هم یافته شده، منسوب به  
 آزیس (۵) پادشاه پارتی قرن اول مسیحی که نامش را در خروشتی  
 آب (۶) نوشته اند. و این رسم مسکوکات دوزبانه (۷) تا عصر  
 هر مایوس (۸) در حدود ۳۰ ق.م در افغانستان دوام داشت، و بعد از آن  
 در عصر کوجوله کره کد فیزیس (۹) او لیس پادشاه کوشانی در  
 حدود ۴۰ م هم بر مسکوکات طلا و نقره و مسی کلمات مهاراجه سه  
 کوجوله کسه سکوسه کیه ده سه (۱۰) و غیره بهمین رسم الخط  
 دیده میشود. ولی بعد از قرن اول بنظر نمی آید. (۱۱) قراریکه ستین  
 کونواز نظر گرامر مطالعه نموده، زبان تمام این کتیبه ها با وضاحت  
 هم شکل بوده و ثابت می آید که زبان محلی مروج این سرزمین  
 پیش از آغاز قرون میلادی بود، که یک پراکریت هند است نه  
 ایرانی .

اما آثار سنسکریت هم در خروشتی بدین سبب نمایان است  
 که پانی نی (۱۲) گرامر نویسنده مشهور سنسکریت، ازین سرزمین بود،  
 و تکسیلا بحیث دارالعلم قدیم درینجا وقوع داشت، و فرقه  
 بودایی سرو استیو ادین (۱۳) که استعمال کنندگان سنسکریت بودند،  
 مکرراً در کتیبه های وردک و پشاور و غیره ذکر شده اند، و حتی جملات  
 مکمل سنسکریت هم در کتیبه پشاور دیده میشود، و زبان آثار  
 تورپهیری هم سنسکریت خاص است. امکان دارد که یک مجموعه

- |                                                       |                            |
|-------------------------------------------------------|----------------------------|
| (1) Maharajasa                                        | (2) Bazileuz               |
| (3) Ariana Antiqua. By H.H. Wilson p. 245 London 1841 |                            |
| (4) S.K. p43                                          | (5) Azes                   |
| (6) Ayasa                                             | (7) Bilingual              |
| (8) Hermaeus                                          | (9) Kujula-Kara-kadphises. |
| (10) Maharajasa Kujula Kasa                           | Sakusa Kayadaphasa         |
| (11) A. Ant. 357                                      | (12) Panini                |
| (13) Sarvastivadin                                    |                            |

فوانین بودایی در عصر کنیشکا به سنسکریت فراهم آمده باشد ، در حالیکه زبان معابد شمال غربی هند پر اکریت قدیم و خط خروشتی بوده ، ولی سنسکریت هم در مناطق نفوذ خروشتی رواج یافته بود. و حتی جملات سنسکریت در کتیبه های خروشتی ترکستان شرقی به الفبای براهمی دیده میشود، و از آن برمی آید که خط براهمی با سنسکریت یکجا جای خروشتی را گرفته بود.

همینکه کنیشکا تسلط یافت ، آهسته آهسته رسم الخط خروشتی در امپراطوری یویه ، چي از رواج افتاد ، و حتی در تکسیلا نوشته های خروشتی بایک پوست درخت بلك بانوشته براهمی به سنسکریت بدست آمده ، که نشو و نماي خط براهمی را نشان میدهد (۱).

غالباً اخلاف کنیشکا بسبب سکونت در هند ، بعد از واسود یوه (۲) کاملاً هندی مآب شدند و سنسکریت و کلتور هندی ، خروشتی را در شمال غرب هند از بین برد و پر اکریت هم مقاومت خود را از دست داد. و در زمان هو ویشکه (۳) رونق خط خروشتی به پایان رسید و سنسکریت بودن نوشته های لویزیایی که بزمان واسودیوه و حتی بعد از آن هم تعلق دارد رواج سنسکریت را در عصر اخلاف کنیشکا نشان میدهد (۴) و بدین حساب رواج خروشتی از قرن ۳ ق.م آغاز شده و تا مدت ۸۰۰ سال بقرون ۵ م میرسد که هم رسم الخط دفاتر و مسکوکات و هم خط کتب و آثار دینی بود. (۵)

تحقیقات علمارا جمع به رسم الخط خروشتی در حدود ۱۸۳۰ م وقتی آغاز شد ، که یک عده مسکو کات زیاد از افغانستان و شمال غرب هند ، بدو رسم الخط خروشتی و یونانی بدست آمد ، و رسم الخط یونانی آن کلید خوانش کلمات خروشتی گردید . و جیمس پرنسیپ (۶) عضو انجمن شاهي آسیایی بنگال ۷-۸ کلمه را از آن مسکوکات خوانده توانست ، و در تکمیل این کار کتیبه خروشتی

(1) S.K.173      (2) Vasudeva      (3) Hoveshka      (4) S.K. 181

(۵) مخفی نماند که خط خروشتی در اواخر آنقدر زیر اثر خط براهمی هند آمد ، که گاهی مانند براهمی از چپ بر راست هم نوشته شده است.  
(6) Jams Prinsep

کمک کرد که در چند سطر بر یک طرفی از بلخ بدست آمده بود، و در  
 جولای ۱۸۲۸ در مجله آسیا یی بنکال مطالعات پرنسیپ در آن باره  
 انتشار یافت، و مقارن آن از معبدمانی کیاله پنجاب هم برخی نوشته-  
 های خر و شتمی بوسیله جنرال کورت (۱) بدست آمد. و لسی  
 چون پرنسیپ در ۱۸۲۸ در گذشت مسمر میسون (۲) در افغانستان  
 مشغول کنجکاو یسها بود. وی از میان و هدیه نوشته های زوی ظروف  
 کشف کرد، که بر اساس مطالعات ایشان پرو فیسر ولسون مو فوق  
 گردید، که در کتاب آریانه انتیک و اطبع ۱۸۴۱ جلد اول حروف  
 خروشمی را با انواع آن ترتیب داده. و آنرا رسم الخط آریانه بخواند.  
 و این تحقیقات وقتی مکمل تر گردید که ستین کونو در کتاب مهم  
 خود جدول ۲۶۶ شکل حروف و اعداد آنرا از روی تمام کتیبه های  
 مکتوبه ترتیب کرد. (عکس نمبر ۱۰)

در باب تسمیه خر و شتمی یک نظر اینست که در اصل خر و تهمی  
 بوده، که قبیله یی تاکنون بنام خروتمی افغانی موجود است. و  
 بیوهلر گوید: که خروشته (۳) نام مخترع آنست. و یاد زبانی  
 آرامی خروشته به معنی نوشتن بود، که بعد هادر سنسکریت هم رواج  
 یافته باشد. ولی برخی از علما گویند: که از کلمه آروتمه (۴)  
 آرامی به معنی «حرف» آمده است.

اکنون ذکر تمام کتیبه های خروشمی را که تا سنه ۱۹۲۹ مطالعه  
 و یا کشف شده می آوریم. کتاب نوشته های خروشمی در دو جلد-  
 ضخیم در همین سال از طرف اداره نشرات مرکزی حکومت  
 هند در کلکته طبع شده، که حصه اول جلد دوم تألیف دکتر  
 ستین کونو پرو فیسر یونیورسیتی اوسلو باشد. و در آن (۱۰۱) کتیبه  
 خر و شتمی که در افغانستان تا واسط هند و لداخ بدست آمده،  
 مورد تحلیل و ترجمه قرار گرفته است. و در جلد دوم متون  
 خروشمی ۷۶۴ کتیبه موجود است که حصه اول کتابرا (بویر) (۵) و  
 (زایسون) (۶) و (سینارت) (۷) فراهم آورده، و حصه دوم کتابرا  
 (زایسون) و (نوبل) (۸) ترتیب داده اند. که طبع آکسفورد ۱۹۲۹  
 باشد. (نام کتاب در انگلیسی خروشمی انسکریشنز (۹) است)

(1) Court

(3) Kharoshta

(5) A. M. Boyer

(7) E. Senart

(9) Kharoshthi inscriptions

(2) Masson

(4) Karottha

(6) E.J. Rapson

(8) P.S. Noble

ومادر حواشی مخفف آنرا بنا م: ولف آن ایس - کی (۱) اشارت کرده ایم .

### ۱- کتیبه خوات :

از مهم ترین متون خرو شتمی کتیبه ایست روی ظرف بزرگت سنکی که در حدود ۱۸۳۸م میسون آنرا از خوات وردک ۳۰ میلی غرب آابل به موزه برتانیه لندن انتقال داد. (عکس نمبر ۱۱)  
این کتیبه ، سه سطر بردورادور ظرف و یک سطر هم در پایین دارد. که حروف آن جدا جدا و واضح و روشن است که بنام مها را جبه هویشکه پسر کنیشکا (۱۶۹-۱۸۲م) نوشته شده و ترجمه تخمینی آن چنین است :

«در سال ۵۱ بتاریخ ۱۵ ما دارتمی سیوس (۲) که گو لیه (۳) خلف و گره مریگه (۴) ساکن خوات گردید و بنا ی یادگار حضرت ساکیا مونی را در ویهاره و گره مریگه در یک ستو به گذاشت درین بنیان سعادت و خوشی ، سم بزرگ از مهاراجه هو ویشکه باد! ثواب آن برای مادر و پدرم و برادرم هشتمونه مریگه باد. (۵) و به تمام منسوبین و دوستان و وابستگان و بخود من و گره مریگه باد! نفع آن بصحت تمام موجودات و افتخار همگان بر ساد! آنانیکه درین جهانند از زیر زمین تا آسمان ، از تخم برآمده گان (پرنده گان) و از شکم برآمده گان (آدمیان و چهار پا یان) تا موجودات بدون شکل ( حیوانات غیر مرئی ) (همچنین ثواب آن) به اخلاف من و آنانیکه گمراه نیستند بر ساد! و همچنین از ساختمان گردا گرد آن، بهره برداری کامل شود! و مردیکه عقیده کاذب دارد نیز از آن سهم داشته باشد. این و یها ره در قبول معلمان مهاسانگمریگه (۶) است « (۷) درین کتیبه سال ۱۵ سلطنت مقارن حدود ۱۸۰م باشد ، و ماه ازتمی سیوس یونانی ماه پنجم سال یونانی است که در آثار الباقیه البیرونی (ص ۷۱) ارطماساوس ضبط شده، و مقارن ماه می است. و استعمال گاه شماری

(1) S.K.

(2) Artemisios

(3) Kamagulya

(4) Vagra Marega

(5) Hashthuna Marega.

(6) Mahasanghika

(7) S.K. 2/170



یونانی در رسم ۱ لخط خروشتی دلالت دارد. بر اینکه اثر فرهنگ یونانی در اواخر قرن ۲م با همان استواری سابق خود باقی بود. و ۱۵ ماه ارتمی سیوس سال ۵۱ = ۲۵ اپریل ۱۷۹م باشد.

درین کتیبه نامهای دو برادر بنام قامیلی ماریکه یا مریکه مذکور است که همین نام با ملای ماریک (۱) در کتیبه زبان تخاری و رسم الخط یونانی سرخ کوتل با رئیس هیئت ترمیم معبد بغلان هم آمده. و معلوم است که مریکه نام یک دودمان عهد کنیشکا و پسرش هویشکه بود. و افراد این خاندان در بنا و ترمیم معابد دستی داشته اند. و لسی استعمال زبان تخاری و رسم ۱ لخط یونانی در معبد بغلان و خط خروشتی و زبان پرا کریت در معبد خوات که بین هر دو فاصله ۲۰ ساله است خلط و وجود فرهنگ مقامی را با یونانی میرساند. و اینکه در آثار معبد بغلان، علایم آتش مقدس، و درخوات یک معبد بودایی دیده میشود. که بنام سا کیامونی وقف شده این مطلب را تایید میکند: که در عصر کوشانی آزادی مذاهب و مدارای عقاید دینی به تمام و کمال موجود بوده و بر مسکوکات این شاهان هم یک مجموعه از باب انواع مقامی و یونانی و هندی دیده میشود.

مضمون کتیبه خوات وسعت نظر و شفقت بر تمام موجودات حیه را نیز حاویست که با بستگی با مضا مین فرامین اشوکا و قوانین دیانت بودایی دارد. و تسامح تام مذهبی از آن نمایان است.

اما ذکر معلمان مها سا نگهیکه ثابت میسازد که این فرقه در افغانستان هم موجود بود و این نام فرقه ایست که سا که ها حین کمال مشغولی خود با بودیزم، فرقه سرواستیو ادین را بر خلاف آنها حمایت میکرده اند (۲). و ذکر این فرقه در کتیبه متورا و غیره هم آمده است.

## ۲- نوشته هابر پوست درخت:

در سنه ۱۹۳۰ در یکی از سموچهای بامیان نزدیک بت ۳۵ متری نوشته های خروشتی و بر همنی پوست نازک درخت کشف شد. که پارچه کلانتر آن ۲۵ × ۱۰ سانتی سطح دارد. و آنرا در ۱۹۳۲ در مجله آسیایی پاریس با نوشته های مشابه آن که از کشمیر و گلگت خریداری شده بود، مورد مطالعه قرار دادند که به قرن ۳ تا قرن ۸ م

(1) Mareg (2) The Dynastic art of Kushan, p134. By Rosenfield. California 1967

تعلق دارد، وبقایای يك كتابخانه معبد است که برخی از آن فصول  
 کتب ابهی دهرمه (۱) پیروان مذهب بزرگ بودایی بود و کلمه  
 «بودی ستوا» (۲) در آن دیده میشود که ارتباط به مذهب بزرگ بودایی  
 دارد. و نیز پارچه های کتاب وینایا (۳) یکی از آثار مذهب بوچت  
 بردایی نیز بزبان سنسکریت و خط براهمی و خروشتی در آن موجود  
 است و از آن پدید می آید که تا حدود قرن ۸م هم این رسم الخط های  
 خروشتی و براهمی با زبان سنسکریت درین حوالی رواج داشت  
 تا که نشر دین اسلام آثار آنرا از بین برد.

### ۳- نوشته برظرف گلی هده :

آثار هده پنج میلی جنوب جلال آباد و مسکوکات و بتانی که ازین مقام در صد  
 سال اخیر بدست آمده در تار یخ بودیزم و دوره کوشانی اهمیت تام  
 دارد، و این ولایت ننگر هار جزو مهم کوشان شهر بود و آثار نقاشی  
 بودا در حوض آب ماهیان که از تپه اشتر هده اکنون کشف شده  
 بهترین مظهر نقاشی گندهار است و معبد بزرگ استخوان بودا هم  
 درینجا بود، که نام هده از آن آمده و در بنمتو هده (۴) بمعنی استخوان  
 است.

در حدود صد سال قبل مسنرمیسون یک ظرف گلی را با دو سطر  
 نوشته خروشتی بدست آورد، که در سنه ۲۸ ساخته شده و به یک بودی  
 ستوا اهدا گردیده و ثواب آن به پادشاهی بخشیده میشود، که نام  
 وی مذکور نیست و شاید یکی از کوشانیان باشد (کتیبه های  
 خروشتی ستین کونو) نقل خطی این کتیبه را ویلسون در کتاب  
 آریانا انتیکوا و بعد از آن کونو در کتیبه های خروشتی (۲۱۵۷) نشر  
 نموده اند. ترجمه آن: «در سال ۲۸ دهم ماه اپی لایوس (۵) بنای یادگاری  
 در باغ شاهی (۶) در یک ستو پای دست معمار سنگه میتره (۷)

- |                           |                 |
|---------------------------|-----------------|
| (1) Abhidharmakosa-Sastra | (2) Bodhisattva |
| (3) Vinaya                | (4) HADD        |
| (5) Apellaios             |                 |

(۶) در اصل RAMNAMMI بود که آنرا به KING'S GROVE

ترجمه کرده اند ولی نام باغ شاهی تاکنون در جلال آباد موجود  
 است.  
 (7) SANGHAMITRA

نداشته شد. این بنیاد برکت یادگار بودهی ستوا باد! جلو گیری از فساد دهرمه (۱) در هر آجا باد! آمادگی برای نروانای (۲) همکان باد! و اجر جزیل برای شاه باد. (کتاب مذکور ۱۵۸۲) درین کتیبه تاریخ ۱۰ ماه اپی لایوس یونانی سال ۲۸ مساویست با ۲۴ نو مبر ۱۵۵ م که عصر کوشانیان بزرگ باشد.

#### ۴- کتیبه آرا: (۳)

بفاصله ده میل جنوب غربی اتک نزدیک گذرگاه نیلاب بر کنار جنوبی دریای سند بعرض ۳۳ درجه ۴۶ دقیقه و طول ۷۲ درجه ۱۲ دقیقه واقع است. کتیبه سنگی آن ۲ فوت ۸ اینچ از طرف سر او زل ستین به موزه لاهور اهدا شده (نمبر ۱-۱۳۳) مشتمل بر ۶ سطر خروشتی عصر کوشانی و دارای تاریخ ۲۵ جیی شته (۴) سال ۴۱ = ۲۴ اپریل ۱۶۹ م مضمون: «در عصر مهاراجه را جاتیراجه دیوه پتره کیسره کنیشکه پسر و جهشکه (۵) در سال ۴۱ و روز ۲۵ ماه جیی شته، این چاه ز طرف دشه و هره خلیفه پشاوریان (۶) به افتخار مادر و پدر و شو اب خودش و همسر و پسرش، برای زفاه تمام مخلوقات کنده شد. (۷) درینجا لقب رومی کیسره = قیصر و نوشتن نام پدر او را مشخص میسازد، که همان فوشکه (۸) مذکور در راجه تر نکینی کلپنه است. که در کتیبه سال ۵۱ خوات و وردگ بعنوان مهاراجه (امپراتور) یاد میشود. (۹)

#### ۵- کتیبه مهر باجور:

در سنه ۱۸۸۹ م از میان کلی باجور شمال شرقی جلال آباد، چندین سنگ نوشته بدست آمد که بر یکی از آن به خط خروشتی کلمات: سوتهپیو دههسه (۱۰) نوشته شده و کلمه اول راهمان شاو (۱۱) زبان ساکه بمعنی (KING) دانسته اند = (شادر کتیبه های کوشانی) ولی نام این حکمران بلا شبیهت یو نا نی است. و از حکمرانان وادی کابل

(۱) عدالت، تقوی، راستی DHARMA

(۲) NIRVANA فنای مطلق در عالم خیر

(3) ARA

(4) JYASHTHA

(5) MAHARAJATIRAJA DEVAPUTRA KAISARA VAJH-ESHKA PUTRA KANISHKA

(6) Dashavhara'of the Peshawarian Scions

(7) S.K. 2/165

(8) Fushka

(9) S.K. 2/179

(10) Su-Theudamasa

(11) Shav

در عصری میزیسته ، که سلطه یونانیان باختر از طرف قبا یس  
سیتمی و کوشانی خا تمه یافت . (۱)

### ۶- کتیبه ابتردان مسی :

در نمته ۱۹۲۰ م طرف آبکر دان مسنی ازقریه بیدادی (۲) ۱۲ مینی  
شمال غربی مانسیپره و اقع کنار دریای سیران بدست آمد، که بموزه  
پشاور اهدا شد و ۹ انچ فراخی و ۲.۷ ر حل وزن دارد و بر آن سه  
خط خروشمتهی پیش از دوره کوشانی نوشته اند :

« ارمغان سنگمیره کشیته ( ۲ ) به جماعت روحانیون چهارمقام ( ۴ )  
در مملکت یوزه شن ( ۵ ) از معلمان کاشیه پیه ( ۶ ) .»

شبهات کلمات این کتیبه را با برخی از نوشته های تکسیلا و موز  
پشاور خاطر نشان کرده اند ، و فرقه آموز گران کاشیه پیه نیز  
ربطی با فرقه های مذهبی تکسیلا دارد . ( ۷ )

### ۷- کوزه قریه بیماران جلال آباد:

این دینه در حدود هفت میلی شمال غرب جلال آباد واقع است و بین  
سنوت ۱۸۴۲ - ۲۷ مستقر میسون نکلیسی درستو پای بزرگ و  
کوچک مرکز این قریه حفاریات نمود، و در اطاق یدگار مقدس آنجا  
کوزه بزرگی که از خاک روغنی ساخته شده بود، با خط خروشمتهی یافت که  
در آن دانه های کوهر و سبجه و جمیع غلایی مزین و چهار سکه مسی ازیس (۸)  
بود و از آن استدلال میکنند که این ظرف متعلق به عصر پیش از  
ازیس و پیش از (حدود ۵۰ ق.م) نیست و بر مسکو کات آن بخط  
خروشمتهی نوشته اند:

« مهاراجه سه مهاتسه دهره میکسه راجه تیره جهسه ایاسه » ( ۹ )  
ترجمه کتیبه اول : « ارمغان نیووه ر کشیته خلیفه موجهوت ها ( ۱۰ )  
بنقریب نیابت او بطور یادگار حضرت (بودا) بافتخار همه بوداها » ( ۱۱ )

(1) S.K.2/6

(2) Bedadi

(3) Sangharakshita

(4) Four Quarters

(5) Urasa

(6) Kasyapiya

(7) S.K. 2/88

(8) Azes

(9) Maharajasa Mahatasa Dhramikasa Rajatirajasa Ayasa

نام ایاز که در ادبیات دری بشکن ایاس هم آمده ، آیا ربطی با این ایاس  
Ayasa

شکل خروشمتهی از یس نخواهد داشت ؟

(10) Sivarakshita The Mujavat Scion

(11) S.K. 2/51

کتیبه سرپوش طرف « شیوه کشیده خلیفه موجه وت . بطور یاد بزر حضرت (بودا) » (۱) مخفی نماید: که کلمه موجه وت (۲) را نام قبیله بی پنداشته اند، که دراتهر و اویدا مقارن اسمای بلهیده رگندهازی شمال غرب هند مذکور است . (۳)

#### ۸- کتیبه سرپوش جعبه :

دربین آثار باستانی که مستر میسون از افغانستان فرستاده بود سرپوش يك جعبه بر نجی، نوشته خروشمی در دوسطر دارد . که نظر محققان را جلب کرده است . تاریخ آن مانند کتیبه مانی کیماله  $10 + 4 + 4 = 18$  نوشته شده و ترجمه من آن چنین است :

« در سال ۱۸ دهم ماه ارتی مسیوس (۴) یادگار شرامانه کوتمه (۵) در معبد نهاده شد . »

تاریخ دهم ماه ارتی مسیوس سال ۱۸ مساویست با ۲۰ اپریل ۱۴۶ م که عصر نوشتن این کتیبه را به اوایل دوره کوشانیان بزرگ می‌رساند . (۶)

#### ۹- کتیبه امب :

دیوی (۷) قلعت کوچکی است در سرزمین امب در دامنه های شر فیه کوه مهابن که در آن آثار ابنیه قدیم وجود است و کتیبه سنگی در آنجا بود که به موزیم لا هور انتقال یافت بر سطح  $9 \times 5$  انچ آن سه سطر نوشته خروشمی دیده میشود . که حروف آن به عصر کنیشکاو کتیبه سیمین تکسیلا مشابه است، و ترجمه مضمون خروشمی آن چنین است:

« در سال ۲۰۰ هشتم ماه وای شاکبه (۸) يك آبدان از مغان ترجمند هیمه است (۹) . »

تاریخ این کتیبه ۸ ماه وای شاکبه سال ۲۰۰ مساویست با ۲۴ مارچ ۱۱۶ م . (۱۰)

#### ۱۰- سنگ نبشته فتح جنگ :

در سمت شرقی اتک بر راه آهراولپندی و کوهات فتح جنگ واقعست که ۵ میل در جنوب آن دیهی بنام ماهجیه (۱۱) در ۲۳ درجه و ۲۹

(1) S. K. 2/52

(3) S.K. 2/51

(5) Sramana-Gotama

(7) Dewai

(3) Worthy Hima

(11) Mahjia

(2) Mujavat

(4) Artemisios

(6) S. K. 2/152

(8) Vaisakha

(10) S.K. 2/104

دقیقه شمالی و ۷۲ درجه و ۳۹ دقیقه طول شرقی افتاده و ازینجا سنگت نوشته خروشتی در يك سطر کشف و به موزه لاهور اهدا شد. ه. است. خط خروشتی آن بدور ساکه می ماند.

ترجمه آن: «در سال ۶۸ شانزدهم، ه. پروشته پده (۱) ارمغان اصحاب ودهی تیره (۲)» ۱۶ ماه پروشته پده سان ۶۸ مساویست با ۱۸ جولای سال ۱۷ ق، م (۳)

### ۱۱- کتیبه پایه مجسمه مکشوفه ز غزدهیری :

اشنغروادی شمال شرقی پشنا و رکه بسیار آسیب دیده و اکثر حروف آن از بین رفته است (۴).

### ۱۲- کتیبه مجسمه اشنغر:

در فاصله ده میلی شمال شرقی پشاور در جایکه دریای سوات در نابل باهم می آمیزد و شهر مشهور تاریخی پشکلوه تی درین وادی بود، یکی از مراکز مهم بودایی بشمار میرفت، در قریه زاجر از تپه خاکی مجسمه بودا با سه نفر بدست آمد که در معبد هندوان آنجا نهاده شد و در سنه ۱۸۸۳ کتیبه خروشتی باین مجسمه را دیدند، که فقط تاریخ آنرا چنین نوشته اند «در سال ۳۸۴ پنجم ماه پروشته پده» که این تاریخ مساویست با ۷ جون ۳۰ م. (۵)

### ۱۳- کتیبه های جمال گرهی:

جمال گرهی دیهی است در دامنه جنوبی کوهپایه پاچا که از مردان شمالا هشت میل فاصله دارد و در ۳۴ درجه ۲۰ دقیقه شمالی و ۷۲ درجه و ۵ دقیقه طول شرقی واقع است درینجا کتیبه های متعدد خروشتی زاهم یافته اند که از آن جمله است:

الف: سنگ نوشته اول ماه اشوه یوج (۶) سال ۳۵۹ = ۲۴ اگست ۲۷۵ م در بازه تاسیس یسک دارال مساکین دینی درین باغ (بیشه) از طرف شرق او که پوته که (۷) برای متابعان یودیلیا که (۸)

ب: کتیبه پایین يك مجسمه بی تاریخ، ارمغان مادروهمسرواشسته به ثواب تمام مخلوقات و ثواب وصحت آقا. (۹)

ج: کتیبه هاله يك مجسمه که بر آن «وقف سفا» (۱۰) نوشته اند. (۱۱)

(1) Praushthpada

(2) Vadhitira

(3) S.K. 2/22

(4) S.K. 2/123

(5) S.K. 2/119

(6) Asvayauj

(7) Sravakapotaka

(8) Uddiliaka

(9) S.K. 2/114

(10) Sapha

(11) S.K. 2/114

د: کتیبه بنیاد یک ستون : «یک منار ارمغان بودا ورمه» (۱)  
 ه: نوشته بريك چراغ سنگی که در حفريات ۱۹۲۱ م کشف شده  
 فقط «درستو په اید» (۲) بر آن خوانده میشود. (۳)  
 و: سنگ نوشته مکشوف ۱۹۱۲ م که بر آن نوشته اند: ارمغان بودا  
 هاره کشيته (۴) «(۵)»

#### ۱۴- سنگ نوشته قلعه سنگ:

دامنه کوه مهابن مربوط خود. وخیل مرز قبیله یوسفزایی که در  
 موزه لاهور است (نمبر ۱، ۵۹) مضمون آن: «درسنه ۱۰۰ متابعان  
 پی په له کهه (۶) چاهی ساختند. خوانش عدد صد مشکو کست و  
 سال صدم = ۱۶-۱۷ م است (۷)

#### ۱۵- سنگ نوشته کالدره:

نزدیک درگئی جنوب کوتل مله کند درسوات که اکنون درموزه  
 لاهور است ۲۷ × ۹ انچ. تاریخ این کتیبه ۲۰ ماه شراونه (۸) سال  
 ۱۱۳ = ۵ جولایی ۲۹ م است.  
 مضمون آن: «این حوض از طرف نهایدوره پسر داتیا (۹) برای  
 استفاده تمام مخلوقات در سال ۱۱۳ بیستم ماه شر وانه ساخته شد.»  
 قراریکه تحقیق کرده اند ناموقف کننده این حوض تهایدوره  
 یکصورت مصحف تهیودوروس (۱۰) یونانیست که بريك کتیبه ظرف  
 سوات میرید رخ تهیو دوره (۱۱) آمده، و شاید این تهایدوره کالدره  
 از اخلاف میرید رخ باشد. (۱۲)

#### ۱۶- کتیبه هفت حر فی کانیزه:

دهیری واقع عمر زیبی چار سده پشاور (پشاور موزیم) (۱۳)

#### ۱۷- کتیبه بنای حوضی د رگرنال هفت میلی جمنا:

(موزه لاهور) از طرف کر یسه کوی (۱۴)

(1) Buddhauarma

(3) S.K. 2/116

(5) S.K. 2/116

(7) S.K. 2/52

(9) Datiaputra-Thaidora

(11) Meridarkh Theudora

(13) S.K. 2,172

(2) Aida

(4) Buddharakshita

(6) Pipalakha

(8) Saravana

(10) Theodoros

(12) S.K. 2/65

(14) S.K. 2,179 Krisakavi

## ۱۸- کتیبه کومره‌هار (۱) پتنه:

(هند) مکشوف ۱۹۱۴ که آنرا دورترین کتیبه خروشنهی بیرون از منطقه نفوذ این رسم الخط شمرده اند «کار سنگه د ا مه کوتهومه» (۲)

## ۱۹- کتیبه صندوقچه کورم:

وادی کورم در جنوب سپین غربی مرزی شرقی افغانستان واقع و چون گذرگاه فاتحان و کاروانهای هند بطرف زابل و کابل بود، همواره در تاریخ اهمیتی بسزاداشت، و این صندوقچه مسی دارای شکل ستوپاست که ۴ سطر کتیبه بردورادور خود دارد، و یکی از نوشته‌های مفصل خروشنه‌ای است بدین مضمون:

«در سال ۲۰ و بیستم ماه اوه‌دونه‌که (۳) شویده ورمه پسریاشه (۴) بنای یادگار حضرت ساکیا موئی را درین باغ خودش در نیو ویهاره، به موافقت معلمان سر و استیوا ده (۵) دریک ستوپه برای ثواب تمام مخلوقات نهاد. آنحضرت گفته بود: در دوام جهل به آیین، در پنداشت آیین اساسی (۶) (تصور مادیات) در ادراک نام و پیکر در نام و پیکر شش وسیله (۷) در تماس این شش وسیله (بامحسوسات) در علاقه با احساس - در تشنگی احساس (اشتها بمادیات) - در تشنگی و لعل - در حرص حیات در زایمان زندگانی - در پیری - مرگ - مصیبت - پراگندگی - درد - افسردگی و نومیدی. چنین است اصل مجموعه رنج برای تمام موجودات.

و این پره تیت یا سه موت پاده (۸) از طرف ماهی فیه تیه (۹) به تعظیم همه مخلوقات نوشته شد. «درین کتیبه ماه اوه‌دونه که عبارت از ماه یونانی اودو نایوس (۱۰) است که مطابق باشد با ۲ جنوری ۱۴۸ م (۱۱)

(1) Kumrahar (2) Sanghadasa Kauthuma. S.K. 2,178

(3) Avadunaka

(4) Svedauarma-yasa Putra

(5) Sarvastivada

(6) Sanskaras

(7) مراد پنج حس و عقل است.

(8) Pratityasamutpada.

(9) Mahi Phatia

(10) Audunaios

(9) S.K. 2,152



۲۰- نوشته بر هاله يك مجسمه بودا در موزه لاهور «هدیه بو سه ورم» (۱)

۲۱- نوشته بر يك تخته موزيم لاهور (..... سنسکاره (۲) )  
۲۲- پنج سنگ نوشته لو ريان نگی سوات سفلی نزدیک قریه پیلان که در سنه ۱۸۹۶م کشف و در موزه کلکته محفوظ اند:  
نوشته يك سنگ : در سال ۲۱۸ بیست و هفتم پرورشته پده (۳) تحفه بوده گوشه (۴) پیر و سنگها و رعه (۵) (مطابق ۲۷ اگست ۲۷۵م) (۶) نوشته دیگر : تحفه بوده و ر مه (۷) درستوپه کهنه و نه (۸) نوشته دیگر : تحفه بود هامینرا (۹) پیر و بودهار کشیته (۱۰) نوشته دیگر : تحفه اکشه ییکه (۱۱) پیر و شره مه نه سد هر مه زه نه (۱۲)

نوشته دیگر : تحفه سینها میتره (۱۳) پیرو سی هی لیکه (۱۴)  
۲۳- کتیبه مایره (۱۵) نام يك قریه در کو هپایه نمک ضلع جیلیم (پنجاب) در صد میلی جنوب تکسیلا سال ۵۸ = ۲۷ ق، م (۱۶)  
۲۴- کتیبه ممانی دهیری (۱۷) در چار سده شمال شرقی پشاور که در همان پشکلا وتی تاریخی واقع است (نمبر ۵۱ موزه پشاور) تاریخ این کتیبه ۵ ماه مارگه شیراس (۱۸) سال ۸۵ = اول نومبر ۲۱۶ م است که بر يك مجسمه بو دا چنین نوشته اند:

«در سال ۸۵ پنجم ماه مار گسه شیراس این تحفه دینی از طرف شره مه نه دهرمه پری یه (۱۹) باعزاز... و آموزگار او بوده پری یه (۲۰) و برای صحت بخشی مریدان او.» (۲۱)

۲۵- مانی کیاله (۲۲) مجموعه خرابه های قدیم بین حسن ابدان

- (1) S.K. 2/115 - Bosavarman (2) S.K. 2/131 Sanskara  
(3) Praushthapada (4) Buddha Ghosha (5) Sangha Varma  
(6) S.K. 2/107 (7) Buddha Varma (8) S.K. 2/108 Khāndavana  
(9) Buddha Mitra (10) S.K. 2/109 Buddha Rakshita  
(11) Akshayika (12) S.K. 2/110. 'Sramana-Saddh armarata  
(13) Sinha Mitra (14) S.K. 2/110. Sihilika (15) Maira  
(16) S.K. 2/11 (17) Mamane Dheri (18) Margasiras  
(19) Sramana Dharmapriya (20) Buddha Priya (21) S.K. 2/172  
(22) Mani Kiala

وجیلم در ۲۳ درجه و ۲۷ د قیقه شمالی و ۷۳ درجه و ۱۷ دقیقه شرقی واقعست و درینجا کتیبه های ذیل کشف شده :

الف: ظرف حفظ خاکستر (بطور کلدان) که بیرونی آن مسی بود ، و در آن ظرف نقره جای داشت و در داخل آن ظرف طلائی خاکستر بود ، و پریک سنگ چنین نوشته دارد ، که هفت سطر در بین و در سطر بدست راست و سه سطر بدست چپ آنست مورخ سال ۱۸ بیستم کارتیکه = ۹ اکتوبر ۱۴۵ م.

«در سال ۱۸ ر وز بیستم ماه کارتیکه (۱) در عصر شامی مهراجه کنیشکه جنرال لاله (۲) از نژاد کوشانه و آمر اوقاف کشته په ویشپاسی (۳) وقف کننده درویمهاره خودش ، که یادگار های متعدد حضرت بودا را با سه نفر ذیل می سازد : ویشپاسیه و خوده چه (۴) و بوریته (۵) معمار و یهاره و تمام جمعیت را هبان . ثواب این بنای خیر با بودا ها و شر او که ها (۶) به برادرم سوره بوده ای (۷) و بوریته معمار ترمیم کننده رسیده باد. « (۸)

(1) Karttika

(2) Lala

(۳) Kshatrapa-Vespasi ویشپاسی نام کشتراپ و حکمران است .

(۴) Khudacha این کلمه در کتیبه هوزه پشاور سال ۱۶۸ م خوده چیه است که شاید نام جایی باشد ، و هم این کلمه را اصل قدیم خواجه میتوان پنداشت که در پهلوی خواتای چک بود تصغیر خواتای = خدای و کوه خواجه در سیستان نزد زردشتیان مقدس است و خواجه در فارسی به معنی رئیس و معظم و حاکم و کد خدا بود که معرب آن خواجه است (خواشی برهان ۷۷۹) در کتیبه بغلان کلمه خوادای Xoade دوبار آمده

که آنرا معادل Outokrator و خدیو دانسته اند و در اینجا بمعنی بادشاه و امپراتور است ، و خودوه به که

نام یکی از کابلشاهان بود (مادر زبان دری ۸۶ ر ۱۳۵) پس خوادای (بغلان) خوده چیه (خروشتی) خواتای چک (پهلوی) خواجه (مستعمل کنونی) باید با هم ربطی داشته باشند.

(5) Burita

(6) Sravakas

(7) Svarabuddhi

(8) S.K. 2/150

درمانی گیاه کتیبه های مختصر دیگری هم بدست آمده، که از آنجمله بر میزك سیمین «تحفه گومنه (۱) معمار» و بریک جعبه مفرغی موزه برتانیه «تحفه کاپیشا (۲) کشتی په پسر کره نه و هر یه که» (۳) نوشته شده است. (۴)

۲۶- کتیبه تخته سنگی مانسیهره واقع شمال ایبت آباد، که در اینجا کتیبه فرامین اشو کا هم بر کوه بچه پی موجود است. این تخته سنگ دوپارچه دارد و بموزه کلکته در ۱۸۹۸ م انتقال یافته که در سال ۱۷=۱۶ ق.م نوشته اند، و ده سطر است. چون آسیب زیاد دیده مضمون آن مبهم است: «درسا ز ۶۸... قوت شاهی (؟) بحکم فرمان.. برای هشت سال لغو گردید...» (۵)

۲۷- کتیبه مار گوس (۶) واقع سوایی دومیلی دریای سند در سال ۱۱۷ (؟) = حدود ۳۳ یا ۲۳ ق.م درباره تاریخ یک چاه. (۷)

۲۸- کتیبه بر شکل یک فیل کنده بر سنگ، در موزه متو رای هند که بران نوشته اند «یا دگاز استخوان گردن آنحضرت» (۸)

۲۹- نوشته های ستون سرشیردار متو راکه (۱۶) سطر در پارچه های متعدد دارد و بسط خط خروشته می راتا اواسط هند میرساند (۹) این کتیبه در تاریخ هند و ساکه ها خیلی مهم است زیرا آنرا با مرملکه بزرگ ایاسیه که مو پی (۱۰) بنت یووه راجه خره وسته (۱۱) همسر مهاکشتی په رجوله (۱۲) و مادرنده دیاکه (۱۳) نوشته اند. و را جمع به وقف معبد و تصدیق موقعیت های رسمی رجال و افراد خاندانهای مقتدران عصر است و این رجو له رایکی از حکمرانان ساکه در اوایل قرن اول میلادی دانسته اند. (۱۴)

(1) Gomana

(2) Ka'pisa'

(3) G (R) Ana Vhrayaka

(4) S.K. 2/151

(5) S.K. 2/20

(6) Margus

(7) S.K. 2/66

(8) S.K. 2/50

(9) S.K. 2/48

(10) Ayasiakamuie

(11) Yuva Raja Kharasta

(12) Rajula

(13) Nada Diaka

(14) S.K. 2/34

۳۰- کتیبه چند حرفی میر زیارت در شهر ناپرسان اشنغر شمال شرقی پشاور و کتیبه موزه لاهور از همین شهر ناپرسان بر پایه یک بود هی ستوادر دو سطر راجع به وقف برای سلامتی بوده ورمه (۱)

۳۱- کتیبه تخته سنگ موزه لاهور که از کوه پنج (۲) سلسله مهابن مجاری دریای سند علیا بدست آمده و بسال ۱۰۲ = ۱۸-۱۹م تاریخ ساختن یک چاه است (۳)

۳۱- کتیبه تخته سنگ موزه لاهور که از موچای اراضی یوسفزایی شرقی پشاور بدست آمده و در سال ۸۱ = ۴-۳ ق، م در ساختن چاه هی از طرف تبعه وشی شوگه (۴) نوشته شده است. (۵)

۳۳- کتیبه سنگی ناو گرام واقع خود وخیل شمال شرقی دریای سند علیا در موزه لاهور در باره یک وقفیه دریک سطر.

۳۴- کتیبه ۳ کلمه مکشوف ازنو شهره شرقی پشاور بریک پایه مجسمه که دران کلمه کریده (۶) به معنی ساخته و بنا آمد است. (۷)

۳۵- کتیبه دوسطری سنگی که از پاچا بین جمالگرهی وتخت باهی شمال شرقی پشاور بدست آمده و در موزه لاهور است. و تاریخ آن سال ۱۱۱ روز پانزدهم شراونه مساویست با ۲۳ جون ۲۷ م و مضمون آن چنین است: در سال ۱۱۱ روز پانزد هم ماه شراونه (۸) این چاه از طرف سنگه میثره (۹) پسر آننده (۱۰) به تعظیم مادر و پدرش برای فایده و خوشی تمام مخلوقات ساخته شد (۱۱)

۳۶- سه سطر نوشته بر پارچه های ظروف موزه پشاور که از پاتود هیری پشاور بدست آمد و همه راجع به وقف و ایصال ثواب آن به اشخاص است. (۱۲)

۷- کتیبه سالم پور پنجتار: در دامنه های مهابن که در ۷۳ درجه و ۳۱ دقیقه شرقی و ۳۴ درجه و ۱۴ دقیقه شمالی واقع است. نوشته

(1) S.K. 2/124  
 (3) S.K. 2/57  
 (5) S.K. 2/30  
 (7) S.K. 2/134  
 (9) Sanghamitra  
 (11) S.K. 2/65

(2) Banj  
 (4) Vashi suga  
 (6) Karide  
 (8) Sravana  
 (10) Ananda  
 (12) S.K. 2/122

سنگی سال ۱۲۲ - اول ماه سرا ونه = ۷ جون ۳۸ م عهد سا که بمضمون ذیل بدست آمده .

«در سال ۱۲۲ اول ماه سرا ونه در عهد کوشانه مهاراجه سر ز مین شرقی کسوه (۱) از طرف مویکه (۲) خلف اورو موجه (۳) منطقه فرخنده گردید . و در انجا دو با غ از طرف من وقف شد. با این اقدام قابل تمجید ... منبع جا ویدا ن خیر . (۴)

۳۸ - بريك پارچه عقیق که در پاریس است باتصویر يك شخص ایستاده دارای دستار و لباس برزو و پیراهن درشت کلمه پونیه - منته (۵) نوشته شده است و آنرا از عهد یونانیان باختر دانسته اند (۶)

۳۹ - کتیبه سنگی پاتھیا ر واقع یک میلی کانگرا (پنجاب) در د و سطر که خارج از منطقه نفوذ خروشتی است و بران نوشته اند : تالاب راتھی تره (۷)

۴۰ - کتیبه برتخته سنگی که از خود و خیل غربی مهابن در دوسطر بدست آمده : «متولی ویمهاره ... این ستوپه را ساخت . » (۸)

۴۱ - کتیبه سنگ کو چک مو زه بشاور در یک سطر از عهد قدیم ساکه : که ره وید (ساخته) مایتریه « (۹)

۴۲ - کتیبه دوسطری پشاور زموزیم از عهد قدیم ساکه ، که از خود و خیل غربی مهابن یافته شده : «بنای یادگار بهگه وت (۱۰) ... وقف » (۱۱)

۴۳ - کتیبه بريك سنگ بنا در پشاور زموزیم نمبر ۵ که چند حرف دارد از عهد قدیم ساکه (۱۲)

۴۴ - کتیبه سنگ کو چک موزه بشاور نمبر ۷ دارای چند حرف از عهد قدیم ساکه . (۱۳)

۴۵ - کتیبه بريك هیکل حجاری شده دو پهلوان در موزه پشاور که

- |                                  |                 |
|----------------------------------|-----------------|
| (1) Kasua                        | (2) Moika       |
| (3) Urumuja                      | (4) S.K. 2/70   |
| (5) Punyamata                    | (6) S.K. 2/7    |
| (7) Rathitara, S.K. 2/178        | (8) S.K. 2/12   |
| (9) S.K. 2/133 Karavide maitreya | (10) Bhagavat   |
| (11) S.K. 2/128                  | (12) S.K. 2/133 |
| (13) S.K. 2/133                  |                 |

پران فقط نام میناندره (۱) نوشته که شکل خروشتی نام یونا نی  
 میناندروس (۲) باشد. از عهد قدیم ساکه (۳).  
 ۴۶- بريك پایه مجسمه سنگی که در کلب افسران پشاور بود  
 دريك سطر مربوط به عهد قدیم ساکه نوشته شده : وقف درپانکه  
 ره (۴) ساخته تاکهتیدره (۵)  
 ۴۷- کتیبه سنگی موزه پشاور نمبر ۲۰ ( عهد قدیم ساکه ) که  
 تاریخ خروشتی آن مساویست با ۱۲۴ اپریل ۸۴ م. «در سال ۱۶۸ پانزدهم  
 ماه جیای ششمه (۶) این چاه بطور وقف بهمت تره و هسه کوره (۷)  
 مربوط خوده چه و بهاره کند ه شد. (۷)  
 درینجا کلمه خوده چه بامقایسه کتیبه مانی کیاله در خور تو چه  
 است .

۴۸- کتیبه نمبر ۲۱ موزه پشاور بر سنگی (۱۶ × ۹ × ۶ انچ) که  
 در سنه ۱۹۱۶ م از طرف اورل ستین به موزه داده شده و به عهد کوشانیان  
 متعلق است . درین کتیبه نام مهاراجه و تاریخ آن ساییده شده  
 و خوانده نمیشود و درباره کند ن چاهی است از طرف برهن و اسو-  
 دیوه (۹) پسرایندر دیوه (۱۰) ساکن او بهاره (۱۱)

۴۹- کتیبه نمبر ۳۴۷ موزه پشاور بريك هیکل حجاری شده  
 بوده ستوه نشسته که تخته نوشتن در دامن دارد و بران چنین  
 نوشته اند : «درگیتی که نوشتنی های خدایان و مرد مان آنجاست .»  
 این کتیبه به عهد قدیم ساکه متعلق است (۱۲)

۵۰- کتیبه راول نزدیک متهوره بر کنار شرقی جمناکه در موزه  
 متهوره موجود است دارای چهار سطر متعلق به عصر کوشا نیان  
 سال ۴۱ = ۱۶۸ م (۱۳)

۵۱- کتیبه سد و واقع کنار شرقی دریای پنجکوره در غرب  
 کوتل کنگله (۱۴) بر راه سوات بريك خرسنگ کوهی در چهار سطر که  
 خوانش آن کاملاً صورت نگرفته است (۱۵)

(1) Minandra

(3) S.K. 2/134

(5) Takhtidra

(7) Travasakura

(9) Brahman-Vasudeva

(11) S.K. 2/157 Obhara

(13) S.K. 2/129

(15) S.K. 2/9

(2) Menandros

(4) Dipankara

(6) Jyaishta

(8) S.K. 2/79

(10) Indra Deva

(12) S.K. 2/129

(14) Katgala

۵۲- چند پارچه ظروف گلی شهر بهلول (۱) شمال شرقی پشاور که دارای حروف و کلمات خروشته‌سی است ولی به تحقیق خوانده نشده متعلق به عصر قدیم ساکه (۲)

۵۳- کتیبه شاه داور (۳) واقع وادی اگرور ضلع هزاره ، ۳۴ درجه ۳۰ دقیقه شمالی و ۷۳ درجه ۴ دقیقه شرقی ، بريك خر سنگ کوهی . متعلق عصر قدیم سا که وسال ۶۰ = ۲۵-۲۴ ق، م :  
«از راجن دامیجه ده (۴) در سال ۶۰ ساکه ، بابهاو (۵) و پدراووله وردهه (۶) برای ثواب پسرش میتره وردهه (۷) ... بر همین . و مادر و برادرش . (۸)

۵۴ در شاه داور کتیبه دیگر بسیار آسیب دیده هم در ۵ سطر موجود است متعلق به عصر قدیم ساکه در عصر ازیس (۹) در باره وقف يك شخص مسمول مشهور شیوه رکس کیتته (۱۰) نوشته شده واملای نام ازیس در خرو شته‌سی ایاسه (۱۱) است و بدو خط یونانی و خرو شته‌سی مسکو کات سیمین اوهم یافته اند . که زمان این کتیبه بین ۸۰-۱۰۲ ساکه باشد . (حدود ۶۴ م) (۱۲) .

۵۵- کتیبه های صندوقچه کنشکا : در شاهجی دهیری بیرون دروازه گنج شهر پشاور . در سنه ۱۹۰۹ م در جای ستوپه بزرگ کنشکا که زایران چینی ذکر کرده اند ، بقایای يك ستوپه بزرگ از خاک برآورده شده ، که در بین آن جعبه منقش مسی به بلندی ۴-۵ انچ و قطر ۵ انچ با سر پوش محکمی موجود بود ، و هیكل های بودای نشسته هم دارد ، و هیكل کنشکا بین ارباب انواع مهر و ماه واقع است و بر سر پوش جعبه اشکال بودا - برهما - ایندره (۱۳) دیده میشود ، و در بین این جعبه برخی از یادگار های بودا محفوظ بود ، که آنرا لاردرکزن (۱۴) و ایسرای دهم هند به بودا تیان بر ما داد ، تا آنرا در معبد ( مندلای ) (۱۵)

(1) Shahr-i-Bahlol

(3) Shahdaur

(5) Bhadu

(7) Mitravardhana

(9) Azes

(11) Ayasa

(13) Buddha-Brahma-indra

(15) Mandlay

(2) S.K. 2/122

(4) Rajan Damijada

(6) Valavardha

(8) S.K. 2/16

(10) Sivarakskita

(12) S.K. 2/17

(14) Lord Curzon

گذاشتند . (۱)

تعیین سال اول این کتیبه (مطابق ۱۲۸ م) مشکو کست و در ذکر نام کنیشکا نیز مراد کنیشکای اول نباشد، بلکه کنیشکای دوم مذکور در کتیبه آرا خواهد بود، که مورخ است بسال ۴۱ (۱۶۹ م) و بالاخر تاریخ این کتیبه وجعه را بین سنه ۷۸-۳۲۵ م تعیین کرده اند، و روزن فیلد باجان مارشل هم عقیده است که همان حدود سال ۴۱ باشد (۲). درین کتیبه نام آگی شله (۳) را هم ما خود از آگی سیلوس (۴) یونانی پنداشته و اورایک هنرمند یونانی گفته بودند، ولی بعد از ستین کونو این عقیده از طرف (بورو) (۵) رد گردید و گفت که این نام با آگی سال (۶) زبان پالی شبیه است که در خرو شتهی و برهمی هم آمده است. بورو این کلمه را لقب ماموری شمرده است که بکار تعمیر و بهاره مامور بود و بنا برین این بنا وجعه تقدیمی کدام امپراتوری نیست، بلکه مانند سایر کتیبه های متهوره تنها به عصر شهزادگان کوشانی ربط دارد (۷).

ترجمه مضمون کتیبه : در سال اول (۹) کنیشکادر شهر اما ... این وقف دینی باقصر ... ضمیمه شد. دران خیر و سعادت همه مخلوقات باد ! معمار آن بنده آگی شله در و بهاره کنیشکادر سنگاراما مها سینه (۸) بموافقت معلم سره و استیوادین . (۹) همچنین درین تپه شاهی متصل پشاور پارچه های خشتی زیبا دی بدست آمده ، که بران کلمات و حروف خرو شتهی منقوش و در موزه پشاور محفوظند .

۵۶- کتیبه شکر دره کیمبل پور ماورای اتک ، در موزه لا هور متعلق به عهد کنیشکا ، دارا ی چهار سطر نوشته و یک شکل خرو یک گلدان که تاریخ خرو شتهی آن مطابق است با ۲۷ جو لای ۱۶۸ م .

(۱) پشاور ، تألیف جعفر ۲۲

(۲) آرت خاندان کوشان ۲۶۰

(3) Agisala

(4) Agesilaos

(5) Burow

(6) Aggisala

(۷) آرت کوشان ۲۵۹

(8) Mahasena's Sangharama

(9) S.K. 2/137



«در سال ۴۰ روز ۲۰ ماه پراوشته پده این چاه در معبر شا لا (۱) بطور تحفه اصحاب درو نی په:ره (۲)»  
 ۵۷- کتیبه مهر مسی یکی از کشته‌په های دوره قدیم ساکه در وادی هزاره تا چیناب بنام شیوه‌سینه کشته په شهر ابهی سا ره پرسته (۳)

۵۸- کتیبه سکاره دهیری ( تپه زغال ) درهشت میلی شمال چا ر- سده پشاور بریک مجسمه موزة لاهور مورخ ۱۰ می ۳۱۵ م : در نو سطر « در سال چارصدم يك کم (۳۹۹) روز ۲۲ ماه آشاد ه (۴). درجنت (روزدهم) او (زن) یاد ! من نکهرداری اطفال رامیخواهم . « (۵) ستین کونو عقیده دارد. که اصل این کتیبه يك نوع منظومه ( ۶ ) است که هر مصرع آن ۶ + ۴ + ۳ سلابیل دارد ، و بنا برین در تاریخ اوزان عروضی اهمیت خواهد داشت .

۵۹- کتیبه سوی ویهار (۷) در ۱۶ میلی شمال غرب بهاو لپور بریک تخته مسی دارای چهار رونیم سطر که تا ریخ خرو شتهی آن مقارنست با ۷ جون ۱۳۹ م: «در زمان شاهی مهاراجه دیوه پتره کنشکا در سال ۱۱ روز ۱۸ ماه دایسیوس (۸) هنگامیکه راهب ناگه دته (۹) مبلغ دستورو مرید مبلغ دمتراته (۱۰) مرید مریدان مبلغ بهاوه (۱۱) درینجا درد منه (۱۲) سکونت نمود، پس متولی ویهاره زاهد بلا نندی (۱۳) و مادرش کدبانو بله جیا (۱۴) علاوه بر بنای این مسکن دیوار دورا دور آنرا هم بعداً ساخت. برای همه مخلوقات وسیله خیر و خوشی باد! (۱۵)  
 ۶۰- کتیبه ظرف خاک رو غنی که از سوات بدست آمده و به یکی

(1) Sala

(2) S.K. 2/160. Dronipadra

(3) Sivasena, the Kshatrpa of Abhisaraparastha. S.K. 2/103

(4) Ashadha

(5) S.K. 2/127

(6) Doha

(7) Sui-Vihar

(8) Daisios

(9) Magadatta

(10) Damatrata

(11) Bhava

(12) Damana

(13) Balanandi

(14) Balajaya

(15) S.K. 2/141

از حکمرانان یونانی منسوب و ترجمه کتیبه دورادور ظرف چنین است: «ازتهیو دو روس میریدرخ (۱) این یادگار های حضرت ساکیا مونی بمقصد محافظت همه مردمان بنامشده .» (۲)

کلمه میریدرخ درین کتیبه یک لقب یونانی میریدرکوس (۳) دوره یونانیان ورومن است که معنی آن حکمران یک ناحیه است و او در کابل یا اراکوز یا یاگندهارا موریته داشته است . (۴)

۶۱ - کتیبه تجه ضلع پشاور که شرح و تصویر آن بدست نیامده (۵).

۶۲ - کتیبه های تخت باهی که دارای آثار یک شهر بزرگ قدیم است و یک کتیبه از آنجا بدست آمده دارای ۶ سطر و تاریخ خروشتهی آن مطابق است با ۱۰ مارچ ۱۹۱۹ م : «درسال ۲۶ شااهی مهاراجه گود وهره (۶) سال ۱۰۳۲ روز اول ماه ویشا که (۷) این معبد وقف دینی بله سه می (۸) منجی و پسر و دختر اوست به تعظیم میره (۹) منجی و شهرزاده که (۱۰) به تعظیم مادر و پدر .» (۱۱) کتیبه دیگر تخت باهی در موزه پشاور است که بران (تحفه هوزه شده « (۱۲) نوشته شده و نیز یک پارچه ظرف سیاه از تخت باهی در موزه پشاور افتاده که چند کلمه خروشتهی دارد (۱۳)

### ۶۳ - کتیبه های خروشتهی فکسیلا:

این شهر تا ریخی به آثار مکشوفه و بقایای یک شهر عظیم شهرت دارد و مرکز بزرگ فرهنگ و مدنیت دور های متعدد موریا - یونانیان باختر - و کوشانیان تا حلول اسلام بود. ازین جا در حفریات این شهر کتیبه های متعدد کوچک و بزرگ برآمده است :

۱ - کتیبه دوسطری و قفیه دهرم داسه (۱۴) بربیک چراغ. (۱۵)

۲ - کتیبه یک پارچه پشمی در یک سطر که به تعظیم اقارب و هم

خونان و متعلقین شخصی نوشته شده . (۱۶)

(1) Theodoros Meridarkh

(3) Meridarkus

(5) S.K. 2/173

(7) Vaisakha

(9) Mira

(11) S.K. 2/62

(13) S.K. 2/63

(15) S.K. 2/90

(2) S.K. 2/4

(4) S.K. 2/2

(6) Guduvhara

(8) Balasami

(10) Kapa

(12) Horashada

(14) Dharmadasa

(16) S.K. 2/91

- ۳- کتیبه يك پارچه سنك دريك سطر: ..میترا (۱) زوجه ایندیره سینه (۲)
- ۴- کتیبه يك پا رچه پشمی دريك سطر: از زوجه ایندیره سینه .
- ۵- يك يك حرف بر يك يك پارچه .
- ۶- کتیبه تخته زرین تکسیلا (۷) از سرکپ پیدا شده ، در سه سطر متعلق به دوره ساکه تا کوشانیان ، له آنرا يك منظومه دارای ۷ + ۶ سلابیل شمرده اند: «شیرا (۲) يك یاد کار آنحضرت را برای شادمانی مادر و پدر خود وقف کرد» (۴) .
- ۷- کتیبه بریک ظرف گلی موزه پشاور که از تکسیلا برآمده : «این ستوپه از طرف سی هاره کشیده (۵) برادران ، به تعظیم بو دا ها در تشه شیلا بنانهاده شد. (۶)
- ۸- کتیبه های متعددی از بقایای معبد جاولیا (۷) تکسیلا بر آمده و این معبد از قرن سوم تا پنجم آباد بود. عدد این کتیبه های کوچک که نامهای وقف کنندگان یادگارها و تحفه های بو دایی بران نوشته شده به (۱۴) پارچه میرسد مربوط به عصر قدیم ساکه (۸)
- ۹- کتیبه های کوچک بر چیزهای مختلف که از سرکپ (۹) تکسیلا بدست آمده و مربوط به عصر قدیم ساکه است عدد آن به ۲۱ میرسد ، که از آن جمله بریکی همان نام تهیود و روس بن تهواره (۱۰) نوشته ، که این نام یونانی در کتیبه سوات و کالدره هم آمده است و بر چند کتیبه دیگر کلمات ستاتیر (۱۱) و درخم (۱۲) دیده میشود، که رواج این کلمات یونانی رادر نقود میرساند . تمام این کتیبه هانیز درباره موقوفات اشخاص است (۱۳)
- ۱۰- از خرابه های ستوپه قدیم قریه شاه پور تکسیلا يك قاب مسی برآمده که دران نام همان میرید رخ کتیبه سوات آمده است : «این ستوپه از طرف میرید رخ و همسر او به تعظیم مادر و پدرش برای تقدیم تحیات احترامی را نه بناشد» از روی نام میرید رخ این کتیبه مربوط عصر یونانیان با ختر خواهد بود. (۱۴)

(1) Mitra Wife of Indrasena	(2) S.K. 2/91
(3) Sira	(4) S.K. 2/86
(5) Siharakshita	(6) S.K. 2/87
(7) Jaulia	(8) S.K. 2/92
(9) Sirkap	(10) Thavara
(11) Stater	(12) Drakhm
(13) S.K. 2/97	(14) S.K. 2/5

۱۱- کتیبه آبرگردان مسی تکسیلاتحفةایشوه ره که (۱) ازعصرقدیم ساکه (۲)

۱۲- کتیبه قابمسی که ازخرابه‌های تکسیلا یافته‌شده وبحروف خروشته‌ی طرز عهد ساکه است وتاریخ خروشته‌ی آن مطابق باشد باماه جون سال ۶ق،م وشاه موگه‌را درین کتیبه همان (مویس) (۳) دانسته اند. که یکی ازشاهان ساکه حدود ۷۰ ق،م باشد. (۴)

«درسال ۷۸ درعصر مهاراجه موگه (۵) شاه بزرگ، روز پنجم ماه پانیموس (۶) کشته‌په چوکهسه (چچ) (۷) که نام اولیا که کوسولو که (۸) است وهم پسرش پتیکه (۹) درشهرتکشه شیلا (۱۰) در شمال ناحیت شرقی بنام کشیمی (۱۱) درینجا پتیکه بنای ابتدایی یادگار حضرت ساکیا مونی وسنگها را مهرابوسیله روهی نی میتره (۱۲) ناظر این بنا نهاد. تاداران تمام بوداهاومادر وپدرش پرستش نمایند. و موجب برکت زندگانی وقوت کشته‌په وفرزند وهمسرش باشد. وتامم برادران ومتعلقان اوپرستش نمایند. بحکم رئیس بزرگ اوقاف پتیکه» (۱۳)

۱۳- کتیبه طومار سیمین تکسیلا که جون مارشل درسنه ۱۹۱۴ کشف کرده (موزه تکسیلا) وتاریخ خروشته‌ی آن مقارن با ۱۷ می ۵۲ م باشد: «درسال ۱۳۶ روز ۱۵ ماه اشاده یادگار آنحضرت از طرف یوره سه که (۱۴) یکی از فرزندان اینته وهریا (۱۵) باکتری ساکن شهر نوه چه (۱۶) در معبد بودهی ستوای خودش، در میدان دهر مه راجیکای (۱۷) تکشه شیلا برای اعطای صحت به مهاراجه شاه شاهان پسر آسمان کهوشانه (۱۸) و به تعظیم تمام بوداها و تعظیم پرتی که بودها (۱۹) وتعظیم ارهت ها وتعظیم همه مخلوقات ومادر وپدر و دوستان ووزیران ومتعلقان ورشته داران و برای اعطای صحت بخودش. این بذل واگرام، رهنمای نروانه (مقام راحت ابدی) اوباد! (۲۰)

(1) Ishvarakha

(3) Maues

(5) Moga

(7) Chukhsa

(9) Patika

(11) Ksheme

(13) S.K. 2/29

(15) Intavhria

(17) Dharmarajika

(19) Pratyekabuddhas

(2) S.K. 2/88

(4) Cambridge H.I. 1-57

(6) Panemos

(8) Liaka Kusuluka

(10) Taksha Sila

(12) Rohini Mitra

(14) Urasaka

(16) Noacha

(18) Khushana

(20) S.K. 2/77

درین کتیبه کلمه به همه لینه (۱) از طرف جون مارشل با (بالی کینه) یعنی بلخی سنسکریت مقارنت داده شده، و ما از کتاب بر یهت سمهیتا (۳) تالیف وراهه میپیره (۷۱۰) هم میدانیم که بلخیان با تکسیلا روابطی داشته اند (۵)

۱۴- کتیبه ظرف سیمین سرکپ تکسیلا که بر گردن آن نوشته خروشمی دارد و تاریخ (۱۹۱) آن به عهد قدیم ساکه مربو طست که مطابق ۱۰۷-۱۰۸ م باشد « در سال ۱۹۱ عصرشاهی جی هونی که (۶) کشریه چو کهسه پسر مانی گوله (۷) برادر مهاراجه « (۸) ستین کونو گوید از کتیبه سال ۱۸۷ خلتسی باین فکر میرسیم که این مهاراجه عبارت از ویمه کدفیسس باشد (۹) جی هونی که را بازیو نیسس (۱۰) تطبیق کرده اند که کشریه چو کهسه (چچ) یعنی مملکت تکسیلا بود و بعد از آن حکمران مستقل این سرزمین گردید.

۶۴- کتیبه تیر تم واقع مرز کوهستان سوات ، بریک خرسنگ کوهی که طرز خط آن قدیمتر است و مشابهتی به نوشته های عصر اشوکا و ساکه هادارد. درینجا زیر نشانه دو پای مقابل انگشتان دو پا نوشته شده : « نشانه قدمهای بوده ساکیامونی « (۱۱)

۶۵- کتیبه توردهیری واقع تحصیل دوکی وادی تهل نور لایی بلوچستان که ازینجا در حدود پنجاه پارچه ظروف گلی با نوشته های مدادی بدست آمده ، و از آن جمله ۵ پارچه خط برامی دارد و زبان این کتیبه ها بسیار بطرف سنسکریت متمایل شده است ، و اشکال حروف آن هم تنوع دارد و مشابهت زیاد آن با کتیبه وردگ بنظر می آید ، که تاریخ آن بعد از ۲۰۰ م خواهد بود. از ارتباط پارچه های متعدد میتوان کتیبه ذیل را بدست آورد :

« از طرف شاهی یوله میره (۱۲) رئیس ویهاره ، ایندالان آب، در یوله میره شاهی ویهاره خودش به موافقت معلمان سر و استیوا دین، دینا وقف گردید .

(1) Bahaliēna

(3) Brihat Samhita

(5) S.K. 2/74

(7) Mani Gula

(9) S.K. 2/82

(11) S.K. 2/9

(2) Balhikēna

(4) Varaha Mihira

(6) Jihonika

(8) S.K. 2/82

(10) Zeionises

(12) Shahi Yola Mira

وازین وقف را ستین همواره ثواب آینده، نصیب مادر و پدر و همه مخلوقات باد !

وزندگانی دراز نصیب ر ئیس دین باد !» (۱)

۶۶- کتیبه هند واقع ۱۵ میلی بالای اتک برکنار غربی دریای سند در ۳۴ درجه ۲ دقیقه شمالی و ۷۲ درجه ۲۷ دقیقه شرقی که همان وینهند دوره اسلامی با شد و پایتخت ثانی کابلشاهان بود، در سنه ۱۸۴۸ یک کتیبه سنگی از آنجا بدست آمد، که به گاه شماری عهد کنیشکا تعلق دارد در دوسطر. و تاریخ خروشتی آن مطابق است با ۲۶ فروری ۱۸۹ م .

«در سال ۶۱ روز هشتم ما چایتره (۲) چاه سه ویراها (۳) در پور و اشاده (۴) کنده شد. « (۵)

۶۷- کتیبه یاکوبی واقع سوا بی شرقی پشاور، بر یک سنگ تصویر دار ( موزه پشاور ) که معجزه سراوستی (۶) رامی نماید، و بوسیله او بودا بر رؤسای شش فرقه ر قیب خود غالب شده بود.

«تحفة ... جوان مرد جینه (۷) بین آنانیکه در راستی مشوش شده بودند، و از طرف رئیس قریه هده (۸) سیاست شدند. « (۹)

۶۸- کتیبه زیده نزدیک هند در ۳۴ درجه ۳ دقیقه شمالی و ۷۲ درجه ۳۲ دقیقه شرقی بر یک پارچه خرسنگ مدخل این دیه، که اکنون در موزه لاهور است و تاریخ خروشتی آن مطابق است با ۱۹ جون ۱۳۹ م . « در سال ۱۱ روز ۲۰ ماه اشاده - در اتره فل گونه (۱۰) چاهی کنده شد در زمان شاهی بادار مهاراجه کنیشکه . و علاوه از آن یک آبدان هم از طرف هپیه دهیه (۱۱) وقف شد. برای برکت سروا سستی واده (۱۲) به تعظیم کشتی په لیا که (۱۳) برای نفع مادرش .

وقف شد به توجه مرشد سنگه میتره راجه (۱۴)

۶۹- کتیبه لداخ : قریه خلت سی (۱۵) ۵۲ میلی لیه در لداخ واقعست و کتیبه های متعدد براهمی از آن برآمده که برخی خروشتی اند، و مهم تر

(1) S.K. 2/176

(3) Saviras

(5) S.K. 2/17

(7) Jina

(9) S.K. 2/133

(11) Hipea Dhia

(13) Liaka

(15) Khalatse

(2) Chaitra

(4) Purvashadha

(6) Sravasti

(8) Hida

(10) Uttaraphalguna

(12) Sarvasti vada

(14) Sanghamitra Raja. S.K. 2/145

همه نوشته دو سطر است که تاریخ آنرا ۱۸۷ یا ۱۸۴ = حدود ۱۰۳-۱۰۴ م خوانده اند و بر این چنین نوشته است: «در سال ۱۸۷- یا ۱۸۴ در عصر شاهی مها را جه ویما کوتهی سه (۱) که این نام راستین کونو شکلی از نام کد فیسیس دوم میداند (۲) و ما میدانیم که ویما کد فیسیس دوم بعد از مرگ کد فیسیس اول در حدود ۷۸ م به سلطنت رسیده است که مرگ او در حدود ۱۱۰ م باشد.

این کتیبه ازین رو مهم است که نفوذ شمالی خط خروشتی را تا مناطق لداخ و وسعت سلطنت کوشانیان بزرگ را تا آنجا میرساند.

۷۰- کتیبه های سنگی نمبر ۵-۶ موزه لاهور که هر یکی از آن یک دو کلمه خط خروشتی دارد. (۳)

۷۱- کتیبه های پالاتود هیری (شرق پشاور) بر ظروف گلی موزه پشاور که سه نوشته دارای چند کلمه دارد مربوط به عصر قدیم ساکه، وهم بریک پایه مجسمه (موزه پشاور) چند حرف نوشته شده است. (۴)

۷۲ کتیبه های موهن جو دیر و واقع لارکانه سند که در آنجا آثار یک شهر قبل التاریخ در ۱۹۲۱ م مکشوف گردیده و آثار آخرین آن بدوره کنیشکا میرسد، و سه قطعه ظروف خاکی ملمع خط خروشتی هم از آن بدست آمده که در موزیکلکته است و حروف آن به نوشته های عصر بعد از کنیشکا شبیه است و جز چند کلمه نوشته دیگری ندارد (۵)

۷۳- کتیبه کانیهاره (۶) ناحیه کانگرا (پنجاب) در دو سطر که بران باغ کرشایاشسه (۷) نوشته است (۸).

۷۴- کتیبه بتکره (۹) سوات: بر ظرف گلی شکسته در حفريات ۱۹۶۰م بدست آمده که در دو سطر دورادور آن نوشته خروشتی شبیه یکی از کتیبه های تکسیلا بدین مضمون دارد:

«تحفه ... درستوپه دهرمه راجیکه (۱۰) به تعظیم ... (۱۱)

(1) Uvima Kavthisa

(3) S.K. 2/115

(5) S.K. 2/173

(7) Krishaya'sasa

(9) Butkara

(11) East and West. P. 81, March 1966

(2) S.K. 2/80

(4) S.K. 2/120

(6) Kanhiara

(8) S.K. 2/179

(10) Dharmarajika

## کتیبه های خروشتی در ترکستان شرقی

این تمام کتیبه هادرسنه ۱۹۰۰م از طرف سر اورل ستین (۱) در آثار ابنیه قدیم مخروط ماورای دریای نیه (۲) ترکستان شرقی کشف گردید، که در کتاب او ختن قدیم (۳) طبع اکسفورد ۱۹۰۷م شرح داده شده است .

همچنین همین محقق در سنه ۱۹۰۶-۸م در همین سرزمین کشفیات دیگری نمود، که آنرا در سنه ۱۹۲۱م از اکسفورد بنام (سرندیا) (۴) نشر داد . عدد تمام این کتیبه های خروشتی در ترکستان شرقی به ۷۶۴ میرسد و در آخر کتاب کتیبه های خروشتی ترکستان چینی (۵) شرح مبسوطی بر تنوع الفبای خروشتی در این سرزمین داده شده و پدید می آید، که این هنر خط نویسی خروشتی در شمال کشور کوشانی مطابقت با احتیاجات مردم آن سرزمین تنوع یافته بود. ولی نفوذ و افزایش آن از همین کتیبه های فراوان ثابت است. در اخیر این جلد نویسندگان این کتاب يك تابلوی ( ۲۶۶ ) علامات مختلف حروف خروشتی را هم ترتیب داده اند که از روی تمام کتیبه های مکشوفه از خاک افغانستان و هند و ترکستان تکمیل شده و ما آنرا درین کتاب عیناً تصویر گرفته ایم . (عکس نمبر ۱۰)

در تمام این ۷۶۴ کتیبه ترکستان شرقی نامهای شش پادشاه آمده که یکی از ایشان اوی جیته سنها (۶) مخصوصاً شاه ختن (۷) یاد شده است (کتیبه عدد ۶۶۱) ولی درباره پنج نفر دیگر معلومات مستند و مستقیمی در دست نیست . ( ۸ )

درین نوشته ها سالهای عهدهای شاهی از سال اول تا ۳۸ ضبط شده که بقول اورل ستین زمان بین ۲۳۹ تا ۲۶۵ باشد . زیرا در همین تودهای خاکی يك لوحه چینی هم بدست آمده که تاریخ آن ۲۶۹ م است (۹)

(1) Sir Aural Stein

(2) Niya

(3) Ancient Khotan

(4) Serindia

(5) Kharosthi inscriptions in Chinese Turkestan. Oxford 1929

(6) Avijita-sinha

(7) Khotana-Maharaya

(8) Kh-ins p. 323

(9) Kh-ins, P. 335



بهر صورت وجود این کتیبه هادرترکستان شرقی نفوذ مدنیت و  
فرهنگی را روشن میسازد که در اوایل قرون میلادی بو سیده  
کوشانیان شرقا تامتوره و جنو باتاوادى پشین و موهن جو دیرو سند  
و شمالا تاترکستان چینی و ختن پهن شده بود، و حدود غربی آنرا با  
نفوذ رسم الخط خروشتهی مجا ری دریای هلمند تحدید کرد .  
• میتوانیم •

## سنگ نوشته‌های شناخته‌نشده موزه کابل

در موزه کابل چند یمن سنگ نوشته کوچک و بزرگ موجود است که بران نوشته‌های خروشته‌ی دیده میشود .  
تحقیق و خوانش این سنگ ها تا کنون صورت نگرفته و اگر عکاسی هم شده باشند، تا کنون از خوا نشر و مطالب آن چیزی نشر نشده و یا بدست ما نرسیده است .

کتیبه‌هایی هم دیده شده، که تشخیص خط آن مشکل است و در خور مطالعه دقیق علمای خط شنا سوادوار قدیمه است ، که ما در اینجا عکس یکی از یمن سنگ نوشته ها را بطور نمونه آورده ایم (عکس ۱۲) و خط آن به خروشته‌ی میماند .

## نوشته های زبان نخاری بر رسم الخط یونانی

علاوه بر نوشته های یونانی که بر رسم الخط یونانی از حدود ۳۰۰ ق، م در افغانستان بر مسکوکات و یاسنگ ها دیده میشود، و بر تمام مسکوکات شاهان یونانی باختر و پانیا استعمال شده، رسم الخط یونانی در زبان مقامی افغانستان در عصر لو شانیا از قرن اول میلادی نیز دیده میشود.

زبان عصر کوشانی که کتیبه های متعدد آن باقیست و آنرا زبان نخاری یا باختری یا کوشانی گفته اند، يك لهجه شرقی زبان های ایرانی است که مقارن با پنبتو در آیزوگلاس لسانی بین مجاری هلمند و دریای سند، زبان کتابت و مسکوکات و سنگ نبشته ها بوده، و از قرن دوم تا دهم میلادی در مدت ۸۰۰ سال آثار آن موجود است، که برخی عناصر آن با پنبتو و پهلوی و سنسکریت و ترکی مشترکست و آنرا با تمام معانی زبان يك ایزوگلاس (۱) فرهنگی توان گفت که عناصر مقامی را با قبول اثر های شرقی و غربی و شمالی در خود فراهم آورده است، و حتی این اثر ها در رسم الخط یونانی آن هم مشهود است که مادر سابق به آن اشارت کردیم.

حروف این رسم الخط قراریکه در کتیبه بغلان اواسط قرن ۲ م آمده و بعد ازان شکسته شده و تغییر شکل داده است (در شکل نمبر ۱۳ دیده شود.)

بدین منوال مطابق قول هیو ن تسنگ در زبان نخاری (۲۵) حرف وجود داشت که در کتیبه بغلان هم آمده است. و چنانچه گفتیم در کتیبه های متأخر دوره اسلامی برخی حروف را به نقاط هم امتیاز داده اند. اکنون ما تمام کتیبه های مکشوفه این رسم الخط را در افغانستان و سرزمین های متصل آن درینجا شرح میدهم، و این شرح مطابق خوانش و مطالعه و رأی خود نویسنده این سطور است، که امکان هر گونه تصحیح از روی مطالعات دقیق تر آینده دارد. ولی من اکنون رأی خود را بطور مطالعه ابتدا می نویسم، و تمام این کتیبه ها را بمدد ادبیات دری و پنبتو قاطب تحلیل میدانم، که این زبان يك لهجه شرقی زبان دری بوده، و در خو رفهم و تطبیق با ادبیات قدیم زبان

(1) I-so-Glass

دری است . ولی چون این لهجه در ایزو گلاسی بین فرهنگ و روایات ادبی و لسانی شرق و غرب و شمال واقع بوده ، البته عنا صر سنسکریت و پهلوی و ترکی و پراکریت های هندی در آن مشهود است . که شما آنرا در شرح این کتیبه ها خواهید دید . ولی چون در اینجا کاوش و تدقیق ما تنها راجع به هنر خط نویسی است ، بنابراین تنها وجود و اهمیت رسم الخط یونانی شکسته را در این قسمت شرقی آریانه مورد مطالعه قرار میدهیم ، و از تحلیلات دقیق لسانی آن میکدریم . و درباره تفصیل آن به دو کتاب من مادر زبان دری و هفت کتیبه قدیم طبع کابل رجوع فرمایید .

### ۱- کتیبه سرخ کوتل بغلان:

بقایای يك آتشکده بزرگ بالای به های ۱۵ کیلو متری پل خمی در ولایت تاریخی بغلان شمال افغانستان در ۱۹۵۷ کشف گردید . که در آنجا سه نسخه از يك کتیبه قرن دوم میلادی رایافتند .

نسخه بسیار مهم این کتیبه بريك سنگ ۱۳۲ × ۱۲۵ سانتی بخط یونانی و زبان تخاری برآمده که ۲۵ سطر و ۹۴۷ حرف یونانی با دو نشان خاص عصر کوشانی دارد ، و من در سال ۱۳۴۲ ش آنرا در کتابی بنام «مادر زبان دری» تحلیل و خوانده ام .

دو نسخه دیگر عین همین کتیبه با اختلاف املاوی جزوی ولی بخط بدو ناپخته بی در همین معبد از سنگ کاری داخل چاهی کشف شده ، که یکی ۲۱ پارچه سنگ و دیگری ۳۲ قطعه دارد که این پارچه های سنگی را در داخل بنای چاهی بکار برده بودند .

از روی این کتیبه بانی اصلی بگ لنگ (بغلان) بگ شاکنیشکی نامو برگ بود ، که بعد از آن در بهار سال ۳۱ عهد کانیشکا (حدود ۱۶۰ م) بغرض تعمیر مجدد ، چاهی را در آنجا کردند .

این بنا را که آثار آتش مقدس (ایر = اور پستو) در آن یافته اند به لغت هندی مندر یعنی معبد و مالیزی یعنی مهادز و حصار بزرگ و نوشال = نوشاد نامیده اند . و متن کتیبه متضمن فواید بزرگ تاریخی و لسانیست که در آن ۱۵۵ کلمه زبان تخاری مورد استعمال است . (رجوع به عکس نمبر ۱۴)

### ترجمه متن کتیبه :

«اینست مهادز کانیشکه بهره ور: بغلان . که (آنرا) شاه بزرگ

کانیشکه نامور کرد (ساخت). چون بزودی این مها دژ تمام کرده شد، پس آب این معبد نیست شد، و چنین (این) مهادر بی آب (خشک) ابستاد (شد) و (چون) رب النوع نیکوی مقدس آتش معطل ماند، پس خداپرستان نوشاد تبا ه شد (رفتند) چون جویهای آب ایستادند (خشک شدند پس) آب اندک شد و مهادر پدرود گشت.

تا که نو کونزوک کنارنگ فراخدای (مقرر از طرف شهنشاه) فریستار آب شاه بگپور (شاهزاده) لویک بوسر (بن) شیزو گرگ اروابناده (شاد روان) که همواره نامور باد با اراده مهیا (قوی) به سی و یکم سال سلطنت هنگام نسیان ماه به بغلان آمد، این مهادر را پرورید. تا که یک چاه کند و از آن آب بر آورد. و آنرا به تهداب سنگی استوار کرد. چنین آب مهادر زیاد شد و نه کاهید. و چون رب النوع نیکوی مقدس آتش وجود داشته باشد، پس خدا پرستان نوشاد تبا ه نخواهند شد. (نخواهند رفت) و مها دژ پدرود نخواهد شد. چون آن چاه خام کوب را خشت ریز کرد بنیاد و رایستاده شد. بدین چاه (و) بدین خشت ریز همه مهادر نیک پرورده شد، و یک چاه و صحن بزرگ کرد (ساخت).

منم برزمهر - منم کوز کاشکی پور - منم رئیس گانسیگیم (?) - نو کونزیک کنارنگ مرینگ، بفرمان خدای و (بفرمان) ایمن نوبخت - منم مهره من - منم برزمهر پور، امهره من «  
بردیوارهای این معبد آتش ده پارچه دیگر سنگی هم یافته اند، که بهمین رسم الخط کلمات مختلفی بران دیده میشود، و تاکنون این کتیبه مهادر بغلان مفصل تر این نوشته است که بدین زبان و رسم الخط در دنیا کشف شده است. و اوضاع امپراتوری چهارم بزرگ دیارا دران عصر روشن میسازد.

## ۲- سنگ نبشته های روزگان:

روزگان در کو هساران شمال شرقی بفاصله دوصد میلی از شهر قندهار در نشیب های جنوب غور واقع است. و آثار باستانی زیادی دارد و از آن جمله در دره شالی ده میلی مرکز روزگان دو کتیبه رسم الخط شکسته یونانی بزبان تخاری عصر هفتالیان بعد از قرن ۵-۶ م موجود است.

این هر دو کتیبه در بدخطی و اشکال حروف باهمدیگر بسیار

مشابه وغالباً به يك قلم نوشته شده و حروف آن برخلاف کتیبه بغلان  
بهمدیگر پیوسته و شکسته است، ولی علایم فاصله حروف (۵) مانند  
کتیبه بغلان در آن دیده میشود، و بالای حرف Z در يك کلمه در هر دو  
کتیبه سه نقطه هم نوشته شده است.

خوانش نوشته اول: بکه-شاه-خوی-مهر-ماه-زمیگ.

یا: بگه - شاه - زاول - مهرماه - زمیگ.

یعنی: بکه شاه، شاهزاده مهر، ماه زمین. یا: بزرگ شاه زا بل  
مهر، ماه زمین.

خوانش نوشته دوم: بکه-شاه-خوی-مهر-زمی...

یا: بگه-شاه-زاول-مهر-زمی...

(برای شرح رجوع شود به کتاب هفت کتیبه قدیم از عبدالحی حبیبی)

(عکس نمبر ۱۵)

### ۳- کتیبه های جغتو:

در شمال غربی غزنه بفاصله ۲۰ کیلومتری در کوه بر گول بر خرسنگ -  
های کوهسار راه کاروانی دو نوشته خطی یونانی بزبان تخاری دیده میشود،  
که یکی در سه سطر بسیار رو شن و خوانا وهم، حروف خوشخط  
پیوسته باهمدیگر است و متن آن احترام به سه جوهر بودایی تری  
رتنه (۱) یعنی دانایی - تقوی - اتحاد است، و چنانچه گذشت  
همین مطالب بر يك کتیبه تبتی در تنگی تایغان قزاقستان هم نوشته  
شده است.

### خوانش این کتیبه:

(۱) نمو - بد (احترام به بودا)

(۲) نمو - دهر مه (احترام به دهرمه)

(۳) نمو - سنگه (احترام به سنگه)

اما کتیبه دوم جغتو در پنج سطر بر صخره بزرگی است که مطالب  
زیرین آن محو شده و فقط مطالب ذیل از آن خوانده میشود:

۱- بکه

۲- گه که تی شا +

۳- پور

۴- ویماشا .

۵- الخ

یعنی : خداوند گار جغتو شاهپور و یما شاه بزرگ . (برای شرح رجوع شود بکتاب هفت کتیبه قدیم) (عکس نمبر ۱۶)

#### ۴- کتیبه دشت ناور:

دشت ناور بر سطح مرتفع غربی غزنه در غرب جغتو واقع و یکی از مراتع معروف کوچیان افغانی است که در ایام تابستان با مواشی خود بدانجا روند.

در اینجا نیز سنگ نوشته طویل و مفصلی بخط یونانی مشابه کتیبه سرخ کوتل بغلان با حروف کلان و غیر متصل غالباً بهمین زبان تخاری و دری قدیم موجود است، ولی باشکست هایی که در داخل سطح سنگی آن واقع گردیده، آسب های زیادی دیده است، و از روی عکس های ناقص آن که بدست نویسنده رسیده خواندن آن مشکل است. و یک حصه این نوشته ها خروشته می است.

از روی طرز خط و حروف یونانی توان گفت که پیش از عصر کتیبه های روزگان و جغتو و توچی باشد که مطالعه و تحقیق آن با وسایل موجوده برای من ممکن نشد. ولی با طول و عرضی که این کتیبه دارد، اهمیت آن کمتر از کتیبه سرخ کوتل بغلان نخواهد بود، و من اکنون بیش ازین دران باره چیزی گفته نمیتوانم.

(عکس یک حصه روشن این کتیبه نمبر ۱۷)

#### ۵- کتیبه های وادی توچی وزیرستان :

وادی توچی وزیرستان و گومل بر شاهراه قدیم غزنه به هندوستان و وادی سند واقع بوده، و در اینجا بقایای شهزادگان کوشانی در قرن ۸-۹ میلادی حکم میراندند.

در وادی توچی بین ایدک و سپین و ام بسمت غربی بنون آثار ابنیه کهن در مواقع متعدد نمایان است و غالباً نقر کوت مذکور در کتاب الہند و تیمور نامہ و بابر نامہ هم در اینجا واقع بود، که بقول البیرونی نسب نامہ کابلشاهان بردیبا یی نوشته در اینجا بود. (۱)

(۱) کتاب الہند ۳۴۹

ازین وادی سه سنگ نبشته مهم بسه رسم الخط عربی - هند ی - یونانی بدست آمده که در موز دپشاور محفوظند . اما آنچه برسم - الخط یونانی و زبان تخاری است :

۱- سنگ نوشته بر سطح سنگی  $25 \times 8$  انچ که بطرف چپ آن خط سنسکریت و بر راست تخاری نوشته شده و طرف راست آن که آسیب دیده پنج سطر است ، که خط آن شباهت زیاد بانوشته های روزگان دارد، و بنابراین از روی تاریخ های این کتیبه ها تاریخ کتیبه های روزگان را هم تخمین نوان کرد .

کتیبه های توچی چون وضع سیاسی و فرهنگی این گوشه شرقی آریانه رادر اوایل قرون اسلام روشن میگرداند ، و اینکه خط شماره داناگری و زبان سنسکریت با خط یونانی و زبان تخاری در آنجا موجود است آثار خلط فرهنگی رادر قسمت شرقی آیز و - گلاس تهذیبی بین هلمند و سند نمایندگی میکند ، و از نظر لسانی کلمات مشترکی را بین این کتیبه و نوشته سرخ کوتل بغلان می یابیم مانند خشون - کلد - فرو مان - مالیز - اد - در حالیکه املائی برخی کلمات فرق دارد مانند: (شکل ۱۸)

اینک ترجمه فارسی متن کتیبه اول توچی قرار خوانش من:

- ۱- از سال ۶۳۲ سلطنت ، ماه هشتم - ماه شاه م ... نی بخت .
- ۲- گومل بغپور یکتا پرست ، گومان (ازخاندان گو) درین وقت .
- ۳- گسترانیدم کرد گل رانیدن مادر، و نوبخت +
- ۴- بیها ربزرگ گسترانید ، به فرمان گوکد (گودودمان )
- ۵- ستاره - یاستر (اعلی) (۱)

درین کتیبه که بنای مادر و نوبخت بهار رادر ماه هشتم سال ۶۳۲ سلطنت گفته مطابق است با ۸۶۲ م = ۲۴۹ قمری و ۳۹۲۸ لوک کاله سموت و هفتم ماه بهادره هندی که در متن سنسکریت همین کتیبه توضیح شده . ولی حصه اول نام ... نی بخت متاسفانه در هر دو متن سنسکریت و تخاری ناپدید است و کلمه نوینه (۲) متن سنسکریت مطابق است بانو = نی تخاری . و بعد از آن چندره بهو په (۳)

(۱) برای تفصیل رجوع بر رساله هفت کتیبه قدیم تألیف حبیبی طبع انجمن تاریخ کابل .

(2) Navima

(3) Chandra-Bhupa



سنسکریت عین ترجمه (ماه شاه) تخار یست که چنדרه = ماه و بهو په در سنسکریت شاه و سلطان با شد. و این ماه شاه ... نی بخت گو مل بغپور خود را در متن سنسکریت کلهو جنه پتره (۱) یعنی کوشان زاده خوانده و بدین و سیله مابقیای شهزادگان کوشانی رادرین سرزمین در حدود قرن نهم میلادی می شناسیم (عکس ۱۹)

۲- کتیبه دوم وا دی تو چی بدو زبان و رسم الخط عربی- تخاری است که بر دو پارچه سنگ از شمیرتلا واقع وادی توچی وزیرستان به موزه پشاور آورده شده، و بر حصه بالای آن بخط بسیار ناپخته و مغلق بهم پیچیده کوفی عبارات عربی رادر چهار سطر بهم آمیخته نوشته اند، که خوانده نمیشود، و تنها کلمه الله در آن واضح است. (عکس نمبر ۲۰)

این کتیبه خلط اوا خر فرهنگ و رسم الخط یونانی رادر زمان بسط رسم الخط عربی درین سرزمین نشان میدهد و عیناً در طرز خط یونانی با کتیبه نمبر اول سابق الی کوشیه است مانند کلمه بغپور که بالای حرف دوم سه نقطه دارد. و همچنین در کلمه کوشان شین و نون مانند رسم الخط عربی نقاط دارد، که شاید اثر فرهنگ عربی باشد. و نیز رسم الخط برخی کلمات مشترک آن با کتیبه اول مطابق است مانند: ماه-ویگ-اد-ستر-شاه-بو ستر انید-گومل-

درینجا من خوانش خود را بحروف لائین (عکس نمبر ۲۰) آورده ام.

اکنون ترجمه کتیبه تخاری (عکس نمبر ۲۰) را بدری بخوانید:

۱- از سال ۶۳۵ سلطنت

۲- در ماه اول (فروردین ماه)

۳- (روزهای) ورمزد و مهر (اول و شانزدهم)

۴- درینوقت کرد (ساخت) کوشان

۵- گومل بغپور بزرگ (ستاره)

۶- از خاندان گو (پهلوان) (گو) دودمان . شاه.

۷- بوسر ... خاقان +

۸- خیل - خان قزل

۹- ساهو سرای (سودا گرسرای)

۱۰- بو سترانید ( به ) فرمان

۱۱- ستر (اعلی) یا ستار .

تاریخ این کتیبه بنای سرای تجارتی سنه ۶۳۵ سلطنت باشد ،  
که سه سال بعد از کتیبه سا بقالذکر اول نقرشده است . و این  
سال مصادفست با ۳۹۴۱ سموت = ۸۶۵ م = ۲۵۱ قمری ماه  
فروردین و روزهای ورمزد ( اول ) تاروزمهر ( ۱۶ ماه شمسی ) .

۳- پارچه تخاری سنگ دوم که از همان کتیبه بالا شکسته و جدا  
شده ولی حروف وسط منقو رسنگ بسیار آسیب دیده و خوانش  
آن دشوار است .

درین کتیبه هم در پنج سطر ارقام عدد X-I-E که همان سال  
۶۳۵ خسون باشد با کلمات خسون - نید - کو - شا - اد - کرد . بنظر  
می آید که تلفیق و تفسیر آن ممکن نشد (عکس نمبر ۲۱)

## کتیبه‌های شماره دا- ناگری سنسکریت

ناگری (۱) رسم الخط قدیم و عمومی هنداست که تاکنون بحیث رسم خط ملی آنجا باقیست و منسوبست به نگر یعنی « خط شهری » که کلمه دیوه در آغاز نام آن در قرن ۱۸ اضافه شده و قدیم نیست و دیوه + ناگری بمعنی خط شهری خدایی باشد. که از خط قدیمی براهمی برآمده و تا قرن یازدهم میلادی در اکثر اراضی شمالی هند رواج و تعمیم یافته است .

درین رسم الخط ، خطوط عمودی نز ثینی و خطوط افقی بالای را بط حروف اضافه شده، و ۳۴ حروف صحیح و ۱۴ حروف علت دارد، که قدیمترین کتیبه های آن در هند مربوط به قرن ۷-۸ م است .

اما رسم الخط دیگر بنام شماره دا(۲) نیز در قرن ۸ م بین هندو از کشمیر رایج و مقارن با زبان و رسم الخط ناگری سنسکریت بود، که با ناگری شباهت و نزدیکی داشت و گویند که از خط گوپته (۳) و شعبه غربی آن در قرن ۸ م بمیان آمده بود، و در ادبیات شمال غربی هند بکار میرفت ، و هر صوت و حرف نماینده آن ، نام جداگانه بی هم داشت . (فن تحریر ۳۴۰)

## دو کتیبه لغمان

در حدود سه میلی غربی مهتر لام (لمک) وادی لغمان ، نزدیک قرینه شله تک حکومتی قرغه‌یی ، در دامنه کوهی سه کتیبه موجود است ، و طوریکه در مبحث کتیبه های آرامی شرح دادیم ، یکی ازان بزبان و رسم الخط آرامی است ، که منسوب به عصر اشوکا باشد.

در همین چادو کتیبه دیگر به خطی موجود است ، که اشکال حروف آن بزمانه پیش از خط ناگری از قرن اول تا دهم میلادی تعلق دارد، و خطوط واصله حروف در آن دیده نمیشود، و حتی برخی از حروف آن به کتیبه های غار متورا در هند شبیه است که در قرن اول میلادی باشد .

چون هر دو کتیبه در سال ۱۲۴۸ ش کشف و عکاسی شده، بنا برین تاکنون تحت نظر و تحلیل متخصصان قرار نگرفته و حل نشده است .

(1) Nagari  
(3) Gupta

(2) Sarada

با احتمال نخستین ، سطر چهارم کتیبه نمره (۲۲) کلمات لمکان جتی (۱) دارد، که جتی در سنسکریت بمعنی مخلص و مرید و مطیع دینی (۲) است و این میرساند که کلمه لمکان (لغمان کنونی) هم تاریخی کهن دارد، و ممکن است تحلیل علمی این دو کتیبه، مطالبی را در تاریخ قدیم این سرزمین روشن سازد. (رجوع به عکس نمبر ۲۲ و ۲۳)

---

(1) Lemekan Jati

(۲) قاموس هندو ستانی به انگلیسی از دنکن فوربس .

## کتیبه‌های شماره دا- ناگری سنسکریت

رسم الخط هندی شماره دا و دیوه ناگری قدیم در شمال غربی هند باهم آمیخت ، و اثر آن با روابط قوی کلتوری که بین مردم وادیهای شرقی و غربی دریای سند موجود بود ، تا قرن سوم هجری و دوره اسلا می هم رسید . و مسکوکات برخی از کابلشاهان متاخر که بدست آمده نیز بر رسم الخط ناگری است و برخی کتیبه ها هم بخط ناگری موجود اند.

مهم ترین سنگ نبشته دو خطی و دوز بانه در سنه ۱۹۰۷ م ازوادی توچی بین ایدک و سپین وام بر لوحه سنگی ۲۴ × ۱۲ انچ به موزه پشاور آورده شد، که بالای آن نوشته عربی نسخی و در پایین همان مطلب به سنسکریت و خط مخلوط شماره دا و ناگری در ۵ سطر موجود است (عکس ۲۴)

درین کتیبه سال ۳۲ سموت ماه کارتیکه بروز دوم نصف تاریک مساویست با جمعه ۷ ستمبر ۸۵۷ م = ۱۳ جمادی الاولی ۲۴۳ قمری . (۱)

نمونه دوم این رسم الخط در بریکوت سوات در سنه ۱۸۹۷ م بر یک تخته سنگی بدست آمده که اکنون در موزیم لاهور افتاده است که زبان آن سنسکریت و رسم الخط شماره دا است .

برین کتیبه نام جیه پاله دیوا (۲) دیده میشود که بقرار ذکر مورخان دوره غزنوی دوبار با سبکتگین حرب کرد، و از لغمان بطرف شرق پس رفت و در سنه ۹۹۱ م ۳۸۱ قمری لاهور را هم گرفت و بقول العتبی در اوایل سنه ۳۹۳ قمری خود را بسوخت و از جهان رفت (تاریخ یمینی ۱۵۹) وی در ادبیات دری عصر غزنویان و فتوحات سلطان محمود شهرت دارد.

برین کتیبه نام او را چنین نوشته اند:

«درشاهی مهاراجه بزرگتر یسن شاه از شاهان بزرگ و ملک بزرگ شری جیه پاله دیوه»

(پتهانان سراولف کیرو ۱۱۲) (۳)

(1) Ancient Pakistan 1/130 (2) Jayapala-Deva

(3) The Pathans. P. 112. By Olaf Caroe. London, 1953

دو کتیبه دیگری که بزبان سنسکریت و رسم الخط دیوه ناگری از همان ویهند تاریخی (هند کنونی) کنار اتک درسنه ۱۸۳۶ م بوسیله برنس (۱) به موزیم ایشیا تک سوسائتی بنگال انتقال داده شده نیز درخور یادآور است و پر نسیپ آنرا مربوط بقرن ۷-۸ م میدانند. کتیبه اول بریک قطعه مرمر سپید در ۱۳ سطر است که برخی از آن سخت آسیب دیده و خواننده نمیشود و بنا برین ربط و تلفیق مطالب آن روشن نیست و فقط از هجوم مردم گوشت خوار نیرومند توروشکه (۲) ذکر می دارد که مراد همان هونان یفتلی باشد و هم نامی از شری تیله- که بر همین (۴) بران دیده میشود.

کتیبه دیگر سنسکریت بر رسم الخط دیوه ناگری هم زیر یک بت شکسته ویهند در ۵ سطر است که اکثر سطح آن ساییده شده و بر آوردن مطلب آن مشکل است. (عکس ۲۵)

(کابل تالیف سر الکسندر برنس ۱۲۰ - لندن ۱۸۴۲ م) (۵)

(1) Burnes

(2) Prinsep

(3) Turushcas

(4) Seri Tillaka Brahmin

(5) Cabool. By Alexander Burnes. P. 120 London 1842

## رسم الخط پهلوی و دین دبیره

نام پهلوی اصلا منسو بست به پارت (خراسان) که در کتیبه های هخامنشیان پرتوه (۱) ذکر شده. و چون اشکا نیان یکی از اقوام پارت (۲۴۷ ق م، ۲۲۴ م) دولت بز رگی را از شمال ایران کنونی تا دامنه های همالیا تشکیل دادند، در اوایل رسم الخط ایشان یونانی و خرو شتمبی بود. چنانچه بنیاد گزار خاندان اشکانی ارساس (۲) = ارشک - اشک بلخی که در حدود ۲۵۰ ق م سکه زد، بر مسکوکات او که در وادی هلمند پیدا شده، رسم الخط یونانی و خرو شتمبی هر دو دیده میشود (تاریخ افغانستان ۱۱۹) و بر مسکوکات مهر داد دوم پسر ارتبان (۷۶۱ تا ۷۷۱ ق م) نیز رسم الخط یونانی مشهود است (کونو ۴۳) ولی در قرن اول مسیحی استعمال خط پهلوی بایونانی بر مسکوکات اشکانی و بعد از آن در اوایل عصر ساسانی آغاز شد (۳)

خط پهلوی که از آرامی برآمده بود، در دربارهای اشکانی و ساسانی از ۲۵۰ ق م بعد تا ۶۵۱ م (۳۱ هـ) مدت نه صد سال دارای رسمیت بود. ولی پهلوی شمالی دربار اشکانی با پهلوی جنوبی دربار ساسانی، در رسم الخط و لهجه تفاوتی داشت که رواج خط عربی آنرا از بین برد.

اگرچه در قسمت شرقی مجرای هلمند، زبان تخاری با رسم الخط یونانی در همین عصرها رواج داشت ولی در سرزمین غربی آن با وجود زردشتیان در وادی هریرود و سیستان، بودن زبان و رسم الخط پهلوی نیز مسلم است، و با زهنگامیکه اثر دولت ساسانی تا مجاری سند رسید، نفوذ رسم الخط پهلوی نیز تا هند وسعت یافت، و مسکوکاتی رامی بینیم که در دور ساسانی، بخط یونانی تخاری و پهلوی یاناگری و پهلوی درین قسمت شرقی فلات ضرب شده اند. (۴) و چون خسرو دوم ساسانی خراسان را از هفتالیان در حدود ۶۱۳ م بگرفت، وی بیادگار این فتح مسکوکی را که دارای هفتالیان نور به دور چهره او بود ضرب کرد. و ما بر مسکوکات عصر هفتالی نیز

(1) Parthva

(2) Arsaces

(3) L'Iran Sous les Sassanides, P. 57

(4) Ariyana Antiqua, P 396/400

کلمات خراسان خوتاو، و تگین خراسان شاه، و خوره اپزوت و هپتل خوتاو و مرتان شاه را برسم الخط پهلوی می بینیم که در ربع اول قرن هفتم میلادی هنوز اثر پهلوی را در زابلستان تادامنه های هندو کش ثابت میسازد و پیش از ایشان هم کیدار یان (کوشانیان کوچک) که در قرن چهارم میلادی بین هرات و دریای سند حکمرانی داشتند و در بلخ هم سکه زده اند، سه رسم الخط پهلوی - یونانی و برهمی را بر مسکوکات خود نوشته اند. مثلاً بریک سکه پیرو (۱) (حدود ۳۷۸ م) خط برهمی و پهلوی و بریک سکه ورهران (۲) تنها پهلوی (حدود ۴۰۰ م) و بریک سکه پیرو چ (۳) همین نام به پهلوی و بریک سکه بهاسه (۴) هم برهمی و پهلوی و نیز بریک سکه ستراپ نامعلوم شاپور سوم حروف پهلوی مبهمی دیده میشود (مجله سکه شناسی ۱۹۳۸ م ص ۲۹) (۵)

چنین بنظر می آید که با قطع سنطه ساسانیان در حدود ۴۰۰ م و اشغال این سرزمین از طرف هونان سپید یفتلی، نفوذ خط پهلوی هم کمی یافته و بجای آن طوریکه در سنگ نوشته ها دیده میشود، زبان تخاری و خط شکسته یونانی باقی مانده باشد. ولی همین هفتلیان که در غرب مجرای هلمند بوده اند با زهم خط پهلوی را چنانچه گفتیم بر مسکوکات خود نوشته اند.

باید خاطر نشان کرد که تا کنون هیچ کتیبه یی جز مسکوکات پهلوی در افغانستان بدست نیامده است که علت آن هم نفوذ طویل رسم الخط های آرامی - هندی - یونانی درین سرزمین باشد که توأم با سلطه سیاسی و حکمرانی بوده است، و مایه بینیم که اکثر کتیبه ها را شاهان و ارباب اقتدار می نوشتند، و چون این مردم با آداب و فرهنگ غیر پهلوی مانوس بوده اند، و سلطه سیاسی و مستقیم ساسانیان هم مدت کمی دوام کرده، بنابراین تا کنون سنگ نوشته پهلوی را درین دیار سراغ نداریم.

خط پهلوی که مانند آرامی از راست بچپ نوشته میشود، بسبب محدودیت ۲۵ شکل حروف و نداشتن اعراب و حروف مصوت

- |                           |               |
|---------------------------|---------------|
| (1) Piro                  | (2) Varahran  |
| (3) Piroch                | (4) Bhasa     |
| (5) Numismatic Supplement | 1937-38, p 39 |



حرکی ناقص بود، وهم يك شکل به چندین صوت خوانده میشود، و بسا کلمات آرامی از ا لسنه سا می نیز در آن بطور هزوارش دخیل شده بودند، بنابراین برای ضبط صحیح کلمات والفاظ کتاب دینی اوستا، رسم الخطی را که دارای اعراب بود، بنام «دین دبیره» در قرن ششم میلادی درست کردند، و کتاب اوستا را که درازمنه قدیم شاید بخطوط میخی و آرامی و پهلوی نوشته میشود، برسم الخط دین دبیره نوشتند، که قدیمترین نسخه خطی مکشوف اوستا بهمین الفبا، اکنون در کونپنهاگ دنمارک موجود است، که آنرا در سنه ۱۳۲۳ م نوشته اند.

(گاتها ۴۹) (۱)

چون پیروان کیش زردشت و مومنین بکتاب اوستا در قسمت غربی آریانه تاحلول اسلام بوده اند، و خط دین دبیره هم وسیله نکارش کتاب مقدس ایشان بود، بنابراین وجود رسم الخط اوستایی دین دبیره هم درین سرزمین، بعید نیست، که جمله (۴۴) حرف و نشانه های صوتی داشت، و بخوبی از عهد ضبط حرکات و اعراب کلمات برآمده میتواندست.

این رسم الخط از الفبا های آرامی - پارسی - پهلوی - یونانی که در محیط رواج اوستا سوا بقی داشت، ترتیب شده بود، و از راست بچپ نوشته میشود.

(شکل ۲۶)

(1) Pouré Davoud, Holy Gathas 49. Bomby 1927

## دوره سه رسم الخط

دوره اخیر رسم الخط مقارن ظهور اسلام را از روی اسناد مکشوفه زمان رواج سه خط کوییم. زیرا در سه قرن اول اسلامی آنرا رو علایم سه خط رادر قسمت شرقی آریانه می بینیم، که یکی یونانی شکسته و دوم شماره دانا و ناگری مخلوط و سوم خط عربی ابتدایی نازیبایی باشد.

از سوابق و نوشته های یونانی و شماره داناگری در مباحث گذشته ما با اختصار صحبت کردیم، این دوره سه رسم الخط تا فتوح یعقوب لیث صفاری و سبکتگین و نهایت قرن سوم هجری دوام کرد، و بعد از آنکه کابل شاهان به ویهندوسوات پس نشستند، و شهزادگان اخیر کوشانی هم در گردیز و گومل وزیرستان به سلطه غزنویان خاضع و مسلمان شدند، لهجه تخاری با رسم الخط یونانی و آثار زبان سنسکریت با رسم الخط شماره دانا و ناگری نیز جای خود را رسماً به خط و زبان عربی و دری گذاشت.

جای تعجب است: که در نیمه قرن سوم هجری هنگامیکه یعقوب لیث صفاری از زرنج برخاست و زبان آنجا بشهادت تاریخ سیستان پارسی بود (ص ۲۰۹) و این پارسی برای ما آنون هم روشن و مفهومی است، در کوهساران و زیرستان لهجه تخاری باحالی که در کتیبه ها مشهود است موجود بود. و صدسال بعد در عصر سلطان محمود بکلی مفقود و نابود گردید، و جای آنرا دری فصیح دربارسا ما نیا ن و زبان دقیقی و رو دکسی گرفت، و اثری از لهجه شرقی تخاری و رسم الخط آن نماند!

بهر صورت رسم الخط های هندی - یونانی - پهلوی جای خود را بر رسم الخط عربی ماند، که دکتور اسرائیل و لفسون در تاریخ لغات سامی آنرا ماخوذ از خط نبطی متاخر داند و قدیمترین کتیبه این خط در جبل دروز حران (شام) بر سنگی بالای دروازه کلیسایی بزبان عربی و یونانی موجود است، که در سنه ۵۶۸ م نوشته اند. و لی در دوره اسلامی لوحه قبریکی از حجا زیان عبدالله بن جبر در سنه ۳۱ ه (موزه مصر شکل ۲۷) و نوشته صخره بیت المقدس ۷۲ ه قدیمتر بن

سنگ نوشته های همین خط عربی است. (۱) (تاریخ اللغات السامیه ۲۰۱) در شمال و غرب افغانستان نفوذ خط عربی از قرن اول اسلامی ظاهر است. بدین معنی که اکثر حکمرانان عربی در بلخ و مرو و هرات و زرنج به همین رسم الخط سکه زده اند، به از آن جمله در کرمان در سنه ۹۰ هـ و در مرو در سنه ۹۰ هـ و در بلخ در سنه ۱۱۷ و ۱۲۲ هـ و ۱۸۲ هـ و ۱۸۵ هـ و ۱۸۷ و در هرات در سنه ۱۹۳ و ۲۰۶ در زرنج سیستان در ۱۸۶ هـ سکه زده شده، که اکثر آن در موزه کابل و برتانیه و غیره موجودند و ظاهر یان پوشنکی هم در نساپور در حدود ۲۰۵ تا ۲۴۰ سکه های عربی دارند و یعقوب لیث صفاری در حدود ۲۵۰ هـ و امیر ابو نصر احمد بن محمد فریغونی جوزجان در حدود ۳۹۰ هـ و داود بن الیاس از آل بانیجور تخارستان در سنه ۲۳۲ هـ و مکتوم بن حرب امیر اندراب در حدود ۳۵۹ هـ و امیر الپتگین در غزنه در سال ۳۵۹ هـ و امیر سبکتگین در پروان در حدود ۳۶۶ هـ به همین رسم الخط عربی (نسخی یا کوفی) سکه زده اند.

ولی در قسمت شرقی آریانه نفوذ خط عربی از دو کتیبه مکشوفه (نمبر ۲۰ و ۲۴) سالهای ۲۴۳ و ۲۵۱ هجری که از وادی توچی بدست آمده اند نمایان است. اگرچه فتوح عربی در وادی هلمند و ارغنداب و دریای کابل در قرن نخستین اسلامی تکمیل شده بود، و با این پیروزیهای سیاسی عرب، دین اسلام و رسم الخط قرآن نیز بدینجا رسیده بود ولی نفوذ آن در کوهساران شرقی افغانستان خیلی

(۱) این کتیبه هارا از نمونه های اقدم خط کوفی دانسته اند، و لسی در همین عصر مقارن با کوفی، رسم خط نسخی عربی هم رواج داشت، چنانچه یک نامه شخصی که در مصر در سنه ۴۰ هـ نوشته شده، و دو ورق را هداری مصری (پاسپورت) سال ۱۳۲ هـ بدین رسم الخط است (فن تحریر از محمد اسحاق صدیقی ۲۰۹ طبع علی گره ۱۹۶۲) از کتیبه های مکشوفه و سکه کات شرقی فلات ایران بر می آید، که اثر هر دو خط عربی نسخی و کوفی در قرن اول هجری بدین سرزمین رسیده بود، و دو نمونه شکل ۲۴ مربوط به عصریست که هنوز اصطلاح کوفی و نسخی نبود.

بعد تر مینماید . زیرا ما در کتیبه مکشوفه از مسجد بمپور حوالی  
 لراچی (غالبادیل تاریخ) که در سنه ۱۰۷ هجری ۷۲۵ م به امر  
 مروان بن محمد مولی امیر المو منین از طرف علی بن موسی نوشته شده  
 و ۱۸ سال بعد از فتح محمد بن قاسم سپه سالار اموی دران بلا دست،  
 می بینیم که رسم الخط آن زیبا و مهذب متمایل بکو فیست (تاریخ  
 افغانستان بعد از اسلام ۷۱۲) و این سخن بر نضج کلتور و رسم الخط  
 عربی درانجا دلالت دارد (عکس نمبر ۲۸)

ولی خطوط هر دو کتیبه مکشوفه وادی توچی مربوط او اواسط قرن  
 سوم هجری آنقدر ناپخته و ابتدایی است که ناآشنایی کامل خط و  
 آغاز خوانش و خط نویسی نسخی عربی را درانجا میرساند.

چون ازین دو کتیبه تنها یکی با دو متن عربی و سنسکریت خود  
 خواناست ، مامضمون آنرا که در ۹ سطر و ۴۲ کلمه است باعکس آن  
 (نمبر ۲۴) آورده ایم و مضمون عربی آن چنین است (۲۴۳ هـ)

«هذا ما امر عقد هذا التلاح حی بن عمار تقبل الله منه صالح عمله و  
 غفر له سوء عمله . قد كتب يوم الجمعة لثلاثة عشرة خلون من  
 جمادی الاولى . سنة ثلثة و اربعین و مائتین . صلی الله علی محمد و آل  
 محمد الطاهر (ین) .»

ترجمه متن سنسکریت این کتیبه در شرح نوشته های سنسکریت  
 داده شد. چون خط مخلوط شماره داناگری درین دوره سه رسم الخط  
 رواج داشت ، مانمونه حروف آنرا درینجا از مجله پاکستان قدیم  
 نقل میکنیم ، و در حقیقت بتا ریخ خاک پستونستان کنونی ربط دارد ،  
 که ساحه شرقی آریانه باشد . (شکل ۲۹)

## خط سغدی

در تاریخ آریانا ی کهن - مخصوصاً سرزمین های شمالی آن - خط سغدی نیز جای دارد، که مرکز سغدیانه شهر سمرقند بود، و زبان سغدی هم یکی از زبانهای آریایی آسیای میانه است، که با بعضی السنه مروجه این سرزمین نزدیکیها دارد.

زبان و خط سغدی بافتوح اسلامی و رواج خط عربی متروک گردید، ولی نویسندگان دوره اسلامی آنرا می شناختند، چنانچه بوریحان بیرونی در آثار الباقیه و کتاب التفهیم (۱) نامهای شهر سغدی را ضبط کرده، برخی فر هنگ نویسان هم زبان سغدی را یکی از السنه متروکه نوشته اند.

میان اوراقی که در آغاز قرن بیستم در ترکستان چین کشف شد، اسناد متعددی نیز به زبان ناشناخته وجود داشت، که به خطوط مختلف نوشته شده بود. یک سنگ نوشته سه زبانی نیز، به ترکی باستان و چینی و یک زبان دیگر در ویرانه های قره بلغسون (مغولستان شمالی) بدست آمده بود، که بعد معلوم شد، زبان سومی همانست که در بعضی اوراق مکشوف در ترکستان چین نیز بکار رفته است. در حدود سال ۱۹۳۱م در ویرانه های قلعه یی بر کوه مغ (در پنج کنت ۱۲۰ کیلو متری سمرقند) مجموعه یی از نوشته ها که روی چرم و کاغذ چینی و چوب بود بدست آمد، که در آن نام «دیواشتیج» شاه سغد و سمرقند نوشته شده و ذکر این شاه در منابع عربی نیز هست که در مقابل هجوم تازیان پایدار میگرد.

این اسناد بزبان و خط سغدیست که سکه های یی هم بدان خط یافته اند و در برخی از متون سغدی قطعات ادبی زیبا بازمانده، مانند قطعاتی از داستان رستم و قسمت های آاز کتاب کلیله و دمنه بزبان سغدی.

از جمله این متون نوشته بیست از کوه مغ (شکل ۳۰) در نه سطر که ترجمه آن چنین است:

(۱) آثار، ص ۷۰ - التفهیم ۲۳۰

۱- خداوند پنج ۲- دیوا شتیچ را ۳- هشت سال است ۴- ماه  
نیسان ۵- روز خور روز ۶- و گرفت اغو شمريك ۷- از فرماندار ۸- اوت  
۹- پوست ونیز واریاك (۱).

این خط سفدی از يك شیو و تحریری خط آرا می مشتق است ،  
ونیز احتمال می توان داد ، که اصل خط مزبور ، خط پهلوی کهن  
باشد. در خط سفدی نیز مانند پهلوی برای مصو تهای کوتاه ، نشانه  
خاصی وجود ندارد ، تنها سه حرف برای واکهای مصوت (فونیم ) بلند  
هست (۱- و - ی ) . (۲)

مادر شکل سوم پیدا یش خطوط نشان داده ایم، که چگونه الفبا ی  
آرامی منبع خطوط دیگر بوده است اکنون در (شکل ۳۱) که مقتبس از  
تاریخ زبان فارسی است ، اختلاف اشکال حروف را در خطوط مختلف  
متفرع از آرا می ملا حظه فرمایید .

۴

---

(۱) یعنی : پادشاه سر زمین پنج دبو اشتیچ در سال هشتم فرمانروایی  
خود ، در ماه نیسان و یازد همین روز ...

درستور دیگر اغو شمريك و اوت را اسم خاص شمرده اند ، و  
واریاك را یکنوع پوست پرداخته .

(۲) دکتر پرویز ناتل خانلری در تاریخ زبان فارسی ۲۷۵ تا ۲۹۴  
طبع تهران ۱۳۴۸

۲

خط و کتاب دوره اسلامی

## سوابق کتاب نویسی

مردمان قدیم پیش از اختراع کاغذ که در سنه ۱۰۵ م در چین روی داده، خطوط خود را بر مواطبیعی مستعد نگارش مانند الواح سنگ و الواح زر و سیم و بر گهاوپوستهای درختان و الواح گلی بخته و استخوانهای حیوانات و صخره های کوهی و دیوارهای اینیه بر مواد آهکی و گچی و چرمهای حیوانات می نوشتند و قدیمترین نوشته خط چینی مربوط بدوره شاهانین (۱) است که در قرن ۱۲ ق - م باشد، و بعد ازان اختراع قلم مو مطابق سنت های چینی در عصر منگ - لین (۲) پادشاه سازنده دیوار چین بوده، که در حدود ۲۱۰ ق - م مرده است. (۳)

مرکز دوم مدنیت قدیم وادی نیل مصر است، که در آن هم آثار خط و کتاب نویسی قدیم انسانی بدست آمده و کهن ترین لفاظیه بردی آن متعلق بسال ۲۴۰۰ ق، م و خط هیر و غلیفی است که آنرا با قلم Calamus تراشیده از ساقه پردر حدود قرن سوم ق، م می نوشتند، و سیاهی را از زغال آمیخته با آب و صمغ می ساختند، و برا وراق بردی کتابت میکردند. و همچنین در بقایای مدنیت آشور و بابل، الواح گلی نوشته شد مربوط ۲۵۰۰ تا ۲۰۰۰ ق، م بدست آمده، و بیست و دو هزار لوحه مکتوبه گلی از کتابخانه آشور - بانپال (۴) متعلق به قرن هفتم ق، م است. و آثار مکتوبه اوراق بردی (پاپیروس) یونان قدیم هم به قرن چهارم ق، م میرسند، و نخستین اختراع کاغذ بوسیله تسای - لون (۵) چینی در سنه ۱۰۵ م بود. است. (۶)

در هند و ایران و سفد شمال افغانستان، نیز آثار نوشته های قدیم قبل و بعد از میلاد فراوان یافته شده، و در افغانستان نیز سنت کتابت بوده است، و مانمو نه های کتیبه نویسی قدیم رادر فصول سابق نشان دادیم، و اینک دلایلی که وجود کتاب رادر ازمنه قدیم

(1) Yin

(2) Meng-L'ien.

(۳) مجله هنر و مردم طبع تهران شماره ۳۸ - آذر ماه ۱۳۴۴ ش

(4) Ashur Banipal.

(5) Tsai-Lun.

(۶) سوندال در تاریخ کتاب، ترجمه عربی ۴ تا ۳۳ طبع

قاهره ۱۹۵۸ م



در افغانستان و کشور های مجاور آن نشان میدهد:  
 بريك مجسمه او زها ريس نيتي درموزه واتیکان روم ، مطالبی نوشته  
 است که داریوشی پادشاه هخامنشی این شخص را بمصر فرستاد ، تا به  
 کتابخانه ها کتاب بدهد، و جوانان را بدانها داخل کند. (۱)  
 کتز یاس (۲) که ۱۷ سال (۴۱۵-۳۹۸ ق م ) طبیب دربار پارس  
 بود در پر سیکا (۳) گوید:

که وی کتاب خود را از روی دفترهای چرمی کتابخانه شاهی (۴)  
 ترتیب داده است .  
 در کتاب اردا ویراف نامه (۵) تا لیف (حدود قرن ۳ = قرن ۹م)  
 میگوید :

« اوستا وزند بر پوست های گاو آراسته و به آب زرین نوشته بود .  
 که اسکندر رومی پتیاره بد بخت بیدین بد کردار آنرا بر آورد و  
 بسوخت » (۶)

قراریکه در نامه تنسر (۷) ( ص ۱۱ ) و مروج الذهب و کتاب التنبیه  
 والا شراف مسعودی و تاریخ طبری آمده : این اوستای زرین خط بر  
 دوازده هزار پوست گاو نگار شده یافته بود، که فردوسی ۱۲۰۰ فصل  
 نوشته برالواح زرین گوید . (۸) و ابو منصور ثعالبی (حدود ۴۱۰ ه  
 ۱۰۱۹ م) مینویسد : که گشتا سپدر بلخ بود و زردشت کتابی با و  
 آورد، که آنرا بر پوست دوازده هزار گاو نوشتند ، و هر کلمه را در  
 پوست کنده ، قشری را از طلا در آن قرار دادند. (۹)

حمزه بن حسن اصفهانی (۳۵۰-۹۶۰م) در ایام ملوک اشکانی بعد از  
 اسکندر هفتاد کتاب را ذکر میکند. که در علوم نجوم و طب و فلسفه و

(۱) مجله هنر ۴۴، خرداد ماه ۱۳۴۵ ش.

(2) Ctesias

(3) Persica

(4) Basilikai-Difterai

پور داود - یسنا ۸۱

(5) Arda Viraf Namah

(۶) ارداویرافنامه ۲۲ د کتیر رحیم عقیقی - تهران ۱۳۴۲ ش.

(7) Tansar's Epistle.

(۸) پور داود، گاتها ۵۰

(۹) ترجمه فارسی غرر اخبار ملوک الفرس و سیر هم از محمود

هدایت ۱۱۹ طبع تهران ۱۳۲۹ ش

حراثت ( کشاورزی ) یونانی و قبطی ترجمه شده بود (۱) و هم  
ری از کشف پنجاه عدل تنبی سه بر پوستها (جلود) نوشته شده بود  
درسنه (۲۵۰ هـ) خبر میدهد، که در داخل شهر جی از بنای قدیم سارویه  
بدست آمد، و خط آنرا مردم قبلان دیده بودند و نمی دانستند که  
در چه هنگام این کتابها را در آنجا گذاشته اند (۲) و لی ابن ندیم  
نویسد:

که ابوالفضل بن عمید برخی ازین کتابها را درسنه ۲۴۰ و اندی  
به بغداد فرستاد و من بچشم خود دیدم و چندی ازان پیش شیخ ما  
ابوسلیمان اندرین وقت (۲۵۰ هـ) باقی بود. (۳)

هموی بحواله کتاب اختلاف الزیجه مترجم ابو معشر منجم بلخی  
(حدود ۲۵۰ هـ ۸۶۲ م) مینویسد: شاهان (فلات ایران) بصیانت عنوم  
و بقای آن توجهی تمام داشتند و بغرض نگهداری کتب از حوا د ک  
جوی و زمینی، اوراق پوست درخت خدنگ که آنرا توز گفتندی، برای  
نوشتن کتب برگزیدند، که از تعفن و پوسیدگی محفوظ باشند، و در  
مقابل حوادث پایداری و پابندی دارند.

چنانچه همین وسیله نویسنده کی رادر هند و چین و ممالک مجاور دیگر  
هم تقلید کردند (۴). و محمد بن عبدوس جهشیاری گوید: که مردم  
فارس برچرم، ورق (پوست نازک) نوشتندی و گفتندی که کتابها بی  
خود را برچیزی که در بلاد ما پیسند نمی شود نمی نویسیم. (۵)

کتابها بی که زردشتیان در علم نجوم و طب و طبایع بفارسی (قدیم)  
داشتند و یکی ازان کتابی بنام کشتج بود، بعد ازانکه بامر سکندر بزبان  
رومی و قبطی ترجمه کردند سوختانده شدند. ولی برخی ازان  
کتب از ترس این فعل سکندر، به هند و چین فرستاده شده بودند و  
نجات یافتند. (۶) و ابن ندیم از تاریخ اسحاق راهب نقل مینماید  
که یکی از ملوک اسکندر به شخصی را گماشت که این کتابهای علمی را باز

(۱) تاریخ سنی ملوک الارض والانبیاء ۳۰ طبع برلین ۱۳۴۰ ق

(۲) همین کتاب ۱۲۷

(۳) الفهرست ۳۳۶

(۴) سنی ملوک ۱۲۷ و الفهرست ۳۳۴

(۵) کتاب الوزراء و الکتاب ۱۳۸ قاهره ۱۹۳۸ م

(۶) الفهرست ۳۳۳ به نقل از کتاب النهمطان تألیف ابو سهل

بن نوبخت.

فراهم سازد . وی پنجاه و چهار هزار و صد و بیست کتاب جمع کرد و گفت .  
هنوز هم کتابهای سند دهند و چین و کرکان وارمن و غیره باقی مانده  
است . (۱)

این روایاتی بود درباره و وجود کتاب درازمنه باستانی در سرزمین  
سرزمین ها ، به از انجمله داستان اوستا و احراق آن بامر سکندر از نظر  
علمی ( بقول کیرشمن ) (۲) متزلزل است . ولی اگر آنرا جعل و الحاق  
هم بدانیم ، باز هم مفکوره ایجا در کتاب رادر ازمنه قدیم آشکار  
می سازد ، که برخی از اسناد مثبت تاریخی نیز موید آنست : مانند  
اسناد دوره پارتهای آریایی بدخی نژاد که خراسانیان اصیل بوده اند  
( ۲۵۰ - ۷۶ ق، م ) و این اسناد تحریری بر چرم گاو و الواح سفالی  
رنگین لعاب دار در نساو او رمان ، بزبان پارسی یعنی پهلوی شما لسی  
بدست آمده (۳) و بصورت واضح علمی وجود کتاب رادر خراسان  
قدیم ثابت میسازد و ما میدانیم که بعد از اسکندر نخستین بار کتاب  
اوستا بفرمان ولخس (۴) یا بلاش اول اشکانی پارتی ( ۵۱ - ۷۸ م )  
فراهم آورده شد . (۵) چون این آثار دوره اشکانیان را بر چرمهای  
گاو در نساو خراسان قدیم یا فته اند ، پس داستان مورخان عرب - که  
اوستا بر چرم گاو نوشته شده بود این فکر را تایید میکند ، که اوستای  
فراهم آورده عصر بلاش اول را نیز بر چرم گاو نوشته باشند .

درباره وجود کتاب در دورهای قبل از اسلام ، در سرزمین خراسان  
دلیل بسیار محکم تاریخی اینست : که در عصر امویان و عباسیان صدها  
جلد کتاب را از پهلوی و اوستا هندی به عربی ترجمه کرده اند ، و اکثر  
این کتابها به خراسان و یا کتب خانهای خراسان تعلق داشته  
است .

مثلا ابن ندیم درباره احوال سمنیه (بودائیان) و پیشوای ایشان  
بوذا سف از کتابی نقل نماید که آنرا یکنفر خراسانی نوشته  
بود . (۶)

(۱) الفهرست ۳۳۴

(۲) Ghirshman ایران از آغاز تا اسلام ۲۷۲ ترجمه دکتور معین - تهران

۱۳۳۶ ش .

(۴) Vologeses

(۳) اشکانیان ، م دیاکونوو

(۵) پورداود - گاتها ۵۱ بحواله دینکرت .

(۶) الفهرست ۴۸۴

در سنه ۲۰۷ هـ ۸۸۳ م راجسه مهر وگ کشمیر و پنجاب به حا کم منصوره امیر عبدالله نوشت که شخصی را بحضور م فرست که بزبان هندی احکام اسلامی را بما آموخته بتواند. وی يك مرد هوشیار و شاعر مسلمان خراسان را که چند زبان هندوستان دانستی پدر با ر راجه فرستاد و بخوا هش ا و قرآن عظیم را بزبان هندی ترجمه کرد . (۱)

در دربار کابلشاهان نیز تأ لیف کتاب رواج داشت ، چنانچه بقول البیرونی یکی از علمای در بار کابلشاه اخیر اند پاله بن جیه پاله که او گره بوت نامداشت و مودبشاه بود ، کتابی را در علوم نجوم بنام شکمت پرت تأ لیف کرده بود (۲) .

همین البیرونی می نویسد : که نسب نامه کابلشاهان که قر نها برین جا حکمرانده اند ، بر دیبایی نوشته شده و در قلعه نغر کوت محفوظ بود ، و من میخواستم آنرا ببینم ، ولی بنابر علی موفق نشدم . (۳)

از کتابهای قدیمی که درین سر زمین خبر داریم کتابی بود نزد خیزر بن کاوس مشهور به افشین یکی از نجیب زادگان اسرو سنه ماوراء النهر قاید معروف لشکر ی عصر معتصم عباسی (۲۱۸-۲۲۷ هـ = ۸۳۳ - ۸۴۱ م) که در در بار بغداد قدرت و نفوذ فراوان یافته بود و عاقبت هدف دسایس در باری و رقابت رجال آن عصر گردید و به تهمت بیدینی و زندقه محاکمه شد و او را در شعبان (۲۲۶ هـ = ۸۴۰ م) بکشتند و جسدش را سو زانیدند و بدجله افگندند .

در اثنای استنطاق و محاکمه ، یکی از علل اتهام او کتابی مذهب و مرصع گوهر نشان بود ، که در خانواده او از اجدادش باقی مانده بود و خواندن آنرا دلیل کفر و بی دینی او شمرده و حکم بقتل او دادند و طبری که صورت محاکمه و سوالهای هیئت محاکمه را به تفصیل آورده ،

---

(۱) عجایب الهند از بزرگ بن شهریار حدود ۳۰۰ هـ ۹۱۲ م طبع لیدن .

(۲) کتاب الهند ۱۰۵

(۳) کتاب الهند ۳۴۹

در باره این کتاب گوید: محمد بن عبدالملک زیات وزیر که رئیس این هیئت استنطاق بود از او پرسید: این کتاب بیکه به طلا و جواهر و دیبا آراسته بی و حاوی کفر بخداست چیست؟ افشین جواب داد: این کتاب از پدر بمن میراث مانده و در آن برخی از ادبیات عجم ضبط گردیده است که من فقط از بهره ادبی آن تمتع می برم و غیر از آن بکلمات کفریه آن غرضی ندارم چون در سابق آراسته و پیراسته بود، حاجتی بدفع پیراستگی های آن نداشتم و برحالت سابق آنرا ماندم، مانند کتاب کليلة و دمنه و کتاب مزدك که در خانه تست و این دلیل خروج من از اسلام نیست (۱).

طبری گوید که در کتابخانه افشین کتابهای فراوان یافتند، که در آن کتاب مجوس و بسا کتب دینی بود که وی داشت. این کتاب آراسته و پیراسته را در ادبیات دری «دفتر افشین» یا «گوهر افشین» گفته اند. مختاری غزنوی (حدود ۵۰۰ هـ ۱۱۰۶ م) گوید:

گر بدیدی هنر بذله پر گوهر تو

گوهر دفتر خود بر فشاندی افشین (۲)

از آثار بسیار مستند نمونه قدیم کتاب در افغانستان، اوراق پوست درخت کتابیست که در بامیان در سنه ۱۹۳۰ م در حصص شرقی هیکل ۳۵ متری بود از طرف موسیو ها کن کشف شد و موسیو سیلون لوی آنرا در شماره مارچ ۱۹۳۲ م ژورنال از یاتیک نشر داد و آنرا رسم الخط عصر کوشانی قرن ۳-۴ و نوشته های عصر گوپتا قرن ۷-۸ م و برخی بخط ختنی شمرد، که زبان آن سنسکریت است و نوشته قدیمترین آن بقرن سوم تعلق دارد، که تا قرن ۸ م میرسد، و بعقیده موسیو سیلون لوی در کتابخانه این معبد قدیم بودانی این کتابهای پوست درخت موجود بود، که آنرا در خود بامیان نوشته و یا از کتابخانه های دیگر باین کتابخانه نقل داده باشند و برخی ازین نوشته ها قطعات کوچک رساله های «ابهی دهر مه» متعلق به مذهب

(۱) طبری ۱۰ ر ۳۶۵

(۳) دیوان مختاری ۴۳۷ طبع جلال همائی - تهران ۱۳۴۱ ش

بزرگ بودایی (۱) است که مانند آن از گلگت هم بدست آمده است ، ولی در بین این پارچه های کتب خطی برخی از صفحات کتاب وینایا (۲) نیز موجود است که بمذهب کوچک بودایی (۳) تعلق دارد برسم الخط گوپتا (۴) و سنسکریت باشد ، و چون از کتاب وینایا تنها ترجمه چینی باقی مانده و اصل سنسکریت آن در بین نیست ، بنابراین کشف این پارچه های سنسکریت ازین کتاب خیلی اهمیت دارد ، و اینک ما نمونه های خط این کتب قدیمه کتابخانه بامیان را در ینجامی آوریم (عکس ۳۲) که اصل آن در موزه کابل موجود است .

در ماه حوت ۱۳۴۸ ش هیئت باستان شناسی افغانی ضمن حفریات تپه شترهده (مرکز هنر گندهارا) در ننگرهار شرقی افغانستان ، در مجموعه ستوبه های قدیم بودایی مجسمه بودایی را یافت که سر آن شکسته است . بر پشت این مجسمه يك مجموعه کوچک تعویذ مانندی از پوست خرمای بهم پیچیده دیده میشود ، که باز کردن آن از هم دیگر و کشف محتویات آن به توجه دقیق علمی نیازمند است و احتمال میرود نوشته یی در بین آن باشد .

۴

- 
- (1) Maha Yana
  - (2) Vinaya
  - (3) Hina Yana
  - (4) Gupta

## خط و کتاب در عصر اسلامی

سنت کتاب نویسی و تاسیس کتابخانه ، از ادوار قبل اسلام به عصر بعد از فتوح اسلامی نیز انتقال کرد، و از وجود کتابخانه های بزرگ ازین وقت خبر هایی داریم . مثلاً ابن طیفور احمد بن طاهر که از سلاله ملوک خراسان بود (۲۰۴-۲۸۰ هـ = ۸۱۹-۸۹۳ م) یکی از مولفان قدیم خراسان بشمار میرود ، که ابن ندیم ۴۸ تالیف او را ذکر کرده است (۱) وی در تاریخ بغداد روایت میکند : که عتابی شاعر معروف دوره عباسی (متوفی ۲۰۸ هـ ۸۲۳ م) گفت : که برای نقل گرفتن کتب عجم در خزانه کتب مرو بودم و این خزانه از عصر یزدگرد تاکنون قائمست و در کتب عجم معانی موجود است . لغت از ما و معانی از یشانست (۲)

عتابی سه بار به بلاد عجم سفر کرد و کتب خزانه مرو و نشاپور را بخواند و در تالیفات خود از آن کتب سود برد ، و بدر بار عبدالله بن طاهر پوشنگی پرورده شده (۳) و این خبر بخوبی میرساند که کتابخانه های بلاد خراسان بوجود کتب فراوان قدیم غنی تر بوده اند.

در آغاز ورود اسلام (قرن هفتم میلادی) مردم ولایات شمالی و شرقی افغانستان بشمول بامیان-کاپیسا-کابل-لغمان-ننگرهار-گندهارا تا تکسیلادین بود ایی داشته و کتب دو مذهب کبیر و صغیر بود ایی رواج داشت و هنگامیکه هیون-تسنگ در سال ۶۳۰ م این ولایات را می دید ، وی از شش سلسله کتب دینی ذکر میکند ، که اگر کسی همین شش دوره کتب را میخواند آنوقت بمرتبه بلندتر علمی میرسید که برای سواری خود فیلی با بدرقه یی (۴) همراه داشت و محفلی را برای مباحثه تشکیل داده میتوانست (۵)

(۱) الفهرست ۱۴۶

(۲) ضحی الاسلام ار ۱۸۰ بحواله تاریخ بغداد ابن طیفور ۷ ر ۱۵۷

(۳) برو کلمن در تاریخ ادبیات عرب ۲ ر ۳۶

(4) Surrounding Escort

(5) Si-Yu-Ki 2/137 Calcutta 1958

پس مطابق بهمین روایات عربی و چینی میگوئیم : که سنت کتاب نویسی و کتابخانه در افغانستان غربی و شرقی از ازمئه قبل الاسلام بعصر اسلامی انتقال کرده بود و از کتب قدیمی که در خراسان تالیف شد، یکی **اخبار ماوراء النهر** است که مؤلف آن خراسانی بود و هم ابن ندیم کتاب **اخبار خراسان** قدیم را بخط مرد خراسانی دیده بود . ووی از کتاب دیگری که در شرح ملل و ادیان هند تالیف شده و نسخه آنرا در محرم ۲۴۹ هـ نوشته بودند خبر میدهد و گوید : که یحیی بن خالد برمکی بلخی شخصی را برای آوردن عقاقیر بهند فرستاد و ضمناً مرداد : که درباره ادیان هند هم اطلاعاتی فراهم آورد و این مرد همین کتابرا نوشت . ( ۱ )

چنانچه گفتیم در آغاز قرن هفتم در افغانستان رسم الخط های یونانی - شره دانا گری - براهمی و بهلوی مروج بود، ولی با آغاز فتوح اسلامی ( نصف اخیر قرن هفتم ) رسم الخط عربی که قرآن به آن نوشته میشد ، از طرف غرب به خراسان رسید و به مرور سه قرن تمام رسم الخط های سابقه و ادیان قدیم ، جای خود را بدین اسلام و خط عربی گذاشتند .

### رسم الخط عربی :

مادر شکل ۷ نشان دادیم ، که خط عربی مأخوذ از خط نبطی متاخر و از ریشه آرامی است که در قرن پنجم رواج داشت و نمونه قدیمتر این خط بر لوحه بنای کنیسیایی در مخروبه زبد بین قنسیرین و در یای فرات یافته شده، که تاریخ آن ۵۱۱ م باشد . و بزبان یونانی و سریانی نیز نامهای بانیان کلیسا نوشته شده است ( شکل ۳۳ ) و در آغاز آن کلمه ( الاله ) عربی و نامهای شرحو - سعدو - سترو - شریحو د یده میشود .

اما خط بسیار شبیه به عربی در حران شمالی جبل دروز شام بر سنگی بالای درب کلیسا بزبان یونانی و عربی موجود است ، که تاریخ آن سنه ۵۶۸ م است ( شکل ۳۴ ) و خوانش آن چنین است : «ناشر حیل بن ظلمو (ظالم) بنیت ذالمطول سنت (سنه) ۴۶۳ بعد مفسد خیبر بعم (بعام) ، این نوشته نزدیکترین خطی است به



خطوط عربی قرن اول هجری (۱) و روشن میسازد که خط عربی پنجاه سال پیش از هجرت چلو نه بوده است .

چون کتیبه قدیمتری بعلم نبطی متاخر و شبیه به عربی بر مدفن امری القیس بن عمرو ملك حیره در شماره درسنه ۲۲۸م نوشته شده ، بنا برین مستشر قان ، زمان پیدایش خط عربی قدیم را بین سال ۲۲۸ و ۵۱۱ در قرن چهارم و پنجم میلادی در شبه جزیره طور سینا میدانند . (۲)

در عصر نبوی خط عربی با همان سادگی ابتدائی خود باقی بود ، که نمونه های کهن تر عصر اسلامی آن در فرامین حضور پیامبر بنام ملوک موجود است و از آن جمله نامه مبارک نبویست بنام نجاشی ملك حبشه که دم دنلوب مستشرق سکا تلندی اصل آنرا یافته و در مجله آسیایی شاهی انگلستان (جنوری ۱۹۴۰م) نشر داد (شکل ۳۵) نامه مبارک دوم به مقوقس عظیم قبط است که در کلیسای اخمیم صعید مصر بدست آمده و در مجله الهلال قاهره در ۱۹۰۴م طبع شده (شکل ۳۶) - سوم نامه آنحضرت است به منذر بن ساوی (شکل ۳۷) که از دمشق بدست آمده و در مجله مستشرقین آلمان ZDMG جلد ۱۷ سال ۱۸۶۲ انتشار یافته (۳) و علاوه از این دو کتیبه عربی در جنوب کوه سلع مدینه موجود است که بهمین نوع خط «نا علی بن ابوطالب» و نامهای پیامبر و ابو بکر و عمر نوشته شده و هم کتیبه یی از حضرت عمر در آنجا دیده میشود (۴) از نوشته های عصر نبوی قرآنی بود بخط حضرت علی ، که برخی از اوراق آن ضایع گشته و تا حدود قرن چهارم هجری در خاندان امام حسن باقی بود و خود ابن ندیم آنرا نزد ابویعلی حمزه حسنی دیده بود (۵) قدیمترین نوشته سنگی عربی که تا کنون بدست آمده ، لوحه سنگ مزار یست در موزه قاهره ، که درسنه ۳۱ هـ ۶۵۱ نقر شده ، و خط آن هم همان نسخی ممز و ج به کوفی نامزین است (شکل ۳۸) که آنرا چنین خوانده اند :

- (۱) تاریخ اللغات السامیه ۱۹۱-۱۹۴ دکتور اسرائیل و لفسون  
- قاهره ۱۹۲۹م (۲) همین کتاب ۲۰۱
- (۳) الوثائق السیاسیه از دکتور محمد حمید الله حیدر آبادی طبع قاهره  
۱۹۵۶م ص ۴۵-۷۲-۸۱
- (۴) همین کتاب ، مقدمه و ۳۰۲ (۵) الفهرست ۴۲

- سطر اول : بسم الله الرحمن الرحيم هذا القبر  
 سطر ۲ : لعبدالله بن خیر (جبر؟) الحجری (الحجازی؟) اللهم اغفر له.  
 سطر ۳ : وادخله فی رحمة منك وآنعامه  
 سطر ۴ : استغفر له اذا قراء هذا کتب ( الكتاب )  
 سطر ۵ : و قل امین وکتب هذا  
 سطر ۶ : لکتب (الكتاب) فی جمادی (جمادی) الا  
 سطر ۷ : خر (الآخره) من سنت (سنة) احدی و  
 سطر ۸ : ثلثین (وثلاثین) (۱)

کتیبه دیگر قدیمتر در قبه صخره بیت المقدس در سال ۷۲ هـ ۶۹۱ م کشف شده (۲) وهم بر اوراق بردی Papyri مصر نوشته های عربی با خط یونانی موجود است که در عصر ابو العباس الولید بن عبدالملك خلیفه اموی (۸۶-۵۹۶ = ۷۰۵-۷۱۵ م) بر پوست درخت بردی نوشته شده و عبارت از بسمله و کلمه توحید است و بخط یونانی ترجمه آن بانام عبدالله الولید امیر المومنین  
 Abdela Alovlit Amiral Moyminin

نوشته شده است (۳) و خط عربی آن ممزوجی از کوفی و نسخی متمایل به تویق است ، و ازین هم پر می آید که در اواخر قرن اول هجری (اوایل قرن ۸ م) همین همیوه ممزوج نسخی و کوفی رواج داشته است (شکل ۳۹) و نمونۀ دیگر آن بر سنگ علامت فاصله Mile Stone ۱۰۹ میلی دمشق موجود است که در عصر

عبدالملك بن مروان (۶۵-۸۶ هـ) آنرا نوشته اند. (۴) (شکل ۴۰) از نوشته های خط عربی یکی آنست که در خزانه المامون کتابی بخط عبدالمطلب بن هاشم در جلد چرمی موجود بود، و خط آن به خط زنان می ماند . و این مطلب را ابن ندیم از کتاب مکه تالیف عمر بن شبة Umar Bin Shabba متوفا ۲۶۲ هـ = ۸۷۶ م نقل کرده ، که یک نسخه این کتاب بر این خط همین مولف خود ابن ندیم

(۱) تاریخ اللغات السامیه ۲۰۳

(۲) همین کتاب ۲۰۴

(3) Arabic Papyri by Adolf Grohmann 1/11 Plate 1

(4) Muslem Calligraphy by M. Ziauddin Calcutta 1936.

دیده بود (۱) و ازین برمی آید که در قرن اول پیش از اسلام ناقصون سوم نوشتن کتابها بهمین خط رواج داشت و مراد از خط زنانسه شاید تحریر بدوابتدایی آن باشد (۲) و ما از قول البلاذری میدانیم که زبان عصر نبوت خط مینوشتند که از آن جمله شفاء Shaffa بنت عبدالله عدویه از قبیله عمر بن خطاب در عصر جا هلیت هم ثابت میگردد، و حفصه زوجه پیامبر ازو خط آموخت (۳).

نسخ خطی زیاد قرآن بخط کوفی قرن ۲-۳ ه منسوب به ائمه اسلامی اند مثلاً: ۱- جزو قرآن منسوب به خط حضرت عثمان ۲- جزو قرآن منسوب بخط حضرت علی ۳- جزو قرآن منسوب بخط حضرت علی ۴- جزو قرآن منسوب بخط امام حسن (هرچهار در کتابخانه خطی کابل برچرم آهو) (شکل ۴۱-۴۲-۴۳-۴۴) ۵- جزو قرآن برچرم آهو بارقم کتبه علی بن ابی طالب ۶- جزو قرآن دارای رقم کتبه حسن ابن علی ابن ابی طالب فی سنه احدی از بعین . ۷- جزو قرآن بارقم کتبه حسین ابن علی ۸- جزو قرآن بارقم کتبه علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب ۶- جزو قرآن بارقم کتبه علی بن موسی (هر پنج در کتابخانه مشهد برچرم آهو) (شکل ۴۵)

اگرچه این نسخ قرآن در همین عصر به خط ائمه کرام منسوبند، ولی خط آن بابقایای خطوطی که از قرن اول اسلامی باقیست مطابقتی ندارد، و چنین نوشته‌های دیگر قدیم هم موجود بود، چنانچه سبط ابن جوزی گوید: که یهودیان نامه‌ی از حضرت محمد بخط حضرت علی نوشته سال ۷ هـ ۶۲۸ م بدر بار خلیفه بغداد آوردند، که مبنی بر معافی یهود از ادای جزیه بود (۴) و هم یک عهدنامه منسوب به حضرت علی بایهودیان، در اصفهان موجود بود، که مجعول بودن آن از روی خط کوفی و سطور نسخی ثلث نما و هم از وضع انشاء سست و رکیک آن که غلطی‌های فراوان نحوی دارد ثابت است (۵) (شکل ۴۶)

(۱) الفهرست ۷-۱۶۳

(۲) سبک شناسی بهار ۱۳۳۷ ش ۹۵ طبع تهران

(۳) فتوح البلدان ۵۸۰

(۴) سرروی آرت پر شیا ۱۷۱۸ بحواله مرآة الزمان ۳۰۰ نسخه خطی موزه برتانيا .

(۵) بیست مقاله قزوینی ۱۳۱۱ طبع بمبئی ۱۳۰۷ ش و مجله ایران شهر

۴۲۹۴ طبع برلین ۱۳۰۵ ش .

ابن ندیم نوید: که نائبی بنا مسعد، مصاحف و شعر و اخبار ز :  
برای وید بن عبدالملک می نوشت (حدود ۶۰ هـ ۷۰۸ م) وهم اوست که  
نوشته های ایات سمت قبله مسجد نبوی را به خط زرین نوشته  
بود (۱)

در پرورش خط عربی دست مردم خراسان قدیم (افغانستان کنونی)  
بیز سهیم بوده است، مثلاً خاندان برمکیان بلخی به تهدیب و پرورش  
خط و حطاطان توجهی داشته اند، وحنی اریحیی بن خالد برمکی (متوفی  
۱۹۰ هـ ۸۰۵ م) اقوالی در دستاویز خود نویسی مروی است (۲) و در  
عصر عباسیان یک فلم خاصی بنام (الر یاسی) شهرت یافت که  
پرورنده آن وزیر معروف خراسان فصل بن سهل ذوالر یا ستین  
(حدود ۲۰۰ هـ ۸۱۵ م) بود، که در همین سال به همین خط در مروسکه  
زده است. و ابن ندیم نوید: که خط ریاسی یکی از زیباترین خط ها  
بود، و ازان اقلام دیگر بنام خط ریاسی تبیر و ریاسی متوسط و قلم  
لنت و محقق و منشور و وحشی و رفاغ و مذاتبات و غبار و نر جس و بیاض  
برآمد (۳)

از مطالعه این اسناد چنین برمی آید: که خط عربی از شکل ابتدایی  
سخنی شکسته در اوایل فر ردوم هجری (۶ م) آهسته آهسته به کوفی  
نزدیکتر گردید و «سبک عرافی» که آنرا محقق و وراقی گفتندی در  
عصر عباسیان بوجود آمد، و کاتبان و در بار یان مامون به جودت خطوط  
پرداختند، و مردم به آن تفاخر کردند، تا که از دستگاه برمکیان  
(بلخی) خطاطی بنام احمد بن خالد حول برآمد، و دستایر و قوا نیسن  
خط نویسی را ترتیب نمود و بصورت عمومی (۲۴) قلم بسو جود  
آمد. (۴)

رواج خط عربی (سخنی - کوفی) و یامزوج هر دو در خراسان از روی  
اسناد کتبی یعنی مسکوکات و سنک نبشته های باقیمانده چنین شرح  
میشود:

(۱) الفهرست ۱۰

(۲) ادب الکتاب الصولی ۴۱ طبع قاهره ۱۳۴۱ ق

(۳) الفهرست ۱۳

(۶) همین کتاب ۱۲-۱۳

۱- مسکوکات : امرای مسلمان در نصف اول قرن اول هجری بر مسکوکات روم و فارسیان بنام خود سکه زده‌اند ، چنانچه خالد بن ولید در سنه ۱۵ هـ ۶۳۵ م به تقلید سکه رومی بانشان صلیب بحروف یونانی و شکل عربی در طبریه سکه زد و هم معاویه بر حاشیه دینار - های فارسیان که شکل شاه فارس و آتشکده دارد بسم الله و نام خود را ضرب کرد، و بعد ازان در سنه ۲۸ هـ در قصبه هرثک طبرستان سکه خط عربی ضرب شد. و هم عبدالملک بن مروان بین سنه ۶۵-۸۶ هـ دینار های دمشق را تنها به خط عربی ضرب و رواج داد ، که از جمله یکی بخط نسخی کوفی آمیز در سنه (۷۳- هـ ۶۹۲ م) در دمشق ضرب شده است (۱) و بر همین سنت در عصر خلفای اموی و عباسی برخی از امرای عربی در خراسان و سیستان سکه زده‌اند، ازان جمله مسکوکات و الیان خراسان حمید بن قحطبه طایبی ۱۵۱ هـ ۷۶۸ م و عبدالملک بن یزید خراسانی (۱۵۹ هـ ۷۷۵ م) و جعفر بن محمد (۱۷۱ هـ ۷۸۷ م) و علی بن عیسی (۱۸۰ هـ ۷۹۶ م) و هرثمه بن اعین (۱۹۱ هـ ۸۰۶ م) و غسان بن عبید (۲۰۲ هـ ۸۱۷ م) موجود است (۲) و هم درهم غطریفی در سنه ۱۸۵ هـ ۸۰۱ م در کوشک ماخک بخارا بنام غطریف بن عظامای هارون الرشید ضرب شده بود (۳) و مادر موزه کابل سکه هایی بهمین خط عربی نسخی کوفی آمیز داریم که در سنه ۹۰ هـ ۷۰۸ م در کرمان و مرو و در سنه ۱۱۷ هـ ۷۳۵ م و ۱۳۲ هـ و ۱۸۲ هـ ۷۹۸ م و ۱۸۵ هـ ۸۰۱ م و ۱۸۷ هـ ۸۰۲ م در بلخ و در سنه ۱۹۳ هـ ۸۰۸ م در هرات و در سنه ۱۸۶ هـ ۸۰۲ م در زرنج و در سنه ۲۰۶ هـ ۸۲۱ م در هرات و در سنه ۲۱۷ هـ ۸۳۲ م در گزه (جزق سیستان) و در سنه ۲۰۱ هـ ۸۱۶ م در سمرقند ضرب شده‌اند (۴) ولی از تمام نوشته های این مسکوکات روشن می‌آید ، که در اواخر قرن دوم هجری (۹ م) خط شکسته ممزوج نسخی کوفی آمیزه طرف کوفی خالص متمایل است، چنانچه بر سکه فضل بن سهل ذوالرباستین که در سنه ۲۰۰ هـ ۸۱۶ م

(۱) تاریخ التمدن الاسلامی ۹۸ جرجی زیدان طبع قا هره ۱۹۰۲

(۲) ز مبان در معجم الانساب ۷۷

(۳) تاریخ بخارا ۴۴

(۴) فهرست مسکوکات اسلامی موزه کابل طبع دمشق ۱۹۵۳ م

در مرو ضرب شده دیده میشود (۱) و هم از طرف شاهان اسلامی ماوراء -  
النهر مسکوکاتی بخط کوفی ضرب شده، که از آن جمله سکه سا یسر  
بن عبدالله شاه اسرو سنه (۲۸۰ هـ) نصر بن علی ایلك است و بر آن  
نوشته اند: (ضرب هذا الفلوس بفرغانه سنه ست وتسعين وثلثمائة) (۲) ۳۹۶  
از ملوک خراسان سکه های طاهر بن حسین (۲۰۵ هـ) و طلحه بن  
طاهر (۲۰۷ هـ) و عبدالله بن طا هر (۲۱۳ هـ) و طاهر بن عبدالله (۲۳۰ هـ)  
و محمد بن طا هر (۲۴۸ هـ) شاهان آل طاهر خراسان موجود  
است (۳) و همچنین از شاهان زرنج سیستان سکه های یعقوب بن لیث  
(۲۵۴ هـ) و عمرو بن لیث (۲۶۵ هـ) و طاهر بن محمد بن عمر و (۲۸۹ هـ)  
و لیث بن علی لیث (۲۹۶ هـ) و احمد بن محمد بن خلف (۳۲۰ هـ)  
و از سامانیان بلخی سکه های احمد بن اسد (۲۰۴ هـ) و  
اسماعیل بن احمد (۲۷۹ هـ) و احمد بن اسماعیل (۲۹۵ هـ) و نصر بن  
احمد (۳۰۱ هـ) و غیره، و از آل بانيجور بلخ و اندراب و بامیان سکه  
های داود بن عباس (۲۳۲ هـ) و محمد بن احمد بن بانيجور (۲۶۰ هـ) و احمد  
بن محمد بن احمد (۲۷۹ هـ) و احمد بن جعفر بن احمد (۳۷۲ هـ) و از آل  
فریغون جوزجان سکه ابو نصر محمد بن فریغون (۳۷۷ هـ) و از  
امرای اندراب سکه مکتوم بن حرب (۳۵۹ هـ) و سهلان بن مکتوم  
(۳۶۵ هـ) و از غزنویان قدیم سکه های سبکتگین (۳۶۷ هـ) و آلپ تگین  
(۳۵۱ هـ) موجودند، که از مسکوکات قدیم دوره اسلامی در خراسان بخط  
عربی کوفی شمرده میشوند. (۴) و رواج کامل خط کوفی را در افغانستان  
روشن و مدلل می سازند.

## ۲- سنگ نبشته ها :

از روی منقورات سنگی قدیم که در شرق افغانستان و وادی سنند  
تا کنون بدست آمده، چنین معلوم میشود : با وجود یکه نفوذ خط  
کوفی در حدود ۲۰۰ هـ ۸۱۶ م در قلب خراسان ثابت است، ولی

(۱) سروی آرت پرشیا ۱۷۱۷-۱۴۸۰

(۲) مجله باستان شناسی شوروی عدد ۳ سال ۱۹۶۸ م ص ۲۲۴ طبع

مسکو.

(۳) زمباور در معجم الانساب ۲۹۹

(۴) همین کتاب در صفحات متعدد.

در همین اوقات در اراضی شرقی یعنی وادیهای پختیا و گومل و کورم تادریای سند خطی رواج داشت که شبیه تر بانوشته های نسخی شکسته و ابتدایی فرا مینبوی و کتیبه های جبل سلع مدینه و اوراق بردی مصر است .

مثلا بر کتیبه های وادی توچی (شکل ۲۰ ر ۲۴) مربوط او ا سسط قرن نهم، که ذکر آن گذشت، خط نازیبا یا نامهندب نسخی شکسته دیده میشود ، در حالیکه همین خط عربی بشکل زیبا و مهندب متمایل به کوفی در کتیبه مسجد بمپور (شکل ۲۸) در سنه ۱۰۷ هـ ۷۲۵ م موجود است و ازین برمی آید که نفوذ خط کوفی به وادی سند پیشتر از وادیهای شرقی افغانستان رسیده بود .

## افزایش جنبه هنری و تزئینی در خط

خط از مظاهر اجتماعی زندگی انسانیست و مانند دیگر مبادی حیاتی با حرکات سیاسی و اقتصادی و روحی دستخوش تحول و ارتقا است .

در آغاز زندگانی کوچی و روراعتی و تشکیل مراتب ابتدایی ملوک طوایف ، همواره خط بحیثیت یک ضرورت ساده انسانی مروج می باشد ، ولی در هنگام نضج و اقتدار سلطنت این پدیده اجتماعی و مدنی انسانی مانند هنر های دیگر مقام هنری را احراز می نماید . و در صف هنرهای زیبا قدم می نهد .

ملت های آریایی نژاد آسیای وسطی ، سوابق در خشان مصوری و نقاشی برابنیه و کتابها داشتند و نظایر آن بردیوار های نگارین بامیان و هده و تپه سردار غزنه و آلبوگرام و پشاور و غیره در بقایای دوره بودایی افغانستان در مدت ده قرن نمایان است ، و هم بر بقایای ابنیه مکشوفه از پنج گنت و سمرقند دیده میشود .

در خطوط ابنیه دوره هخامنشی ایران استعمال رنگ و تزئین را یافته اند و چنانچه گذشت در کتب زردشتی گویند که اوستا بر پوست گاو بخط خوش طلا نوشته شده بود . آثار دینی مانوی نیز نگارین و مصور بود و مورخان دو رگ اسلامی مانند ابن مقفع و البلاذری و ابن ندیم و ابن قتیبه و الصولئی و ابن درستی به از بسا آثار هنری خطوط و کتب مصور خوشخط خبر میدهند . ( ۱ )

هنگام تشکیل خلافت عباسی در اواسط قرن ۸ م که عربها از دریای نیل تاکنار های سند بر مملکت وسیعی حکم میراندند و هموار بست هنری بینزانتین *Byzantien* و ایران و هنر گندهارا و سفند و مانیان بایشان رسیده بود ، حتما از دیدن ابنیه عالی نگارین و کتب و مواریث هنری این ملل متأثر می شدند . ابن ندیم و طبری و مسعودی از ارسال بتان زیبا بامیان و کابل و داور و بست که بجواهر مرصع بودند ، بدر بار بغداد خبر میدهند ، که مدتها این بتان را برای تماشای مردم در قصر خلیفه و بعد ازان سه روز در اداره مرگزی پلیس بغداد به نمایش عامه گذاشته بودند ( ۲ )

(۱) سروی آرت پرشیا ۱۷۰۹ (۲) الفهرست ۴۸۶ و مروج الذهب ۴ ر ۲



که مورد تعجب و دلچسپی مردم بود و آنرا مثل مسلمانان قرن اول اسلامی نمی شکستاندند .

چون مسلمانان بموجب روایات دینی خود نمی توانستند ، صورتهای انسانی را در معابد خود نقش کنند ، بنا برین برای تزئین مساجد از هنر خطاطی و نقاشی اشیای بیجان بر دیوارها و ابنيه دینی خود کار گرفتند ، و این حرکت هنری ساختن خط از همان اوایل دوره عباسیان و اواسط قرن ۸ م آغاز شده بود . زیرا عوامل اقتصادی این دوره نضج فیودالیزم تماما مساعد پرورش این هنر بود .

در پرورش این هنر چنانچه گفتیم باز دست مردم خراسان سهیم بود ، زیرا یحیی برمکی ( متوفی ۱۹۰ هـ ۸۰۵ م ) به خطاطی علاقمندی فراوان داشت و او بزرگترین خطاط در بار مامون احمد بن ابوالخالد حسو لرا پرورش داد ، که برای خط عربی قواعدی را تر تیب کرد و خطوط او بسیار زیبا و دلکش بود . و همچنین وزیر دیگر خراسانی فضل بن سهل سر خسی بخطاطی توجهی داشت چنانچه در عصر او قلم الریاسی رواج یافت که مبدأ لث و محقق و رقاع و غبار و غیره گردید (۱) .

توجه به تهذیب خط عربی و هنری ساختن آن ، بعد ازین فراوان گشت و ابن قتیبه ( متوفی ۲۷۹ هـ ۸۸۹ م ) گوید که خطاطان میکوشیدند تا خط زیبا را با حروف قوی درست بویسند (۲) . و الصولی و ابن درستویه در قرن دهم در کتاب الکتاب مقاصد و قواعد خطاطی و اصول استیتک آنرا شرح دادند ، و ابوبکر الصولی که ادب الکتاب را در ۳۲۵ هـ ۹۲۷ م نوشت گوید : که خطوط احمد احو ل را که به قسطنطنیه از طرف مامون فرستاده شده بود بر در ب صومعه آویخته بودند (۳) تا زیبایی آنرا تما شاکنند ، و خلیفه المعتمد در او اخر قرن نهم نامه یی با امپراتور بیزنتین فرستاد آنقدر زیبا و خوشخط بود که امپراتور گفت : « بر هیچ چیز ی از عرب رشک نمی برم جز این خط زیبا (۴) »

(۱) الفهرست ۱۳

(۲) ادب الکتاب ۲ طبع لیدن ۱۹۰۰ م

(۳) ادب الکتاب ۴۵

(۴) همین کتاب ۴۵

خط عربی کوفی تزئینی در اروپا نیز بواسطه مسلمانان فاتح اسپانیا از راه فرانسه نفوذ کرد و در کتیبه های تزئینی ابنیه جسلی گرفت و حتی بردیوار های ابنیه دینی و صوا مع مسیحی در ایتا لیا و اسپانیا و فرانسه ، آیات قرآنی را نیز بغرض تزئین بخط زیبای عربی نوشته اند. درپ کلیسای بزرگ سنت پیتر St. Peter

نیز بچنین نوشته آراسته بود ، ولی بعد از آن آنرا ممنوع قرار دادند (۱) و اینگونه تأثیر های هنری اهمیت تاریخی خود را از دست نداده و ارزش تزئینی آن در موزونیت Rhythm و تقارن

Symmetry اشکال آن نهفته است (۲) که تأثیر های آن در هنر تزئین ابنیه انگلستان هم نمایان باشد ، و بقول بر گسی

M.S. Briggs این تأثیرها از راه فرانسه بانگلستان نیز نفوذ کرده بود . و پرو فیسر لیتابی Lethaby آثار آنرا بر طاقچه های پشت محراب Retables و اکثر کلکین های کلیسای و یست منستر Westminster در هنر تعمیری انگلستان نشان داده است . (۳)

و حتی تأثیر هنری خط کوفی بدرجه پی بود که پادشاه مسیحی مرسیا Mercia بنام اوفاف Offa (۷۵۶-۹۱۷ م)

سکه خود را بدین خط زده بود ، و بر صلیب پرونزی آیرلندی در قرن نهم میلادی بسم الله بخط کوفی نگاشته میشود ، و هم در ایتالیا بر شیانه رامست تصویر حضرت عیسی خط کوفی نمایان است . (۴)

در عصر خلفای عباسی خط عربی از حالت ساده نسخی خود برآمده بوضع بسیار دلکش تزئینی و هنری کوفی متمایل گشت که یک نمونه این تهذیب نخستین اسطر کوفی مهناب ، بین نقاشی زیبا بر کتیبه مرمرین مسجد المهدی بغداد در ۱۵۵ هـ ۷۷۱ م موجود است ، و برخی نظا یر آن که متعلق به ۱۷۵ هـ ۷۹۱ م یا ۱۹۵ هـ ۸۱۰ م باشد در دربند رباکو از طرف خانیکوف Kankoff کشف شده است (۵) و درخرا سان هم در حدود ۳۰۰ هـ ۹۱۲ م آنگار

(1) S.P. Scott's History of the Moorish Empire III 29

(2) E. Herzfeld, Encyclopaedia of Islam 1-364, 365.

(3) The Legacy of Islam 178

(۴) همین کتاب ۱۱۴ و ۱۵۴

(۵) مسلم کالگرافی ۲۱ از قدیم ترین نمونه این خط نسخاقرآنیست

در موزه دمشق که بقول دکتر صلاح الدین منجد در سنه ۲۶۷ هـ نوشته شده است .

وعلايم كوفي بسيار خو شخط دیده میشود ، که از انجمله يك پا رچه ابريشمين بسيار نفيس مصور و منقوش خراسانی موزه لو ورپاریس است، که بران کلمات (عزو اقبال للقاتد ابي منصور بختکين اطال الله به ... ) نوشته است و این قاید عبدالملك بن نوح سامانی در سنه ۳۵۹ هـ ۹۶۰ م کشته شده بود (۱) و نوشته این پارچه ابریشمین خراسانی نماینده رواج پختگی کامل خط کوفی درین سرزمین است . (شکل ۴۷)

در گنجینه قرآن مشهد رضوی در حوت ۱۳۴۸ نسخه قرآنی بدست آمد ، که در اصفهان در سنه ۳۲۷ هـ بخط معقلی دارای زوایای گرد نوشته شده و قدیمترین نسخه مکشوفه قرآن در ایران شمرده می شود ، که نوعی از خط کوفی متمایل به نسخی است . و در همین گنجینه مکشوفه جدید قرآنی وقفی ابو الحسن عراقی د بیسر سلطان محمود بخط نسخی متمایل به ثلث موجود است و نسخه دیگر وقفی محمد بن موسی ۴۰۲ هـ به نسخ آغازی نوشته شده (۲) که از تمام این آثار باقیمانده به تحول خط عربی پی توان برد .

اکثر محققانی که بر هنر خطاطی و نقاشی آسیای میانه و ایران تحقیق کرده اند گویند که اثر هنر کتابسازی و نقاشی مانی و مانویان در خطاطی و نقاشی این سرزمین ظاهر است و نسخه های مکشوفه مانویان در تورفان و ترکستان و دیگر مواضع این اثر را بثبوت میرساند . (۳) و حتی از وجود يك نسخه کتاب مانی یا منسوب باو در خزانه غزنه هم خبری داریم و این روایت را ابوالمعالی محمد بن عبیدالله در سنه ۴۸۴ هـ ۱۰۹۲ م نوشته است (۴) و ثنی باید گفت : که هنر نقاشی و مصوری کتاب همواره در ایران و خراسان بوده است که ما از کتاب گوهر افشین و غیره در سابق بحث کردیم و هم کتاب مصور شاهان ساسانی رامطهر بن طاهر مقدسی در کتاب البدو والتاریخ ( ۳۵۶ هـ ۹۶۶ م) ذکر کرده و علی بن حسین مسعودی آنرا در ( ۳۰۳ هـ ۹۱۵ م ) در استخر پارس دیده بود ، که نسخه آنرا در ۱۱۳ هـ ۷۳۰ م برای هشام

(۱) سروی ۲۰۰۲

(۲) یادداشت نویسنده از روی اصل نسخه های مشهد رضوی .

(3) Persian Art 1820...Moslem Calligraphy 3

(۴) بیان الادیان ۱۷-۱۸ طبع تهران

بن عبدالمك از فارسی بحر بی نوشته بودند. (۱) و بنا برین اسناد  
توان گفت که مردم این سرزمین کتاب آرای را تنها از زمانو بیان  
آموخته باشند، و البته اثری از هنر مانوی در کتب منقوش و مذهب  
و مصور توان دید.

اما اثر هنرمانی یا هنر د یگر بر خود خط کوفی تزئینی کمتر  
دیده میشود و ممکن است آنرا خود مردم عراق و ایران و خراسان بحالت  
تزئینی در آورده باشند، زیرا در اوراق مانوی (شکل ۴۸) خود خط  
مانوی مزین و مشجر یا تلدار و هندسی نیست، بلکه صفحات  
و حواشی آنرا گل کاری یا مصوری کرده اند، ولی خط تزئینی کوفی  
چنین است که خود حروف آنرا با اشکال دلکش تزئینی در آورده اند  
و مایه بینیم که این تمایل تزئین حروف کوفی در قرن نهم و دهم  
آهسته آهسته نشو و نما کرده و مخصوصاً برابنیه آنرا نوشته اند و شاید در  
کتابها بی که مرجع استفاده مردم بود، آنقدر در تزئین حروف افراط  
نمیگرفتند.

مثلاً سر لوحه صفحات نخستین دو کتاب قدیم خطی کتاب الا بنیه  
بخط اسدی طوسی (۴۴۷ هـ ۱۰۵۵ م) (شکل ۴۹) و ترجمان البلاغه بخط  
ازد شیر بن دیلمسپا ر قطبی در سنه ۵۰۷ هـ ۱۱۱۳ م (شکل ۵۰) هر دو به  
کلمات (بنام خداوند بخشا ینده بخشا یشگر) آغاز می یابد، ولی  
تزئین حروف یکسان است که حرف (ش) کلمه ۳-۴ را از متن بیرون  
کشیده و بالای آن بطور گلی آراسته اند، در حالیکه در متن کتاب هیچگونه  
تزئین هنری مشهود نیست، ولی تزئینات و تکلفات هنری در عین  
حروف کتیبه های ابنیه در همین عصر موجود است. که نمونه آن در  
خراسان در کتیبه های کوفی مسجد خرگرد و بنای سنگ بست  
عصر سلطان محمود غزنوی دیده میشود (۲)

در مسجد نایین شکل تزئینی بلند زاویه دار خط کوفی نمایان  
است که در سنه ۳۵۰ هـ ۹۶۰ م کنایت شده (شکل ۵۱) و بعد از آن  
در سنه ۴۱۸ ۱۰۲۷ م در مقبره پیر علمدار آنقدر با گل و شاخ و برگ و اشکال

(۱) التنبیه والاشراف ۹۲ طبع قاهره ۱۹۳۸ م

(۲) سروی آرت پرشیا ۱۸۲۸

تزئینی آمیخته ، که انسان آنرا تنها خطوط و اشکال زیبا و نظر ربایی می پندارد (۱) (شکل ۵۲) و همین شیوه منقش در قرن ۱۲ م برطاق مسجد مفاك عطاری بخا رادر غایت پیچیدگی بنظر می آید .

(۲) در خطوط ابنیه چنانچه دیدیم ، تزئین و امتزاج نقوش و گلها و خط های هندسی غالب بود ولی در کتابها که مورد خوانش و احتیاج عامه بودند، حتی المقدور از سادگی و خوانا بودن خط کار گرفته اند ، و در اینجاست که کوفی از امتزاج نسخی در بین کتابها انواع متعدد دارد، و هم خطی بمیان آمده که این ندیم آنرا فیرآموز ( معرب پیر آمو زفارسی ) خوانده است ، و از نام آن پیدا است که در بین فارسی زبانان بوده و دنباله هر حرف آن بایش قلم و بنازکی مو با حرف دیگر پیوسته است و جنبه تزئینی آن غالب باشد ، که بدان مصحف می نوشتند . و نمونه یک ورق قرآن باین خط در ذخایر مشهد رضوی موجود است (۳) و دیگر کتاب صفات الشیعه تالیف شیخ صدوق است که در سنه ۳۶۰ هـ ۹۷۰ م تالیف شده و آنرا بهمین خط پیر آمو ز تزئینی ، نصر بن عبدالله قز و ینی در سال ۳۹۱ هـ ۱۰۰۰ م نوشته (۴) که اکنون در یک مجموعه شخصی تهران است . (شکل ۵۳ و ۵۴)

از قرآن خط کوفی ساده آمیخته بانسخی ذخایر آستان رضوی مشهد وقفی ابوالقاسم منصور بن محمد هروی وزیر سلطان محمود در سنه ۳۹۳ هـ ۱۰۰۲ م (شکل ۵۵) و قرآن وقفی ابوالبرکات رازی ۴۲۱ هـ ۱۰۳۰ (۵) (شکل ۵۶) و همچنین قرآن ۴۱۸ هـ ۱۰۲۷ م که بخانه عیسی بن عبدالله بلخی (۶) نوشته شده (کتابخانه میلان Milan) پدید می آید ، که در اوایل قرن ۱۱ جنبه هنری خط کوفی قرآنی متمایل به نسخی در کتابها کم بود و اگر میخواستند آنرا مزین سازند بطور مشکولی نوشتند . مانند خط عثمان بن حسین و راق غزنوی

(۱) سروی هنر پرشیا ۱۷۴۴الوحه ۲۶۶

(۲) ابنیه و آثار تاریخی اسلام در اتحاد شوروی تاشکند ۱۹۶۳ م

(۳) گنجینه قرآن ۲۸

(۴) کتاب و کتابخانه ها ۹ و مسلم کالگرافی ۸

(۵) گنجینه ۳۵

(۶) سروی هنر پرشیا ۱۷۲۴

۴۶۶ هـ (۹) - ۱۰۷۳ م (۱) گنجینه مشهد رضوی (شکل ۵۷) ولی بر  
 ابنیه والواح آنرا زیباتر و با شاخ و برگ و خطوط هندسی و الف های  
 کشیده و زوایای قائمه نوشته اند. و آثار اقدم این گونه خطاطی در غزنه  
 بر قبور سبکتگین و سلطان محمود در اوایل قرن ۱۱ پیدا است، و حتی  
 بر قبر محمود دو نوع بسیار زیبای کوفی و رقاع دیده میشود. (شکل  
 ۵۸ و ۵۹)

غزنه که مرکز سیاست و ثقافت آسیای میانه در قرن ۱۱-۱۲ بود،  
 از نظر خطاطی نیز غنی ترین مراکز بشمار می آید و علاوه بر نمونه های نسخه  
 های قرآنی که در صفحات گذشته نشان دادیم مخطوطات خاص این  
 مکتب قرآن نویسی موجودند، که آیات قرآنی را بخط کوفی مزین  
 هنری بر زمینه مشجر گل کاری نفیس با تشعیر زیبای حاشیه  
 بصورتی نوشته اند، که تمام صفحه گل کاریست و خط آیات قرآنی با  
 سیاهی پخته سایه دار خیلی برجسته بنظر می آید، و نمونه بسیار  
 زیبای این مکتب غزنه قرآنست که در رمضان ۵۶۶ هـ جون ۱۱۷۱ م  
 بخط ابوبکر بن احمد بن عبیدالله الغزنوی نوشته شده (شکل ۶۰)  
 و در موزه مصر موجود است (۲) و هم نسخه دیگر قرآن در مجموعچه چستر  
 بیتی Chester Beatty انگلستان است (۳) که عینا بهمین سبک  
 نقاشی گلداز بر تمام زمینه صفحات دارد، ولی خط آن کوفی متما یل  
 به پیر آموزاست (شکل ۶۱) و همچنین قرآنی که در سنه ۵۰۵ هـ  
 ۱۱۱۱ م در بستان کنار هلمند نوشته شده (شکل ۶۲) (کتابخانه ملی  
 پاریس) بهمین سبک نسبتی دارد (۴) و هم قرآنی در گنجینه مکشوفه  
 جدید مشهد رضوی بخط وتذ هیب محمد بن عثمان وراق و مذهب  
 غزنوی بدست آمده، که تاریخ وقف آن ۴۱۴ هـ است و یکی از آثار  
 مغتنم مکتب خطاطی کوفی وتذ هیب غزنه شمرده میشود.

در کتیبه های تزئینی کوفی بعد از نوشته های مراقد سبکتگین  
 و محمود، بسا الواح سنگی و نوشته های دیواری در غزنه موجود است،  
 مانند نوشته های کوفی دو منار غزنه که یکی بنام بهرامشاه (۵۱۱-)

(۱) گنجینه ۴۹

(۲) سروی هنر پر شیا ۹۳۰ و کالگرافی ۶

(۳) سروی ۹۳۱ کتاب و کتابخانه ۲۱

(۴) سروی ۹۲۷

۵۴۷ هـ (۱۱۱۷-۱۱۵۲م) و دیگری از سلطان مسعود علاءالدوله بن ابراهیم (۴۹۲-۵۰۸هـ ۱۰۹۸-۱۱۱۴م) است و هم باستان شناسان ایتالوی در سالهای بعد از ۱۹۶۰ م در عصر سلطان مسعود نمونه های ابیات دری رابه رسم الخط بسیار مزین کوفی بر سنگهای دیواری از زیر خاک بر آورده اند (۱) که آنرا مظهر متکامل خط کوفی در اوایل دوره غزنویان توان شمرد (شکل ۶۳) والواح سنگی که از همین دوره در بست باقی مانده و همچنان پارچه های نوشته های کوفی که بر دیوارهای قلاع غزنویان در لشکری بازار بست دیده میشود، نیز از بقایای خطوط کوفی دوره غزنویان است.

از بقایای جامع اولیاء طرف شرقی بالا حصار غزنه، محراب قدیمی است منقش و زیبا، که با خط کوفی مزین گلداز و خط رقاع (دربین) مزین است و سنگی در آن بخط رقاع نوشته شده، که نام ظهیرالدوله سلطان ابراهیم بران منقور است و ازین برمی آید که در عهد سلطنت او (۴۵۱-۴۹۲ هـ ۱۰۵۹-۱۰۹۸م) بنا شده باشد (۲) رجوع کنید به شکل (۶۴) و خطوط تزئینی کوفی گل دار بهم پیچیده رباط شرف سرخس (۳) در حدود ۴۵۰ هـ (شکل ۶۵) نیز نمودار این سبک خط تزئینی است.

از دو لوحه سنگی قبوریکه در بست باقی است ۵۹۵ و ۶۱۱ هـ ۱۱۹۸ و ۱۴۱۴م و لوحه قبر محمد بن اسمعیل غوری متوفی ۲۴ جمادی الاونی ۵۳۰ هـ که از هرات بدست آمده (موزه هرات) پدیدار است که خط ساده کوفی متمایل به نسخی را بدون تزئین و گل پردازی نیز می نوشته اند و نمونه آن در (شکل ۶۶) لوحه مزار واقع هرات نشان داده شده است.

سیر تکامل تزئینی خطوط کوفی برابنیه شکل غلو و افراط را بخود میگیرد، که در دوره سلجوقیان نمونه آن بر قبر امام یحیی در جوزجان (شکل ۶۷) و محراب او لیاء و منارها و سنگهای نقاشی شده قصر مسعود سوم در غزنه و بقایای ابنیه لشکری بازار بست و چشت

(۱) کتیبه های کوفی قصر مسعود سوم در غزنه طبع روم ۱۹۶۶ م

(۲) ریاض الالواح ۱۳۸

(۳) دکتر عیسی بهنام - مجله هنر ۵۲ بهمن ماه ۱۳۴۵ ش تهران

و مسجد جامع هرات از بنا های غیاث الدین محمد سام و منار  
زببای جام در قرن ۱۲ موجود اند (شکل ۶۸) که تکامل تزئینی و  
نفاست هنری خط کوفی را در دربارهای غزنویان و غوریان نمایندگی  
میکنند و روشن می آید که سوا بق هنری پیش از دوره تیموریان در  
افغانستان، در تحت شرایط اقتصادی و اجتماعی هنر پرور سلطنت های  
قوی چگونه بوده است؟

زیرا مادر همین عصر يك کتیبه خط عربی نامزین و نسخی شکسته  
را از بن چاهی در ویهند کناراتک بدست داریم، که آنرا در  
۴۸۲ هـ ۱۰۸۹ م یکنفر فقیه جوزجانی ابو جعفر محمد بن عبدالجبار بن محمد  
دربنای چاهی نوشته است و اگر این خط را در پهلوی خطوط معاصر ابنیه مجلل  
سابق الذکر بگذاریم پدید می آید که ارزش هنری خطوط تماماً مرهون  
پرورش ارباب اقتدار بوده و ابنیه بنا کرده رجال مقتدر، مظاهر  
باشکوه هنری خطا طان گشته است.

از کتابهای قدیم زبان فارسی که تا کنون در دست است کتاب الابنیه  
عز حقایق الادویه بخط اسدی طوسی در ۴۴۷ هـ ۱۰۵۵ م قدیمتر  
(شکل ۴۹) و کتاب شرح تعرف مکتوب ۴۷۳ هـ ۱۰۸۰ م (موزه  
کراچی) کتاب دوم (شکل ۶۹) و کتاب هدایة المتعلمین مکتوب  
۴۷۸ هـ ۱۰۸۵ م (کتابخانه بادلیا فی اسکفورڈ) کتاب سوم (شکل ۷۰)  
دارای تاریخ معین تحریر شمرده میشوند، که شیوه خط کتاب الابنیه  
بکوفی شبیه تر و اسلوب دومی و سومی به نسخی متمایل است. در  
حالیکه نسخه خطی ترجمان البلاغه موزه استانبول تحریر ۵۰۷ هـ  
۱۱۱۳ م (شکل ۵۰) شبیه تر به کتاب الابنیه است. و ازین پدید  
می آید که کاتبان در اختیار شیوه تحریر تابع ذوق و رواج محیط خود  
بوده و در بین کوفی و نسخی شیوه های مختلف را پدید می آورده اند  
که بسهولت قابل خواندن باشد. و در بین خط کتب، به تزئین ها و گل  
کاریهای فراوان هنری نمی پرداختند، الا در آغاز کتاب یاسر فصول که  
بایک سلیقه و ترکیب و تزئین بسیار مشابه در آغاز هر دو کتاب  
الابنیه و ترجمان البلاغه جمله (بنام ایزد بخشاینده بخشایشگر) بخط  
کوفی مزین کشش داری نوشته اند. در حالی که متون هر دو کتاب  
ازین گونه آرایش های هنری عاریست. و تمایل کاتبان بطرف  
سلیقه خط نسخی و سادگی آنست و در نوشتن قرآنها هم حتی المقدور



خوانا بودن آنرا رعایت کرده اند. واز پیچ و تابهای تزئینی کوفی که بر اینیه موجود است در نوشتن قرآن خود داری داشته اند. و اگر هم بتزئین و پیچ و تاب دادن خطمی پرداختند در سر سور ها و پارها و منازل قرآنی بوده است .

در همین اوقاتست که خط نسخی در کتاب نویسی بسیار مستعمل است و مامی بینیم که بعد از ترجمان البلاغه ۵۰۷ هـ ۱۱۱۳ م در حدود (۲۵) سال خط نسخی از آمیزش کوفی بکلی تغییر شکل داده و نسخی خالص بمیان آمده است که در نسخه تفسیر ابوبکر عتیق سور - آبادی ۵۲۳ هـ ۱۱۲۸ م بخط محمود بن گرگین ترکی دیده میشود (نسخه خطی اندیا آفس لندن طبع عکسی تهران ۱۳۴۵ ش (شکل ۷) ولی در نسخه خطی المختصر من کتاب الوقف تحریر عبد الله بن علی در ۵۲۶ هـ ۱۱۳۱ م برای ابوبکر عتیق بن محمد بن خسرو (کتاب خانه مرحوم محمد شفیع لاهوری) هنوز هم آثار کوچک کوفی در بین نسخی باقیست (عکس ۷۲) و با یدمو جب رسم الخط بسیار مهذب نسخی هدایة المتعلمین مکتوب ۴۷۸ هـ (نسخه بادلیان اکسفورد) رواج نسخی رادر کتب از او سطر قرن پنجم هجری حساب کرد (شکل ۷۰) چون در حدود (۴۷۰ هـ) درجه نهذیب و زیبایی نسخی رادرین کتاب می بینیم ، باید خط نسخی متمایل به کوفی ۲۳ صفحه باقی مانده داستان وامق و عذرای عنصری (شکل ۷۳) را مربوط بدوره نسخی + کوفی در حدود (۴۵۰ هـ) بدانیم که نمایندۀ یک دوره خط در افغانستان (۱)

از رسم الخط قرآنی که در سنه ۵۸۴ هـ بخط محمد بن عیسی بن

(۱) این اوراق را مر حوم پروفیسر محمد شفیع لاهوری در بین دفتین کتاب کهنه المختصر من کتاب الوقف یافت و تشخیص کرد که از نسخه گم شده وامق و عذرای عنصریست و درین ۲۳ ورق کهنه خطی ۳۵۳ بیت آن مثنوی محفوظ است . بر ورق اول یک فهرست کتابهای مملو که صاحب سری زکی بن محمد بن علی عبدالحمید البامیانی بخط تعلیق ابتدایی نوشته شده ، و باید که اصل نسخه مثنوی هم در افغانستان یا بامیان نوشته شده باشد ، که در ملک همین شخص بامیانی بود. اصل عکس این اوراق با شرح و تعلیق پروفیسر مرحوم در ۱۹۶۷ م از لاهور طبع و نشر شده است.

علی نشابوری برای سلطان غورغیاث الدین محمد بن سام نوشته ( ۴ مجلد موزه ایران باستان) پدیدمی آید که در خط نسخی شیوه های ریحان و رقاع و توقیع بهم آمیخته شده است (شکل ۷۴)

در کتابخانه خطی کابل مجموعاً عرسایل متفرقه موجود است که از بامیان بدست آمده و در سنه ۶۱۱ هـ بخط دولتشاه بن حبشی تو لکی نوشته شده و خط آن نسخی دور از شیوه هنر یست و آثار کوفی در آن مشاهده نیست و ازین برمی آید که از همین اوقات شیوه نسخی و تعلیق آمیزش یافته بود ( شکل ۷۵)

در قرن ۱۱ و ۱۲ که آسیای میانه و خراسان در تحت اقتدار سیاسی غزنویان - سلجوقیان - خوارزمشاهیان - غوریان بود، هنر خط نویسی کوفی و نسخی و ثلث بافروع آنها در خراسان فراوان پرورش دیده بود، و اگر ما بقایای این نوع خطوط را در غزنه و هرات و بست و بلخ و مشهد و سمرقند و دیگر بلاد خراسان - بمعنی و سیع آن وقت - ببینیم می فهمیم که قرن ۱۲ زمان ریعان هنری خطوط عربی است که خامه هنروران چیره دست خراسان، این هنر ارزنده و بدیع را از نشابور تا بخارا و سمرقند و شاش و طراز و غزنه و وینهند کنار سند پرو رانده است. حتی بهمت غزنویان و غوریان افغانی این متاع گرانبها در اواخر قرن ۱۲ بقلب هند و دهلی نیز رسیده بود. که در سنه ۵۹۶ هـ ۱۱۹۹ م یک کا پی منارجام غور در مسجد قوه الاسلام بنام منار قطب ساخته شد (شکل ۷۶) که اینک بحیث نمونه نفوذ هنر و رسم الخط تزئینی خراسانی تا کنون در دهلی باشکوه و وقار عظیمی ایستاده و ما می بینیم که بعد از مدت سه قرن هنر خراسان از هرات و غور و غزنه بقلب هند نیز رسیده بود و در تحت اثر قوی محرکات سیاسی و عقیدوی و اقتصادی گسترش و نشو و نما می یافت و اغلب شاهان و مقتدران می خواستند بابنای کاخها و منارها و مساجد مجلل و مزین مراتب قدرت خود را تبارز دهند و بران ابنیه معظم بجای تصاویر انسانی، خطوط نظریه های بسیار زیبا و نقوش مواد غیر حیه را بنویسند و برای این کار خط کوفی برازندگی تمامی داشت. و حتی تماماً بشکل گل کاری و نقاشی بدیعی درآمده میتوانست.

خط کوفی با انواع متکامل خود در ابنیه بصورت تزئینی و در نسخ قرآن و کتب دیگر مقارن با خط نسخی نشو و نما نمود، و تا آغاز قرن ۱۳ و خروج مغل در تمام کشورهای اسلامی بافروع خود مورد

استعمال و تبارز هنری مردم بود. مثلا در کتیبه مرقد ملك غياث الدين غوری در مسجد جامع هرات رقاع و ریحانی بسیار زیبا و ناهمی برابریه رقاع و ریحان و ثلث و محقق و ثلث خاص تشبیه نویسی با الف های نشییده و هم محقق شجری و ثلث طغرائی و ثلث تعلیق نما و دیگر شیوه های مخلوط این خطوط دیده میشود و هم خط نسخی آنقدر مهذب و پرورده گردید که شکل کامل هنری را گرفت و نمونه آن در قرآن خط عبدالله صیرفی ۷۲۰ هـ ۱۳۱۹ م کنجینه مشهد رضوی دیده میشود. (شکل ۷۷)

اگرچه چنگیزیان در مدت نیم قرن اول خروج خود، بسا اینیه و کتابها را در سمرقند و بلخ و مرو و نیشابور و هرات و سیستان و دیگر بلاد معمور آنوقت از بین بردند و درین جمله هنرمندان و علما نیز تلف شدند و برخی به ممالک دور دست عثمانی و هند گریختند، ولی بعد از یک قرن حکمرانان مغل نیز با ثقافت و هنر خراسانی در ماوراء النهر و افغانستان و ایران آشنا پی یافتند، و درین میانه برخی از حکمرانان محلی مانند آل کورت هرات و امرای پارس از در مدارا با مغلان پیش آمدند و به حفظ هنر و کلتور خود توجه کردند. چنانچه از آثار این دوره در هرات نمونه های کرانبهای خطاطی بر مقابر و اینیه دوره آل کورت باقیست و این آنا رهنری رامایک حلقه وصل و پیوستگی هنری بین دوره قبل از مغل و آغاز رنسانس هنری تیموریان میدانیم، که موازیت گرانمایه هنری مردم عصر غزنویان و سلجوقیان و غوریان را به رنسانس تیموریان انتقال داده اند.

از آثار خطاطی این دوره خط کتیبه عالی بشیوه قدیم بر لوح مزار خواجه شهاب الدین عبدالله غا وردانی هرات است در سنه ۷۴۴ هـ ۱۳۴۳ م و خط توقیع نمای مزار جوانی در خاک شیخ ابو العلاء در محرم ۷۵۹ هـ ۱۳۵۷ م و خط توقیع تعلیق نمابر مزار طغرل بن امیران فوشنجی در رباط پی غربی هرات از ۷۵۶ هـ ۱۳۵۵ م و خط رقاع تعلیق نمای سلطان شاه در سنه ۷۷۷ هـ ۱۳۷۵ م بر ظرف هفت جوش جامع هرات که بامر سلطان غیاث الدین محمد کورت ساخته شده است (شکل ۷۸)

فراغوش نباید کرد: که در مدت پنج قرن اول دوره اسلامی، هنگامیکه خط کوفی با انواع آن در عراق و خراسان و ماوراء النهر پرورده میشد، یک شیوه خاص شمالی آن از قفقاز تا خوارزم در شمال وجود

داشت که پیچیدگی و ابهام و اعوجاج خاصی در آن مشهود است و نمونه قدیم آنرا در سال ۴۷۱ هـ ۱۰۷۸ م بر کتیبه چهار سطری مسجد الرشید بن محمد بن ابی بکر در باکو توان دید (شکل ۷۹) و بعد از آن بر کتیبه آرامگاه یوسف بن کبیر در ۵۵۷ هـ ۱۱۶۱ م نوعی از این شیوه دیده میشود (شکل ۸۰) و بقایای همین روش مهذب شده بر لوحه قبریست که در ۶۷۰ هـ ۱۲۱۷ م کنده شده (۱). و هم در اورگنج کهنه در قرن ۱۲ بالای مدخل عمارت مشهور به قبر فخر الدین رازی (۲) نوعی از آن در کنده کاری گل پخته با نقوش ظریف گل و بوته موجود است. (شکل ۸۱)

حدس من اینست: که این نوع کوفی نویسی شمالی قفقاز و خوارزم مبداء خط ناشناسی است که نمونه متأخر آن در یک مصحف مشهد رضوی موجود است و دانشمندان گلچین معانی آنرا «خط بابری» اختراعی محمد بابرشاه موسس سلسله تیموری هندی دانند.

### خط بابری:

مورخان دوره تیموریان هند مانند عبدالقادر بدایونی در منتخب التواریخ و علاءالدوله قزوینی در نفایس المآثر و ابوالفضل در اکبرنامه و خواجه نظام الدین احمد هروی در طبقات اکبری و خود با بر در تزک خود خبر میدهند: که این پادشاه (۸۸۸-۹۳۷ هـ ۱۴۸۳ - ۱۵۳۰ م) خطی اختراع کرده و نسخه قرآن بدان خط نوشته و به مکه فرستاده بود (۲).

در کتابخانه مشهد رضوی مصحفی بخط ناشناخته با کاغذ و تذهیب کشمیری موجود است (نمبر ۵۰) وقفی شاه حسین صفوی در ۱۱۱۹ هـ که نخستین بار در نامه آستان قدس (نوروز ۱۳۴۴ ش) معرفی شد. و دانشمندان گلچین معانی آنرا بهمان خط اختراعی بابرشاه شمرد (۳).

در تحقیق این خط میرمن دانشمند صباحت عظیم جانوا رئیس موسسه تحقیقات شرقی اکادیمی او ز بک (تاشکند) در جنوری ۱۹۶۴ به

(۱) مسلم کالگرافی ۲۲-۲۳

(۲) منتخب اراک ۳۴۳ و اکبرنامه ۱۱۸ و طبقات ۲۷۲

(۳) گنجینه قرآن ۱۷۸

مجلس بیست و ششم بین المللی مستشرقان در دهلی مقالتهی تقدیم داشت که بابر این خط را در سنه ۹۱۰ هـ ۱۵۰۴ م اختراع کرد و نمونه الفبای آن در کتاب خطی عجایب الطبقات محمد طاهر بن قاسم موجود است که در سنه ۱۶۴۵ م در بلخ بامر سید ندر محمدخان تالیف شده، و نسخ متعدد خطی آن در کتابخانه تحقیقات شرقی آکادمی علوم اوزبکستان محفوظ میباشد. (۱)

درین مقاله عکسی از عین نسخه خط بابر ی داده شده (شکل ۸۲) که ابداً بانسخه مصحف آستان قدس (شکل ۸۳) برابری ندارد (۲) و اشکال حروف عجایب الطبقات کلیدی برای حل اشکال حروف این مصحف شده نمیتواند و ماباختلاف اشکال هر دو متن را در (شکل ۸۴) نشان داده ایم.

بهر صورت مبدأ خط مصحف مشهد رضوی بیقین معلوم نیست، ولی شباهت تام آن با خط بالایی در ب عمارت اورگنج (شکل ۸۱) بنظر می آید و شاید ربطی باشیو شمالی قفقازی داشته باشد.

---

(۱) مجله سنترل ایشیار یویو جلد ۷ ص ۲-۱۹۶۴ م  
(۲) عکس چهار صفحه این مصحف شریف بوسیله جناب آقای محمود فرخ دانشمند و شاعر معروف خراسان بمن رسیده است که درینجا ازیشان صمیمانه تشکر میکنم.

## دوره عروج خطوط

در اواخر قرن ۱۴ امیر تیمور در آسیای میانه امپراتوری و سیعی تشکیل داد، که تمام ما لک ماوراء النهر و افغانستان و ایران را در بر میگرفت . چون مردم این امپراتوری مواریث هنری دوره غزنویان و غوریان و خوارزم شاهیان و سلجوقیان را با آثار هنر اسلامی از غرب و هنر چینی و هندی و مغولی از شرق پیش روی داشتند، هنگامیکه شاهرخ پسر امیر تیمور در آغاز قرن ۱۵ در هرات مرکز امپراتوری خود بنشست ، وی مواریث هنر را در سمرقند و هرات پرو رانید و این شهر مرکز رنسانس هنری آسیای میانه گردید و مخصوصاً هنر کتاب نویسی بمعراج خود رسید و ابنیه عظیمی که بران کتیبه های زیبا بانواع خطوط تزئینی موجود است ساخته شدند . و این مکتب هنری هرات تا اواخر عصر سلطان هنر پرور حسین بایقرا و اواخر قرن ۱۵ در هرات دوام کرد. و بعد ازان دیده میشود که هنرهای خطی، نقاشی، مصوری، کتاب سازی، میناتو رازین پرورشگاه رنسانس هنری به بخارا و اصفهان و تبریز و هند انتقال کردند.

درین رنسانس هنر استعداد خلاق مردم هرات و تمام ملل امپراتوری تیموریان هرات از مرزهای چین تا تبریز کار میکرد ، و بنابراین هرات را دران اوقات مرکزی باید پنداشت که خلاقیت هنری تمام این مردم دران جا فعالیت داشت و هزارا نفر هنر مند - خطاط - مصور - مذهب - نقاش - جلد ساز - معمار - کاشی ساز - رنگ ساز و غیره در تحت پرورش رجال هنر خواه امپراتوری تیموریان به تخلیق آثار خالده هنری می پرداختند .

رنسانس هنری هرات آثار جاویدانی را در شقوق مختلف هنری آفرید ، که این کتاب کو تا ه حوصله شرح آنرا ندارد و باید اندران باره کتابها نوشته و پرداخته آید ، و لی من درینجا دو شهکار جهانی این مکتب هنر را یاد آوری میکنم:

اولین اثر خالده این دستان نسخه خطی شاهنامه فردوسی موزه گلستان تهران است در سنه ۸۳۳ هـ ۱۴۲۹ م بخط جعفر بایسنغری که از لحاظ خط - نقاشی - مصوری - کاغذ - تذهیب - جلد و صحافی به تشخیص متخصصان بین المللی ، گرانبها ترین کتب جهان شمرده

شده و نماینده عالی ترین مرحله کتاب سازی انسا نیست . (شکل ۸۵ )  
 دوم مسجد گوهر شاد آستان قدس مشهد است که بهمت ملکه  
 دربار هرات گوهر شاد و شهزادگان هنرمند و هنر دوست تیموری در ۱۲  
 سال تحت نظر قوام الدین معمار ساخته شده و از نظر معماری سبک  
 خاص خراسانی و تزئین و کاشی کاری و خطاطی در زمره دوازده بنای  
 بسیار عالی تاریخی دنیا و شهرکاهای انسانی گذشته محسوبست و  
 بنای آن در حدود ۸۲۱ هـ ۱۴۱۸ م ختم شده است . (شکل ۸۶ )  
 چون موضوع مشخص این جستجوی ماتنها خطاطی دوره  
 تیموریان هرات است ، بنابراین از خلاقیتهای دیگر هنری این  
 دوره گذشته و تنها درباره خطاطی ملی شرح میدهم :  
 گفتیم که هنر خطاطی در بین ملل مسلمان از قرن ۸ بدینطرف مرا حل  
 تکامل خود را در مدنیت اسلامی بنحو احسن پیمود و بجای هنر  
 مصوری مکتب گندهارا و مانسی و سوابق تصویر سازی امپراتوری  
 اوشانی و ساسانی و بیزانترین و جریانهای هنر چینی و بودایی هم  
 ایستاد و بنابراین در ابنیه دینی بطور تزئینی بکار رفت . اگر چه شاهان  
 در کاخهای شاهی خویش گاهای دیوارهای نگارین و مصور هم  
 داشتند که بر بقایای قصرهای لشکری بازار بست تصاویری نمایان  
 است (شکل ۸۷) و هم بیستی مورخ دربار غزنه از یک خانه مصور و  
 نگارینی که شهزاده مسعود در باغ عدنانی هرات ساخته بود خبر میدهد ،  
 ولی این عمل شهزاده مورد باز پرس ورنجش پدرش سلطان  
 محمود واقع گردید (۱) و از همین داستان می دانیم که گویا برابنیه  
 دولتی تصاویر رنگین را با احتیاط بکار می بردند ، ولی ابنیه دینی و  
 معابد و مقابر ازان خالی بود ، و بجای تصاویر ، انواع خطوط تزئینی  
 و گل کاری ها و نقوش غیر جاندار را بکار می بردند که همین عامل  
 دینی و اخلاقی محرک پرورش و ایجاد و رواج انواع خطوط تزئینی  
 در هنر اسلامی گردید ، و هزاران نسخه خطی مزین و منقش و مطلقا را  
 از قرآن نوشتند و یا بر ابنیه خود انواع خطوط تزئینی و نقاشی های  
 گوناگون را باقی گذاشتند و همین نظر دینی مویذ پیدایش خطوط  
 و خطاطان بسیار ماهر چیره دست و خلاق گردید و برابنیه دینی هنر در  
 قالب عقیده دینی ریخته شد ، و توجه به هنر خطاطی در عصر تیموریان

(۱) تاریخ بیستی ۱۲۱

بدرجه یی بود که شهزادگان این خاندان مانند بایسنغر و ابراهیم  
و بدیع الزمان نیز خطاطان ما هر بوده اند .

از آغاز قرن ۸ تا قرن ۱۶ در مدت ۷ قرن از خط کوفی و نسخی  
ساده اوایل دوره اسلامی شروع هنری بوجود آمد، که نامهای انواع  
آن خطوط به پنجاه میرسد ، و لی در قرن ۱۵ م «اقلامسته» ذیل  
بطور خطوط اساسی و جو داشت:

نگارمن خط خوش مینویسد      بغایت خوب و دلکش مینویسد  
**مناشیر و محقق ، نسخ و ریحان      رقاع و ثلث هر شش مینویسد**

برابنیه و کتب دوره تیموریان خط کوفی با انواع تزئینی آن نمودار  
است از جمله خط مشجر مشکو ل بیرونی گنبد گور امیر تیمور را در  
سمرقند ۸۰۷ هـ ۱۴۰۴ م وهم در مدرسه الخ بیگ ۱۴۲۰ م و مرقد  
خواجه احمد یسوی در ترکستان زقرن ۱۴ وهم بر برخی از ابنیه  
تیموریان در هرات و بلخ و کوهسان هرات و انواع معقلی و مقفل و  
هندسی آن درخشت کاریهای مسجد گوهرشاد و مدرسه الخ بیگ و شاه  
زنده سمرقند و دیگر ابنیه آن وقت و همچنین در سرسورهای  
قرآنی مکتوب این عصر توان دید. و ازین برمی آید که کوفی نویسی  
درین عهد به تکامل نهایی خود در سیده بود. (شکل ۸۸)

در پهلوی تکامل و تنوع هفت قرنه خط کوفی، تهذیب هنری شدن  
نسخی نیز جریان داشت و در کتابهای فارسی روش کوفی مخلوط با  
نسخی در جریان این قرون دیده میشود، ولی چون نسخی جنبه  
تزئینی کمتر داشت بر ابنیه آنرا نمی نوشتند و از تهذیب و هنری  
گردیدن کوفی و نسخی بود که ثلث با فروع خود محقق و ریحان  
و رقاع بوجود آمد، و برای نوشته های دفاتر و مناشیر خطی از امتزاج  
نسخی و فروع ثلث بنام **توقیع یا مناشیر رواج یافت** که نوشتن  
آن سهل و زود و بدون تکلفات هنری و بدیعی بود. و نمونه اینگونه خلط  
و امتزاج فروع ثلث را در نسخه کتاب التفهیم البیرونی (کتابخانه  
مجلس تهران) توان دید که در ۵۳۸ هـ ۱۱۴۳ م نوشته شده است.  
(شکل ۸۹)

خطاطان و هنر مندان خلاق در امتزاج این شیوه ها و پیدایش  
اسلوبهای خصوصی هنری در هر عصر دستی داشتند و بنا برین



امتیاز انواع این خطوط ممزوج و تعیین نام هر شیوه دشوار است. برابنیه و مقابر و کتب هر بوطنسا نسس تیمو ریان در مملکتی که مورخ دربار آن عصر عبدالرزاق سمرقندی آنرا **خراسان** گوید نمونه‌های ذیل دیده میشود :

اول : انواع متعدد و متکامل کوفی که چند نمونه آن گفته شد.  
دوم : ثلث بسیار پخته و متکامل مانند هفت ورق قرآن بخط شهزاده بایسنغر بن شاهرخ متوفا ۸۳۷ هـ ۱۴۳۳ (شکل ۹۰) و شصت ورق قرآن بخط شیخ محمد طغرائی تحریر ۸۰۹ هـ ۱۴۰۶ م و شانزده ورق قرآن بخط جلی ریحان و رقاع شهزاده ابراهیم سلطان بن شاهرخ تحریر ۸۲۷ هـ ۱۴۲۳ م (شکل ۹۱) و قرآن بخط خواجه عبدالله مروارید متوفا ۹۲۳ هـ ۱۵۱۶ م (شکل ۹۲) و قرآن به خط نسخ و ثلث و رقاع بسیار عالی عبدالله طباخ هروری مورخ ۸۴۵ هـ ۱۴۴۱ م (شکل ۹۳) در گنجینه قرآن مشهد رضوی .

بر ابنیه نیز انواع متکامل و بسیار زیبای خط ثلث نمایان است مانند خطوط ثلث و ریحان و محقق و رقاع منارها و مسجد جامع و گازرگاه هرات و ابنیه دیگر آن شهر و ثلث تعلیق نمای بسیار عالی لوح مزار سید حسن ابدال در قندهار و خطوط متعدد ثلث و ریحان با یسنغر بن شاهرخ بر پهلوی ایوانها و پیشانی و گنبد های مسجد گوهرشاد مشهد در سنه ۸۲۱ هـ ۱۴۱۸ م. (شکل ۸۶) ابنیه دوره تیموری در گازرگاه هرات و مشهد رضوی و سمرقند و بخارا در استعمال اقسام خطوط ثلث و کوفی و معقلی و ریحان و رقاع و نسخی و محقق و توقیع مطلقا هر بر جسته هنر خط نویسی و نسانس تیموریان است، و از آن جمله سنگ تاریخ مصلاهی هرات بخط جلی ثلث بسیار عالی عصر شاهرخ است که در چهار سطر بزبان فارسی بامر ملکه گوهرشاد در سنه ۸۴۱ هـ ۱۴۳۷ بقلم جلال جعفر نوشته شده است (شکل ۹۴) و این شخص فرزند خطاط معروف جعفر با یسنغر یست که نمونه‌های خطوط یدر ویسر هردو برابنیه هرات موجود است، همچنین قبر شیخ الاسلام محمد بن احمد ۸۳۸ هـ ۱۴۳۴ م در گازرگاه خط ثلث بسیار عالی دارد. و مادر اینجا نمونه بسیار عالی خط ثلث را از بقایای بنای محرابی در هرات گرفته ایم (شکل ۹۵) که در قصبه حوض کرباس غربی شهر هرات در مسجد

کوچک کهنه بی باقی مانده است و آنرا نمونه بسیار گرانبهای خطاطی و سبک تزئین بنا از هرات دوره تیموریان گفته میتوانیم ، که شاید خط یکی از اساتید مانند جعفر یاسرش باشد .

وهم بر بالای محراب مسجد بلند و مدرسه میر عرب بخارا خط ریحان جلی بسیار عالی کتیبه نویسی از قرن ۱۶ (شکل ۹۶) و بر اطراف طاق نماز گاه بخارا نمونه معقلی قرن ۱۶ (شکل ۹۷) و در مدرسه میر عرب بخارا و مسجد بی بی خانم سمر قند او آخر قرن ۱۴ نمونه

بسیار عالی جلی ثلث (شکل ۹۸) و همچنین ثلث جلی و متوسط متمایل بر ریحانی بر لوح مرمرین حکیم ترمذی در قرن چهارده و خط رقاع ریحانی بسیار عالی در مقبره جنوبی او زگند ۱۱۸۶ م نمایان است . (شکل ۹۹)

در اینجا باید یاد آوری کرد : که از آغاز قرن ۱۴ در ترکستان شیوه خاصی در ثلث و ریحان و رقاع و نسخی بوجود آمده بود که «شیوه ترکستانی» باشد و آنرا مخلوطی از ثلث و ریحان و محقق توان گفت که نمونه آن قرآن با ترجمه ترکی چغتایی بخط محمد بن شیخ یوسف اباری سید الخطاط ۷۳۷ هـ ۱۳۴۶ م گنجینه قرآن مشهد رضوی است (شکل ۱۰۰) و در همین گنجینه قرآن بخط ثلث شیوه ترکستان قرآنی از قرن ۱۶ نیز موجود است (شکل ۱۰۱) که این شیوه خاص ترکستانی را در خطوط قرن ۱۴ - ۱۵ در آسیای میانه فراموش نباید کرد مخصوصاً نمونه بسیار زیبای جلی متمایل به تعلیق در تاریخ یکی از بناهای شاه زنده سمرقند در ۷۶۲ هـ ۱۳۶۰ م و بر سنگ مرقد قثم بن عباس در سنه ۱۳۳۴ م بر بالای ایوان قبر بیان قلی خان در بخارا ۱۳۵۹ م . (شکل ۱۰۲) .

سوم : چنانچه گفته شد خطوط عربی در خراسان تحول یافت و در طول قرن سیزده علاوه بر اقلام سته يك قلم جدید دیگر (که کاملاً محصول ذوق و سلیقه مردم خراسان بود) متدرجاً بوجود آمد ، که آنرا تعلیق گفتند و مخلوطی بود از نسخ و رقاع و توقیع و چون این خط در مراسلات سرکاری و عامه استعمال گردید آنرا ترسل هم گفتند و مولانا جامی گفت :

کاتبان را هفت خط باشد بطرز مختلف  
ثلث وریحان و محقق ، نسخ و توفیق و رفاع

بعد ازان تعلیق آن خطست کسراهل عجم

از خط توفیق استنباط کردند ، اختراع

تعلیق نسبت به خطوط دیگر پیچیده بود و بنا برین قایق آنرا بازلف خوبان تشبیه نمود: «ای زلف تو پیچیده تر از خط ترسل» خط تعلیق بر کتیبه و ابنیه نوشته نمی شد ، و گاهی در کتب و عموماً در مراسلات استعمال میشد .

از صفحه اخیر نسخه خطی طبقات الصوفیه کتابخانه ناسا در استانبول که با نسخی پخته به خط دمتاش بن عبدالله در شعبان ۶۷۲ هـ ۱۲۷۲ م غالباً در خراسان نوشته شده ثابت می آید که خط نسخی درین زمان متمایل به تعلیق گشته بود ، زیرا درین صفحه اخیر نسخه سطوری مشابه به خط تعلیق از قلم همین کاتب دیده میشود (شکل ۱۰۳) و بنا برین آغاز تعلیق را یک قرن پیش از خروج امیر تیمور باید دانست ، زیرا برگور همین امیر در سمرقند خطی که تعلیق نسخ آمیز متمایل به ثلث باشد دیده می شود و هم نمونه نسخ تعلیق آمیز صفحات اخیر نسخه اسرار التوحید کتابخانه سیدیم آغادر استانبول است که در سنه ۷۰۰ هـ ۱۳۰۰ م به خط محمد صالح برای فاضلی عالی جوینی در خراسان نوشته شده ، که آن را نمونه رواج تعلیق گفته می توانیم .  
(شکل ۱۰۴)

از کتیبه مرقد قثم بن عباس در سمرقند نیز پدید می آید که در حدود ۱۳۳۴ م خط نسخی و ثلث ماوراء النهر نیز به تعلیق متمایل بود و بنا بر اشکال (۴۹-۵۰-۶۹-۷۰-۷۵) نمونه های تحول خط نسخی و کوفی زاویه تعلیق بالتدریج دیده می توانیم و شاید نمونه تبدیل تدریجی نسخی به تعلیق همان قباله زمین باشد که دکتر هورنل Hoernle یافت و مر گلیوٹ Margoliouth تاریخ آن را ۴۰۱ هـ ۱۰۱۰ م خواند (۱) و هم بیلین Belin در کتیبه فارسی مسجد کمپنه ارض روم بر دیواری نوشته منقوری یافته بود که در سنه ۳۱۵ هـ ۹۶۰ م نوشته شده (۲) و خط

(۱) جورنال ایشیاتیک سوسایتی ۷۶۱ بابت اکتوبر ۱۹۰۳ م

(۲) همین مجله ۲۷۶ طبع ۱۸۵۲ م

مدور متمایل به نسخ و نستعلیق (؟) (توقیع) داشته است، که حلقه وصل با کوفی زاویه دار شمرده می شود، راز اسناد جدیدی که در باره قدمت شیوه تعلیق بدست آمده، سطور آخرین نسخه قرآنست که در حوت ۱۳۴۸ ش از ذخیره قرآنهاي آستان رضوی مشهد در يك پسخانه مسدود یافته شد و این عبارت در آخر آن به خط تعلیق خوانده میشود: «فرغ من کتبه یوم الثلثا السابع من ذی الحجه روز بهمن من شهر اسفند ار مذهبته خمس عشر و اربع مائه» واقف این نسخه قرآن ابوالوفانام داشت که در همین سنه ۴۱۵ هـ وقف کرده است (۱)، و ازین هم برمی آید که خط تعلیق در اوایل قرن پنجم هجری هم نوشته می شد، و هم شیوه های توقیع و تعلیق گاهی با هم آمیخته بود.

ازین اسناد حدس باید زد، که ببادی خط تعلیق قدیمتر است و در قرن ۱۳ - ۱۴ راه خود را به رواج عمومی و هنری شدن تزئینی گشوده است، که نمونه های آن را در خطوط بسیار استادانه زیبای تعلیق نویسان دوره تیموریان خواجه تاج الدین و خواجه اختیار هروی منشی سلطان حسین بایقرا و عبدالحمی منشی ابوسعید میرزا و خواجه عبدالله پروارید هروی توان دید. (شکل ۱۰۵ - ۱۰۶).

چهارم: در نصف اخیر قرن ۱۴م امتزاج و تلفیق هنری نسخ و تعلیق خطی بسیار زیبا و دارای ارزش بدیعی به وجود آمده بود، که آنرا نستعلیق گویند، و نام آن هم دلالت بر آمیزش نسخ و تعلیق دارد. اگرچه واضع نستعلیق را میرعلی نبریزی قبله الکتاب (حدود ۷۹۰ هـ ۱۳۸۸ م) دانند و خطاط سلطان علی مشهدی گفته است:

نسخ تعلیق گر خفی و جلی است

واضع الاصل خواجه میرعلی است

وضع فرمود او، ز ذهن دقیق

از خط نسخ و ز خط تعلیق

مگر به قول ابوالفضل علامی در دیباچه (مرقع شاهی)، بر خی از

قطعات خط نستعلیق پیش از عصر نیمه و ر یعنی ۷۷۱ هـ ۱۳۶۹ م

(۱) این نسخه را نویسنده این سطور در حمل ۱۳۴۹ دیده ام.

بنظر آمده و خود نویسنده این سطور هم نمونه های نستعلیق را پیش از این عصر دیده ام . چنانچه کتاب مجمع - النوادر تالیف محمد عوض بن بختی شوع بخط نستعلیق نگاشته ۷۸۵ هـ ۱۳۸۳ م دیده شده ، که معاصر میرعلی است در کمال نفاست و نضج ، و باید پیش ازین عصر مراتب آغاز و پختگی را طی کرده باشد . و هم نسخه خط نستعلیق بسیار مهذب و پخته زیبای طبقات - الصوفیه انصاری در کتابخانه نورعثمانیه استانبول بقلم نستعلیق نیمه جلی درویش صوفی در ۸۳۹ هـ ۱۴۳۵ م موجود است (شکل ۱۰۷) که معاصر اواخر عمر میرعلی تبریزی باشد . و اگر واضح آن خط را میرعلی بدانیم نتوانیم گفت : که در همان عصر نستعلیق نویسان معاصرش هم بدان درجه پختگی و نضج هنری نستعلیق رسیدند . و ازین روست که غلام محمد هفت قلمی دهلوی مؤلف تذکره خوش نویسان ، در حدود ۱۲۳۹ هـ ۱۸۲۳ م می نویسد : « که پیشتر از میرعلی تبریزی هم خط نستعلیق می نوشتند ، لیکن این مرد بزرگوار قواعد در خط نستعلیق مقرر نمود . » (۱) بنابراین زمان آغاز نستعلیق هنری را حدود ۷۰۰ هـ ۱۳۰۰ م تعیین باید کرد ، در حالیکه اساس آن در خط تعلیق پیش از سه قرن گذاشته شده بود .

ما سندی در دست داریم که نمونه نستعلیق نویسی را در اواخر قرن هشتم هجری بخط یک هروی نشان میدهد ، بدین معنی که نسخه خطی کتاب عجایب المخلوقات فارسی به نستعلیق خالص مورخه ربیع الاول سنه ۷۹۰ هـ در کتابخانه ملی پاریس موجود است (۳۳۲ تکمله فارسی) که در آخر آن نوشته اند : بتا ریخ غره ربیع الاول سنه ۷۹۰ بخط العبد احمد هروی عفی عنه .

این کتاب برای کتابخانه سلطان احمد خان (شیخ اویس ایلکانه) نوشته شده است (یا دداشتهای قزوینی ۷-۲۰۳) . بهر صورت در عصر تیمور و شاهرخ خط نستعلیق که زیباترین خطوط بوده و هم زاده قره یحیة تابناک مردم خراسان است ، در مملکت تیموریان و واجگام یافت و برابنیه و کتب مستعمل گردیدند در دربار تیموریان شاگردان میرعلی که استاد و مرتب این خط

(۱) تذکره خوش نویسان ۴۳ طبع کلکته ۱۹۱۰ م

بود (شکل ۱۰۸) بعد از عبدالله پسر هنر مندش پرورش یافتند ، که از انجمله مولانا جعفر و پسر شش جلال و مولانا اظهر متوفای ۸۸۰ هـ ۱۴۷۵ م و پسرش محمد و سلطان علی بن محمد مشهدی و میر علی هروی و محمد او بهی و سلطان محمد خندان و سلطان محمد نور و دیگر مشاهیر نستعلیق نویسندگان (شکل ۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲) که بعد از قرن ۱۶ سبک نستعلیق ایشان از هرات به ماوراء النهر و ایران و هند و عثمانی نیز انتقال یافت.

نقائس آثار هنری نستعلیق نویسی برابنیه تیموریان در هرات فراوان است . مانند لوح قدیم مرقد مولانا جامی منسوب بخط میر علی هروی و لوح مزار شیخ زین العابدین خوافی ۸۲۸ هـ ۱۴۳۴ م و لوحه سنگ مرمر با خط نستعلیق بسیار جلی و عالی در رواق حوضی زمزم گازرگاه هرات و قطعات سنگ مرمر مرقد هرات ۸۵۹ هـ ۱۴۵۴ م و الواح نستعلیق گازرگاه بر قبر رستم محمد خان و خط نستعلیق سلطان علی مشهدی برگور امیر غیاث الدین منصور پدر سلطان بایقرا ۸۸۲ هـ ۱۴۷۷ م و چهار قبر دیگر شهزادگان تیموری بخط همین سلطان علی . و چند مرثیه در اندرون گنبد آرامگاه شهزاده بایسنغر در خیابان هرات و دو بیت بقلم بسیار قوی جلی نستعلیق بر مرمر سپید مرقد پیر هرات بخط حسن خان شاملو . (شکل ۱۱۴)

درین عصر عموماً کتابها را به نستعلیق خوش می نوشتند و نستعلیق نویسان مکتب هرات ، آثار گرانمایه و شہکار های خطی بوجود آورده اند ، که از انجمله جعفر بایسنغری شہکار هنری خود یعنی نسخه نقیص شاهنامه بایسنغری را در سنه ۸۳۳ هـ ۱۴۲۹ م نوشت که در موزه گلستان تهران است . (شکل ۱۱۵) و هم سه ورق مجموعه خطوط نستعلیق وریحان و نسخی وثلث و رقاع و شکسته و نستعلیق با مضای اوست در موزه ملی تهران (شکل ۱۰۹) و هم هشت نمونه دیگر خط او بر کتب و دواوین شعرا و البیم هادر موزیم های دنیا موجود است .

پنجم: خط تعلیق و نستعلیق در طول قرن ۱۵ و خروج امیر تیمور در پهلوی نسخ و فروع لک در سر تاسر مملکت تیموریان رواج داشت و کاتبان دفاتر و امور عامه در ضمن چابک نویسی از امتزاج و در هم شکستن هر دو خطی بوجود آوردند که آنرا شکسته یا شکسته نستعلیق گویند.

اسلوب شکسته نویسی نیز در طول قرن ۱۵-۱۶ رنگ فنی و هنری  
 گرفت و مامی بینیم که در عصر تیموریان هرات علاوه بر اقلام سته  
 اساسی و دو قلم تعلیق و نستعلیق یک فلم نهم شکسته مستقلا افزوده  
 شد و استاد جعفر با یسنغری در اوراق نمونه خطوط مذکوره  
 خویش که در موزه ملی تهران است در سطر بسیار زیبا و نفیسی را  
 بهمین شکسته نستعلیق هم نوشته است (شکل ۱۰۹) که پختگی ایسی  
 شیوه زادر عصر شاهرخ میرسانند. و بعد از آن میرزا فصیحی هروی و  
 شفیعی هروی و مرتضی قلی شا ملو هروی و درویش عبد المجید طالقانی  
 و غیره از هنرمندان نامور این طریقه اند و برخی از شکسته نویسان  
 چون شیوه خاصی داشتند، آنرا شکسته آمیز و منسوب به شفیعی  
 هروی **خط شفیعه** هم گفته اند.

ولی خط شکسته برای کتاب و کتیبه نویسی کمتر استعمال شده  
 و رواج آن تاکنون هم برای مراسلات عامه و دفتری بوده، و گاهی  
 بطور نمونه هنری و تزئینی بر قطعات زیبا نوشته شده است (شکل  
 ۱۱۶).

## خوشنویسان متأخر

درباره خوش نویسان و خطاطان متأخر افغانستان چند کتاب درین  
راخر نشر شده که شرح حال نمونه های خط خطاطان متأخر را به  
تفصیل نوشته و آورده اندمانند:

۱- هنر خط در افغانستان در دو قرن اخیر تألیف بناغلی عزیز الدین  
و فلزائی طبع کابل ۱۳۴۲ ش که خود از اساتید معاصر هنر خط اند  
و درین کتاب تذکره بسا خطاطان افغانستان را نوشته و هم نمونه های  
فراوان انواع خطوط خود را داده اند که از آن مهارت او در اکثر خطوط  
قدیم و جدید ظاهر است و قدرت خامه او مسلم .

۲- گنجینه خطوط در افغانستان زجناب آخوند میرمحمد علی هروی  
طبع کابل ۱۳۴۶ ش که وی نیز از اساتید هنر خطاطی است و انواع  
خطوط را بقلم خود نوشته است .

۳- تعلیقات بردیبا جه دوست محمد کتایب دار از مرحوم فکری  
سلجوقی هروی ، که کتابی مفید است و در آن ذکر برخی از خطاطان  
متأخر با نمونه های خطوط ایشان آمده است ، این کتاب از سنه ۱۳۴۶  
تا ۱۳۴۸ در مجله آریانا طبع کابل نشر گردیده و در سنه ۱۳۴۹ یکجا  
بطور کتاب علاحده هم انتشار یافته است که قسمت اخیر آن بعد از  
وفات مرحوم فکری بهمت فرزند هنرمند او حسین وفا سلجوقی  
نشر گردیده است. این پدر و فرزند هر دو از خوش نویسان و خطاطان  
گرانمایه معاصرند.

برای اینکه کتاب حاضر از ذکر خطاطان گرانمایه متأخر و معاصر  
خالی نماند ، نمونه های خطوط برگزیدگان گرامی این گروه را نیز  
آورده ایم:

شکل ۱۱۷ : نمونه خط میرعبدالرحمن هروی استاد نستعلیق  
در قرن سیزدهم هجری .

شکل ۱۱۸ : نمونه خط مرحوم سید عظامحمد قندهاری استاد  
نستعلیق در قرن چهاردهم هجری .

شکل ۱۱۹ : نمونه خط مرحوم میرزا محمد یعقوب کابلی استاد  
نستعلیق در قرن چهاردهم هجری .



- شکل ۱۲۰ : نمونه خط مرحوم شیخ محمد رضا هر و ی  
استاد خطوط در قرن چهارم هجری .
- شکل ۱۲۱ : نمونه خط بناغلی محمد داود حسینی  
استاد خطوط در قرن چهارم هجری .
- شکل ۱۲۲ : نمونه خط بناغلی سید محمد ایشان حسینی  
استاد خطوط در قرن چهارم هجری .
- شکل ۱۲۳ : نمونه خط بناغلی عزیز الدین فو فلز انسی  
استاد خطوط در قرن چهارم هجری .
- شکل ۱۲۴ : نمونه خط بناغلی آخوند محمد علی هر و ی  
استاد خطوط در قرن چهارم هجری .
- شکل ۱۲۵ : نمونه خط بناغلی حسین وفا سلجوقی جوان  
هنرمند معاصر .

## رسم الخط پښتو

زبان پښتو که بیش از ۱۵ میلیون گوینده در افغانستان و پښتونستان دارد با وجودیکه از السنه قدیم آریاییست ولی آثار خطی آن از زمان کهن باقی نمانده و معلوماتی نداریم ، که قبل از رواج خط و حروف عربی (نسخی - کوفی ) این زبان چه رسم الخطی داشته است ؟

از آثار یافته شده خطوط آرامی - یونانی - دیوه ناگری - خروشتهی درباره خط قدیم پښتو سراغی بدست نمی آید .

از سنگ نوشته های توچی و جغتو و روزگان که بخط شکسته یونانی و یک لهجه شرقی دری قدیم (تخاری) است میدانیم ، که در محیط زندگی افغانان خطوط یونانی و شاردان + ناگری و خروشتهی رواج داشت . ولی معلوم نیست که آثار ادبی قدیم پښتو در اوایل اسلام بکدام خط نوشته می شد ؟

از آثار ادبی کهن زبان پښتو که از قرن ۷-۸-۹م باقیمانده روشن می آید ، که این زبان در غزنه و غور و در بارهای سوریان غور و لودیان ملتان و هم در قبایل پښتون کوه سلیمان ، لسان ادب و شعر بوده ، ولی از رسم الخط کهن آن ، قبل از رواج خط عربی خبری نداریم .

در سنگ نوشته بیستون پارس که با مرداریوش هخامنشی (۵۲۲ - ۴۸۶ ق م) بخط میخی و زبان فرس قدیم کنده شده ، درستون چهارم (سطر ۶۳-۶۴) یک حماسه اخلاقی مضبوطست ، که به عقیده برخی از دانشمندان یک قطعه سه مصراعی است ، که هر مصرع آن شش هجا دارد . (۱)

الفاظ و کلمات این سه مصرع منظوم اگر بغور و دقت تحلیل گردد ، بانند تحول لهجوی عینا به پښتوی امروزی برمیگردد ، و میتوان آنرا به مصرعهای شش هجایی پښتو تبدیل کرد ، در حالیکه اصالت کلمات و ریشه های کهن آن بجا باشد ، و در پښتو هم امروز بانند تحولی مستعمل !

(۱) کنجکا و بیهای علمی و ادبی طبع تهران ۱۳۲۹ مقاله دکتر معین

این سه مصراع در اصل کتا به بخط میخی چنین است : (۱)

𐭊𐭃𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊𐭋𐭌𐭍𐭎𐭏𐭐𐭑𐭒𐭓𐭔𐭕𐭖𐭗𐭘𐭙𐭚𐭛𐭜𐭝𐭞𐭟𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥𐭦𐭧𐭨𐭩𐭪𐭫𐭬𐭭𐭮𐭯𐭰𐭱𐭲𐭳𐭴𐭵𐭶𐭷𐭸𐭹𐭺𐭻𐭼𐭽𐭾𐭿𐭰𐭱𐭲𐭳𐭴𐭵𐭶𐭷𐭸𐭹𐭺𐭻𐭼𐭽𐭾𐭿𐭰𐭱𐭲𐭳𐭴𐭵𐭶𐭷𐭸𐭹𐭺𐭻𐭼𐭽𐭾𐭿

𐭊𐭃𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊𐭋𐭌𐭍𐭎𐭏𐭐𐭑𐭒𐭓𐭔𐭕𐭖𐭗𐭘𐭙𐭚𐭛𐭜𐭝𐭞𐭟𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥𐭦𐭧𐭨𐭩𐭪𐭫𐭬𐭭𐭮𐭯𐭰𐭱𐭲𐭳𐭴𐭵𐭶𐭷𐭸𐭹𐭺𐭻𐭼𐭽𐭾𐭿

𐭊𐭃𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊𐭋𐭌𐭍𐭎𐭏𐭐𐭑𐭒𐭓𐭔𐭕𐭖𐭗𐭘𐭙𐭚𐭛𐭜𐭝𐭞𐭟𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥𐭦𐭧𐭨𐭩𐭪𐭫𐭬𐭭𐭮𐭯𐭰𐭱𐭲𐭳𐭴𐭵𐭶𐭷𐭸𐭹𐭺𐭻𐭼𐭽𐭾𐭿

اگر به خط امروزی بننوویسیم ، چنین میشود :

نی اریکه اوم ( نه - یی - اری - که - وم )

نی دروجنه اوم ( نه - یی - درو - جه - نه - وم )

نی زور کپه اوم ( نه - یی - زور - که - په - وم )

تقطیع متن فرس قدیم بخط انگلیسی چنین است :

𐭊𐭃𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊𐭋𐭌𐭍𐭎𐭏𐭐𐭑𐭒𐭓𐭔𐭕𐭖𐭗𐭘𐭙𐭚𐭛𐭜𐭝𐭞𐭟𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥𐭦𐭧𐭨𐭩𐭪𐭫𐭬𐭭𐭮𐭯𐭰𐭱𐭲𐭳𐭴𐭵𐭶𐭷𐭸𐭹𐭺𐭻𐭼𐭽𐭾𐭿	𐭊𐭃𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊𐭋𐭌𐭍𐭎𐭏𐭐𐭑𐭒𐭓𐭔𐭕𐭖𐭗𐭘𐭙𐭚𐭛𐭜𐭝𐭞𐭟𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥𐭦𐭧𐭨𐭩𐭪𐭫𐭬𐭭𐭮𐭯𐭰𐭱𐭲𐭳𐭴𐭵𐭶𐭷𐭸𐭹𐭺𐭻𐭼𐭽𐭾𐭿	𐭊𐭃𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊𐭋𐭌𐭍𐭎𐭏𐭐𐭑𐭒𐭓𐭔𐭕𐭖𐭗𐭘𐭙𐭚𐭛𐭜𐭝𐭞𐭟𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥𐭦𐭧𐭨𐭩𐭪𐭫𐭬𐭭𐭮𐭯𐭰𐭱𐭲𐭳𐭴𐭵𐭶𐭷𐭸𐭹𐭺𐭻𐭼𐭽𐭾𐭿	𐭊𐭃𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊𐭋𐭌𐭍𐭎𐭏𐭐𐭑𐭒𐭓𐭔𐭕𐭖𐭗𐭘𐭙𐭚𐭛𐭜𐭝𐭞𐭟𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥𐭦𐭧𐭨𐭩𐭪𐭫𐭬𐭭𐭮𐭯𐭰𐭱𐭲𐭳𐭴𐭵𐭶𐭷𐭸𐭹𐭺𐭻𐭼𐭽𐭾𐭿	𐭊𐭃𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊𐭋𐭌𐭍𐭎𐭏𐭐𐭑𐭒𐭓𐭔𐭕𐭖𐭗𐭘𐭙𐭚𐭛𐭜𐭝𐭞𐭟𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥𐭦𐭧𐭨𐭩𐭪𐭫𐭬𐭭𐭮𐭯𐭰𐭱𐭲𐭳𐭴𐭵𐭶𐭷𐭸𐭹𐭺𐭻𐭼𐭽𐭾𐭿	𐭊𐭃𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊𐭋𐭌𐭍𐭎𐭏𐭐𐭑𐭒𐭓𐭔𐭕𐭖𐭗𐭘𐭙𐭚𐭛𐭜𐭝𐭞𐭟𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥𐭦𐭧𐭨𐭩𐭪𐭫𐭬𐭭𐭮𐭯𐭰𐭱𐭲𐭳𐭴𐭵𐭶𐭷𐭸𐭹𐭺𐭻𐭼𐭽𐭾𐭿
مصراع ۱ : naiy	a	rai	ka	â	ham = 𐭊𐭃𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊𐭋𐭌𐭍𐭎𐭏𐭐𐭑𐭒𐭓𐭔𐭕𐭖𐭗𐭘𐭙𐭚𐭛𐭜𐭝𐭞𐭟𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥𐭦𐭧𐭨𐭩𐭪𐭫𐭬𐭭𐭮𐭯𐭰𐭱𐭲𐭳𐭴𐭵𐭶𐭷𐭸𐭹𐭺𐭻𐭼𐭽𐭾𐭿
نی	ا	ری	که	آ	هم
مصراع ۲ : naiy	drau	ja	na	â	ham = 𐭊𐭃𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊𐭋𐭌𐭍𐭎𐭏𐭐𐭑𐭒𐭓𐭔𐭕𐭖𐭗𐭘𐭙𐭚𐭛𐭜𐭝𐭞𐭟𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥𐭦𐭧𐭨𐭩𐭪𐭫𐭬𐭭𐭮𐭯𐭰𐭱𐭲𐭳𐭴𐭵𐭶𐭷𐭸𐭹𐭺𐭻𐭼𐭽𐭾𐭿
نی	درو	جه	نه	آ	هم
مصراع ۳ : naiy	zür	ka	ra	â	ham = 𐭊𐭃𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊𐭋𐭌𐭍𐭎𐭏𐭐𐭑𐭒𐭓𐭔𐭕𐭖𐭗𐭘𐭙𐭚𐭛𐭜𐭝𐭞𐭟𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥𐭦𐭧𐭨𐭩𐭪𐭫𐭬𐭭𐭮𐭯𐭰𐭱𐭲𐭳𐭴𐭵𐭶𐭷𐭸𐭹𐭺𐭻𐭼𐭽𐭾𐭿
نی		که	را	آ	هم

اکنون باید دید ، که چگونه این متن قدیم به آسانی به پستو بر میگردد ؟

نی ( نه یی ) اریکه وم ( دهیچاریکی او مانع نه وم )  
 نی ( نه یی ) درو جنه وم ( نه ماد جا سره دروه در لوده )  
 نی ( نه یی ) زور کپه وم ( نه پرچازور کپونکی وم )  
 چون اصل کتابه همه بخط میخی قدیم عهد هخامنشی است ، بنابراین

(۱) نوشته های فرس قدیم در خط میخی ۶۷ طبع دانشگاه پهلوی شیراز ، از نورمن شارپ واو لدرشن ۱۲۹ تا لیف کنت طبع امریکا ۱۹۳۵ م.

نوان گفت : که يك نمونه نو شته کلمات و جمله بندی بسيار قريب به پښتو در خط ميخی قدیم موجود است ، وهم در رسم الخط يونانی مروج عصر عروج کوشانيان در اوایل عهد ميلادی در زبان تخاری يالهجه شرقی در ی قدیم ، که بسيار نزدیک به پښتو بود ، رسم الخط برخی از کلمات مشترک پښتو و تخاری در سنگ نو شته ها باقی مانده که ازان لاقلاً شکل مخطوطه برخی از کلمات پښتو را تو ان دریافت .

مثلاً در سنگ نو شته بغلان کلمات : (۱)

انيد (چهره روز)  $\Delta \pi \iota \pi \Delta$

بگ (عظيم)  $\beta \alpha \tau$

اير (اور = آتش)  $k i p$

و در سنگ نوشته روزگان :

مير ( = لمر = آفتاب )  $\mu \epsilon \rho$

زميگ ( = زمکه = زمین )  $\zeta \mu \gamma \gamma$

شخ (۵) شاه خوی (شاهزاده)  $\delta \mu$

چون بعد از دوره خطوط قدیم ، در عصر اسلامی بافتوح عربی رسم الخط کوفی و نسخی با قرآن و اسلام بافغانستان آمد ، و این رسم الخط قرآن بقایای خطوط قدیم را بشدت تسرعت در نوردید ، بنا برین با ید گفت : که اگر مطلبی را بزبان پښتو می نوشته اند ، شاید بهمان رسم الخط نو وارد کوفی یا نسخی بود .

از قدیمترین کتاب نوشته شده تذکره الاولیاء سلیمان ماکو بن بارک خان ( ساکن ارغسان قندهار ) که در سنه ۶۱۲ ق تالیف شده و فقط هفت صفحه آن بدست آمده ، و در سنه ۱۳۲۰ ش در کتاب پښتانه شعراء (جلد اول طبع کابل) عین آنرا عکاسی و نشر کرده ام ، و حتماً

(۱) هفت کتیبه قدیم طبع کابل ۱۳۴۸ ش از حبیبی .

کتابت بعد از سال هزارم ق است پدید می آید، که کتابهای پبنتو ر  
بخط رایج الوقت می نوشته اند.

خط این صفحات تذکرة الاولیاء مخلوطی است از نستعلیق +  
سخی بسیار ابتدایی و ناپخته و نازیبا، که خواندن آن هم مشکل است،  
و نوشتن این صفحات را بعد از سال هزارم قمری هجری تخمین  
بوان کرد. (شکل ۱۲۷)

اما قدیمترین کتاب دارای تاریخ کتابت که بزبان پبنتو باقیمانده،  
همان نسخه واحد خطی خیرالبیان تألیف بایزید انصاری مشهور به  
پیر روینان (۹۲۱-۹۸۱ ق) صوفی نبرد آزمای آزادبخواه قرن دهم  
است، که بخط فقیر بهار تویی (۱) بتاریخ ۲۰ رمضان ۱۰۶۱ ق برای  
بی بی خیر خاتون نوشته شده و نسخه خطی واحد آن اکنون در  
کتابخانه توبنگن المان غربیست، و خط آن نستعلیق متوسط است.  
که ارزش هنری فراوان ندارد (شکل ۱۲۸)

بهر صورت از ملا حظة صفحات تذکرة الاولیاء و خیرالبیان و برخی  
از نسخ قدیم پبنتو که در حدود سال هزارم هجری کتابت شده  
مبدانیم، که شیوه نسخی + نستعلیق را در نوشتن پبنتو بکار  
می بردند و همین شیوه در تمام نسخ قدیم کلیات خوشحال خان خٔک  
و آثار منظوم و منثور دود مان او هم دیده میشود.

چنین بنظر می آید، که پیش از پیر روینان، مردم با رسم الخط  
پبنتو کمتر آشنایی داشتند، و چون مردم پبنتو زبان، قرنهای  
پاحمله آوران شرقی و غربی دست بگریبان بودند، با کتاب و نوشتن  
کمتر سرو کاری داشته اند، و اندرین گیر و دار تحمل فرسا  
رسم الخط پبنتو نیز مہجور مانده بود.

دولت شاعر پبنتو درباره مرشد خود پیر روینان (حدود ۹۸۰ ق)  
گوید:

افغانی لفظ مشکل و، لوست کوینبی نشه

ور ته و شوه کنند ه دیا رلس حر فونه

یعنی: «لفظ افغانی مشکل بود، خوانده و نوشته نمی شد، پس ۱۳

---

(۱) در اصل توی است که آنرا سهواً طوسی خوانده اند. ولی  
نویی منسو بست به توی نام جایکه در وادی ماوراء خیبر بود.

حرف آنرا ترتیب داد. « وازیـن برمی آید ، که اصوات مخصوص  
پنبتورا باشکال خاص در الفبای عربی و فارسی جای داده باشد .  
کتاب خیر البیان بایزید به چهار زبان پنبتو - عربی - فارسی -  
پنجابی تألیف شده، و در آغا زان بایزید ۱۴ صفحه را وقف شرح  
اصوات خاص پنبتو نموده و اشکالی را بیان داشته که مادر شکل (۱۲۶)  
درستون خاص نوشته ایم. و لسی این رسم الخط خیر البیان بانسخه  
های خطی مخزن اسلام اخوند درویزه که در همان عصر در مقابل  
خیر البیان تألیف شده تفا و تسی دارد ، و در شیوه خط هم اکثر  
نسخ قدیم خطی مخزن بر رسم الخط نسخی اند ، و تفاوت اشکال حروف  
خاص پنبتو را در جدول ( ۱۲۶ ) ملاحظه کرده میتوانید .

در قرن ۱۱ و ۱۲ هجری دو مرکز کتاب نویسی پنبتورا میشناسیم ،  
که یکی در ملتان بود در آنجا مخصوصاً نسخه های  
مخزن اسلام اخوند درویزه (متوفی ۱۰۴۸ هـ ) را که یکی از مخالفان  
سرسخت بایزید پیر روینان است می نوشته اند، و من نسخه های  
متعدد مخزن اسلام زاده ام، که در ملتان بخط کاتبان متعدد  
نوشته است مثلاً در ۱۱۴۴ ق و ۱۱۶۷ ق .

مرکز دوم کتاب نویسی دراکوپه ختک و مقر خاندان خوشحال  
خان بود ، که بسا نسخ خطی کلیات خوشحال خان در اینجا  
به امر افضل خان بن اشرف خان بن خوشحال خان بقلم شیخ محمد اعظم  
نو مسلم بخط نستعلیق ملیحی نوشته شده است. و از آن جمله نسخه  
بیست در حدود ۱۵۰۰ صفحه که همین شخص بتاریخ ۱۸ جمادی  
الثانیه ۱۱۴۲ هـ بامر اسد خان ختک نوشته و اکنون در نسخ خطی  
کتابخانه عامه کابل موجود است .

در جمله نسخ قدیم پنبتو، دیوان دولت مرید پیر روینان ( حدود  
۱۰۵۸ هـ ) وسلوک الغزاة تألیف ملا مست زمند (حدود ۱۰۰۰ هـ )  
هم در کتابخانه خطی کابل موجود بود، و هم کتابی منظوم بسبک  
خیر البیان در قندهار نزد مرحوم دوست محمد بریخ بود، که این  
نسخه هائیز بخط نستعلیق نوشته شده اند .

در قرن ۹-۱۰ هـ از هنگامیکه نسخه های خطی پنبتو باقیمانده ،  
شیوه نستعلیق رسم متبع کاتبان پنبتو بود ولی گاهی در نسخ خطی  
مخزن اسلام اخوند درویزه عبارات پنبتو را به رسم الخط نسخی و فارسی  
را به نستعلیق نوشته اند ، و بعد از آن هم تا حدود ۱۲۰۰ هـ گاهی به

نستعلیق وزمانی به خط نسخ دیده میشود ، مثلاً نسخه های دیوان پبنتوی احمدشاه بابا به نستعلیق خوشی موجودند (نسخه خطی کتابخانه عامه کابل و نسخه خطی کتابخانه تاشکند ) ولی بعد از آغاز قرن ۱۳ اکثر نسخه هارابه خط نسخی خوبی نوشته اند. وهنگامیکه فن طباعت درهند و افغانستان رواج یافت ، نیز تمام کتب پبنتو رابه خط نسخ نوشته و طبع کرده اند ، وهم در اروپا حروف پبنتو را به شیوه نسخ زیبا ساخته اند، که نمونه آن چاپ گلشن روه تالیف راورتی (طبع هر تفورد ۱۸۶۰م) و پبنتونخواها رو بهار تالیف دار مستتر (طبع پاریس ۱۸۸۸م) است . وهم کلید افغانی تا لیف بادری هیوز ( طبع لاهو ۱۸۹۳ ) .

درنوشتن شیوه نسخ یانستعلیق خط پبنتو بافارسی و عربی فرقی ندارد ، ولی چنانچه گفتیم پیروبنیان در اوقات تالیف خیرالبیان چند صفحه آن کتابرا به املا ی اصوات مستعمل در پبنتو اختصاص داد، و شاید این اشکال را از روایات قدیم رسم الخط پبنتو درین رساله شرح داده باشد .

اخواند درویزه نیز درباره اشکال اصوات مخصوص پبنتو چنین شرح میدهد :

«دیگر معلوم باد که چون حروف در الفاظ افغانی وهندوی ثقیل می آیند بنا بران علامتی بران آورده میشود تا معلوم گردد، که این همان حرف ثقیل است . چنانچه پ چون ثقیل شود ، سه نقطه در تحت او ایزاد گردد پ میشود. و گاهی ت چون ثقیل شود جزمک در تحت آن داده پ میشود و گاهی ج چون ثقیل شود ، سه نقطه در تحت او نهاده پ میشود ، و گاهی چون ثقیل تر شود ، سه نقطه بر فوق او نهاده پ میشود . و گاهی چون ثقیل شود، جزمک در تحت او ایزاد گردد پ میشود. و گاهی چون ثقیل شود، جزمک در تحت آن ایزاد گردد پ میشود. و گاهی چون ثقیل شود سه نقطه بر فوق او داده پ میشود ، و چون ثقیل تر شود یک نقطه بر فوق و یک نقطه در تحت ایزاد گردد ، پ میشود، و گاهی س مهمله چون ثقیل شود ، یک نقطه بر فوق و یک نقطه در تحت آن نهاده پ میشود ، و ک عربی چون عجمی شود ، سرکشش کاف را اندکی طرف تحت کج کرد، ک

عجمی میشود . . . (۱)

در املائی حروف پنبنتو که اصوات خاص این زبان را نمایندگی میکند، و در عربی و فارسی آن اصوات نیست هشت حرف خاص موجود است :

ت - خ - ح - د - ذ - ز - ن - ن - ن

ازین حروف خاص در شرح با لا ذکر (خ - ن) نیست، و تا مدتی حرف اول را (خ) یابد و نقطه بالا و پایین و حرف دوم را هم به شکل نر نوشته اند در رسم الخط خیرالبیان این حروف را چنین می نوشته اند :

ت - خ - ح ( یک نقطه زیر شکل د ) - ذ - ز ( ژ ) - ن ( بین دیک نقطه ) - ن - ن  
اما در رسم الخط خاندان خوشحال خان چنین است :

ت ( ط زیر آن یک همزه ) - ح ( ح در بین دو نقطه و یک همزه ) - خ ( ح زیر آن همزه ) - د ( بالای د یک همزه ) - ذ ( بالای ذ یک همزه ) - ز ( بالای نون یک همزه ) . ( برای شرح رجوع به شکل ۱۲۶ )

دواوین و کتابهای چاپ شده پنبنتو درین قرن اخیر تماماً به نسخی نوشته و طبع شده، و تا کنون همین شیوه نسخی در چاپ و قلم متبع است .

در شیوه نسخی پنبنتو ، کو چکی کشش های حروف با گردی دواوین و خانه ها و سادگی نوشته بدو ن رعایت تزئین مراعات شده و امروز استاد ترین خطاطان این شیوه جناب استاد عزیز الدین پوپلزایی است .  
(عکس ۱۲۹)

در شماره های شمس النهار که بعد از ۱۲۹۰ از بالا حصار کا بل بزبان دری و خط نستعلیق خوب میرزا عبدالعلی چاپ و نشر میشد نیز دیده میشود که اگر کلمه پنبنتو یا اسمی و یا جمله یی ازین زبان در ضمن انشاء دری آید ، آنرا به نستعلیق نی ، بلکه با نسخی خوب و دلکشی می نویسند ، و لی بالعکس بر مهر سر منشی دربار امیر شیر علی خان (محمد نبی واصل) به نستعلیق بسیار زیبا و پسندیده کلمات پنبنتو (لو کنبیل) را با دبیر الملک نوشته اند .

بهر صورت : رسم الخط متبع و مروج زبان پنبنتو نسخی بود ، ولی گاه گاهی با نستعلیق هم نوشته اند . و این امر البته به ذوق و مهارت کاتب مربوط بوده است .

(۱) منخزن ۱۳۷ طبع پشاور ۱۹۶۹م



عقود

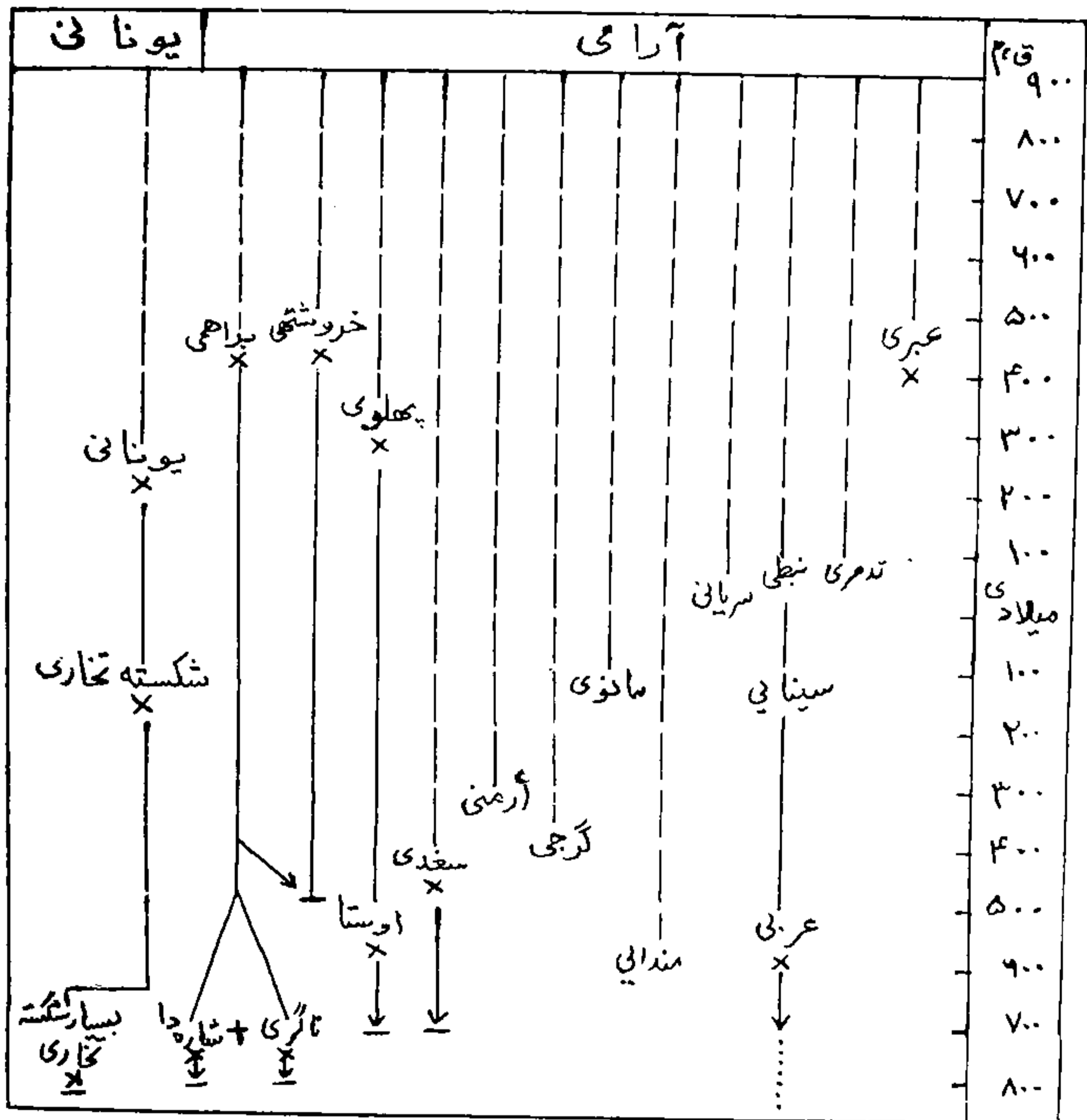




↑  
شکل (۴)  
بر صخره کوه  
هرارسم  
سنگ

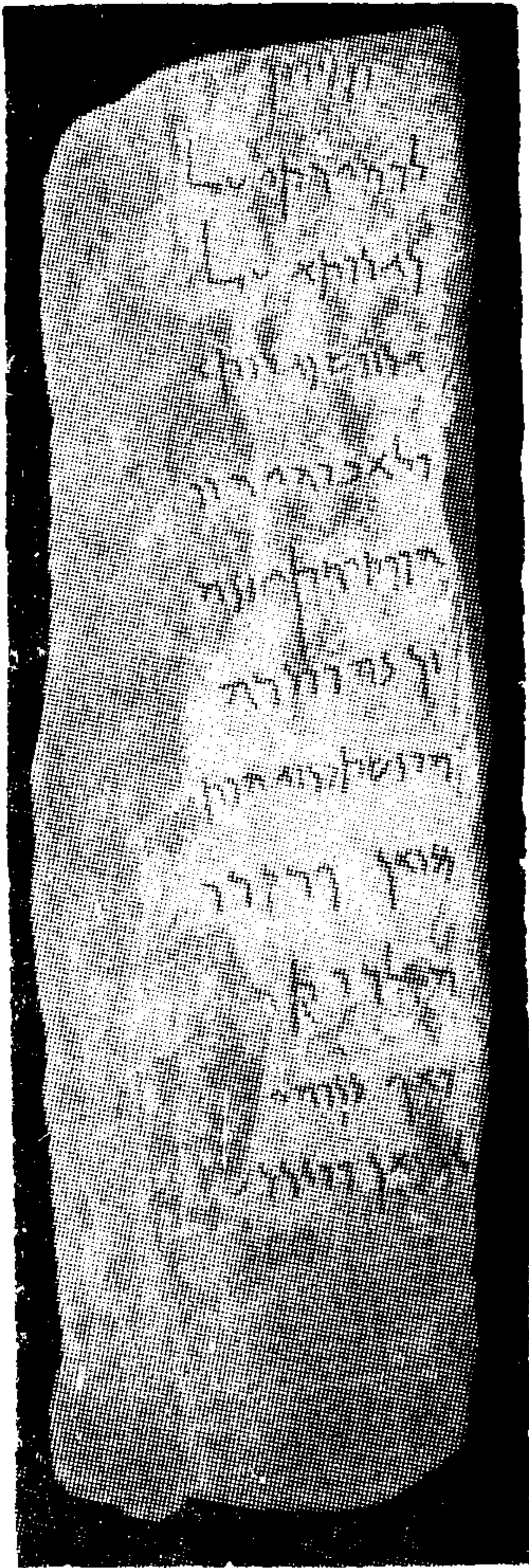


← شکل (۱)  
بر صخره کوه  
دره الی شنگ  
لغان



شکل سوم پیدایش خطوط

- علامت خطوطی که در افغانستان قدیم بوده
- تسلسل خطوط برایشه اصل
- دوام خطوط و تحول آن بشکل دیگر
- دوام آن تا کنون در افغانستان
- قطع استعمال خطوط در افغانستان



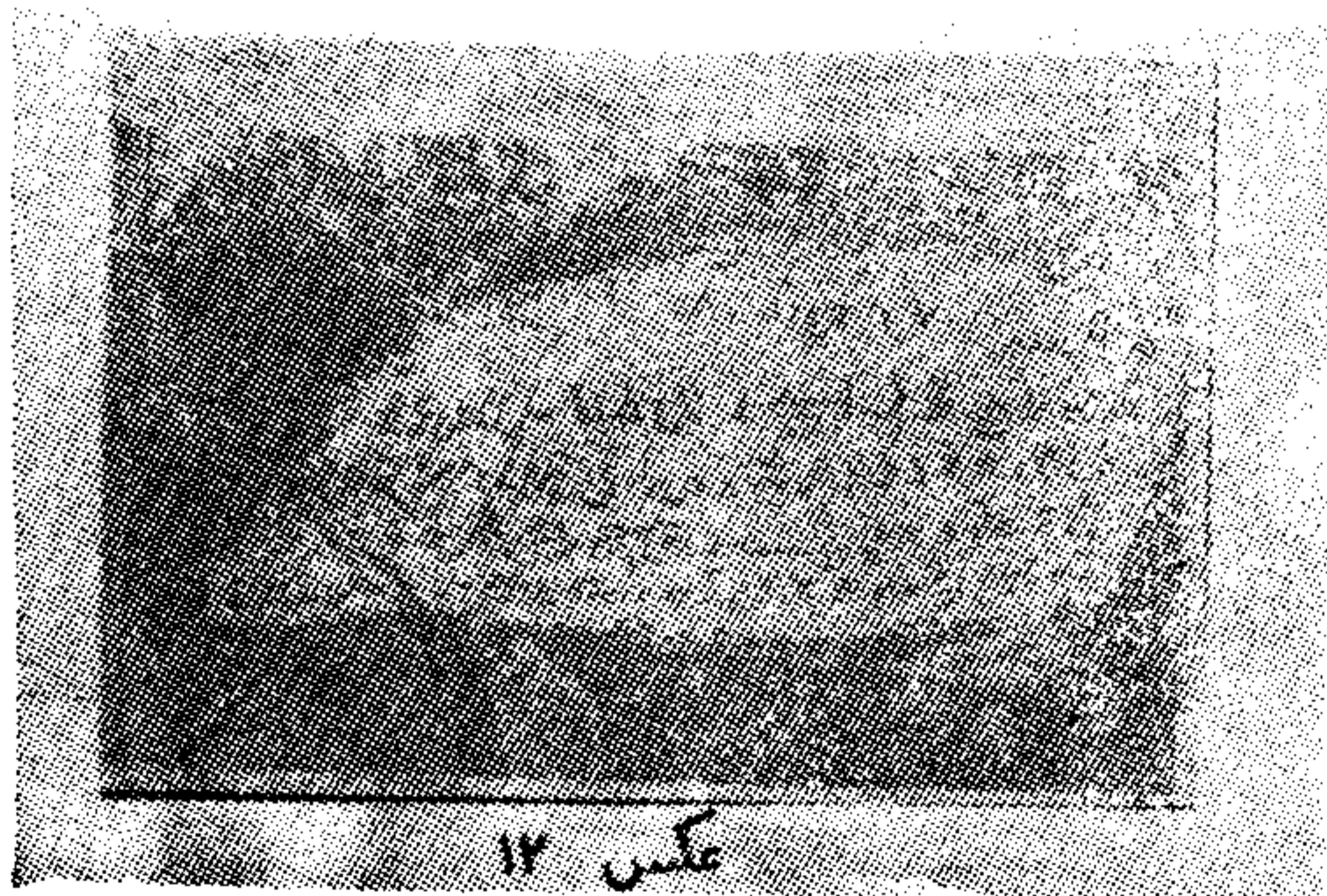
شکل ۴

کتیبه آرامی مکشوفه از تکسیلا  
که چون مارشل در حفاریات آنجا کشف  
کرد ، و تاریخ آنرا به حدود ۵۰۰-  
ق ، م می‌رسانند .

عکس این سنگ نوشته بسیار  
قدیم از کتاب رهنمای تکسیلا تألیف  
جون مارشل گرفته شده است .



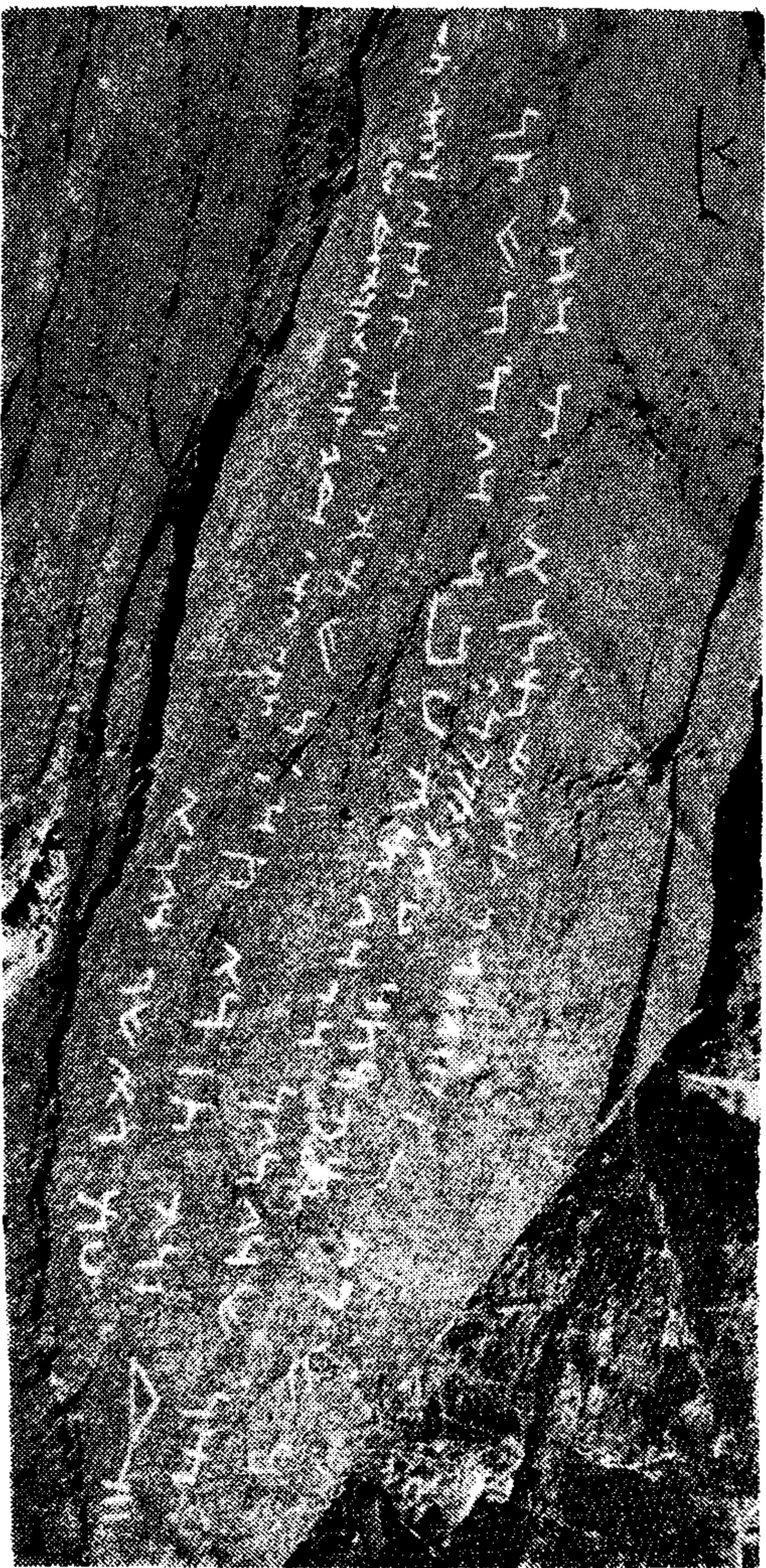
عکس ۵ سنگ نوشته یونانی آرامی اشوکا در قندهار



عکس ۱۲



سنگ نوشته آرامی درونته



۷- سنگی نوشته آرامی گفمان





کیداره ←



→ ورهران



پيرو ←

عکس ۷ خطوط برآهی بر مسکوکات کیداریان

ΤΡΙΒΑΛΛΟΣ  
 ΚΑΙ ΣΤΡΑΤΩΝ  
 ΣΤΡΑΤΩΝΟΣ  
 ΕΡΜΗΙ ΗΡΑΚΛΕΙ

شکل (۸) کاپی از اصل

نمونه خط یونانی قبل از میلاد در افغانستان، که از طرف تریپالیوس در جمنایم آئی خانم  
 نوشته شده است

۴

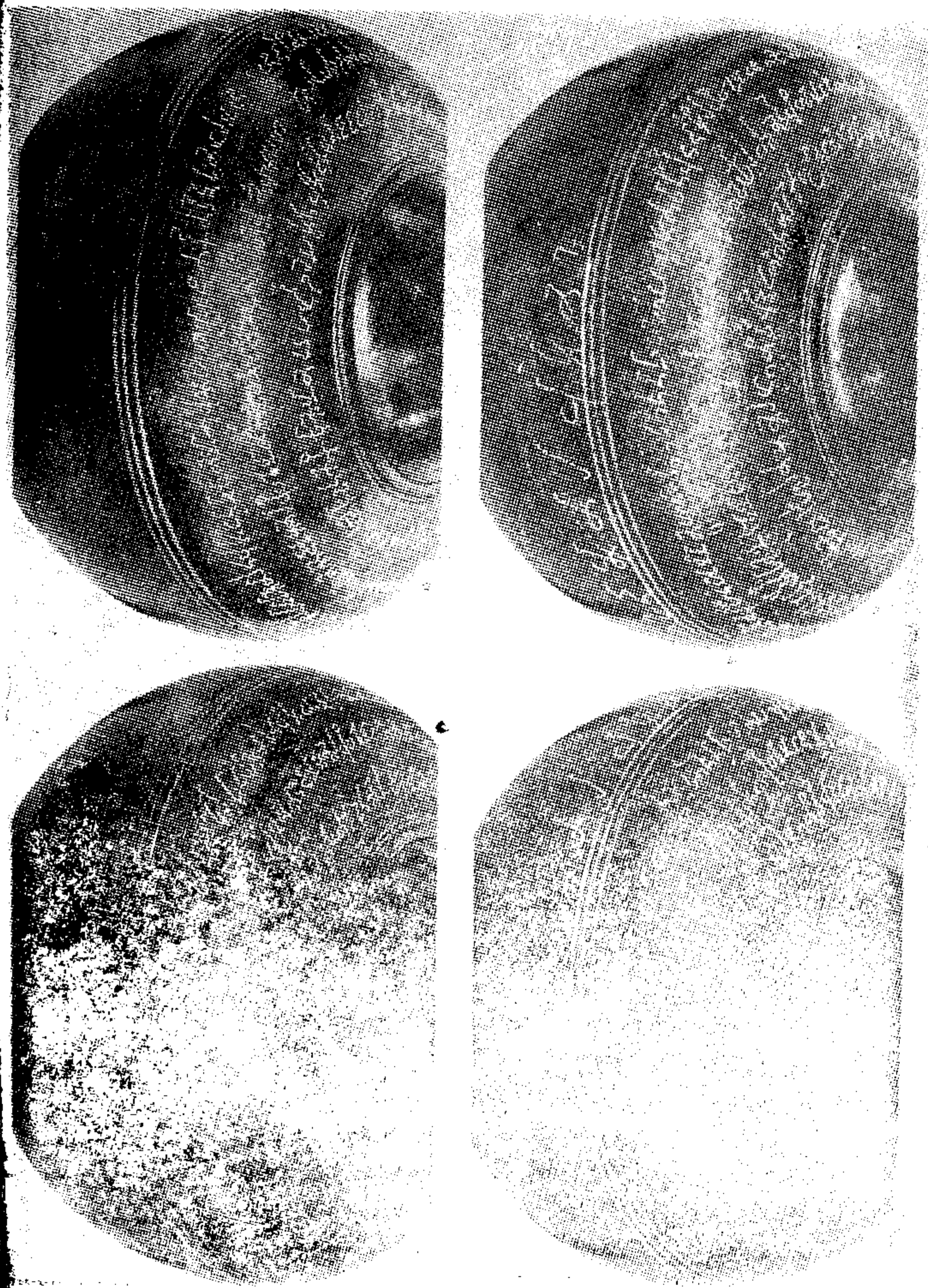
ΑΝΘΡΩΠΟΙΣ ΦΑΤΑΥΤΑ ΠΑΛΑΙΟΤΕΡΩΝ ΑΝΑΚΕΙ  
 ΡΗΜΑΤΑ ΑΡΓΕΝΩΤΩΝ ΠΥΘΟΙΕΝΗΓΑΘΕΑΙ  
 ΕΝΘΕΝ ΤΑΥΤΩΝ ΛΕΑΡΧΟΣ ΕΠΙΦΡΑΔΕΛΣ ΑΝΑΓΡΑΥΑΣ  
 ΕΙΣ ΑΤΟ ΤΗ ΛΑΥΓΗ ΚΙΝΕΟΥΕΝ ΤΕΜΕΝΕΙ

ΠΑΙΣ ΛΗΚΝΕΜΙΟΣ ΕΚΙΟΥ  
 ΗΒΛΝΕΓΚΡΑΤΗΣ  
 ΜΕΣΟΣ ΔΙΚΑΙΟΣ  
 ΠΡΕΣΒΥΤΗΣ ΕΥΒΟΙΛΟΣ  
 ΤΕΛΕΥΤΩΝ ΑΛΥΠΟΣ

شکل (۹) کاپی از اصل

کتیبه قبریک یونانی در آئی خانم ولایت تخار شمال شرقی افغانستان





شکل ۱۱ نوشته های خروشمتهی برطرف مکشوف از خوات وردگ

شکل ۱۳ - حروف یونانی در نوشته‌های مکتوبه افغانستان				
عدد	یونانی	کنونه	انگلیسی	امثله
۱	Α α Δ δ	آ-ا-آ فتحه	A-Ā	ΒΑΓ (تا) ΤΑΔ (تا) ΒΓ (خان) γαν (خداوند)
۲	Β β	ب	B	ΒΟCΑΡ (بوسر) (نام) ΠΑΜΟΒΑΡΓ (بید) ناموبزگ (نامور)
۳	Ρ ρ	پ	P	ΠΟCΡ (پوهر) (پور) ΒΑΓΠΟΡ (پور) ΠΟΡ (پور)
۴	Φ φ	ف	F	ΦΡΕΙCΥΑΡ (فریستار) (پرستار) ΦΑΡΡ (فر) (فرمان) ΦΡΟCΜΑΝ (فرمان) ΦΖΖΟC (فرزگ) (بزرگ)
۵	Τ τ	ت	T	CΤΑΔ (ستاد) (ایستاد) ΑΟΤ (اوت) (واو عطف) (ستر) ΠΟCΤΑΡΑΝΑ (بزرگ) ΒCΤΡΑΝΙΔ (گسترانید)
۶	Θ θ	ث-ح-ث	TH	ΘCΑΓΓΗΘ (اسگیت) (سنگی)
۷	Χ χ	خ	KH	ΧΡΟC (خشون) (سلطنت) ΧΑΓΑΝ (خاگان) (خان)
۸	Δ δ	د	D	ΚΙΡΑ (کیر) (ساخت) (کیر) ΚΙΡΑ (کیر) (ساخت) (کیر)
۹	Ρ ρ	ر	R	ΡΑCΑΝ (راسان) (راسان) ΡΑCΑΝ (راسان) (راسان)
۱۰	Ζ ζ	ز	Z	ΖΑCΑΝ (زاسان) (زاسان) ΖΑCΑΝ (زاسان) (زاسان)
۱۱	Σ σ	س-ح-س	TS	ΣΟC (سوی) (پیر) (سوی) ΣΟC (سوی) (پیر) (سوی)

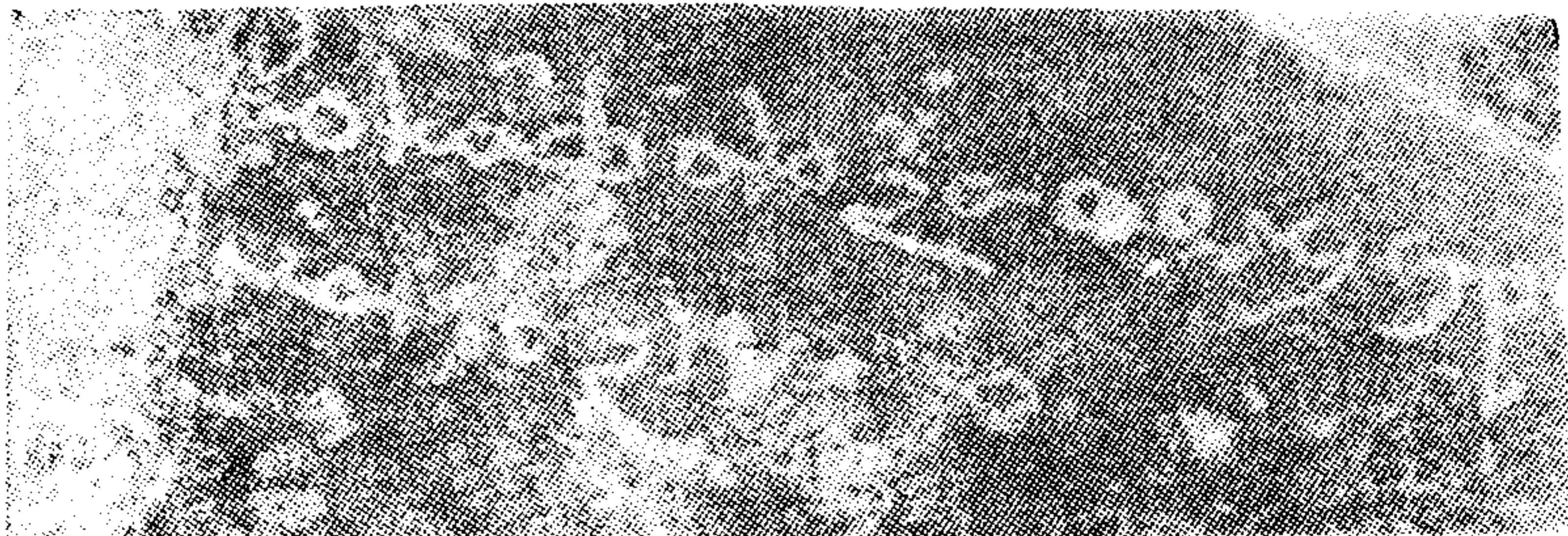
۹۵ ساد (چاه) هرصم سنکه (جامعه) ۵۰ سرای هرصم سر	S	س	С Э С С < 6 2 2	۱۲
۸۰ شا (شاه) هرصم اشک (هشم) ۵۰ شاه X 6 0 1 1 خشون	SH	ش	Ш 6 6 6 X 6 6 6	۱۳
۹۱ بنال (بناد) هرصم کونیا	X	بب	Ш - 6 X 6 6 6	۱۴
۱۵ کید (که) 6 0 ka بکه (نام) 6 0 ka بکه 6 0 6 کرد	K	ک	К 2 К K 2 X	۱۵
۹۲ بگ هرصم گوئل وین ویک (یک) هرصم گوئل (پهلوان زاده)	G	گ	Г 2 Г Г 2 6	۱۶
هرصم هرصم هرصم هرصم	G, H	غ	Г 2 Г Г 2 6	۱۷
۹۳ بگ لنگ (بغلان) هرصم سنکه (جامعه)	NG	نگ	Г 2 Г Г 2 6	۱۸
۹۴ مال (وقت) 6 0 6 ال 2 هرصم مالیز (مهاجر)	L	ل	Л 6 Л X 6 X	۱۹
۹۵ هرصم هرصم هرصم هرصم هرصم هرصم هرصم هرصم	M	م	М 6 М М 6 М	۲۰
۹۶ انند (هره ور) هرصم هرصم نمو (نیایتن) هرصم کونان	N	ن	Н 6 Н Н 6 Н	۲۱
۹۷ پوهر (پور) هرصم هرصم هرصم هرصم هرصم هرصم (تقوی)	H	ه	Н 6 Н Н 6 Н	۲۲
۹۸ اید (هست) هرصم هرصم پدین (بدین) هرصم اید (اور) آتش) در کتیبه سرح کوتل بغلان هرصم هرصم هرصم هرصم (خدائی)	E	ی	Е 6 Е Е 6 Е	۲۳

<p>۱. <math>\omega\epsilon\tau\delta</math> و سَوَگَد (صیا)          (۱) <math>\omega</math> وِگ (یک)  <math>\sigma\tau\eta\theta</math> تَو (نیایش)</p>	<p>W</p>	<p>و</p>	<p><math>\omega</math> <math>\omega</math></p>	<p>۲۴</p>
<p>۱. واو خفیف مانند <math>\chi\omicron\alpha\delta\eta</math>          خُوَدی (خدا - شاه) <math>\kappa\alpha\pi\eta\rho\kappa\omicron</math> کَشک          ۲. ضمه: مانند <math>\rho\epsilon\tau\alpha\sigma\omicron\mu\epsilon\tau\alpha</math> (در حالت اضافی)  <math>\rho\epsilon\tau\alpha\sigma\omicron\mu\epsilon\tau\alpha</math> بَرز بَر          ۳. واو معروف: مانند <math>\rho\omicron\sigma</math> پور  <math>\rho\omicron\sigma\beta\iota\chi\tau</math> نُو بَحْت (نام)          لهره د گو مل (جای)          ۴. الف مضموم: مانند <math>\omicron\delta - \omicron\gamma</math>          اوت - اود (واو عاطف - و)          ۵. فاصله بین کلمات: مانند  <math>\beta\alpha\tau(\omicron)</math> بگ - شاه بزرگ          ۶. خاتمه کلمات: مانند  <math>\mu\alpha(\omicron)</math> ما (ماه)  <math>\alpha\beta(\omicron)</math> آب  <math>\sigma\tau\eta\theta(\omicron)</math> ستر (عظیم)</p>	<p>0 u</p>	<p>و ا - .ضمه</p>	<p>0 0 0 0 0</p>	<p>۲۵</p>
<p><math>\chi\omicron\alpha\delta\eta</math> خُوَدی <math>\kappa\alpha\pi\eta\rho\kappa\omicron</math> کَشکی  <math>\alpha\pi\delta\eta\tau</math> اندیز (فراوان)</p>	<p>i</p>	<p>ی کسره</p>	<p>h</p>	<p>۲۶</p>
<p>۱. کسره: <math>\mu\iota\delta</math> پد (به)  <math>\kappa\iota\delta</math> کد (که)  <math>\sigma\mu\epsilon\rho\epsilon</math> سمره (معبود)          ۲. اضافت و بنوت: بعد از فاصله  <math>\rho\iota\sigma\tau\alpha\rho\tau</math>   <math>\beta\omicron\epsilon\alpha\rho(\omicron)</math> پور ستر          گُرگ، یعنی پسر ستر و گُرگ          ۳. ری معروف: <math>\delta\omicron\gamma\epsilon</math> دویک (زجبه)          حیره ویا <math>\delta\omicron\gamma\epsilon\sigma\mu\epsilon\rho\epsilon</math> ستر</p>	<p>"</p>	<p>"</p>	<p>ا ) و ( پ خ</p>	<p>۲۷</p>

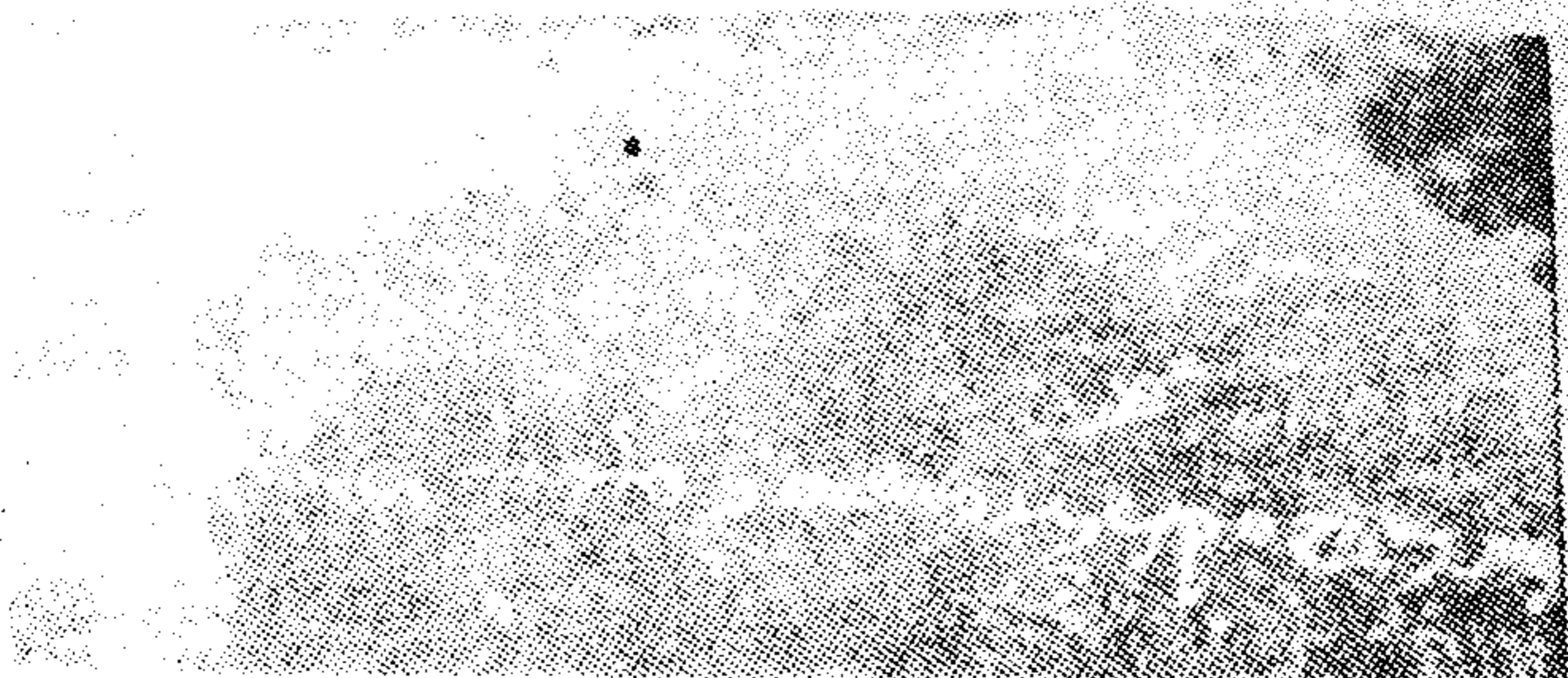
1. КИД О М Д И З О М О К А Н Н П К О О А Н И М Д О В А Т О Т А Т Р О С И Д О В А Т О Р А О К  
2. А Н Н П К И М А М О В А Р К О К Р Д О Т А Д И О К Е Д О Ф О Р Д А М С О М А Н И З О Ф Р О  
3. С И Р Д О Т А Д И О М А Н Д А Р О В А К И С Т О Х О Т О А С И Д О М А К И З О В А Б Т  
4. О С Т У Д О О Д О К А Р Д А С О Р Р О Т О М И М А Н С И П Р О С Т А Д О У А Д О И Д А С Т  
5. А С И М О Р А Т М О Ф Р О Х О Р У И Д О Т У К Д О А В О Т Р А Ф О О А С Т И М Д О  
6. А В Д А Р Д И Д О О У О М А К И З О П И Д О Р П И Д О Т У А К А Р Д О М О К  
7. О Р Л О К О И К А Р А Р Р А Т Р О И Ф Р Е И Х О А Д И О Т О К И Д О О Ф Р Е И С Т А  
8. Р О В А В О Р А О И Б А Т О Р О У Р Р О И О И Х О В О С А Р О И Р И З О Т А Р Р Т О И А  
9. Т О Б У А Т О К И Д О Ф А Р О О И С Н О А К О М О О А Д О В А Р Р Т А М О Л Д  
10. С О Т Д О М А Р Т О И И Д О И Ш Т О О Д О У Т И Р Е О Х Р О М О Ж Е И С А М О М  
11. А О М А К О В Р Д О Д А М О В А Т О У А Т Р О Т А Д И О М А К И З О М О  
12. Р А Т А Т О Т А Д И О Д И О С А Д О К А Н Д О О Т И О Д В О О З О О А С Т О  
13. О У Ч И О И Д О А С А Р Т Т Ф И О О И Р И Д О А У А К О В О М А К И З О Ф  
14. А Р О К А Р А К О В О М А Р В О И О О Д О К А Т Д А М О А С О Т Р О  
15. Т О М И М А К О И З И Р О В О О И О Т А Д Д А К О И В А Т Е А С С О И Р О  
16. А Л М О М А Р Р О Х О В О М Д И О О У К Н О М Д А К И З О М А К И Д  
17. О Р И Х С Т И О О Т К И О Д А С А С К О М О С А Д О А Х Р Т  
18. П И Т О К И Р Д О А Х В А Р Р О Ш Е Т А Д О I О О А Т О И И  
19. З И Н О С А Д О И Д Е И О А Х Р Т П И Т О Т А Р О Т Т О М А Р  
20. К О Х О Т У О М О Р О О А Т О О Т О С И I I O M O C A B O O D O M  
21. А Р Т О Х И Р Т О М А К О К И Р Д О А М О В О Р З О М И Т Р А М О Л О  
22. С Т А П К И Н О Т Р О Д А М О С Т У И О Т А И С Е Л И Т И А М О К О И  
23. О М И К И К Д Р А Р Р А Т Т Е М А Р Н Т О И I D O I X O A D H O  
24. Р О М Д М О О Т О С И I I O M A Т О Т О Г И Х Т О Д А М О М И Т Р  
25. М А М О А М О В О Р К О М И Т Р О Т О Т Р О О У А М И Т Р А М А Р О

O M A I S J O I W J K I





شکل (۱۵) سنگ نوشته اول روزگان

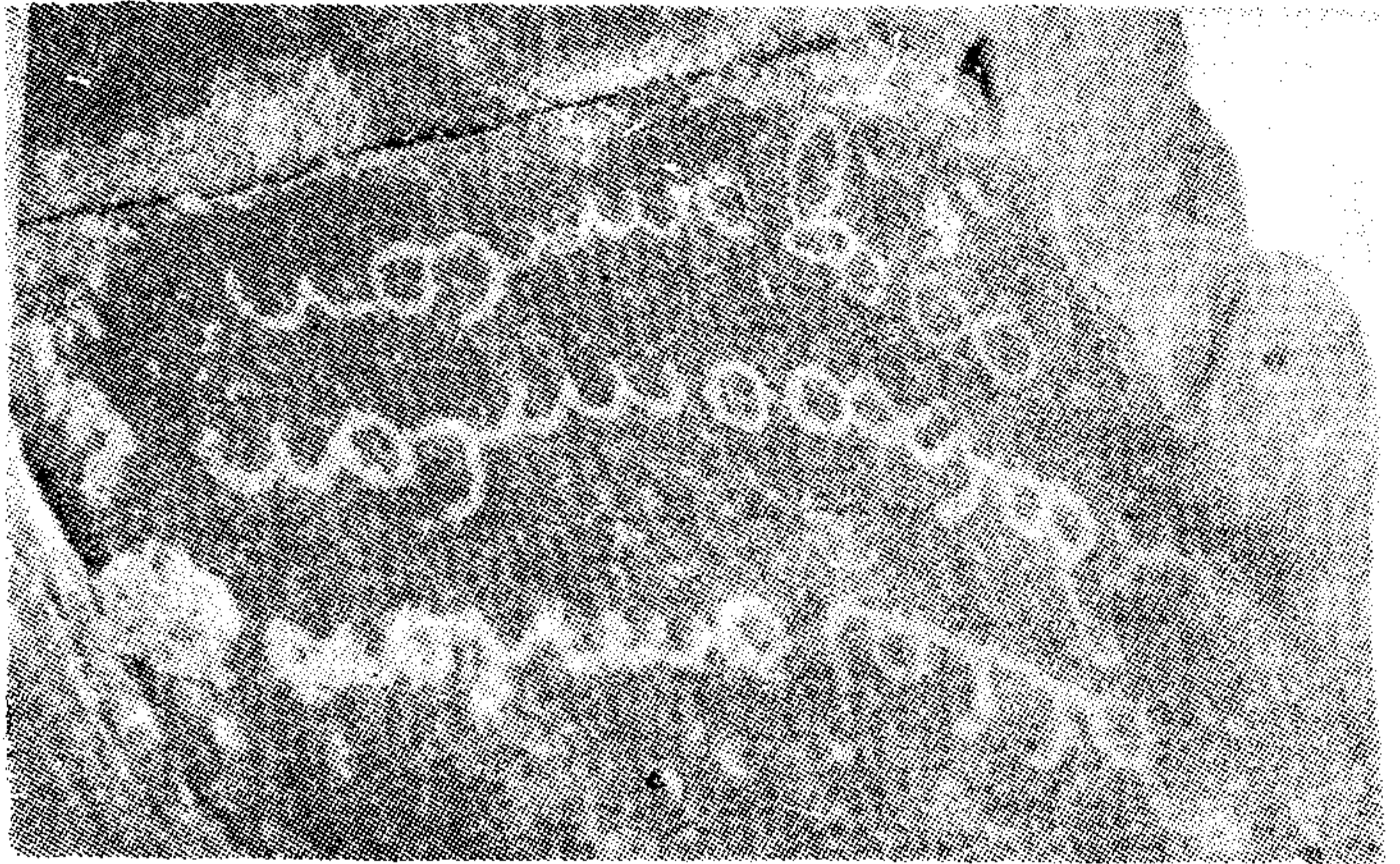


کتابچه دوم روزگان

۱	[	bosno	(۵)	پ (۵)	(۵)	ز (۵)	س (۵)	ر (۵)	س (۵)	م (۵)	ی (۵)	دو خوانش نوشته اول روزگان
		ryay	(۵)	د (۵)	و (۵)	ز (۵)						
۲	[	pakka	(۵)	پ (۵)	(۵)	ز (۵)	س (۵)	ر (۵)	س (۵)	م (۵)	ی (۵)	
		ryay	(۵)	د (۵)	و (۵)	ز (۵)						

۱	lakka	(۵)	پ (۵)	ز (۵)	س (۵)	ر (۵)	س (۵)	م (۵)	ی (۵)	...
۲				ز (۵)	س (۵)	ر (۵)	س (۵)	م (۵)	ی (۵)	...

دو خوانش نوشته دوم روزگان ↑



NAMW (0) BOD

NAMW (0) DHARMA

NAMW (0) SANGA

عكس ۱۶-نوشتہ اول

جفتو بحروف انگلیسی



نقل خطی این نوشته در پایان است  
↓



عکس ۱۶  
نوشته دوم  
جفتو

Boke  
 2000000000  
 000 P (0)  
 00 000 P (0)  
 00000

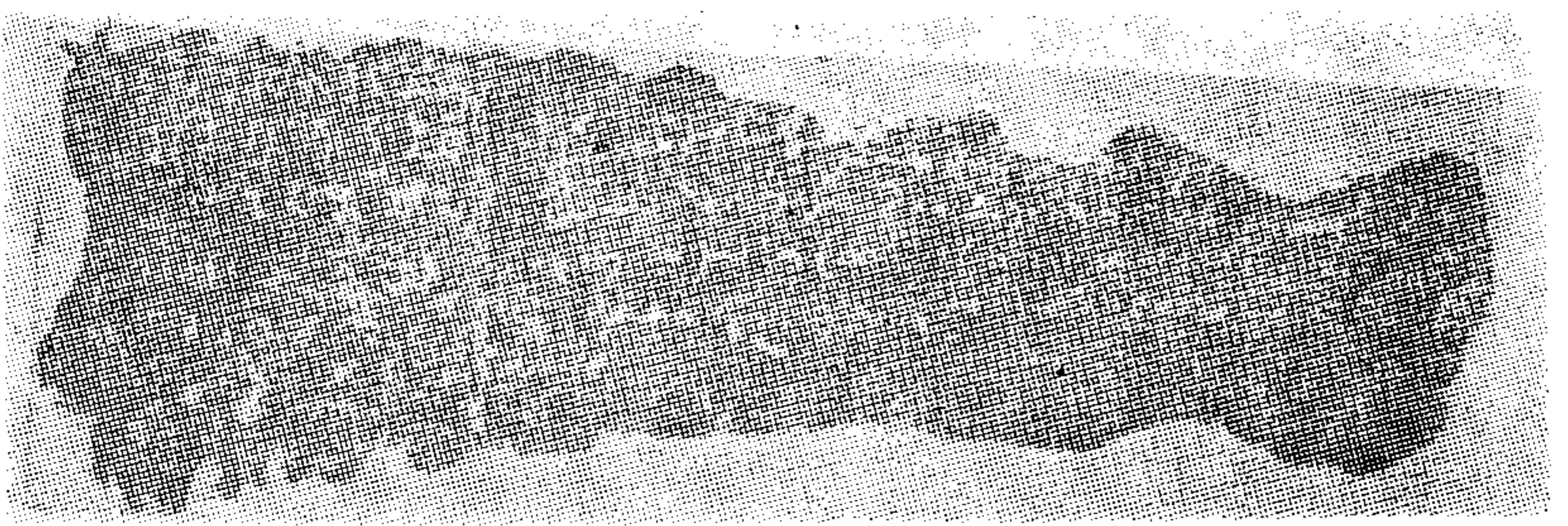
←  
 نقل خطی عکس ۱۶  
 نوشته دوم جفتو



شکل ۱۷ يك حصه سنگ نوشته دشت ناور

نو بخت (۵) ΠΟΒΙΧΤ	کتیبه بغلان	=	نی بخت کتیبه اول توجی حکم (نام)
بگپوهر (۵) ΠΟΒΙΧΤ	۵۹۲	=	بغپور «۵» م سر بخت (شماره)
ما (۵) ۹		=	ماه «۵» م سر (ماه)
شا (۵) ۹		=	شاه «۵» م سر (شاه)
ایوگ (۵) ۱۳۲		=	وگ «۵» م سر (یکه)

شکل ۱۸  
 فرق اعلای کلمات در کتیبه های مکتوفه یونانی افغانستان



نو بخت (۵) ΠΟΒΙΧΤ  
 بگپوهر (۵) ΠΟΒΙΧΤ  
 ما (۵) ۹  
 شا (۵) ۹  
 ایوگ (۵) ۱۳۲

نو بخت کتیبه اول توجی حکم (نام)  
 بغپور «۵» م سر بخت (شماره)  
 ماه «۵» م سر (ماه)  
 شاه «۵» م سر (شاه)  
 وگ «۵» م سر (یکه)

خوانش نوشته فوق بحروف الطبیعی ↓ بر صفت دیگر

شکل ۱۹

1. (OM NAMAḤ SAMVAT SARE ASHTA TRIMSA) TITAME  
SAMVAT 38 BHĀDRĀ -
2. (PADA MĀSA SUKLA PAKSHA SAPTA)MĀM SUDI 7ĀTRA  
3. DIVA - (SE) - - - - - NAINA - CHANDRA BHUPA \*
4. - - - - - SA YA - - - - - DDA - - - - -
5. - - - - - KULA - MARAPA KHOJANA - PUTRA

۸

1 - Z (o) XSHAN (o) X ÷ 1 ÷ B ÷ MAH (o) ASHARĀ (o)

MAHSHAH (o) M... NIBIXT (o)

2 - GeOMAL (o) BĀĀ (o) POR (o) WIG (o) MINAN (o)

GeOMAN (o) KALD (o) BO -

3 - STARANIDAM KIRD (o) GILRANIDAN (o)

MALIZ (o) OD (o) NIBIXT -

4 - BINAR (o) FZRAB (o) BOSTARANID (o)

FRAMAN (o) GOKA...

5 - STAR (o)

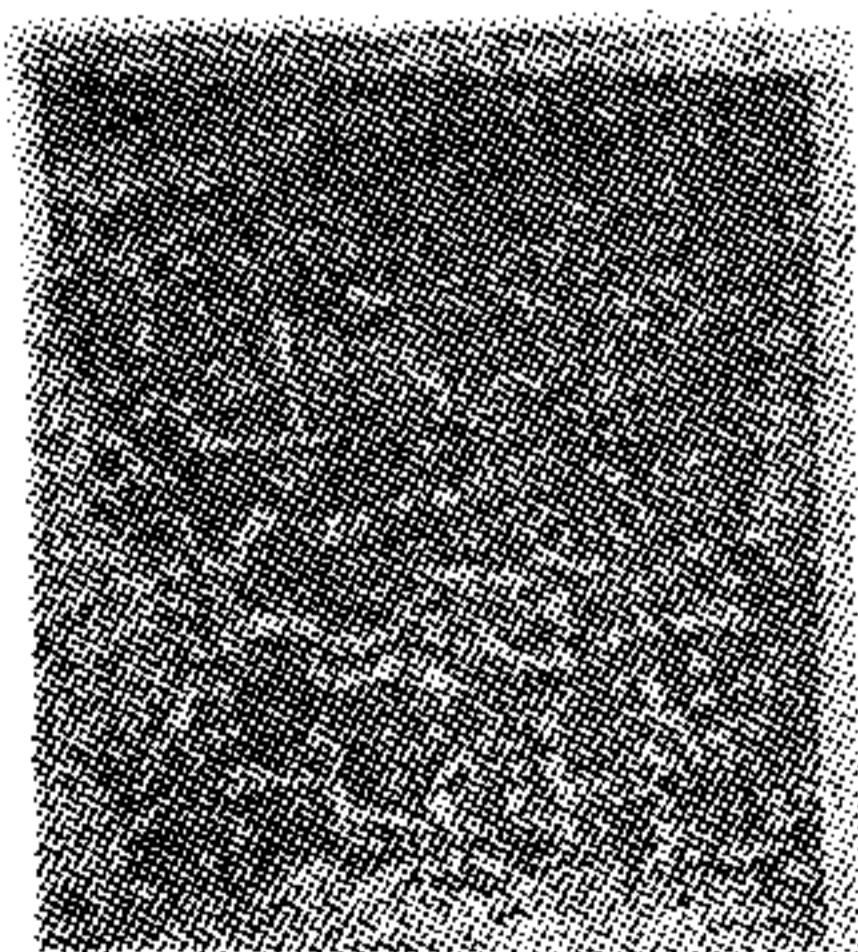
مربوط شکل ۱۹  
خوانش قسمت  
سنسکرت طرف  
چپ نوشته  
تخاری

مربوط شکل ۱۹  
خوانش متن  
تخاری کتیبه  
بحروف انگلیسی



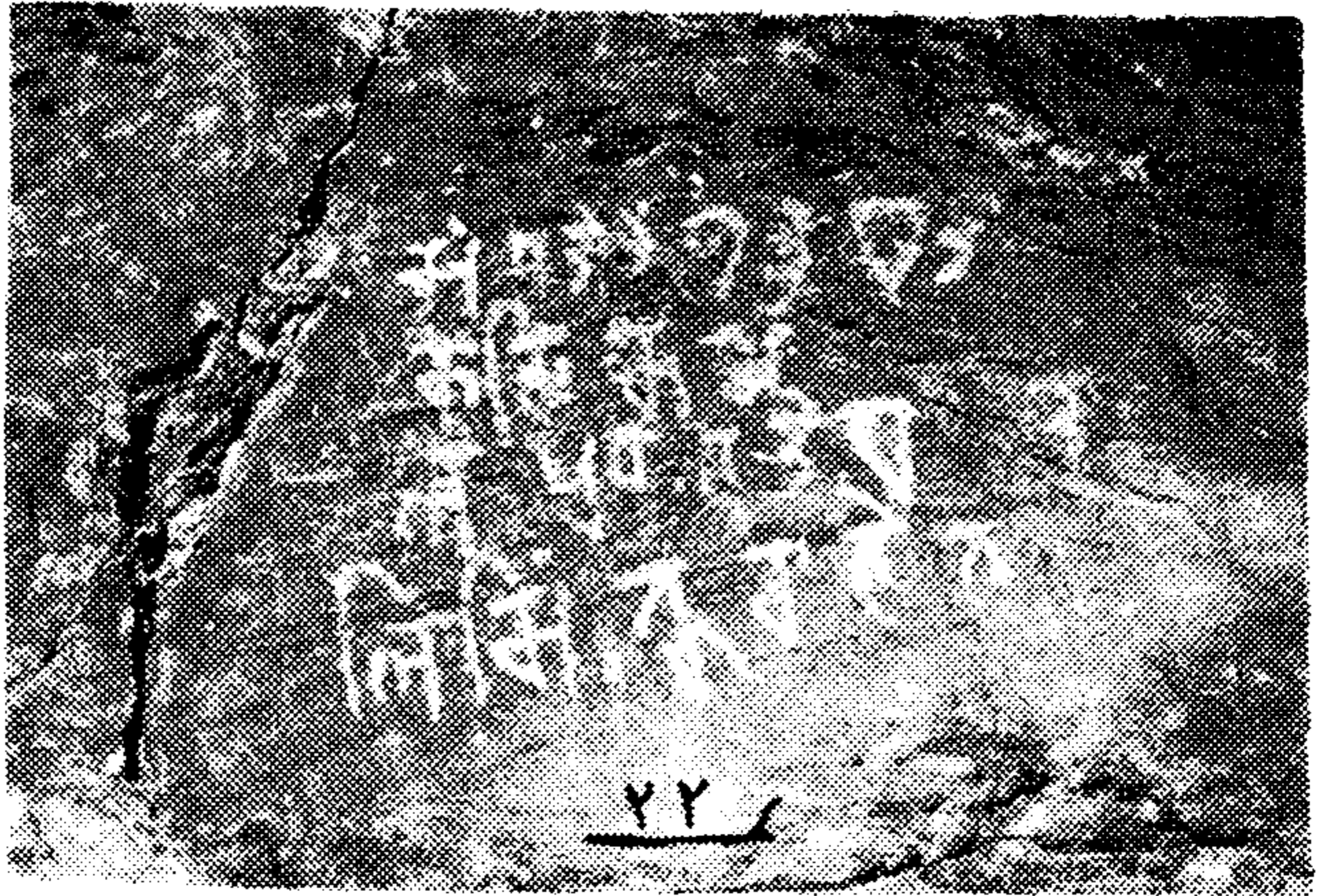
1. Z (0) XSHON (0) X ÷ J ...
2. E ÷ MAH (0) WIG (0)
3. WRMZD (0) OD (0) MIR (0)
4. KALD (0) KIRD (0) KOSHÂN (0) Geo-
5. MAL (0) BAGĀ (0) POR (0) STAR (0)
6. GOMAN (0) (Geo)KAD (0) SHAH (0)
7. (B)O SAR (0) ----- XĀGĀN (0)
8. MAN (0) XĀN (0) KAZAL (0)
9. SĀUHO (0) SARĀI (0) BOST-
10. ARĀNID (0) FROMĀN (0)
11. ' STAR (0)

مربوط شکل ۲۰ خوانش سنگ نوشته نمبر ۲۰ بحروف انگلیسی

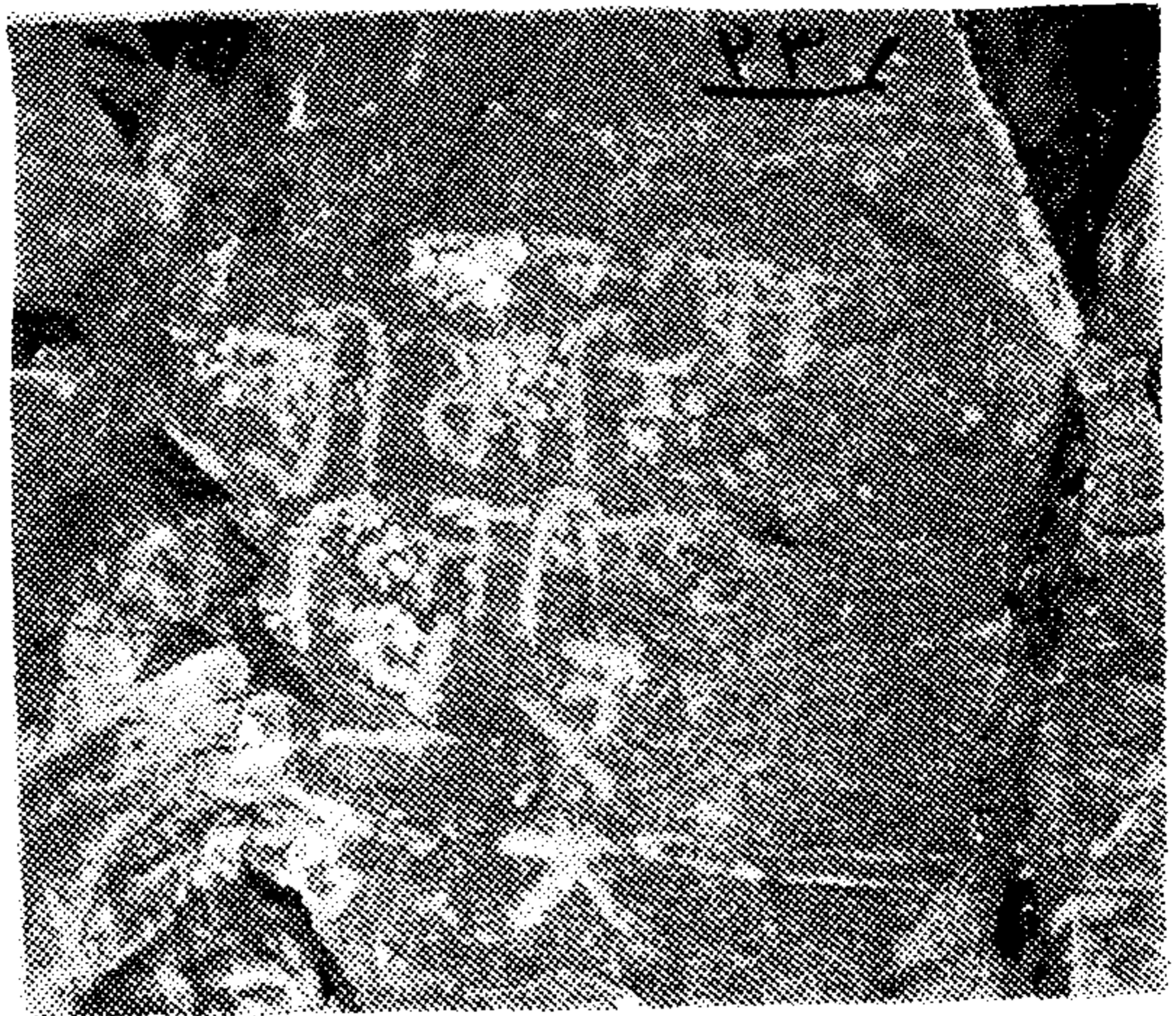


عکس ۲۱ متن نخاری ←  
برسنگ پارچه جدا شده  
از کتیبه سوم تویچی

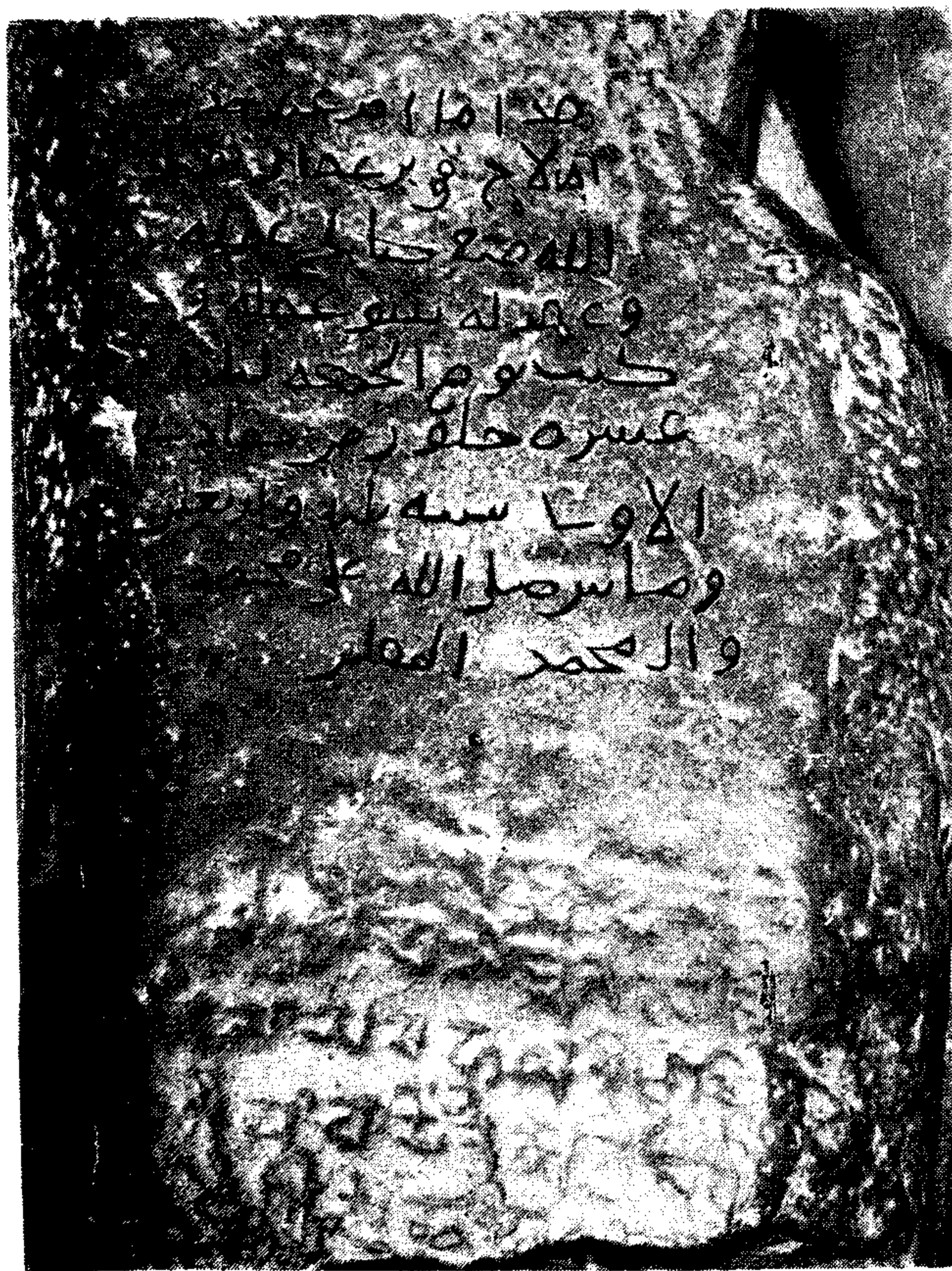




شکل ۲۲ نوشته دیوه ناگری لغمان نزدیک نوشته آرامی نمبر ۷



شکل ۲۳ نوشته دیوه ناگری لغمان نزدیک نوشته آرامی نمبر ۷



شکل ۲۴ سنگ نوشتہ عربی و سنسکریٹ توچی

1. (OM NAMAH SAMVATSA) RE DVĀRIMSATI
2. (TAME) SAMVAT 38 KĀRTI -
3. (KA) MĀSA BAHULA TITHAU DVĪ (TĪ-
4. (YA) YĀM VADĪ 2 ATRA DIVA-
5. (SE) ----- (۱۰۱)

ترجمہ  
 اوم . سلام . در سال ۳۲ شمہ در ماہ  
 کارتیکہ (ستمبر و اکتوبر) بروز  
 دوم نصف تاریک .  
 شبین روز

خوانش و ترجمہ نو شتہ سنسکریٹ نمبر ۲۴ تو چی کہ  
 زیر نوشتہ عربی ۲۴۳ ق نوشتہ شدہ است .

177  
शुभसिद्धिस्तु...  
श्रीसुवर्चसि...  
उः योमे...  
उति...  
मवि...  
के...  
वि...  
म...  
उ...  
रे...  
न...  
उ...  
ह...



Fragmentary inscription with some legible characters like 'म', 'श्री', 'उ', 'ह' and a large shaded area representing a broken or obscured part of the text.

شکل ۲۵ دو سنگ نو شته دیوه ناگری ویند از کتاب کابل  
الکسندر بر نس

صلاحيات و اختیارات در نظام حقوقی ایران

نونه 'خط پهلوی' ساسانی بر سکه 'ارد شیر' یا یگان در حدود ۲۲۴ م که چنین خوانده میشود : 'مزد یسئنی بنی آر' نخستین ملکان ایران منو شتر من بزدان . یعنی : خدا پرست خدایگان ارد شیر شاهنشاه ایران که نژاد او از خدایان است . (سبک شناسی ار ۱۳۲۶)

اسدگر و ساسانی . اولاد در ساسانیان . و ساسانیان در ساسانیان

س-۱۸۰ ک و سوسو و ساسانیان . ساسانیان در ساسانیان

اسدگر و ساسانیان . ساسانیان در ساسانیان

شکل (۲۶)

Handwritten text in a cursive script, likely Persian or Arabic, consisting of approximately 15 lines. The text is dense and difficult to decipher due to the high contrast and grain of the scan. Some words are underlined.

۲۶ منجلی از اوینا (سنا) محفوظ در اکسفورد

<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا الْقَبْرُ          لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبْرِ الْحِجَازِيِّ اللَّيْلِيِّ أَعْفِرْ لَهُ          وَإِدْخُلْهُ فِي رَحْمَةِ مَنْكَ وَأَنَا مَعَهُ          اسْتَغْفِرْ لَهُ إِذَا قُرَأَ هَذَا الْكُتُبُ          وَقُلْ آمِينَ وَكُتِبَ هَذَا          لِكُتُبِ (الْكِتَابِ) فِي جُمْدَى الْآ          خِرَةِ (هـ) مِنْ سَنَةِ إِحْدَى وَ          ثَلَاثِينَ .</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا الْقَبْرُ          لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبْرِ الْحِجَازِيِّ اللَّيْلِيِّ أَعْفِرْ لَهُ          وَإِدْخُلْهُ فِي رَحْمَةِ مَنْكَ وَأَنَا مَعَهُ          اسْتَغْفِرْ لَهُ إِذَا قُرَأَ هَذَا الْقَبْرُ          وَكُتِبَ هَذَا          لِكُتُبِ (الْكِتَابِ) فِي جُمْدَى الْآ          خِرَةِ (هـ) مِنْ سَنَةِ إِحْدَى وَ          ثَلَاثِينَ .</p>
-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

نموذج خط عربي بريك لوحة قبر، موجود در موزه قايره ، منقود سنة ۳۱ هـ  
 ( تاريخ اللغات السامية ۲۰۳ )

شکل (۲۷) ۳۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ  
وَالَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ  
وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ  
مَاءً غَدِيرًا لِيُخْرِجَ  
بِهِ الْحَبَّ وَالنَّارُزُقَاتِ  
وَالَّذِي يُصَوِّرُ الْإِنْسَانَ  
فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ  
سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ  
اللَّهُ أَكْبَرُ عَمَّا يُشْرِكُونَ

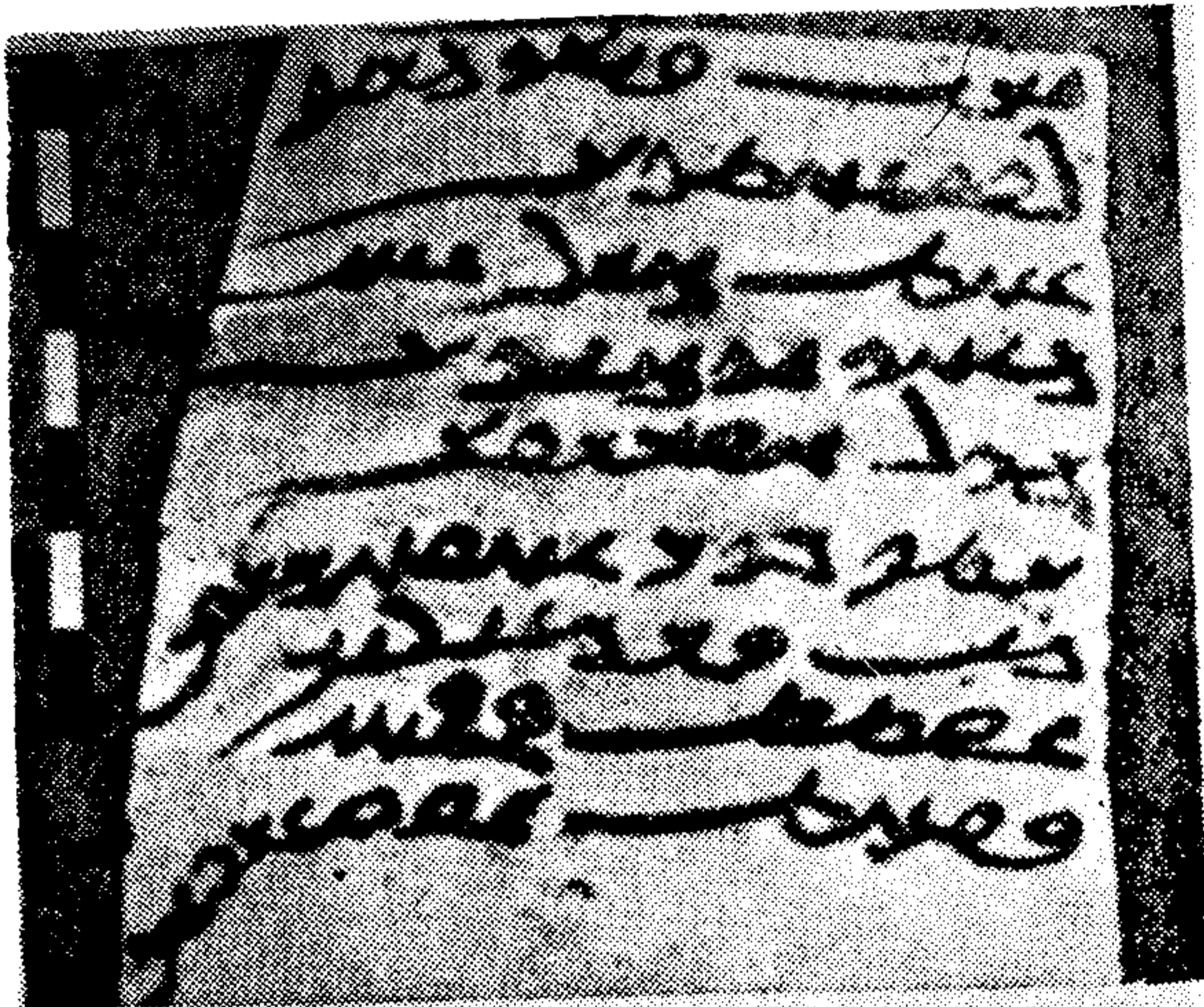
شکل ۲۸ سنگ نوشته کوفی به پور ۱۰۷ هـ



**LETTER FORMS IN  
TOCHI VALLEY INSCRIPTIONS**

NO. B				NO. A			
(A)	𑖀	a	(I) 𑖄	(A)	𑖀		
(Ka)	𑖁	o	(Kho) 𑖅	(Ka)	𑖁		
(Cha)	𑖂	,	(Ja) 𑖆				
(T)	𑖃	.	(Ta) 𑖇, (Ti) 𑖈	(T)	𑖃, (Ti) 𑖈, (Ru) 𑖉		
(Tra)	𑖄	.	(Ttra) 𑖊	(Dv)	𑖊, (Dh) 𑖋	(Thau) 𑖌	
(Di)	𑖅	.	(Dra) 𑖍				
(Na)	𑖆	.					
(Pu)	𑖇	.	(Phru) 𑖏, (Bha) 𑖐	(Ma)	𑖑		
(Me)	𑖈	.	(Myām) 𑖒				
(La)	𑖉	.	(Ra) 𑖓, (Va) 𑖔	(Ya)	𑖕, (La) 𑖖, (Re) 𑖗, (Va) 𑖘		
(Sa)	𑖊	.	(Sa) 𑖙	(Sa)	𑖙, (Hu) 𑖚		
(3)	𑖋	.	(7) 𑖛, (8) 𑖜	(2)	𑖛	(3)	𑖜

شکل ۲۹ حروف دیوه ناگری کتیبه های وادی توچی



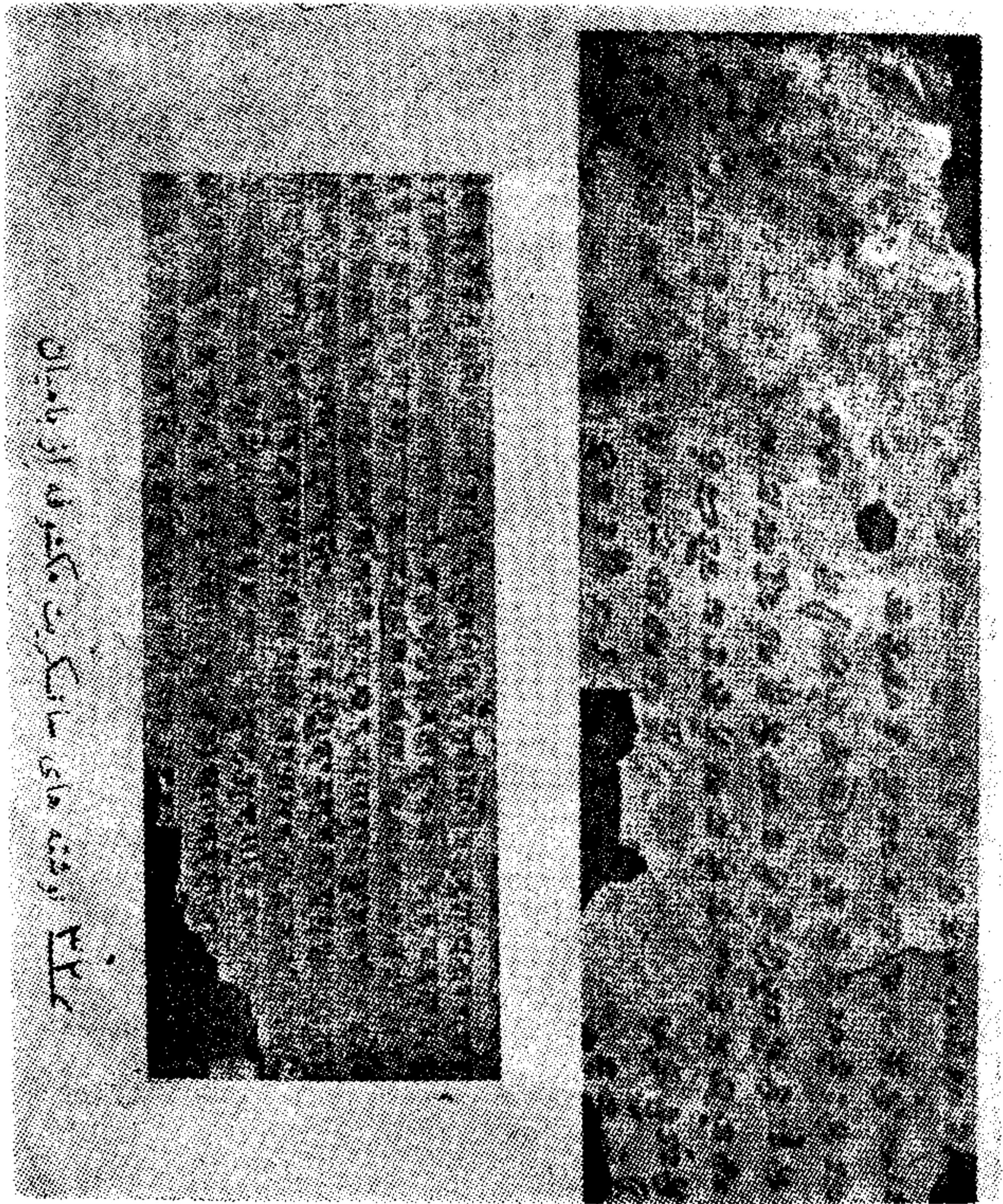
ترجمه نمونه سغدی

- (۱) خداوند پنج (بنجکنت) (۲) دیوا شتیج را (۳) هشت  
 سال است (سال ۸ حکومت) (۴) ماه نیسان (۵) روز خور  
 روز (یازدهم) (۶) و گرفت اغو شمريك (اسم خاص)  
 (۷) از فرماندار (۸) اوت (اسم خاص) (۹) پوست و نیز  
 واریاک (نوعی از پوست) (از تاریخ زبان فارسی ۲۷۸۱)

تفاوت خط‌های اشکانی، آرامی، پارسی و سغدی

الفبای یونانی	الفبای رومی	الفبای پارسی	الفبای آرامی	الفبای فارسی	الفبای سغدی
Α	Α	𐎠	ܐ	ا	𐭀
Β	Β	𐎡	ܒ	ب	𐭁
Γ	Γ	𐎢	ܓ	گ	𐭂
Δ	Δ	𐎣	ܘ	د	𐭃
Ε	Ε	𐎤	ܘ	ه	𐭄
Ζ	Ζ	𐎥	ܙ	ز	𐭅
Θ	Θ	𐎦	ܚ	ح	𐭆
Ι	Ι	𐎧	ܘ	ط	𐭇
Κ	Κ	𐎨	ܕ	ث	𐭈
Λ	Λ	𐎩	ܘ	ج	𐭉
Μ	Μ	𐎪	ܘ	چ	𐭊
Ν	Ν	𐎫	ܘ	حج	𐭋
Ξ	Ξ	𐎬	ܘ	خ	𐭌
Ο	Ο	𐎭	ܘ	دخ	𐭍
Π	Π	𐎮	ܘ	پ	𐭎
Ρ	Ρ	𐎯	ܘ	په	𐭏
Σ	Σ	𐎰	ܘ	پهه	𐭐
Τ	Τ	𐎱	ܘ	ت	𐭑
Υ	Υ	𐎲	ܘ	تخ	𐭒
Φ	Φ	𐎳	ܘ	ف	𐭓
Χ	Χ	𐎴	ܘ	فخ	𐭔
Ψ	Ψ	𐎵	ܘ	فپ	𐭕
Ω	Ω	𐎶	ܘ	فپه	𐭖

- ۱- خط فارسی ۲- آرامی جزیره الفیل ۳- سنگ‌نوشته‌های پهلوانبیک
- ۴- خط قبایله‌های اورامان ۵- سنگ‌نوشته‌ها و سکه‌های ساسانی
- ۶- خط پهلوی کتابی ۷- خط سغدی







## خوانش شكل ٣٥

- ١ - من محمد رسول الله ، الى النجا
- ٢ - شى عظيم الحبشه . سلام على من
- ٣ - اتبع الهدى . اما بعد : فاني احمد الي
- ٤ - ذك الله الذي لا اله الا هو الملك
- ٥ - انقدوس السلام المؤمن المهيمن .
- ٦ - و اشهد ان عيسى بن مريم روح
- ٧ - الله ، وكلمته القاها الى مريم البتو
- ٨ - ل الطيبة الحصينة ، فحملت بعيسى من ر
- ٩ - وحده ونفخه ، كما خلق آدم بيده . و
- ١٠ - انى ادعوك الى الله وحده ، لاشر
- ١١ - يك له ، والموالاته على طاعته ، وان
- ١٢ - تتبعنى و توقن بالذى جاءنى فانى ر
- ١٣ - رسول الله . وانى ادعوك و جنو
- ١٤ - ذك الى الله عزوجل ، و قد بلغ
- ١٥ - ت ونصحت فاقبلو نصيحتى والسلام
- ١٦ - على من اتبع (كنا) الهدى.

الله  
رسول  
محمد

(الوثائق السياسيه ٤٥)





## خوانش شكل ٣٦

- ١ - بسم الله الرحمن الرحيم . من محمد عبد الله و
- ٢ - رسوله ، الى المقوقس عظيم القبط سلام
- ٣ - على من اتبع الهدى . اما بعد: فاني
- ٤ - ادعوك بدعاية الاسلام ، اسلم تسلم ،
- ٥ - يوتك الله اجر ك مرتين .
- ٦ - فان توليت ، فعليك اثم القبط .
- ٧ - «يا اهل الكتاب تعالوا الى كلمة
- ٨ - سواء بيننا و بينكم ، الانعبد الا الله
- ٩ - ولا نشرك به شيئاً ، ولا يتخذ بعضنا
- ١٠ - بعضاً ارباباً من دون الله ، فان
- ١١ - تولوا فقولوا اشهدوا بانا مسلمون .
- ١٢ - لمون .»

الله  
رسول  
محمد

(الوثائق السيا سيه ٧٢)

Handwritten text at the top of the page, possibly a title or header.

Main body of handwritten text, consisting of several lines of script.



- ١ - بسم الله الرحمن الرحيم . من محمد رسول الله الى
- ٢ - المنذر بن ساوى ، سلام عليك ، فاني احمد الله
- ٣ - اليك الذي لا اله غيره ، واشهد ان لا اله الا
- ٤ - الله ، وان محمد عبده ورسوله اما بعد : فاني اذكر
- ٥ - ك الله عزوجل ، فانه من ينصح فانما ينصح نفسه ، وانه من  
يطع ر
- ٦ - سلى و يتبع امرهم فقد اطاعنى ، ومن نصح لهم فقد نصح لى و
- ٧ - ان رسلى قد اتنو عليك خيراً وانى قد شفعتك فى
- ٨ - قومك ، فاترك للمسلمين ما اسلموا عليه ، وعفوت عن اهل
- ٩ - الذنوب ، فاقبل منهم ، وانك متهما تصلح فلن نعزلك عن عملك ، و  
من
- ١٠ - اقام على يهوديته او مجوسيته فعليه الجزية .

الله  
رسول  
محمد

(الوثائق السياسية ٨٠)

ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା  
ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା  
ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା  
ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା  
ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା

ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା  
ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା  
ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା  
ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା  
ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା  
ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା  
ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା  
ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା  
ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା  
ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା ଘଣ୍ଟା

يا ايها الذين امنوا اتقوا ما ذكنا كمن قبل ان ياتي يوم لا بيع فيه ولا خلة و لا  
 شفاعه والكاثرون هم الظالمون الله لا اله الا هو الحي القيوم (م)  
 قرآن كريم كتابت حط كوفي قرن دوم صيرى روى پوست آهر  
 مسرور بخط مبارک حضرت عثمان رضی الله عنه محفوظ در کتابخانه نسخ خطی افغانستان

مشكل ۱۴ سورة ۲ آيت ۲۵۴



فَاذًا هُم خَمَلُونَ يَحْسِرُونَ عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ  
 يَسْتَهْزِئُونَ الْمَيْرُوا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ ..  
 (قرآن عظیم - سورۃ یس - آیت ۳۰)

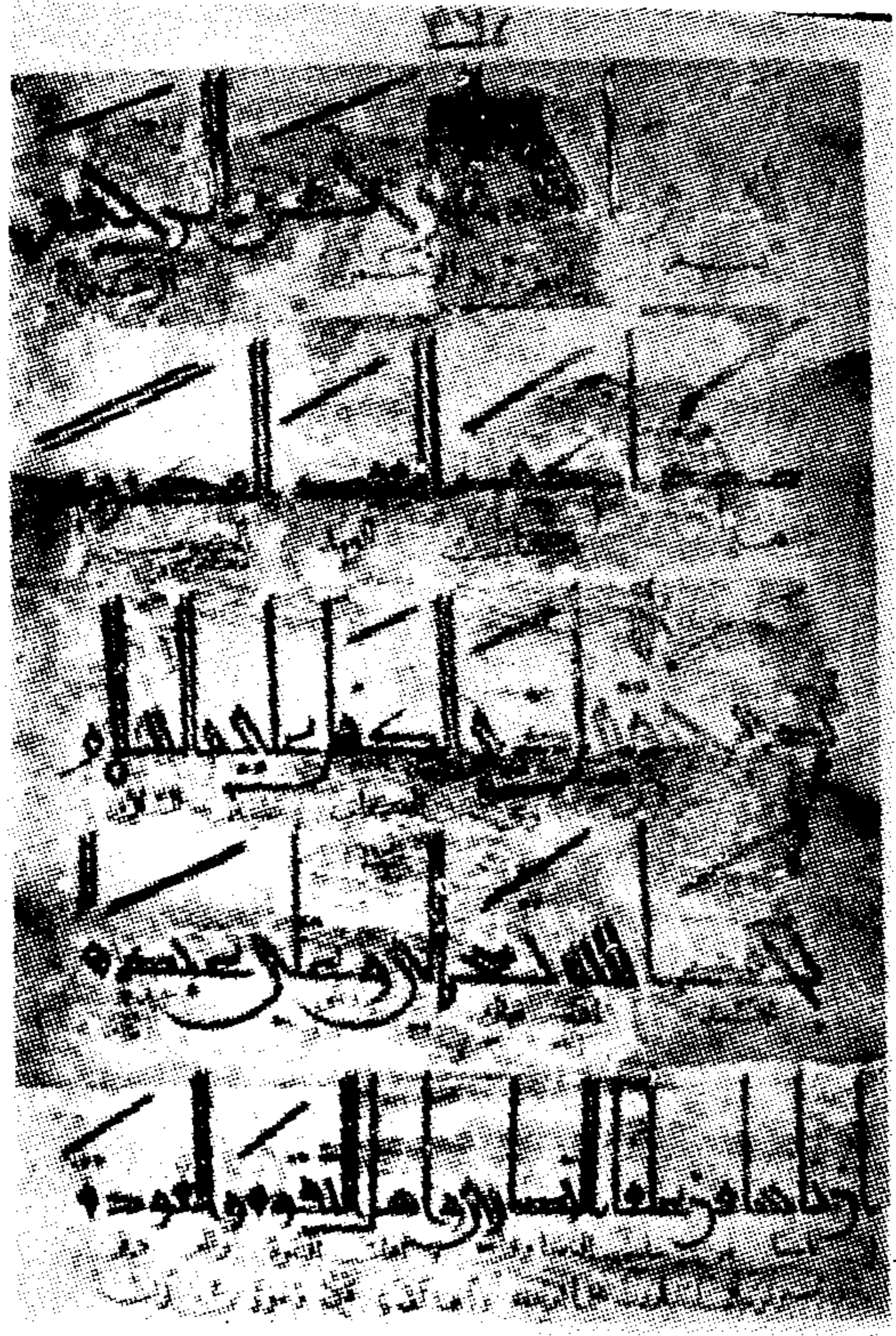
## شکل ۴۳-۴۴

صفحه بی از قرآن شریف منسوب به خط حضرت حسن بن علی بن ابی طالب رضی الله عنه محفوظ موزه مشهد رضوی دارای ۱۲۲ ورق پوست آهو، هر صفحه ۷ سطری، نوشته سال ۴۱ هـ که واقف آن شاه عباس صفوی است و وقف نامه آنرا مرحوم شیخ بهایی نگاشته .

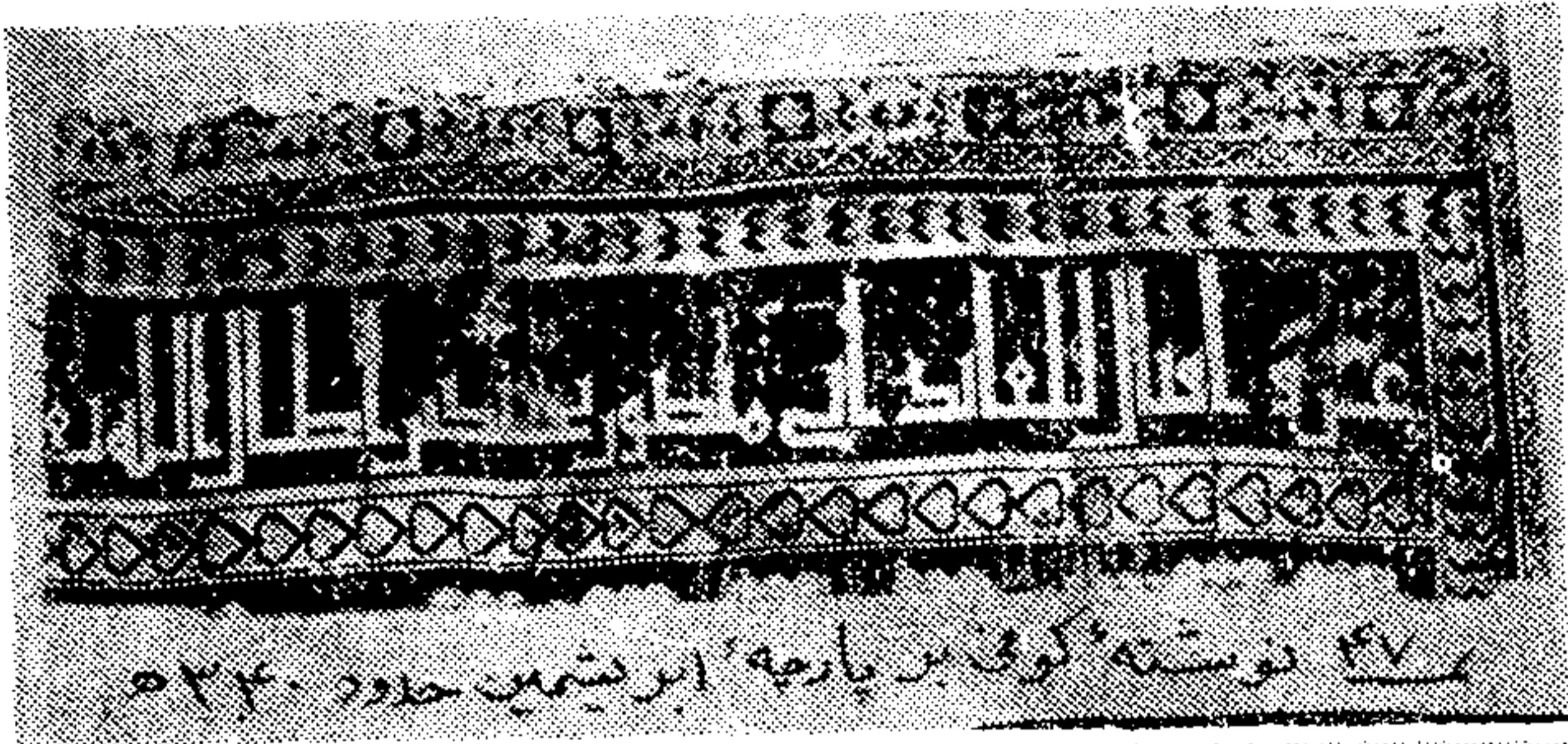
۴۵  
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ  
خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ  
وَجَعَلَ الرَّبِّیْنِ اِلٰهًا  
وَاحِدًا ۝ لَمْ يَلِدْ  
وَلَمْ يُولَدْ ۝ لَمْ یَلِکْ  
لَهُ کُنُوْدٌ ۝ سُبْحٰنَ  
عَنْوٰنِ عَرْشِکَ  
وَجَلٰلِکَ ۝ اِنَّکَ  
تَعْلَمُ السِّرَّ  
الْمَخْفِیَّ ۝ اِنَّکَ  
تَعْلَمُ مَا  
نُفٰسِیْ  
وَمَا اَنْتَ  
بِعَلِیْمٌ ۝ اِنَّکَ  
تَعْلَمُ مَا  
نُفٰسِیْ  
وَمَا اَنْتَ  
بِعَلِیْمٌ ۝ اِنَّکَ  
تَعْلَمُ مَا  
نُفٰسِیْ  
وَمَا اَنْتَ  
بِعَلِیْمٌ ۝

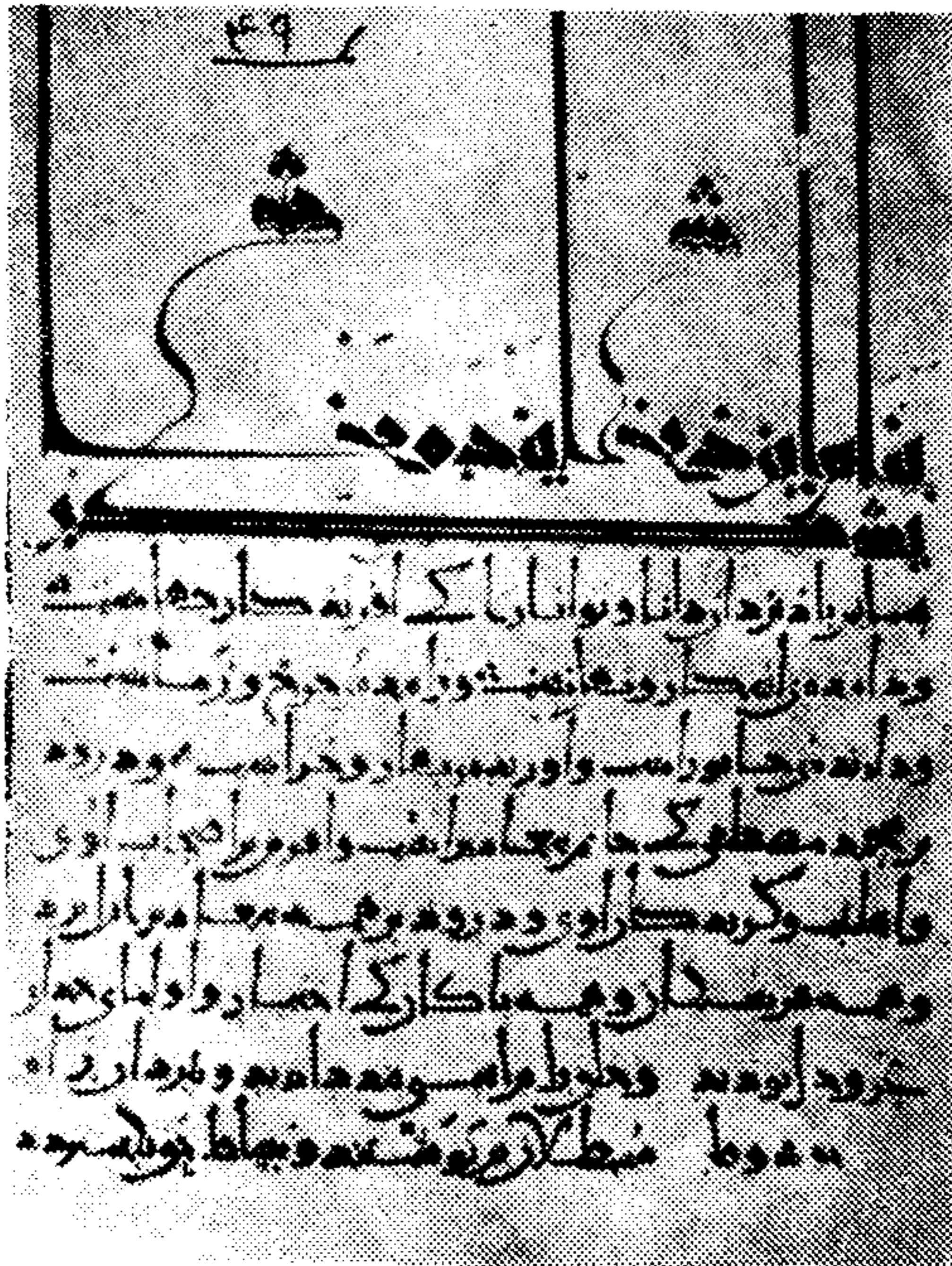
یک صفحه قرآن شریف منسوب به خط حضرت علی در مشرف





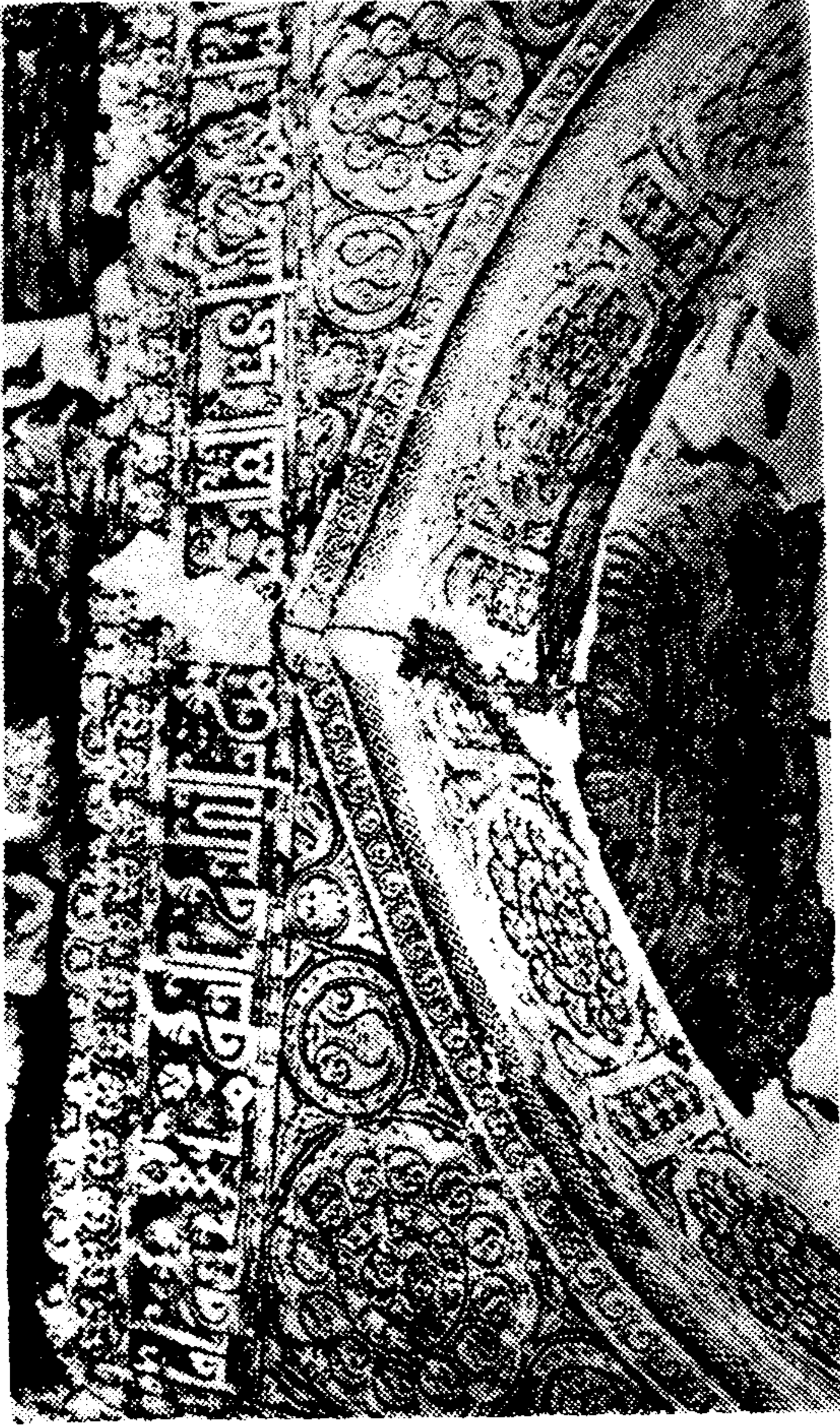
عهد نامه مجعول منسوب به خط  
حضرت علی رض از مجله ایران شهر



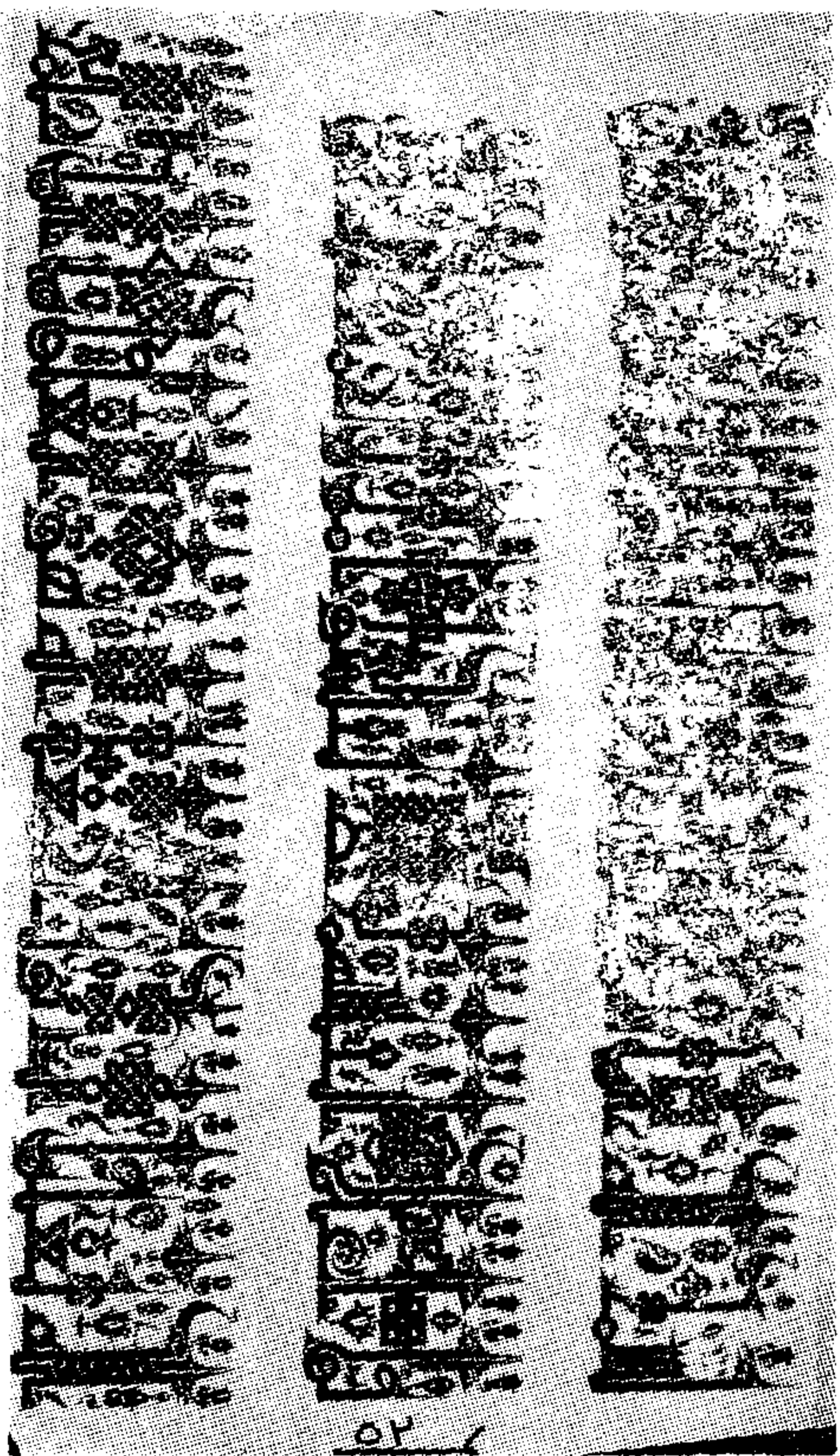


۴۹ صفحه اول کتاب الابنیه ۴۴۷ هـ

بِمَا يَرْتَدُّ إِلَيْكَ مِنْ ثَمَرِهِمْ  
 حِينَ يَكُونُ فِي حَيْدٍ مِنْ حَيْدٍ  
 يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ  
 قُلْ لِلْيَتَامَىٰ الْحُكْمُ  
 أَمْرًا عَدْلًا وَلَا يَنْبَغِي  
 لَهُمْ أَنْ يَهْتَرُوا بِأَمْوَالِهِمْ  
 الَّتِي كَانَتْ لِآبَائِهِمْ  
 قُلْ لِلْيَتَامَىٰ الْحُكْمُ  
 أَمْرًا عَدْلًا وَلَا يَنْبَغِي  
 لَهُمْ أَنْ يَهْتَرُوا بِأَمْوَالِهِمْ  
 الَّتِي كَانَتْ لِآبَائِهِمْ

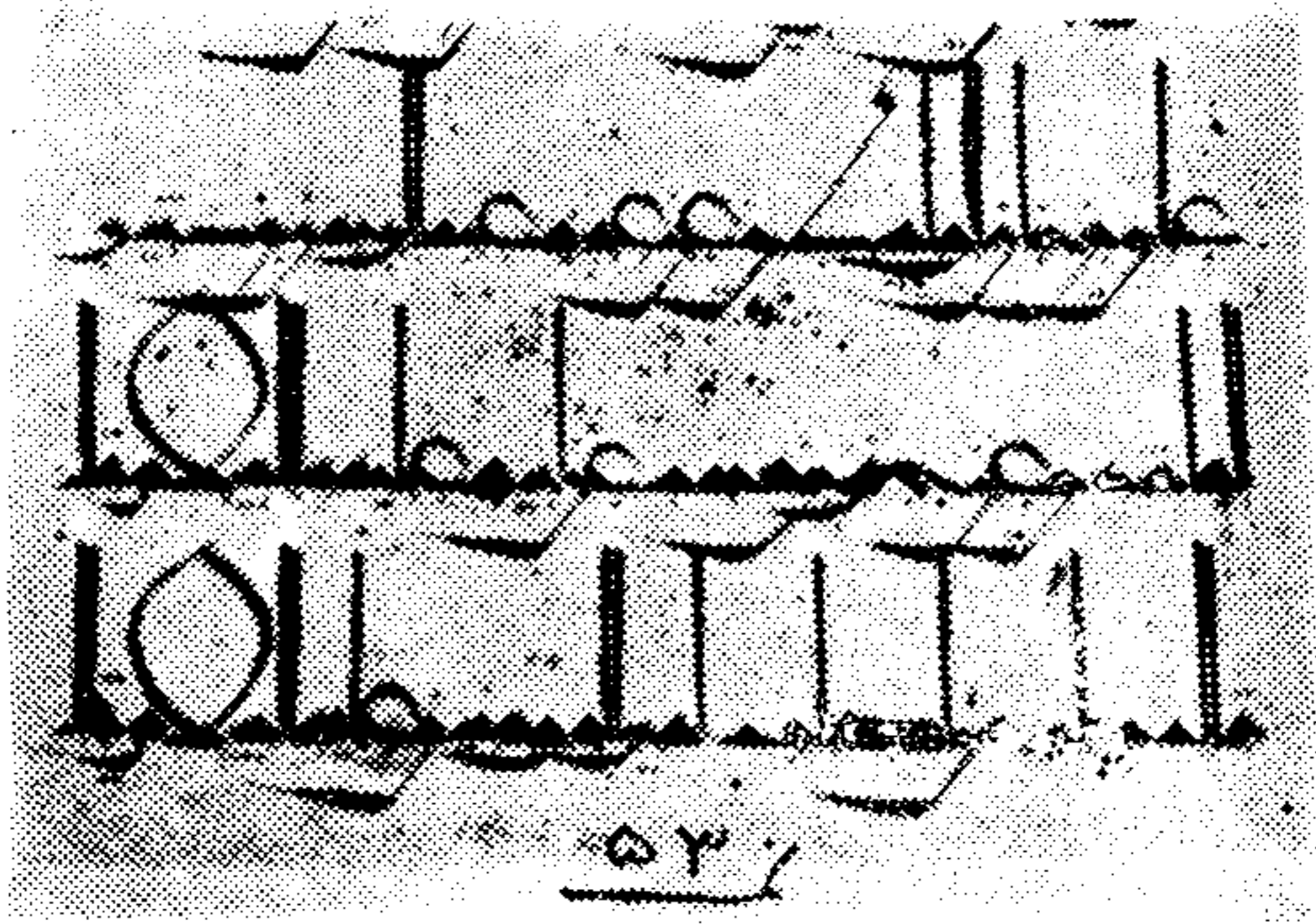


۵۱ نمونہ خط کو فی مسجد نا بین ۲۵۰ م

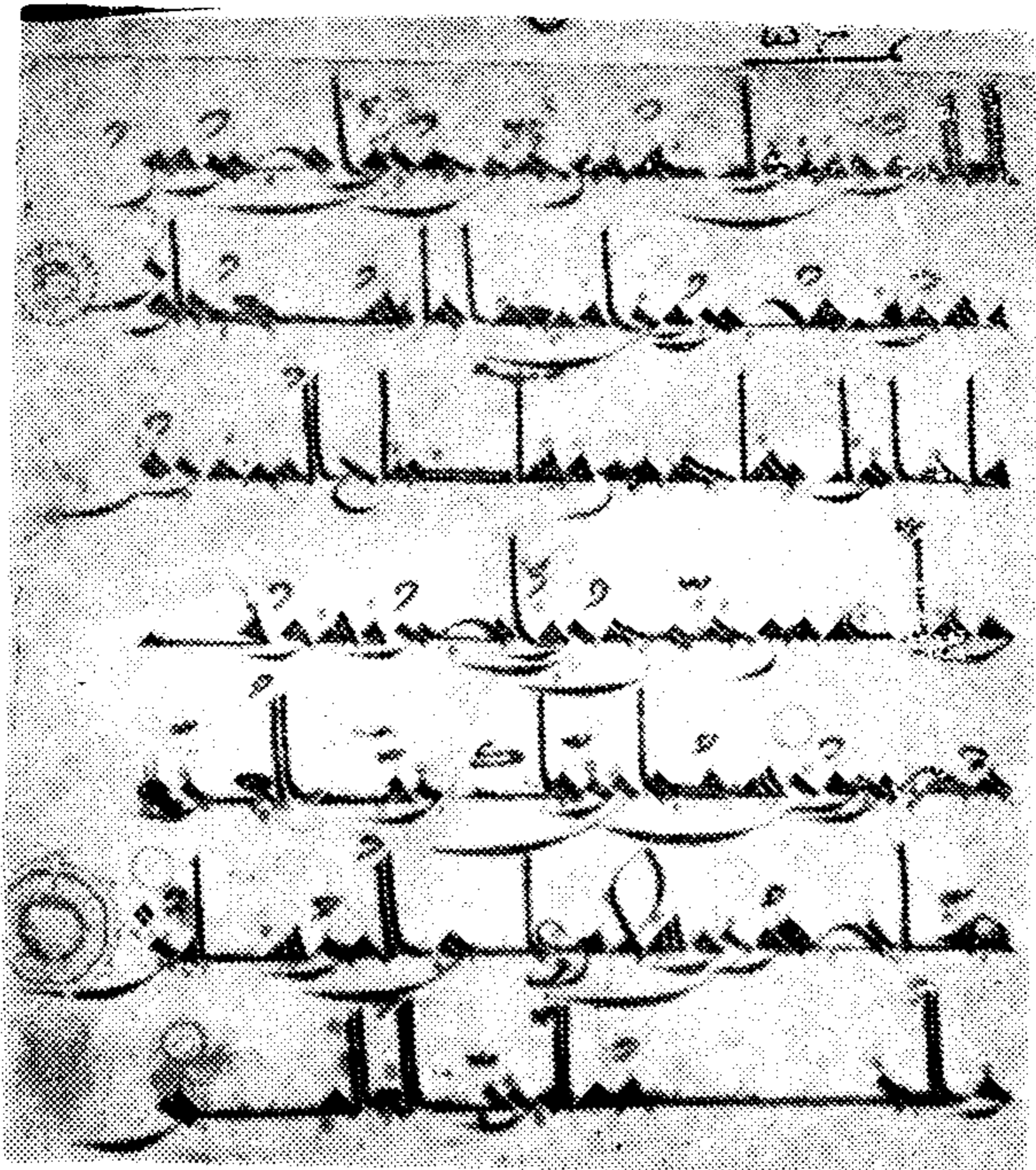


۵۲ خطکو فی تزده نینی مقبره پیر علامدار ۴۱۸ هـ

(از سروی آرت پر شیا)



خط پیر آموز کتاب صفات الشیعه نوشته ۳۹۱ قمری



قرآن عظیم به خط پیر آموز قرن ۴ ه در مشهد رضوی

الحمد لله  
 سئله ابو القاسم منصور هروي  
 على المشهد طوس في شهر ربيع الاول  
 سنة ثمان وتسعين وقلما به  
 انما اوجه الله وطلبت امرضائه  
 لا باع ولا بوقت ولا بغير  
 عذر الله له ولو اذ بد

۵۵ صفحه آخر قرآن عظیم بخط ابوالقاسم منصور هروی  
 وزیر سلطان محمود، نوشته ۳۹۳ ق درآستان رضوی مشهد  
 (از گنجینه قرآن)



۵۶  
وَأَمَّا نوحًا الياسر  
المتكبر تكامر  
المنون فكسرنا عليه  
عزير فلاما كانوا  
لنؤمنوا إلا أن يسألوا  
ولم يكن أكثر من هؤلاء

۵۶ خط ابو البركات رازی ۴۲۱ ق قرآن شریف آستان  
رضوی مشهد

(گنجینه قرآن)



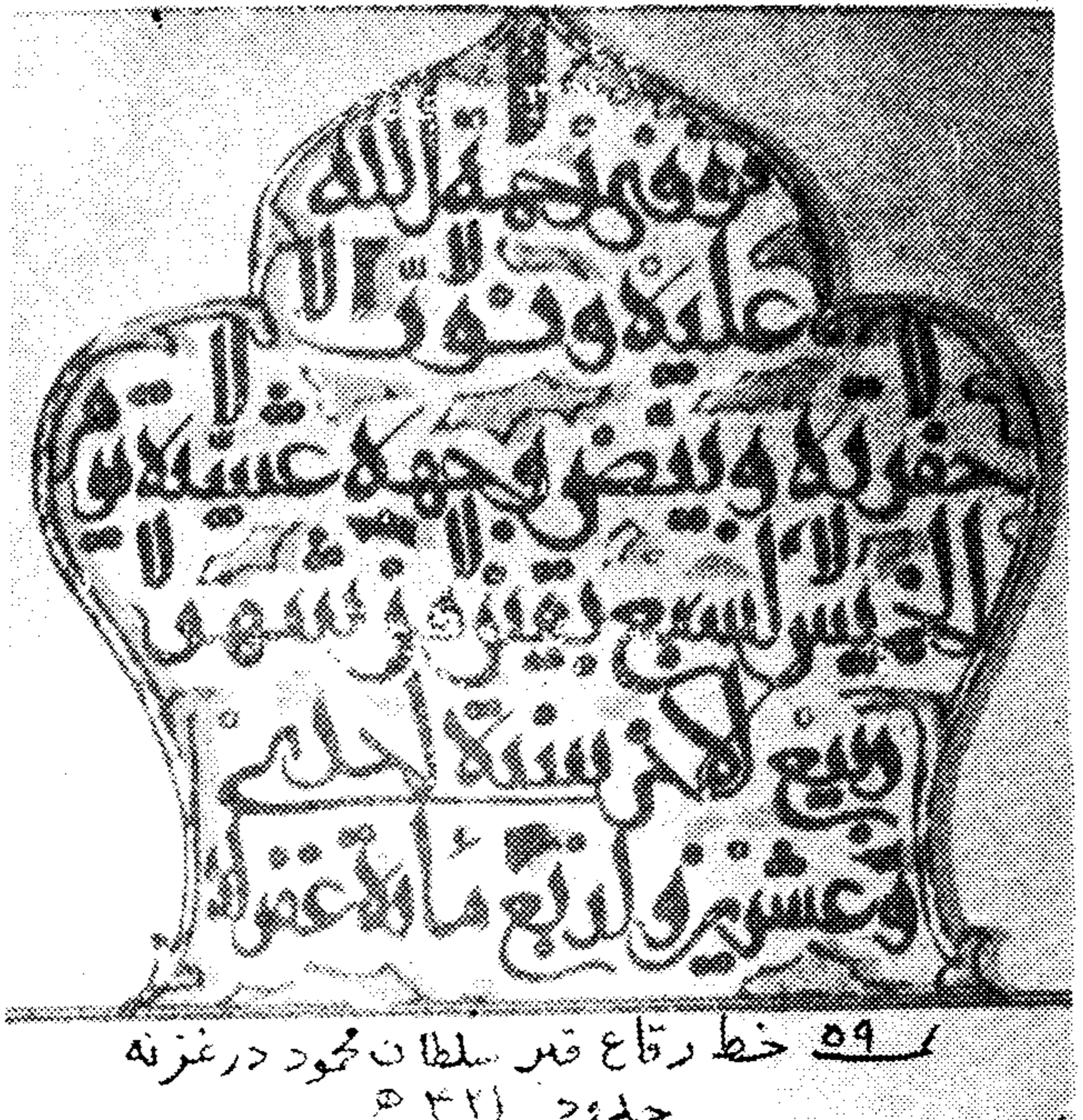
۵۷ قرآن شریف به خط عثمان وراق غز نوی ۴۶۶ ق درآستان  
رضوی مشهد  
(از گنجینه قرآن)



۵۸ نوشته آرامگاه امیر سبکتگین در غز نه حدود ۳۸۷ ق



۵۸ نوشته قبر سلطان محمود در غزنه حدود ۴۲۱ ق خط کوفی

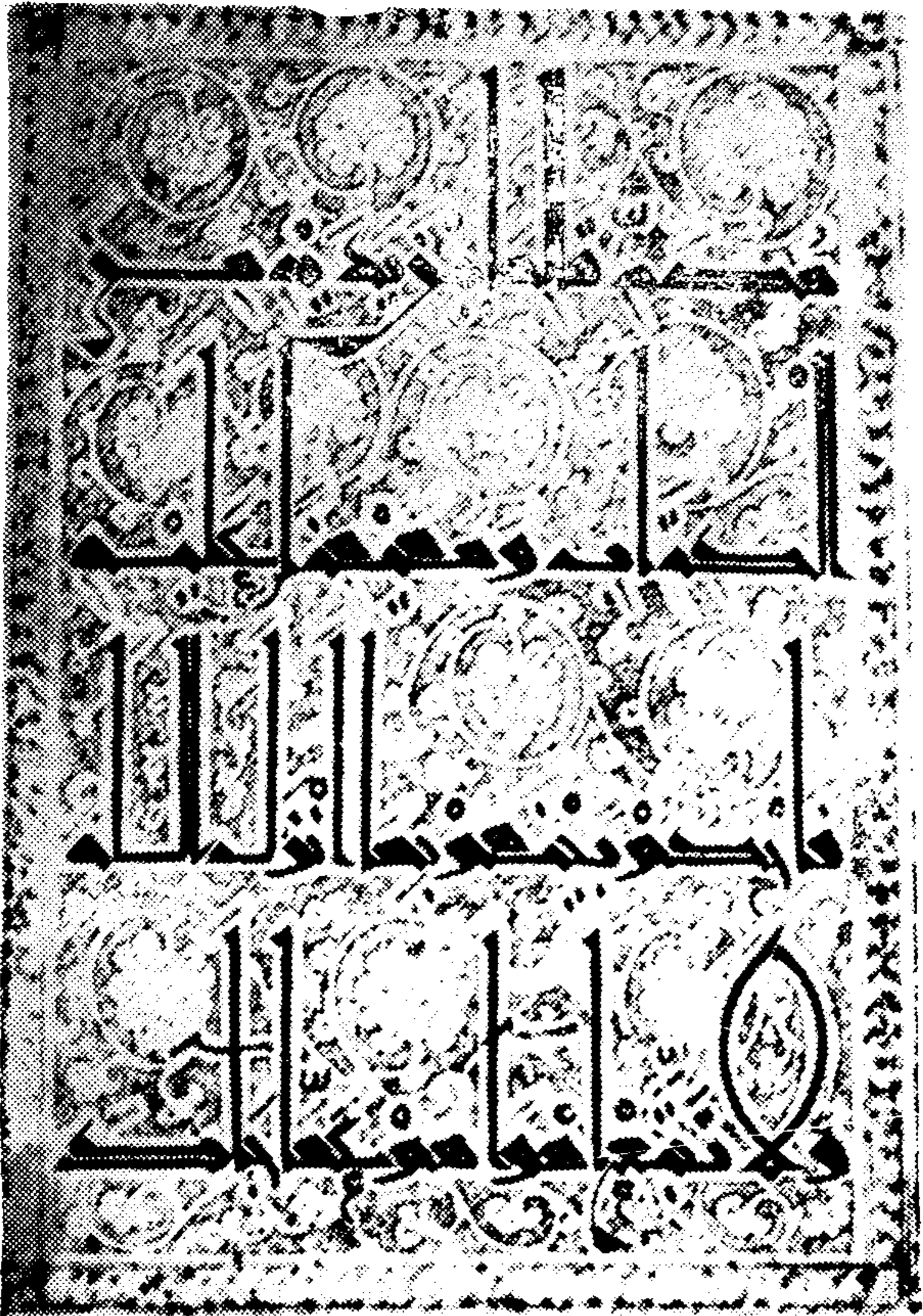


۵۹ خط رقاع قبر سلطان محمود در غزنه  
 حدود ۳۲۱ هـ

عینا نقل بخط شیخ محمد رضا هروی



صفحه قرآن عظیم به خط ابوبکر بن احمد غزنوی  
۵۶۶ق در هوزة مصر . (از سروی هنر پرشیا)



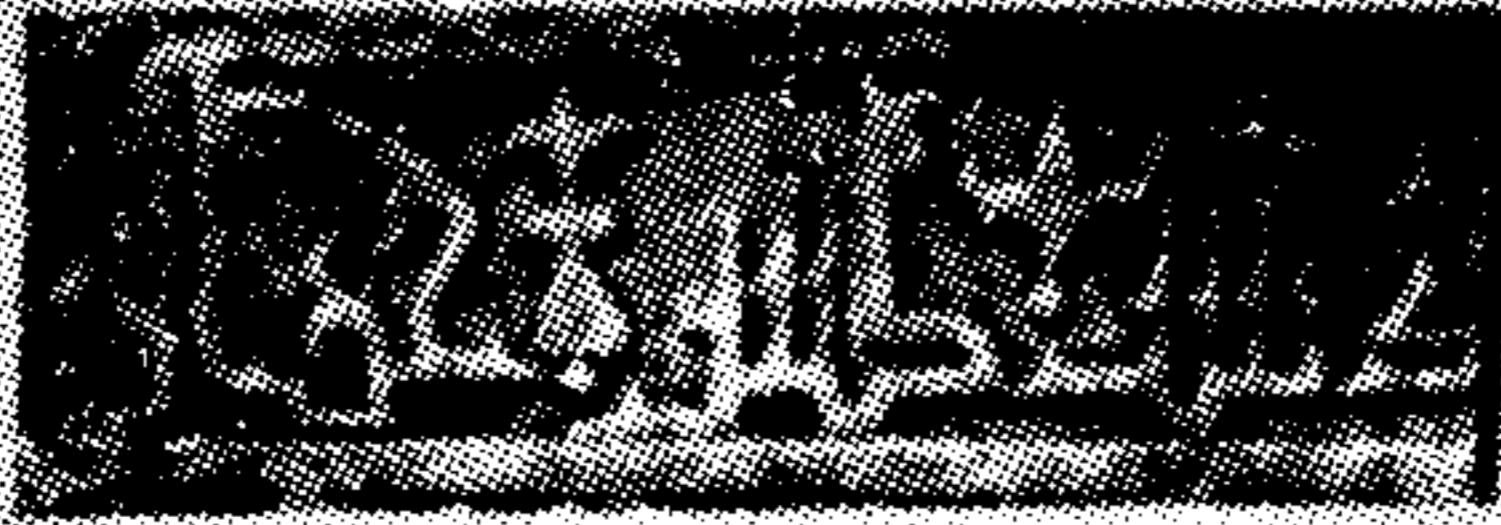
۶۱ تلفیق خط کوفی با پیر آموز در قرآن شریف  
مجموعه چستر بیٹی لندن (از سروی هنر پرشیا)



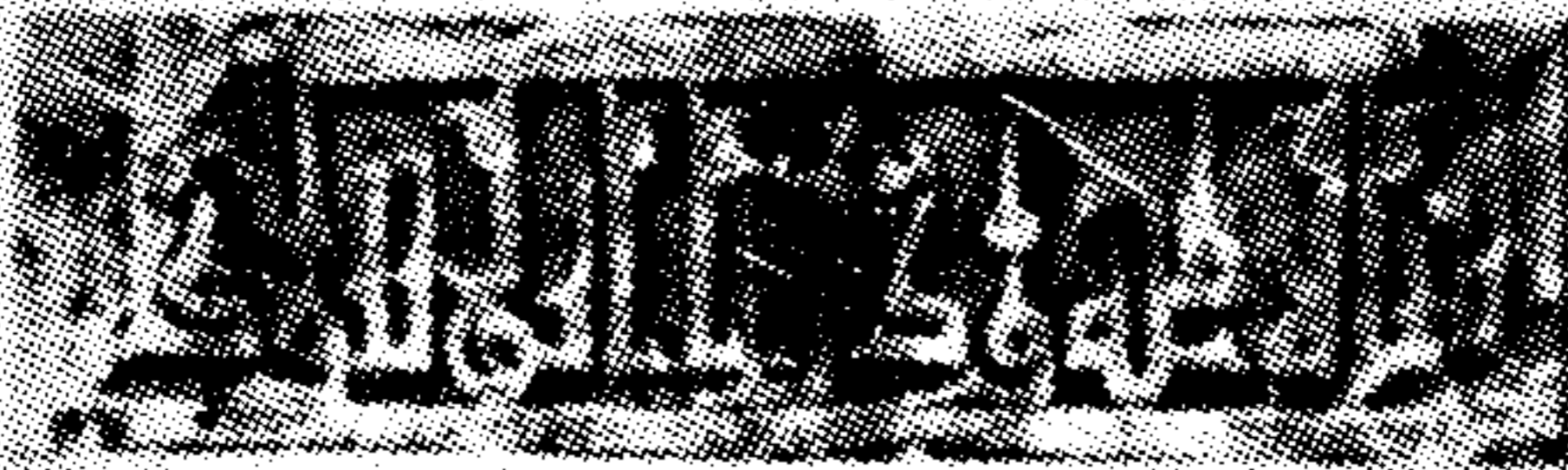
۶۲ قرآن عظیم که در ۵۰۵ ق در شهر بست نوشته شده در  
کتابخانه ملی پاریس . (از سروی هنر پرشیا)



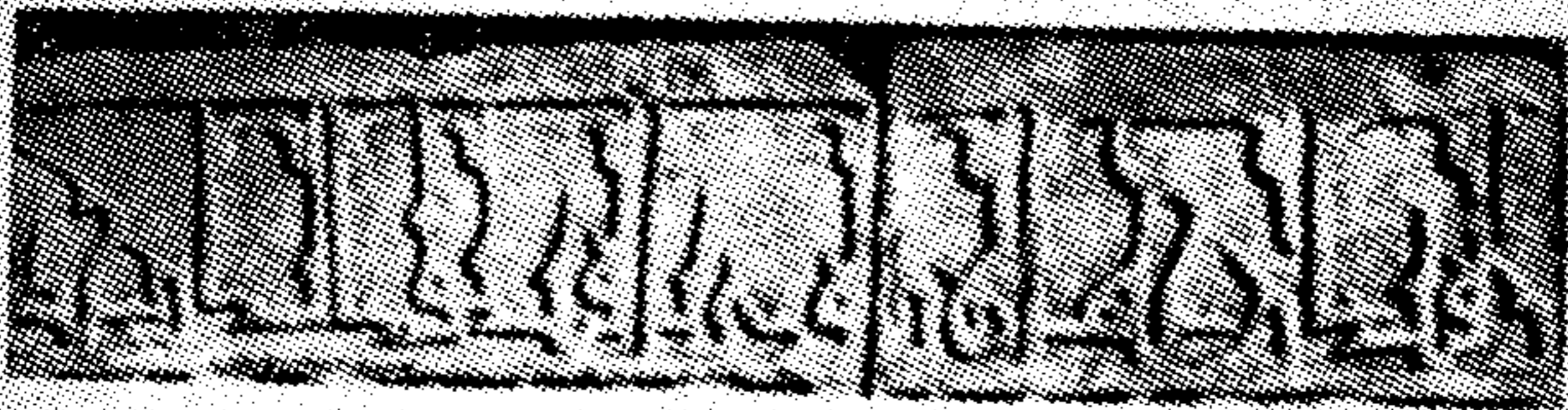
۶۳



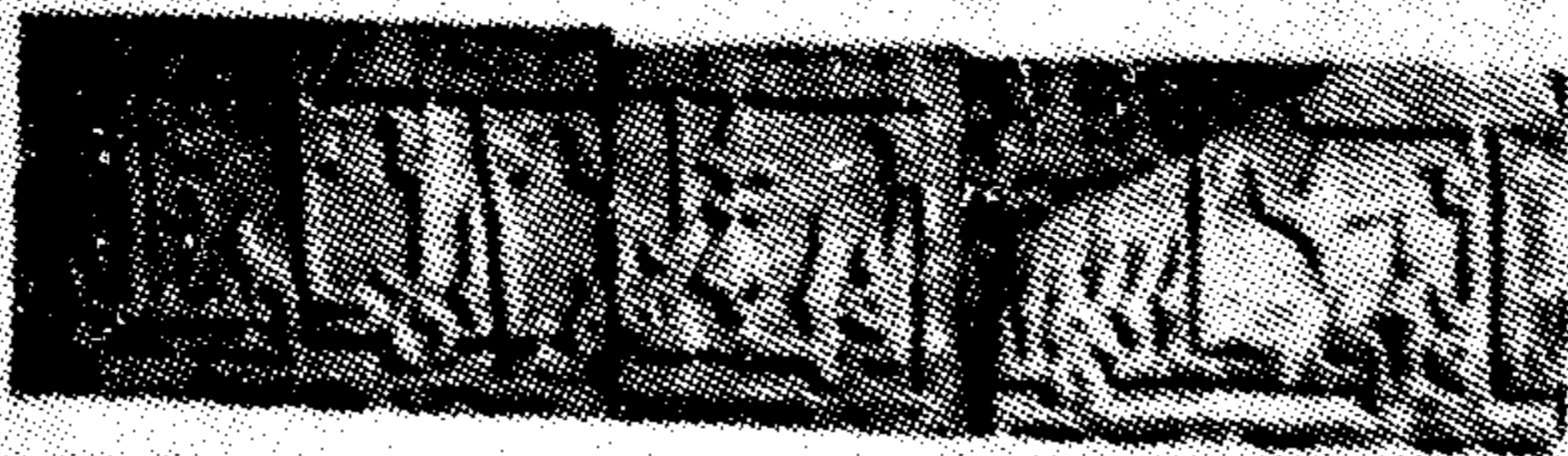
بسم الله الرحمن الرحيم



بسم الله الرحمن الرحيم

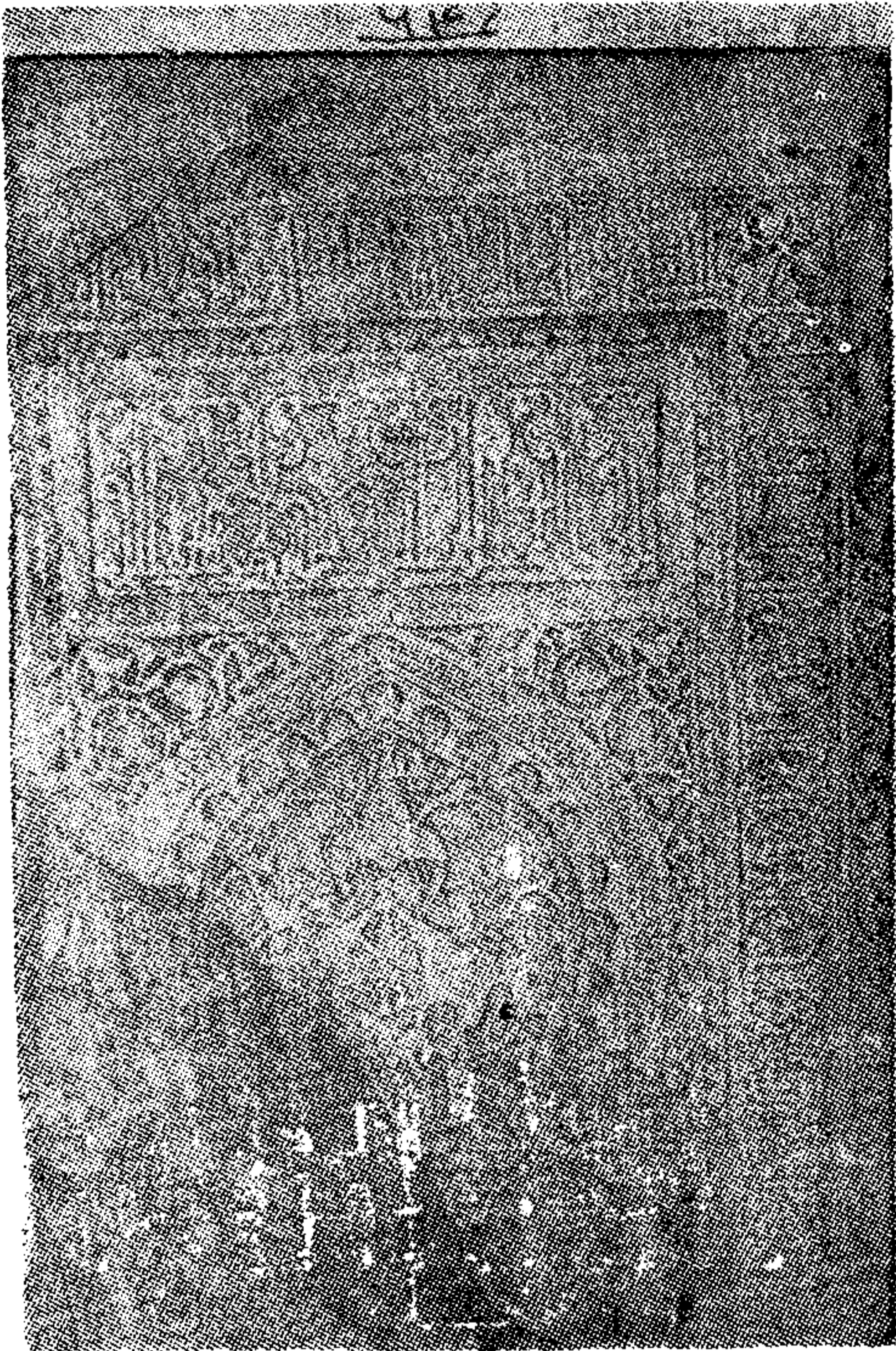


بسم الله الرحمن الرحيم

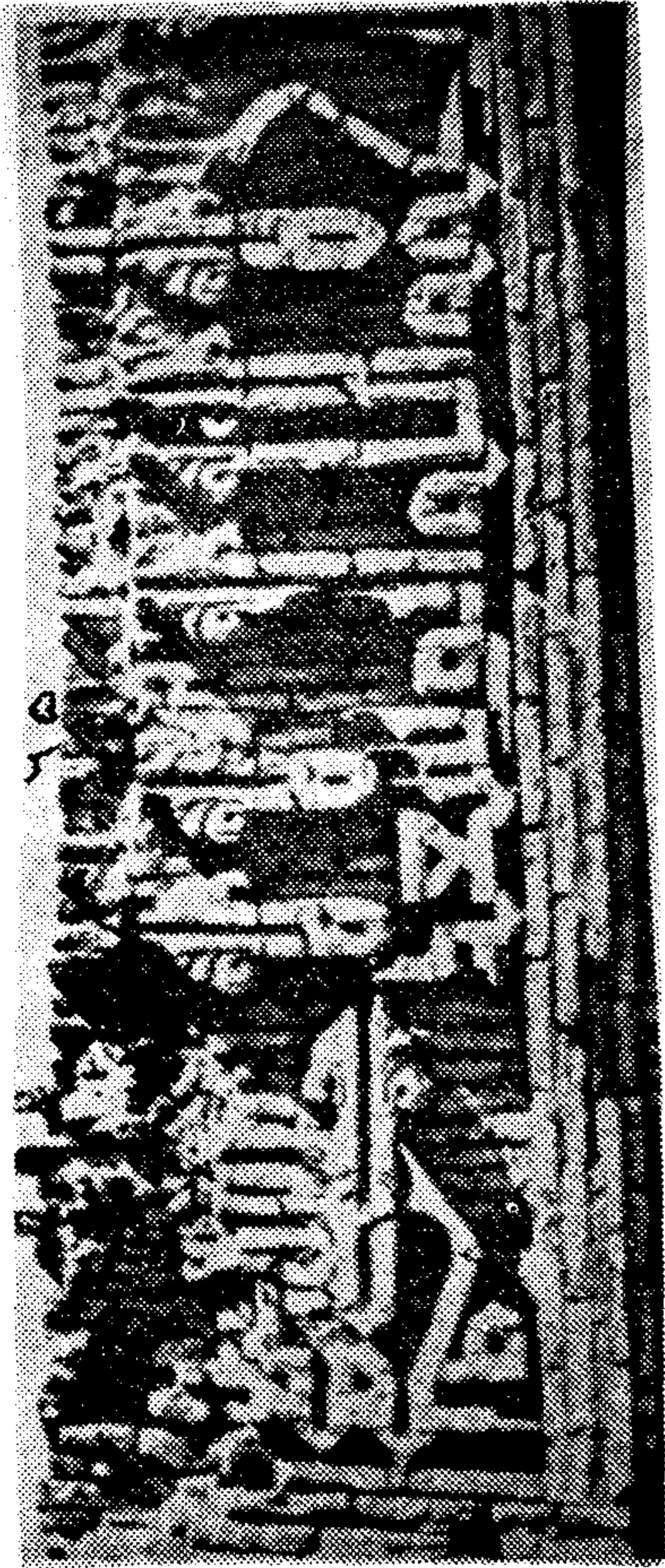


بسم الله الرحمن الرحيم

۶۳ نمونه های خطوط کوفی عبارات زبان دری از بقایای قصر مسعود سوم در غزنه حدود ۵۰۰ ق



۶۴ خطوط کوفی جامع اولیا در غزنه

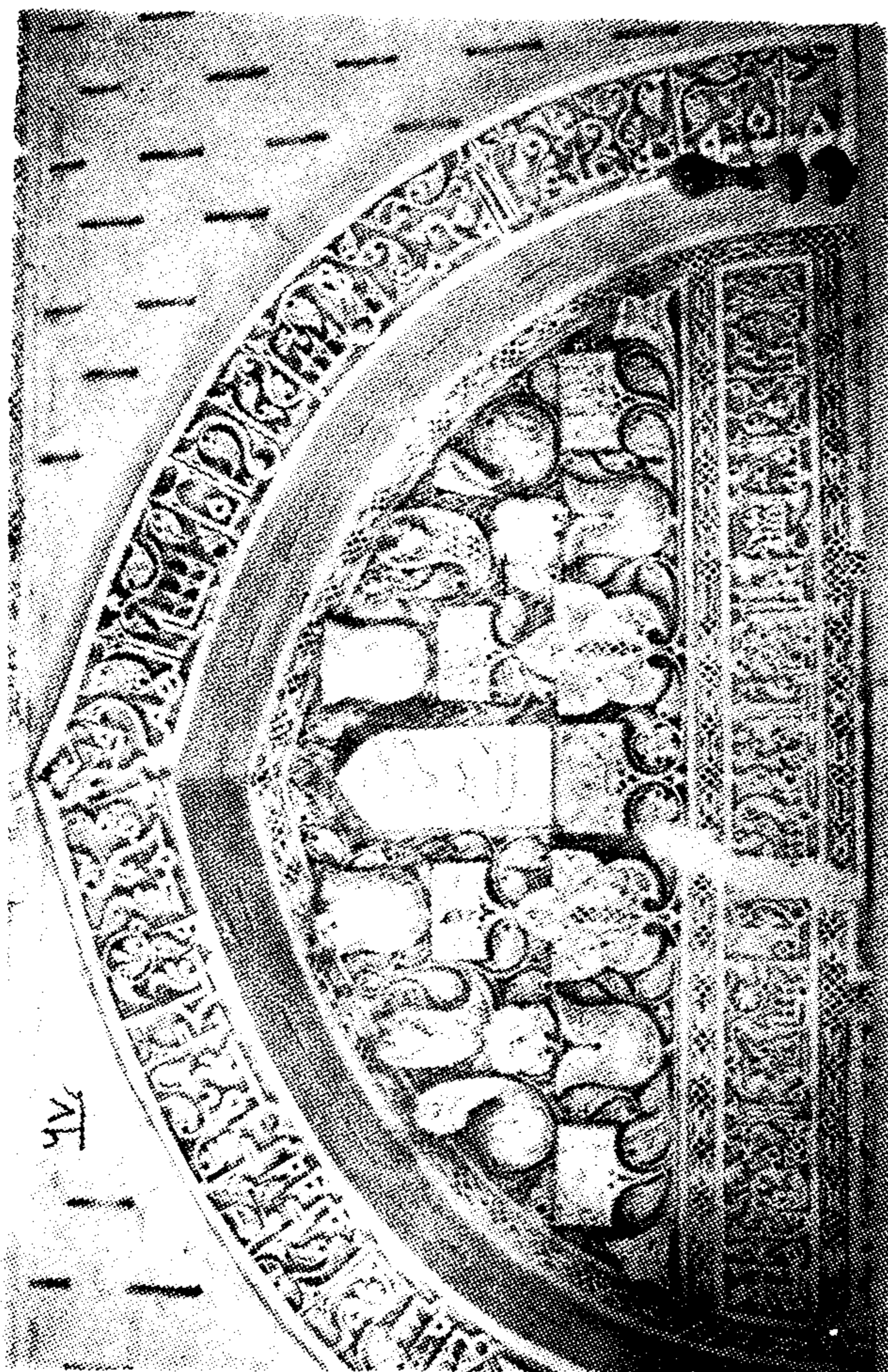


خط کوفی تزئینی و باطشرفسر خس در حدود ۴۵۰ ق

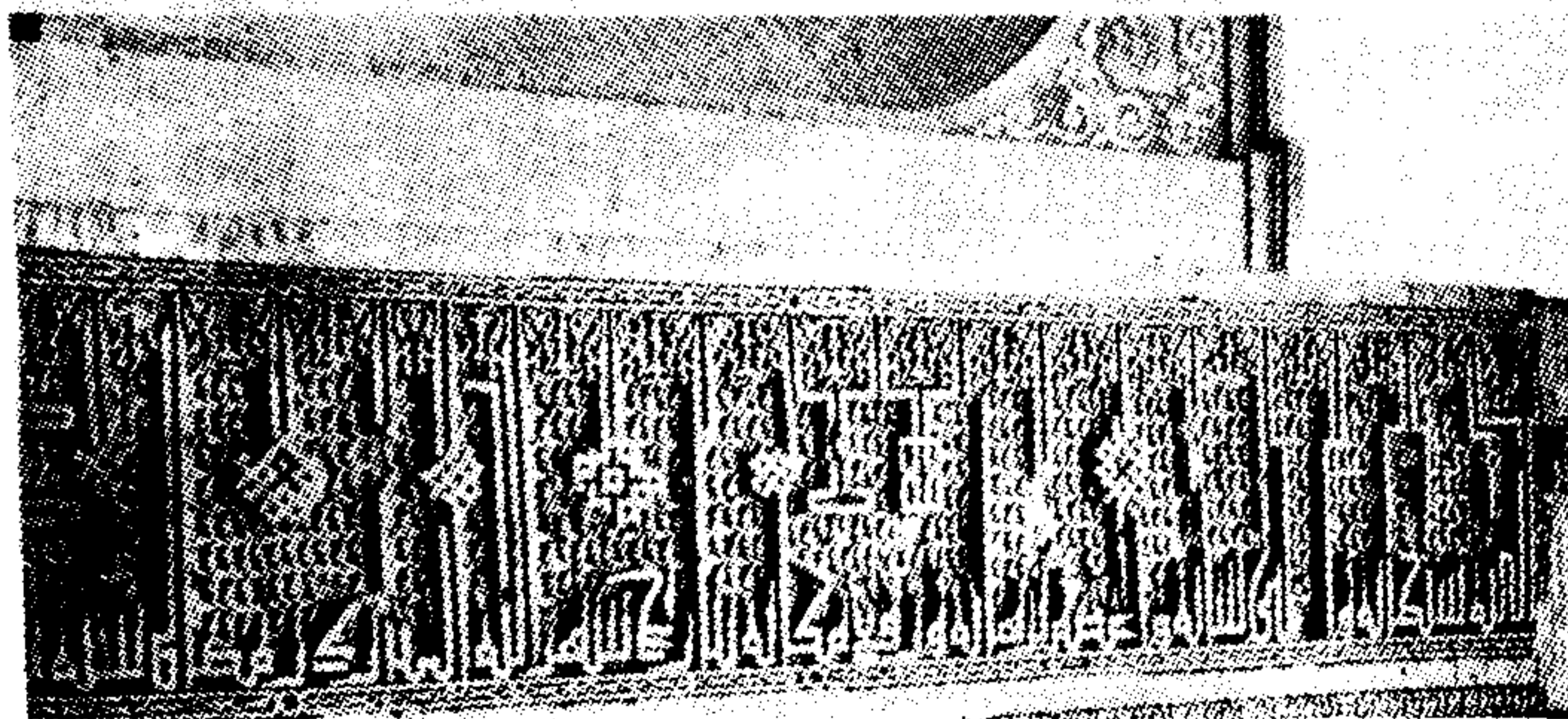
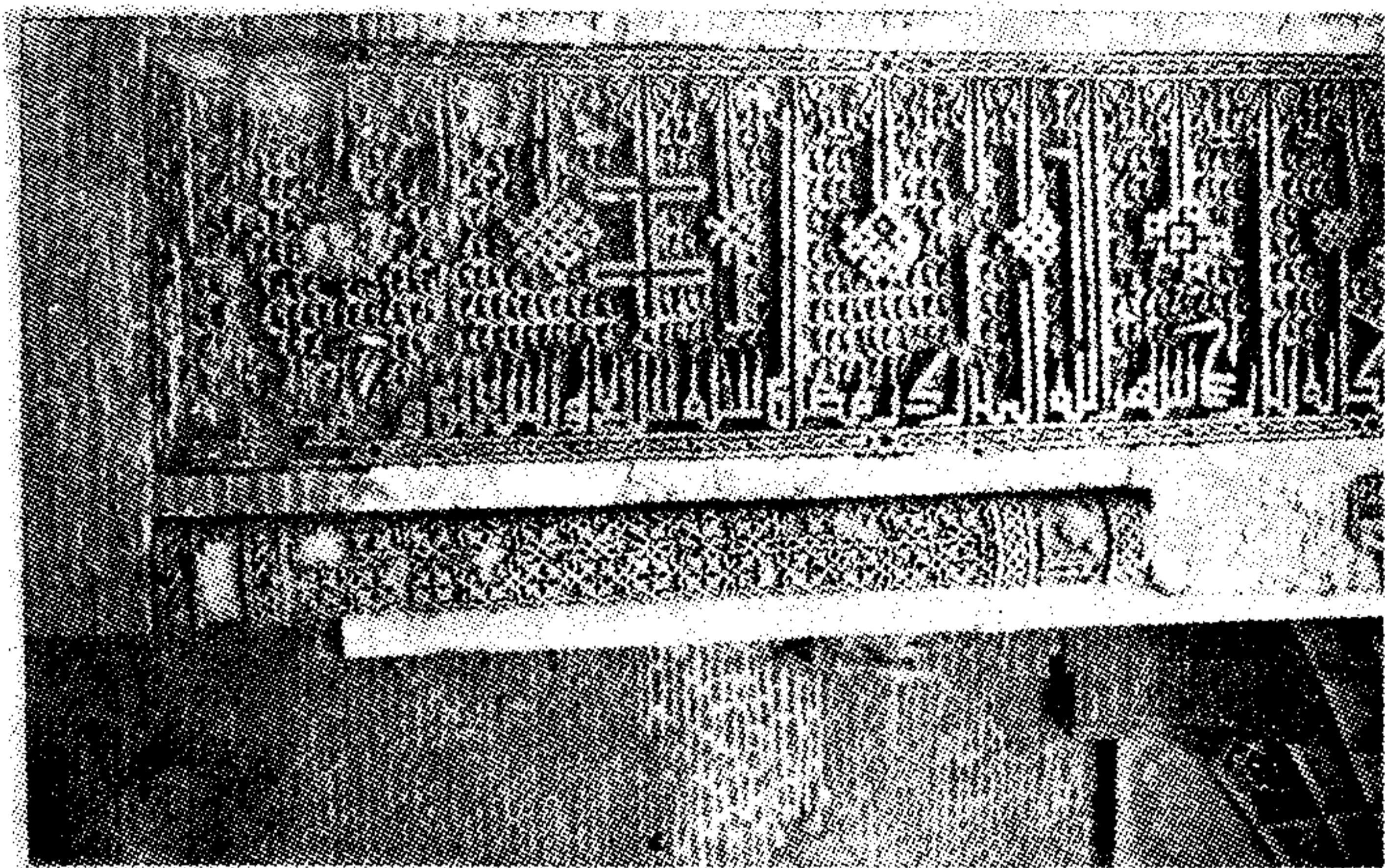
(از مجله هنر و مردم ۵۲)



- ٦٦ نمونه خط كوفي متمایل به نسخی هرات ٥٣٠ هـ  
از سنگ مزار درخواجه عبدالله طاقی - موزه هرات .
- ١ - بسم الله
  - ٢ - الرحمن الرحيم .
  - ٣ - هذا قبر الشيخ
  - ٤ - الرضى العابد محمد بن اسمعيل
  - ٥ - الغورى ، بتاريخ يوم الاربع
  - ٦ - العشرون من جمادى الاول (كذا)
  - ٧ - سنه ثلاثين و خمسمائه ...
  - ٨ - له ولوالديه ولمن ...



۶۷ تکامل خط تزئینی کوفی بر مزار امام یحیی در جوجان حدود ۴۳۰ ق



## خوانش ٦٨

- كتيبة بناء مسجد هرات در عصر غياث الدين محمد سام غوري ٥٩٧ هـ
- ١ - السلطان المعظم ، شهنشاها الاعظم ، مالك رقاب الامم ، مولى ملوك العرب وا لعجم ، سلطان ارض الله ، حافظ بلاد الله ، معين خليفه .
  - ٢ - غياث الدنيا و الدين ، معز الاسلام والمسلمين ، نظام العالم ، ابو الفتح محمد بن سام قسيم امير المؤمنين انار الله برها نه ..
  - ١ - (امر) ببناء هذه المسجد من خالص ماله السلطان المعظم ، شهنشاها الاعظم ، مالك رقاب الامم ، مولى ملوك العرب والعجم ...
  - ٢ - ... الله سلطانه ، واعلى شانه واعظم برهانه ورفع مكانه ، بتاريخ شهر الله المبارك رمضان سنه سبع و تسعين و خمسمائه .





**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**

سائر برادران از حق آید سعادتی و آسایش و بر سعادتی  
 اندرون ما نشمار معدنی و ماند و جبران با این بندگان  
 خود خلیفان اعیان آسای من اهل کت و سازگان خسته و کما  
 چندان و آنرا و مواوات و مالت با این بندگان خسته و کما  
 مبارک الله اجتناب العالمین و بارست خردمند این خسته  
 بر این بندگان احسان معدنی و مانی و جبران این بندگان  
 نگارده که بر قدرت و حکمت خویش مبارک الله رب العالمین  
 و بر خسته و جوانان آدمی آید خسته و مایسته کلامت  
 بر این بندگان و آسایش که در میان آدمی با همه زوایا  
 مغان و مغان و مغان و مغان و مغان و مغان و مغان  
 و بر سعادتی و آسایش که در میان آدمی با همه زوایا  
 و بر سعادتی و آسایش که در میان آدمی با همه زوایا  
 و بر سعادتی و آسایش که در میان آدمی با همه زوایا

۷۰ صفحه اول کتاب هدایة المتعلمین ۴۷۸ ق  
 نسخه کتابخانه بادلیان آکسفورد

و بعد کرده است و در این کلمات که در این آیه آمده است  
 و تندی در آن است و در این کلمات که در این آیه آمده است  
 که در این آیه آمده است و در این کلمات که در این آیه آمده است  
 این را چه است و در این کلمات که در این آیه آمده است  
 اما کلمات که در این آیه آمده است و در این کلمات که در این آیه آمده است  
 حال است که در این آیه آمده است و در این کلمات که در این آیه آمده است  
 موالید آن در کتب آمده است و در این کلمات که در این آیه آمده است  
 راست که در این آیه آمده است و در این کلمات که در این آیه آمده است  
 در این آیه آمده است و در این کلمات که در این آیه آمده است  
 و چون مومر و معطل باشند از او معرفت و احدی عظمی باشند حال که در این آیه آمده است  
 و احدی عظمی باشند

قرآن السبع البیاد من محمد و منه و بتلوه فی السبع  
 ایها الذی انزلناک و هو انزلناک فی القدر و هو

و در این کلمات که در این آیه آمده است و در این کلمات که در این آیه آمده است  
 و در این کلمات که در این آیه آمده است و در این کلمات که در این آیه آمده است

حاشیه اوله علی قوله و هم ما علی رسول المقسط من ربهم و آله اجمعین

صفحه آخر تفسیر سوره آبادی ۵۲۳ ق  
 نسخه اند یا آفس لندن

حشر محمد بن حنين و في الحاشية و قوله في  
 في سورة في سورة فكانت لسراية في سورة  
 في وما طيب احسن في قوله في حاتم و غيره  
 في ذلك في له في وقال ابو بكر في له في و امراة  
 حنين في قوله عيسى بن عمرو و الاخفش و ايضا و غيره  
 في قول الطيب و قال اخرون في حشر في سورة  
 في حشر لسراية الرحمن الرحيم في قوله في احد في  
 في من العلاء و جماعة و روى عن النبي صلى الله عليه وسلم احد  
 في العلاء و لم يكن له طفوا احد و قال الاخفش و ابو طار  
 في بكر الوقف في آخر السورة لانه امراء في قوله في حشر  
 في سورة الفلق لسراية الرحمن الرحيم قالوا  
 في آخر السورة في سورة الشا في  
 في الرحمن الرحيم و الثاني في آخر السورة  
 في علم في ذلك في الطيب في المنع  
 في كتاب الوقف في حشر و توفيقه و صلى الله عليه  
 في حشر و كنه عبد الله بن علي في حشر في حشر  
 في حشر في حشر في حشر في حشر في حشر  
 في حشر في حشر في حشر في حشر في حشر  
 في حشر في حشر في حشر في حشر في حشر

این نسخه مختصر کتاب الوقف در ۵۲۶ هـ بخط عبد الله بن علی نوشته شده که نهونده نسخه اواسط قرن ۶ هـ است .

این نسخه برای ابوبکر عتیق بن محمد بن خسرو نوشته شده ، که ظاهراً همان مولف تفسیر سور آبادی باشد ! که در کتاب السیاق عبدالغافر نامش ابوبکر عتیق بن محمد متوفی ۴۹۴ هـ است .

که بدین حساب باید نویسنده همین نسخه ۵۲۶ هـ نباشد .

اگر چه مولوی محمد شفیع مرحوم، بن هردو ابوبکر عتیق را یک نفر شمرده ولی بین وفات ابو بکر عتیق سور آبادی مفسر ، و این ابوبکر عتیق فاصله سی ساله موجود است ، چون در ۵۲۶ هـ این شخص جوان رشید مستحق دعای رزقه الله العلم والا دب بوده بنا برین باید سال وفات سور آبادی ، او قات پیدا یش وی باشد .

۷۰. بطارد نرنا خرم شاد ماز  
 ۷۱. بسندید دامق هراج او بکفت  
 ۷۲. بو شد حامه زون فرخده جاگه  
 ۷۳. بکشتن نشنند و سرو کون  
 ۷۴. بشامسرد لاله سرد و بسره  
 ۷۵. چه هر دو ن کشتی بیرون آمد  
 ۷۶. جنات ذلن بکریان همکل از بهار  
 ۷۷. بر دران همه مرده مان سر بهر  
 ۷۸. یا به پیشان بت تیره بدی قران  
 ۷۹. از خواستند به همه رایب در پیش  
 ۸۰. ماز بود این مکر شاه و

با بطنه زان کیمین به بجان  
 بسجید راه مع اندر نمفت  
 تمام فزید آید کیزان مغاک  
 فزده بخورهایشان نهر کمر بصران  
 فزده بک دلستان از اناره درم  
 ذ در یا سویه شهر شامسرتزدر  
 بجه نام بت خان خنایشنوسیک  
 فزده زده بی بهان میطل نامور  
 به بیک بر دید به پیشش رضاز  
 طرفته بد فزده دل اراج او پیش  
 بهمکل بیاد نشد و سیرا

بسادد ترا خرم (و) شادمان  
 پسندید و امق هر انچ او بگفت  
 چو شد جامه روز فر خنده چاک  
 بکشتی نشستند هر دو جوان  
 بشامس رسیدند هر دو بهم  
 چون هر دوز کشتی برون آمدند  
 چنان دان کی آن هیکل از پهلوی  
 برو زان همه مردمان سر بسر  
 همه پیش آن بت شدند فر از  
 ازو خواستندی همه رای خویش  
 چنان بود آیین کی شاه و سپاه  
 بیاشی بی آزاد و ایمن بجان  
 بسنجید راه هم اندر نهفت  
 برآمد شب تیره گون از مغاک  
 شده سخو نهاشان زهرکس نهان  
 نشد هیچ دشمنان لدان ره دژم  
 ز دریا سوی شهر شامس شد ند  
 بود نام بت خانه تا بشنوی  
 شدندی بدان هیکل نامور  
 بد (و) نیک بردی به پیشش نماز  
 گرفته بدندش دل آرای خویش  
 بهیکل پیا ده شدند بر راه

#### نمبر ۱۸۳

نیم صفحه از کتاب خطی و امق و عذرای عنصری (متوفا ۴۴۱ هـ) که  
 يك نسخه ناقص آن دارای ۳۵۳ بیت در سکه بر سمنده بدست آمده و  
 تاریخ نوشتن آن بین ۴۰۰ - ۵۰۰ هـ تخمین می شود. این کتاب خطی  
 پیش از ۵۲۶ هـ در ملک سری زکی بن محمد بن علی عبد الحمید بامیانی  
 بود (طبع لاهور ۱۹۶۷ م به ترتیب و حواشی دکتر محمد شفیع مرحوم)

إيماناً بما فيها من نعم الله تعالى  
 لا ما أولم زرعها من كبره و عشبا تلك  
 الخد التي نوت من عبادنا من كارتقيا  
 وما تنزلنا بالامر بك الذي لا يدرينا وما  
 خلفنا وما يبرئنا من ما كان رانينا  
 السموات والأرض وما بينهما ما فاعبده و  
 اعظم

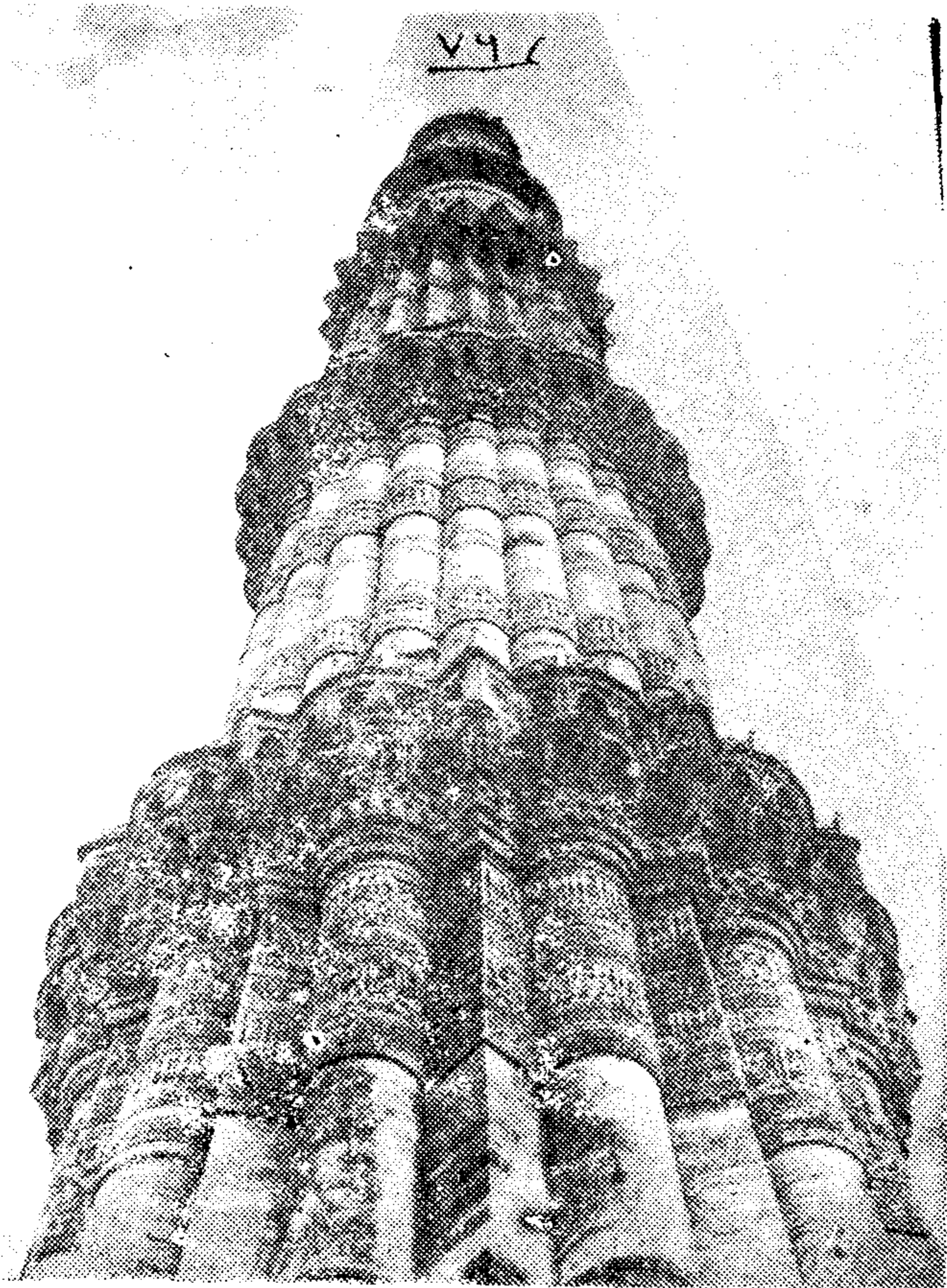
۷۴ صفحه آخر قرآن شریف بخط محمد بن عیسی که برای سلطان غور  
 غیاث الدین محمد سوم نوشته شده ۵۸۴ ق .  
 (موزه ایران باستان - از مجله هنر و مردم )

حرای تغالی هر هاید تا بوالی این بده هزار هزار نیکی بویزد  
 و هزار هزار بدی بکند کند ایضا صد او و ناعد روی بدست  
 راست د هزد و خراب کورش نباشند و فنشارش کورش  
 نباشند و تنگی از کی کورش نباشند سبب اول است از راه  
علمی نیده علیه سلیح کی حرای مکر و بهر فرشته لیست در در بای سفر  
 له اور اسبهر هزار حر است اندر هر سری سبهر هزار رو لیست  
 و بر هر روی کیه هزار دهانست و اندر هر دهانی سبهر هزار  
 نهانست و هر نهانی سبهر هزار است حرای امر و هر تسبیح که آن  
 یو بگوید بخانه نام این فرشته رو بیاورد است و از تسبیح این فرشته  
 کوه است سبحان اللّٰه اللّٰهم سبحان اللّٰه سبحان سبحان  
اللّٰه اللّٰه سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان  
سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان  
سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان  
 سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان  
 سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان  
 سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان

در این تسبیح هر چه بود بیرون بیاورد از حق که بکند تو تسبیح رو  
 با حلقه آمدت مصطفی علیه السلام که بر تو دلخواه رهبری از هر دو کی  
 در هر روی کیه هزار دهانست و اندر هر دهانی سبهر هزار  
 نهانست و هر نهانی سبهر هزار است حرای امر و هر تسبیح که آن  
 یو بگوید بخانه نام این فرشته رو بیاورد است و از تسبیح این فرشته  
 کوه است سبحان اللّٰه اللّٰهم سبحان اللّٰه سبحان اللّٰه سبحان  
 اللّٰه اللّٰه سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان  
 سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان  
 سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان  
 سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان  
 سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان  
 سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان  
 سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان سبحان

۷۵ نمونه خط رساله دری بخط دولت شاه تولاکی که از بامیان بدست آمده ۶۱۲ ق





۷۶ خطوط کو فی قطب منار دہلی ۵۹۶ ق .

مَدْرَسَةُ الْعِلْمِ وَالْحَقِّ وَالصِّدْقِ وَالنَّجْوَى

بِإِذْنِ الْإِمَامِ الْكَبِيرِ وَالْمَوْلَى الْعَلِيِّ الْأَمِينِ

إِنَّمَا هُوَ تَعَالَى الْعَمَلُ وَاللَّيْلُ وَالنَّجْوَى

وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى أَصْفَى الْأَنْبِيَاءِ

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ

كَتَبَهُ عَبْدُ اللَّهِ الصَّبْرِيُّ

سَنَةِ ثَمَانٍ وَعِشْرِينَ وَسَبْعًا

٧٧ صفحة آخر قرآن بخط عبد الله

صبر في ٧٢٠ ق گنجینه مشهد

رضوی .



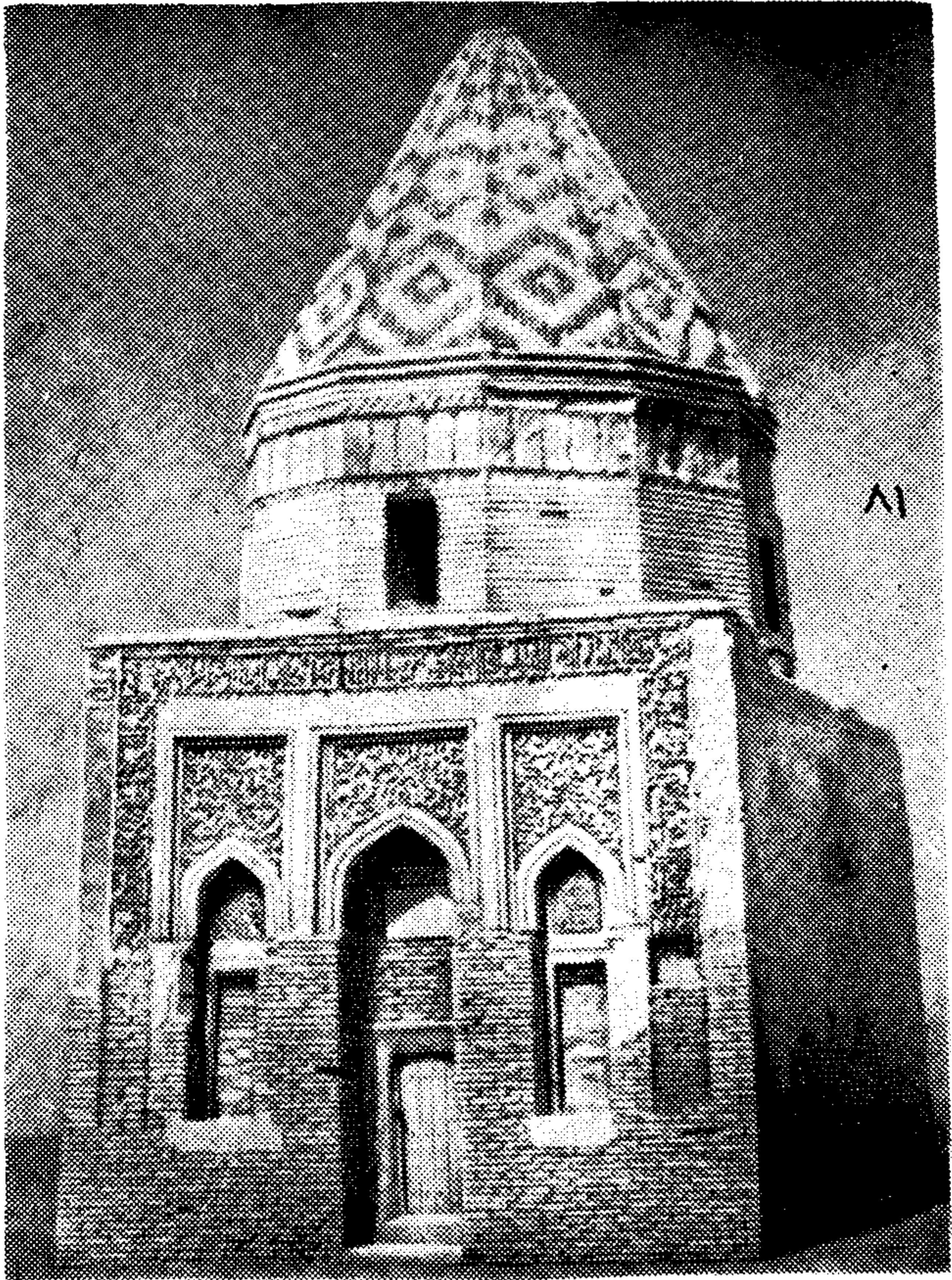
۷۸ خط رقاع نمای سلطان شاه بر ظرف هرات ۷۷۷ ق



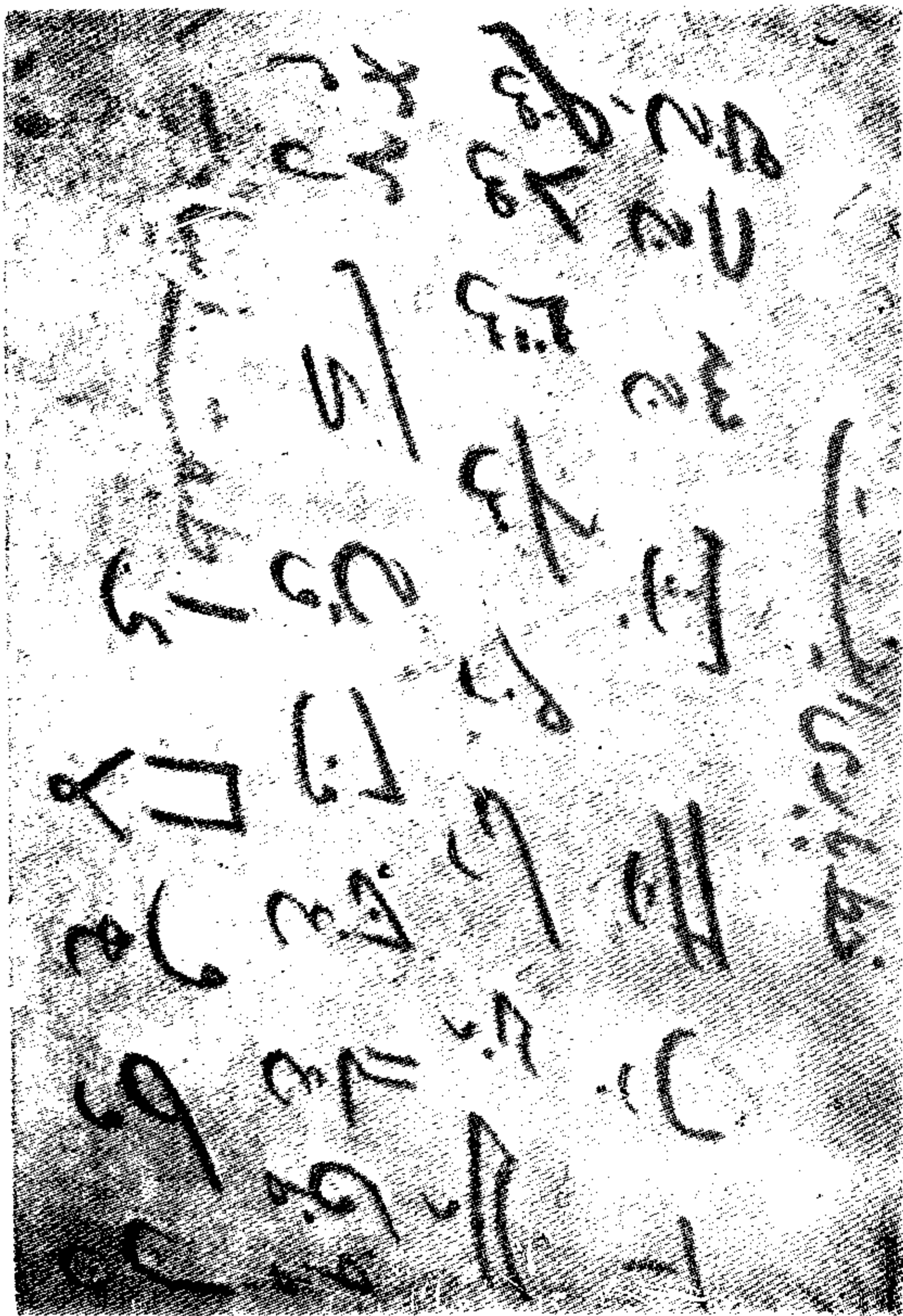
۷۹ نوشته مسجد الرشید بن محمد در باکو ۴۷۱ ق  
 (از مسلم کالگرافی)



۸۰ کتیبه قبر یوسف بن کبیر در باکو ۵۵۷ ق  
 (از مسلم کالگرافی)



۸۱ نوشته بنای مشهور به قبر فخرالدین رازی (?) در اورگنج کهنه  
قرن ۱۲ م



۸۲ نمونه الفبای باری از عجایب الطبقات خطی تالیف محمد طاهر  
بلخی ۱۰۵۵ ق  
-۲۰۶-



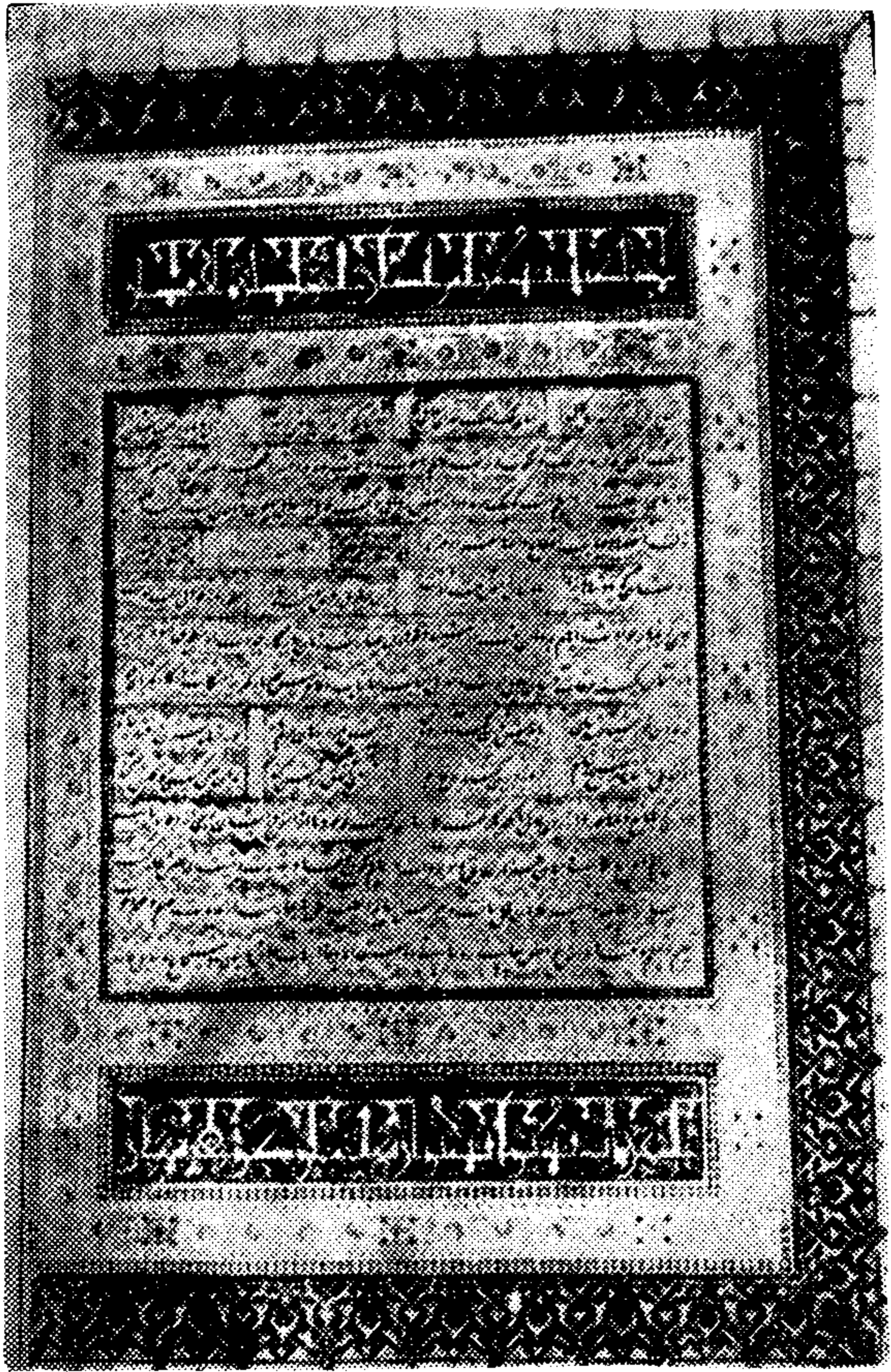
۸۳ يك صفحه از قرآن عظیم بختناشناخته در مشهد رضوی که دران  
 سورة قل يا ايها الكافرون - اذا جاء نصر الله - ثبت يدا - قل هو الله  
 احد نوشته شده است .

جدول مقایسه‌ی حروف عربی و خط بائری با خط مصحف مشهور

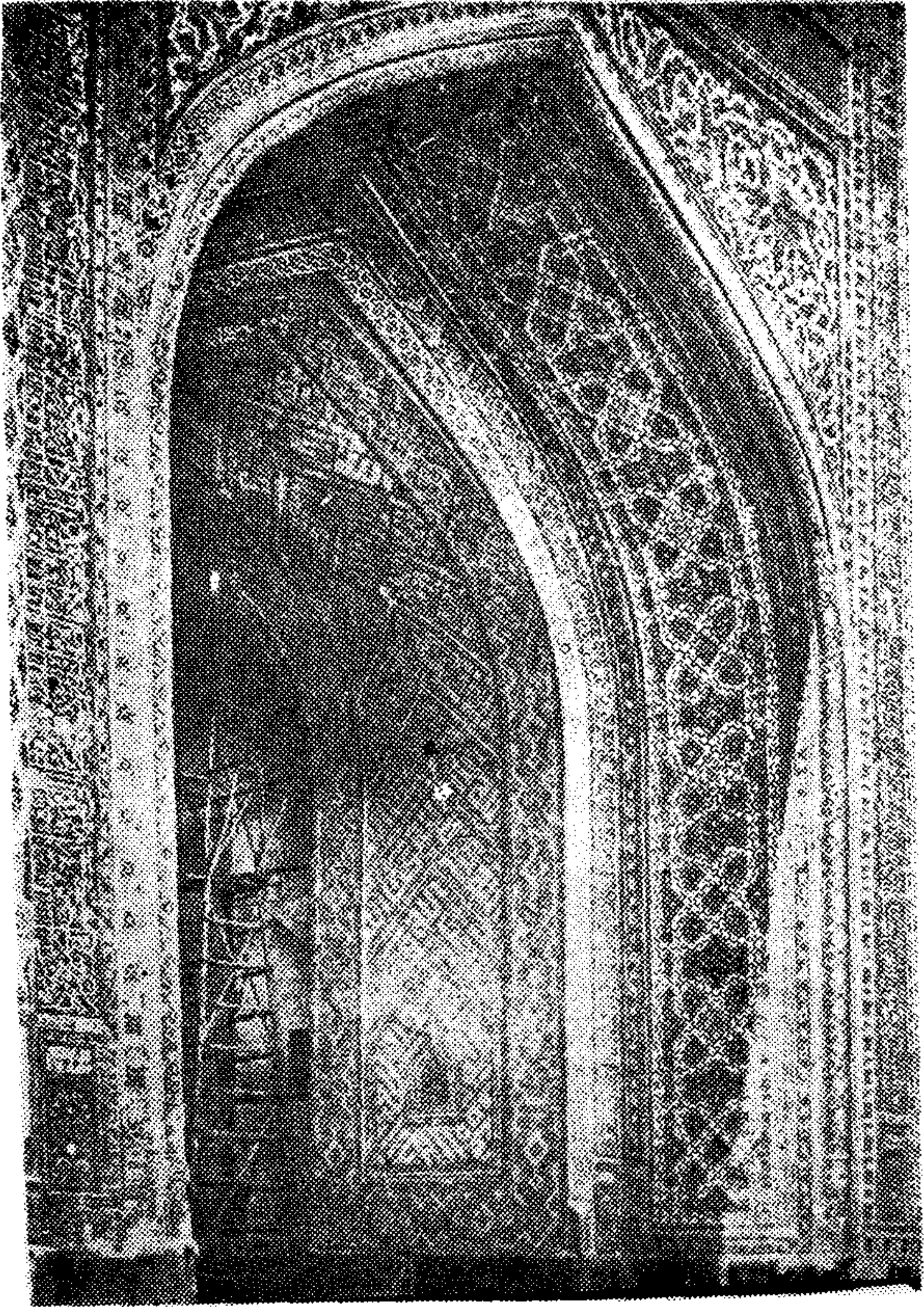
عربی	بائری	مشهور	عربی	بائری	مشهور	عربی	بائری	مشهور
ا	ا	آ	ز	ز	لا	ق	ح	ق
ب	ب	ب	س	س	ط	ک	س	ک
ت	ت	ت	ث	ث	ث	ل	ل	ل
ث	ث	ث	ص	ص	لا	م	م	م
ج	ج	ج	ض	ض	ل	ن	ن	ن
ح	ح	ح	ط	ط	و	و	و	و
خ	خ	خ	ظ	ظ	*	ه	ه	ه
د	د	د	ع	ع	لا	لا	لا	لا
ذ	ذ	ذ	غ	غ	نا	ی	آ	ی
ر	ر	ر	ف	ف	س			

\* در عکس چهار صفت که بمن رسیده حرف ظ نیست.





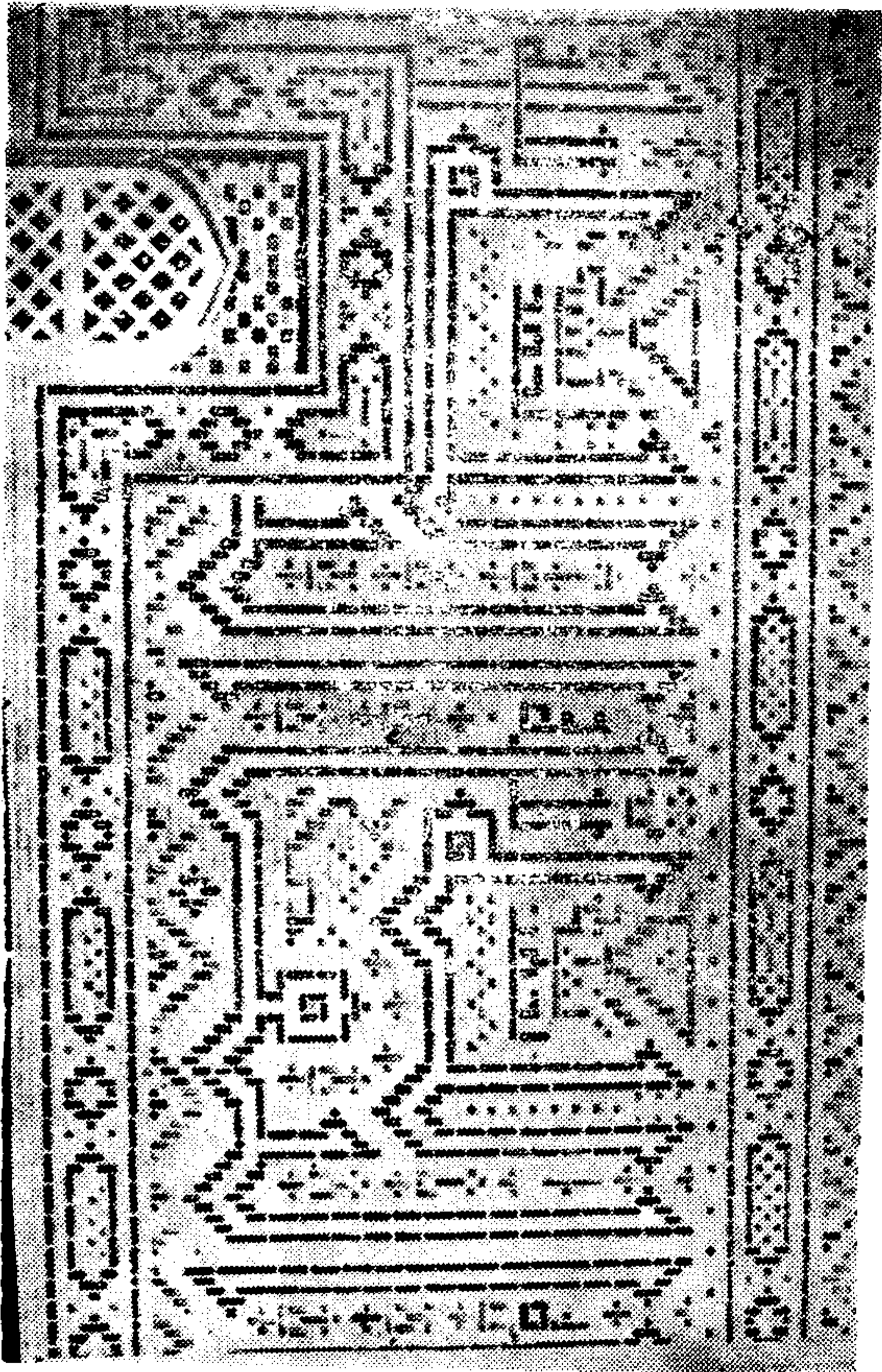
۸۵ صفحه اول شاهنامه بایسنقری  
۸۸۳ ق در موزه گلستان تهران  
(از سروی هنر پرشیا)



۸۶ ایوان مسجد گوهرشاد در مشهد رضوی که برپهلوی چپ آن  
امضای شهزاده بایسنقر بن شاهرخ باخط او موجود است .  
(از سر روی هنر پرشیا)



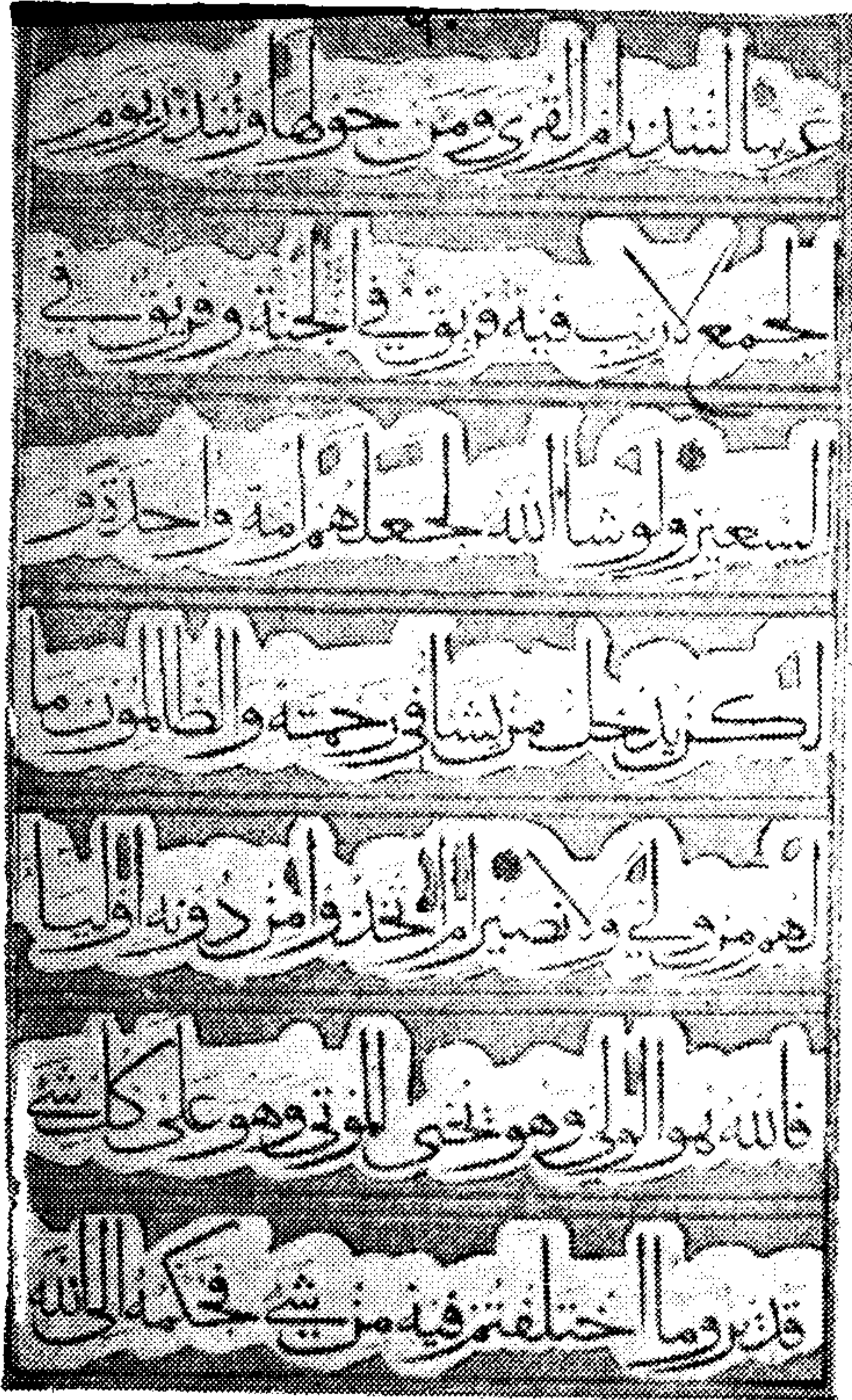
۸۷ بقایای نقوش و خط بریکسی از دیوار های لشکر گاه بست



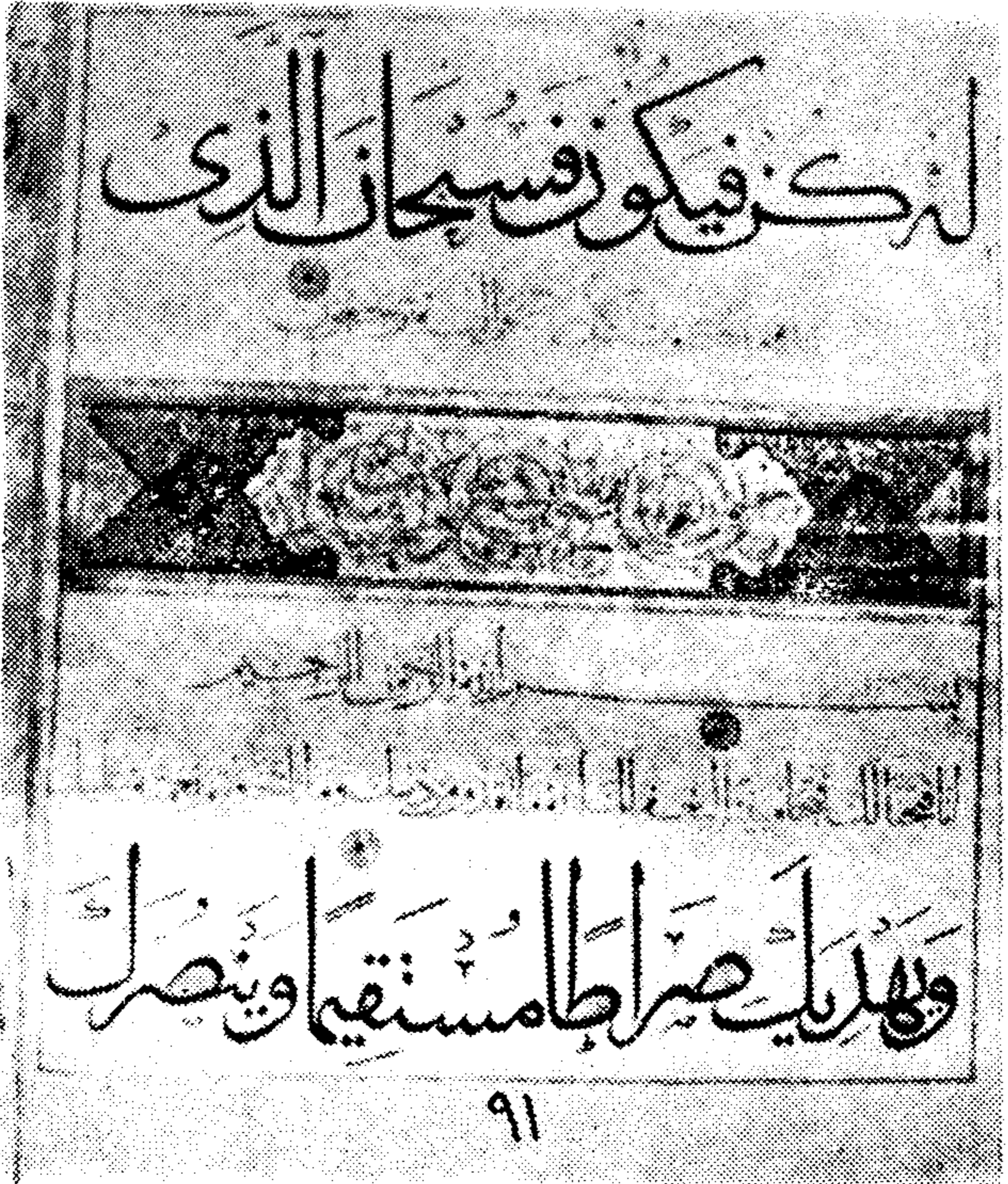
خط کوفی بین خشت کاری بر گور امیر تیمور در سمرقند

۱۹ جسم فاعل در نهاد بود و با او مضاف است و این اسم  
 خانه گویند و بر او ضبط کوید می گیرند و در این جسم در سطح  
 و در این جسم یک کلمه است و در این جسم یک کلمه است  
 و مساوی آنهاست جسم فاعل در این جسم می شود و در این  
 رکن بود و در روی می کند و لون او یک سطح دید و در این  
 سطح و بر این سطح تر شود که این سطح و این سطح که این سطح  
 و کجاست و در این سطح این سطح و سطح بر برد و کجاست که این سطح  
 و دیگر از این سطح چگونه باشد اگر جسم را نشاند بود سطح را نشاند بود  
 جسم را نشاند سطح که این سطح است خط چینی است و این سطح را این سطح  
 از این سطح و این سطح از این سطح و این سطح را این سطح و این سطح  
 که کمتر باشد از این سطح سطح را که بعد از این سطح که این سطح را این سطح  
 اگر جسم را این سطح و این سطح و مساوی آنهاست سطح فاعل در این سطح  
 و صورت این سطح از این سطح بود که این سطح از این سطح و این سطح  
 این سطح را این سطح و این سطح و این سطح از این سطح و این سطح بود  
 و این سطح را این سطح و این سطح و این سطح که این سطح را این سطح و این سطح

۱۸۹ امتزاج خط ثلث بانسخی در کتاب التفریم ۵۳۸ ق کتابخانه  
 مجلس تهران



۹۰ يك صفحه قرآن بخط باسنقر  
میرزا اشہزادہ ہرات در شہد

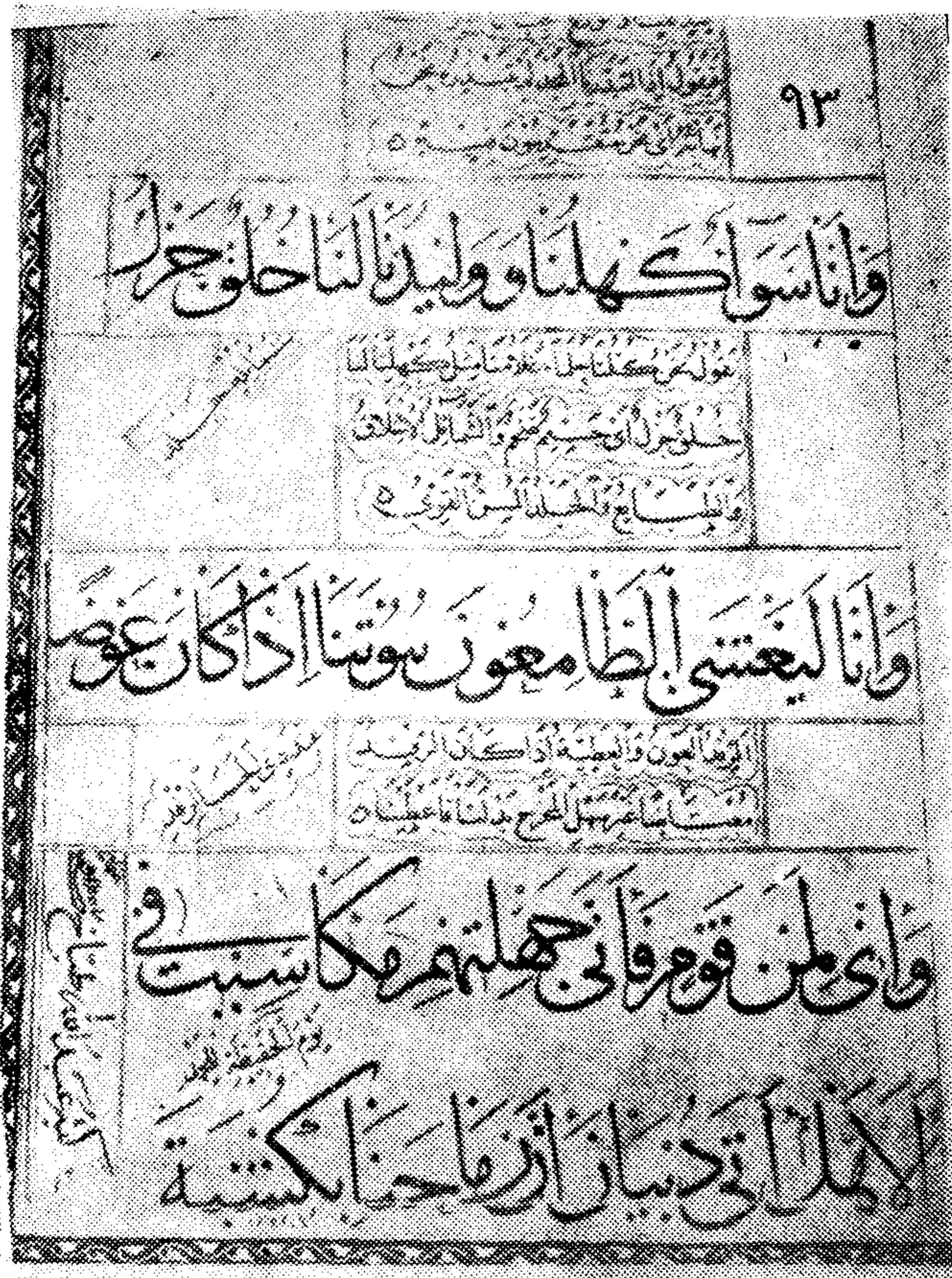


صفحه قرآن عظیم بخط ابراہیم سلطان بن شاهرخ ۸۲۷ قدر مشہد  
رضوی (از گنجینہ قرآن)



صفحه اول قرآن بخط خواجه عبدالله مروارید حدود ۹۰۰ ق ۱ ز  
گنجینه قرآن در مشهد رضوی

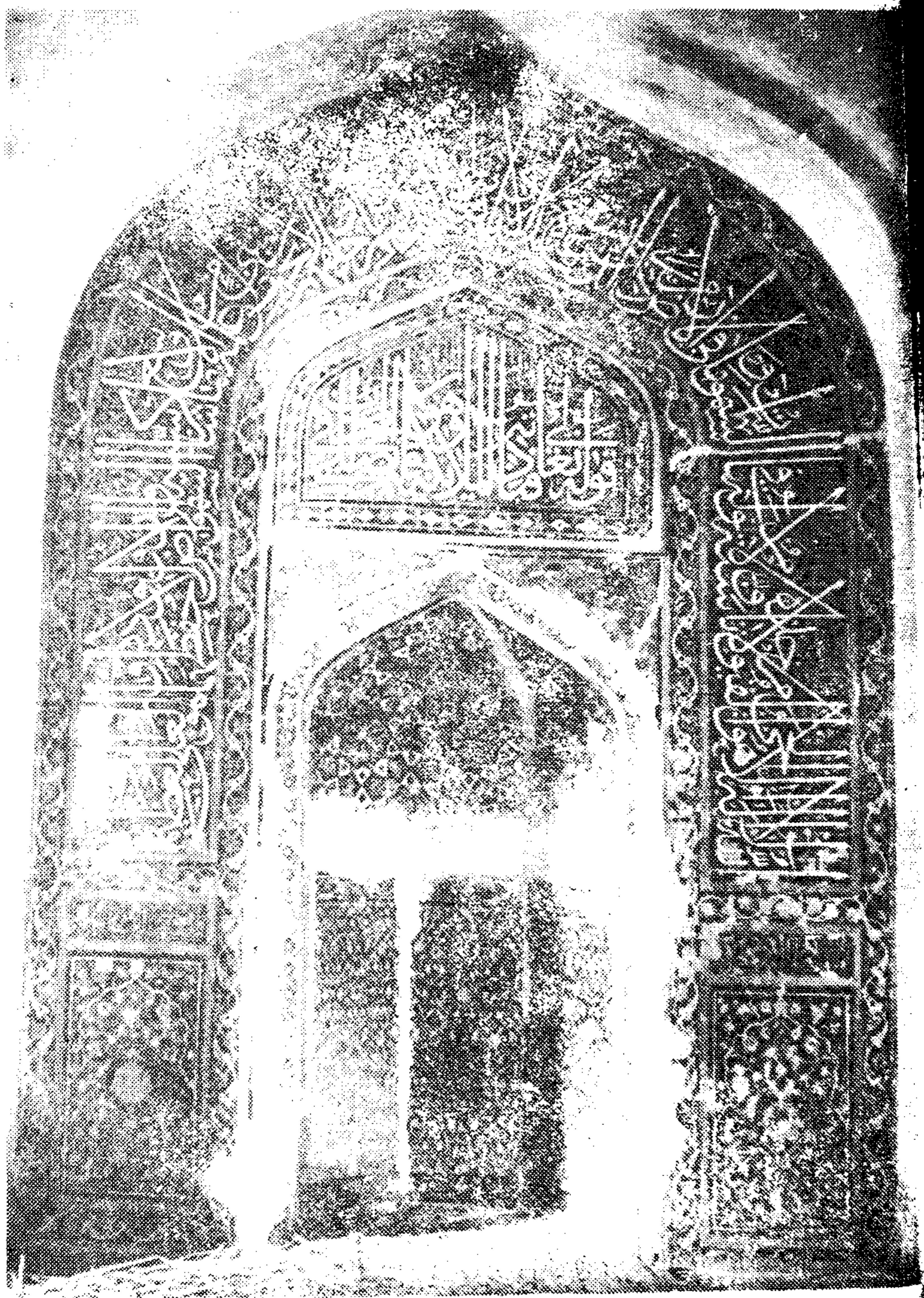


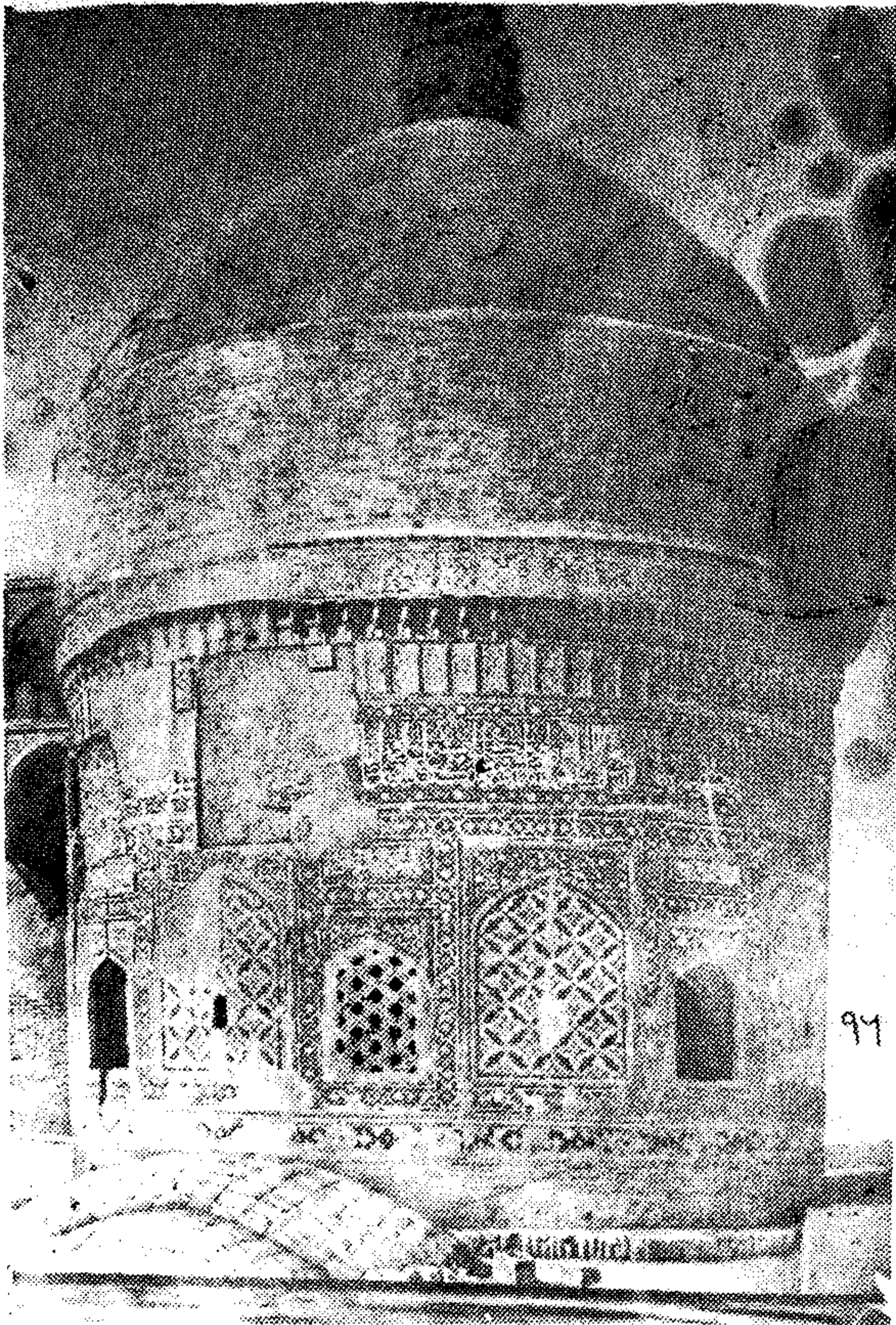


٩٣ خط عبدالله طباخ هروی ٨٤٥ قدر گنجینه قرآن مشهد رضوی

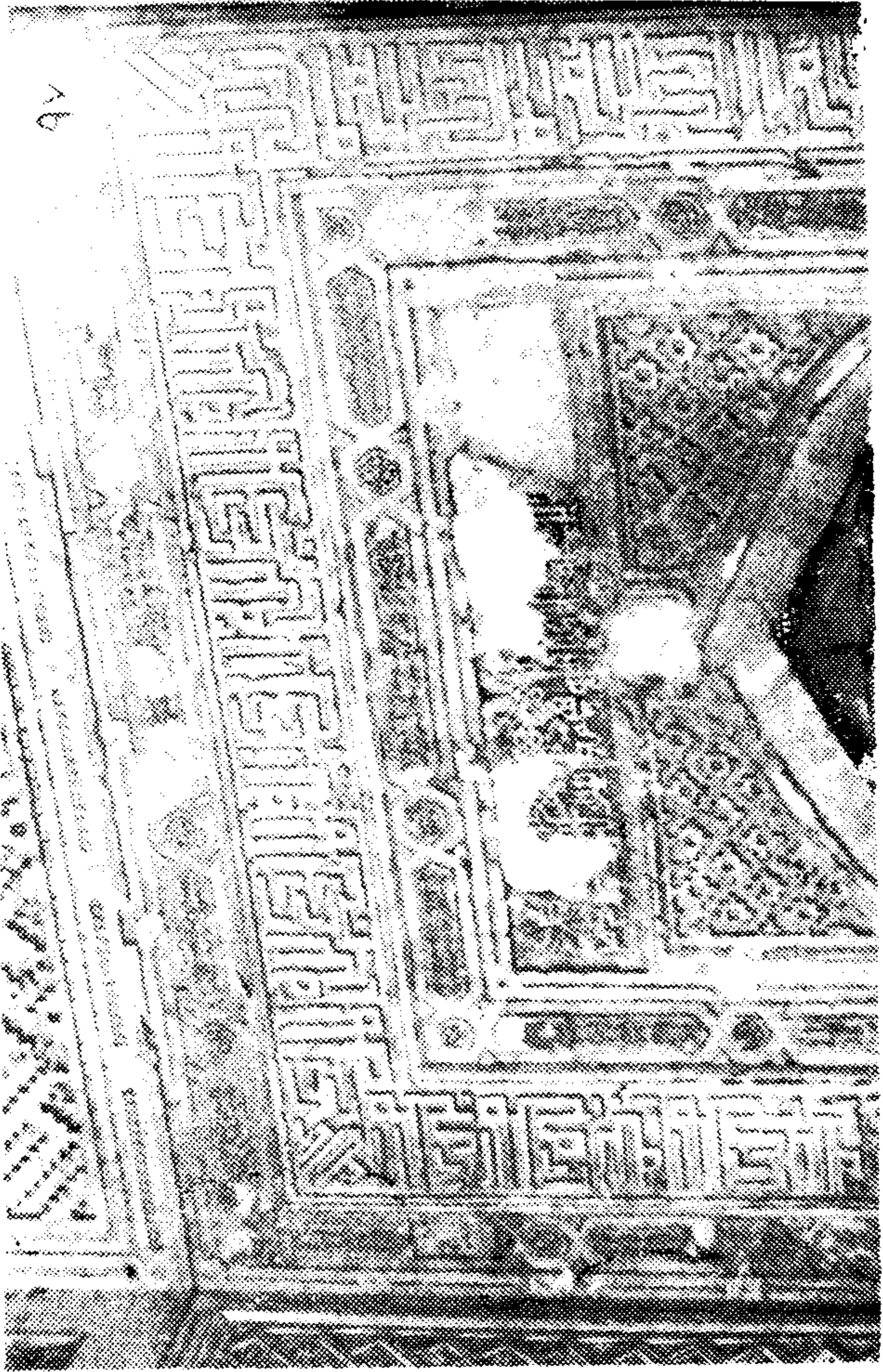
Handwritten text in a vertical column, likely a list or index, written in a cursive script.

A large rectangular area containing a grid of small, illegible handwritten entries, possibly a ledger or a list of items. The grid is organized into several vertical columns and horizontal rows, with each cell containing a small, cursive entry. The text is too small and faded to be transcribed accurately.

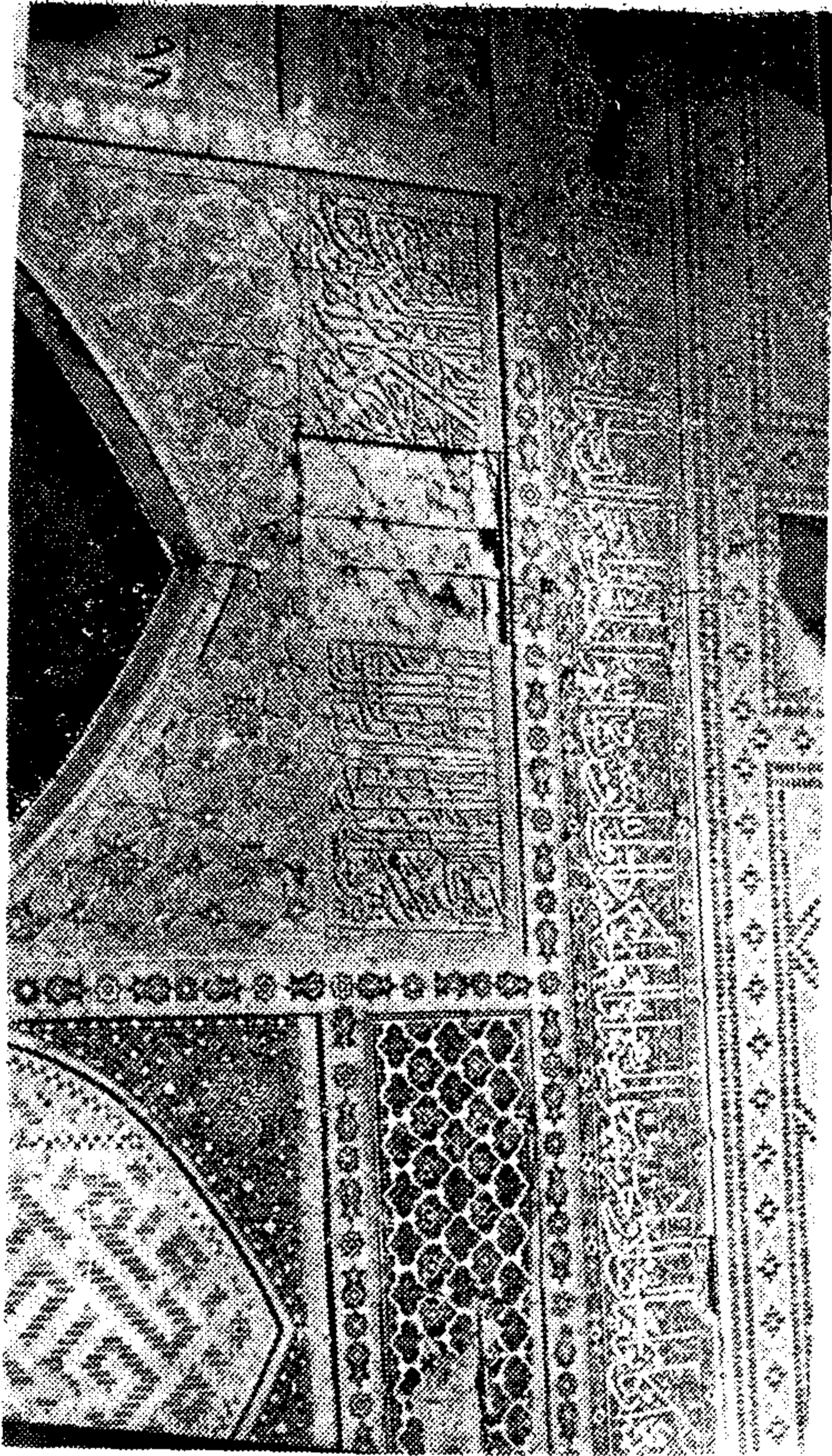




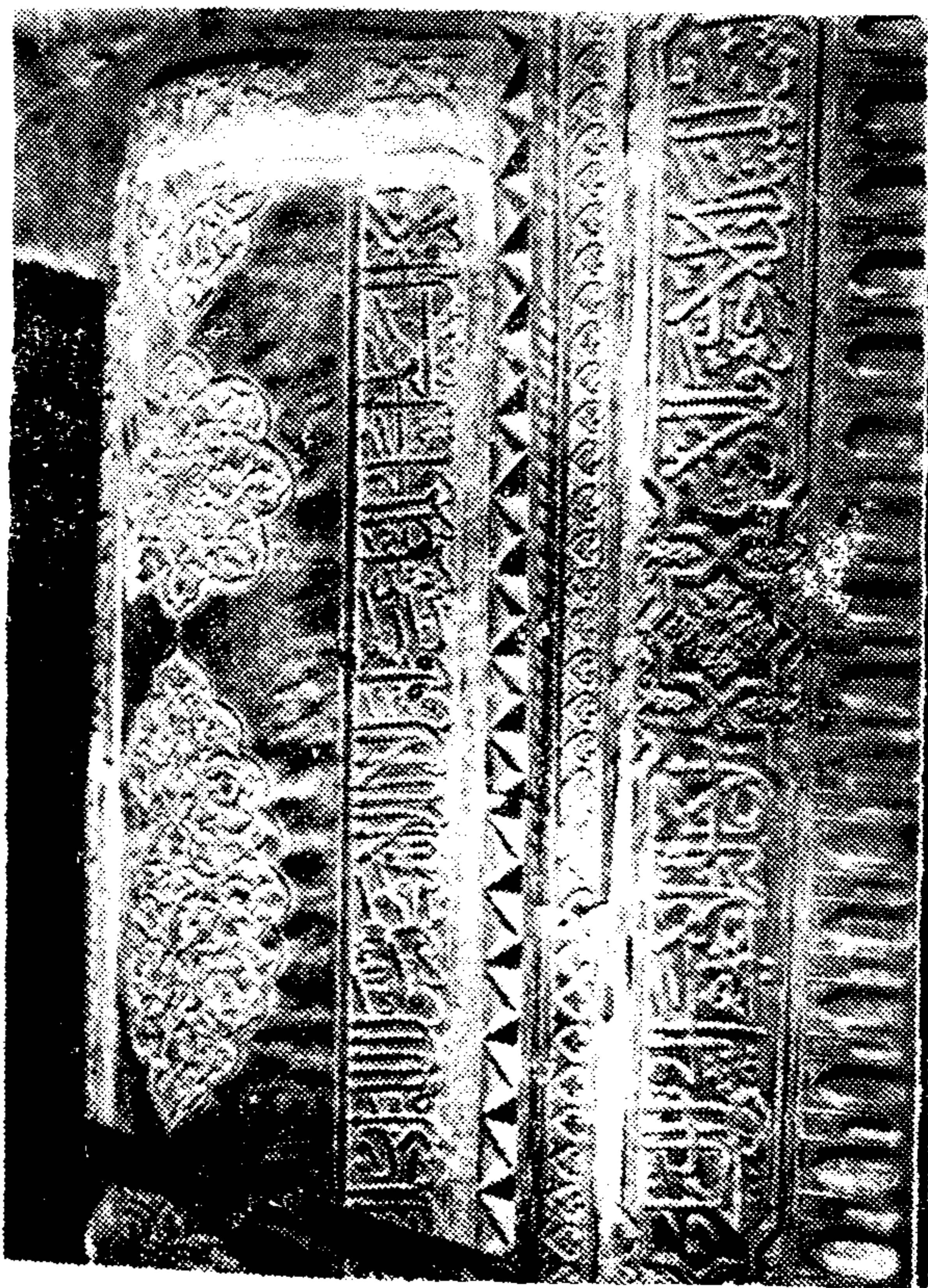
۹۶ نو شمتة جلی مدرسه میر عرب بخارا ۹۲۴ ق



۹۷ نمونه خط معقلی قرن ۱۶ بر طاق زماز گاه بخارا



۹۸ نلث جلی مسجد بی بی خانم در سمرقند اواخر قرن ۱۴

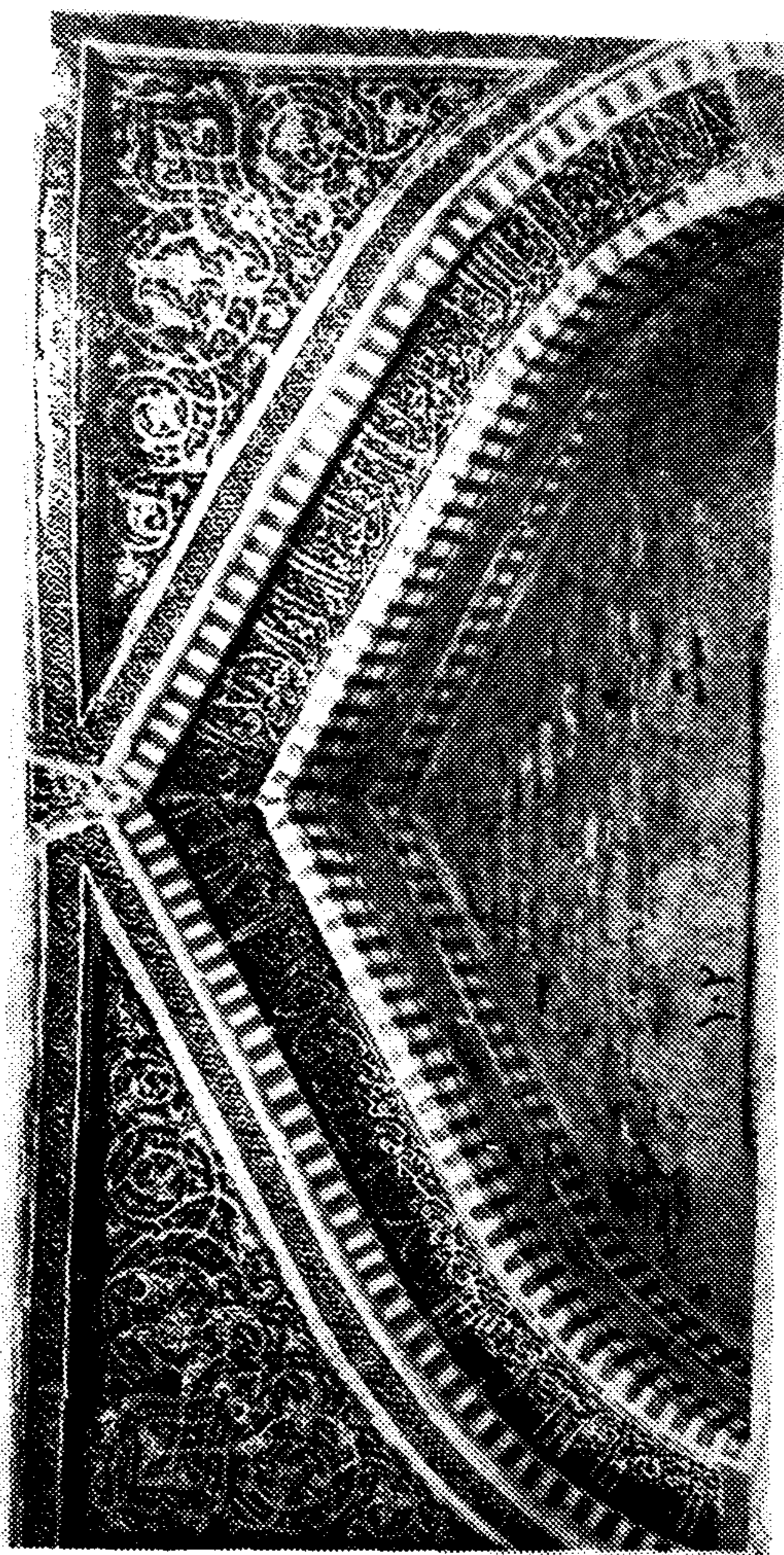


۹۹ کتیبه مزاد حکیم تر مدی دوترمد قرن ۱۴



۱۰۰ - ۱۰۱ شیوة ثلث ترکستانى قرن ۱۶  
(گنجینه قرآن مشهد رضوی)





۱۰۲ نلث مئمايل به تعلیق بر ایوان قبر بیان قلی خان در بخارا قرن ۱۴

والحمد لله رب العالمين  
 والعامة المشعرون لا عدوان الا على الظالمين  
 وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطيبين  
 الطيبين اطهار المشعرون  
 الاخيار وسالوا اليكم  
 وفتح الافراع وفتح  
 العبد الضعيف الراعي  
 الى رحمة الله جل  
 وتعالى عليه  
 في يوم الجمعة  
 في شهر ربيع الثاني  
 سنة ١٢٤٠

١٢٤٠



۱۰۵  
تعلیق تزیینی خواجه تاج الدین منشی  
از کتاب و کتابخانه



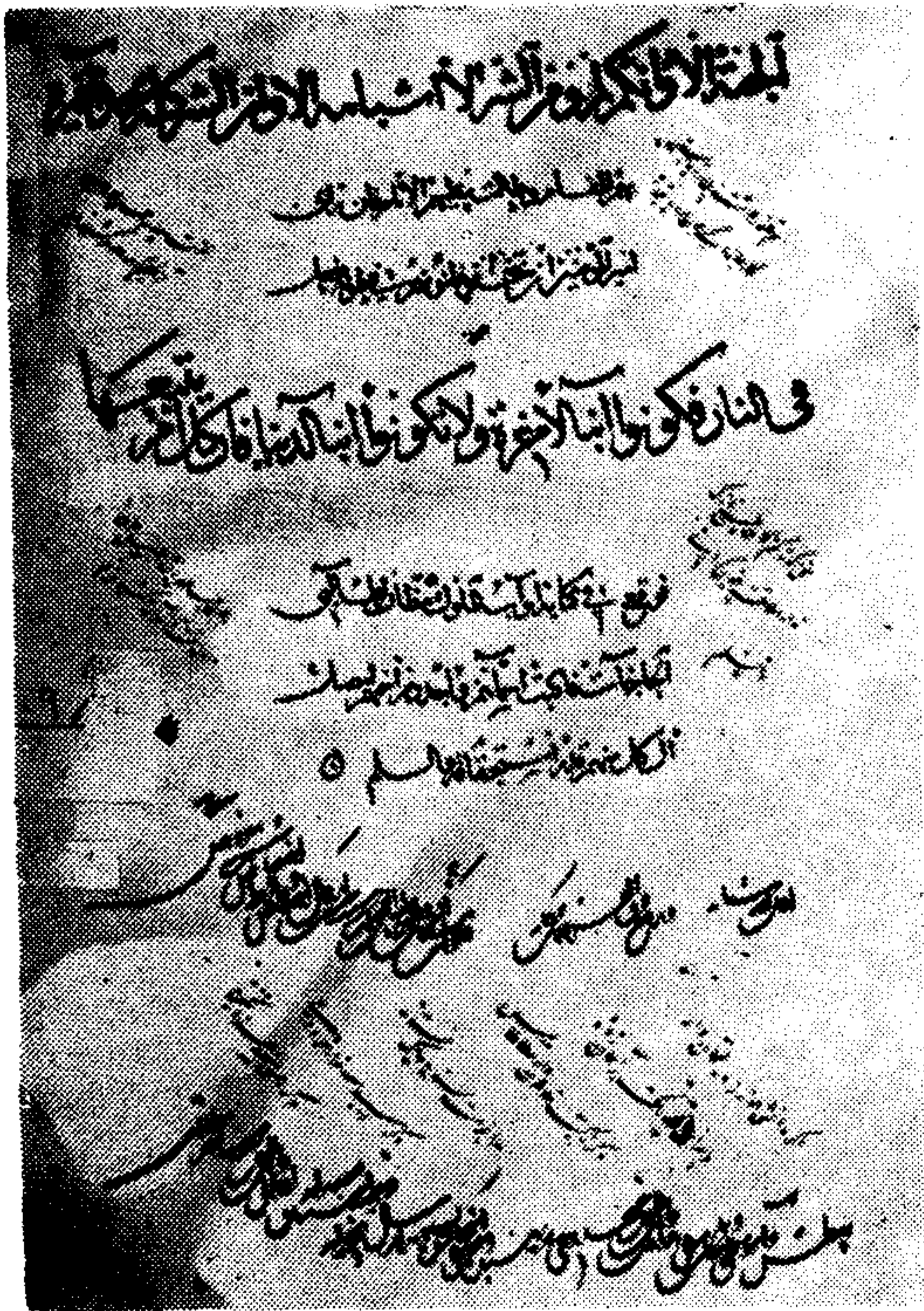
۱.۶ نمونه تعلیق خواجه اختیار مروی

در کتابت درستی از اوست که در تمام سینه ایستاده  
 و اینست که نوشتن آن گمان در سینه قدما گمان  
 منزه عریای محمدی که لا ینکب البحر شرب  
 او در سینه قلبی و تاویله لا ملک عادل تنزیله  
 او شامی شرب شرب سبجان من عرفی قویله

سبجان من الیهی قیل  
 تم کتاب الطیبات کلامه  
 در سینه علی بن ابی طالب  
 در پیش صورتی نوم الامه  
 تا من عریای شرب  
 ۱۲۹

سبجان من الیهی قیل  
 الطیبات کلامه استقامت





۱۰۹ نمونه خطوط جعفر بایسنقری هروی در کتابخانه ملی تهران  
ثلث - نستعلیق - رقاغ - شکسته

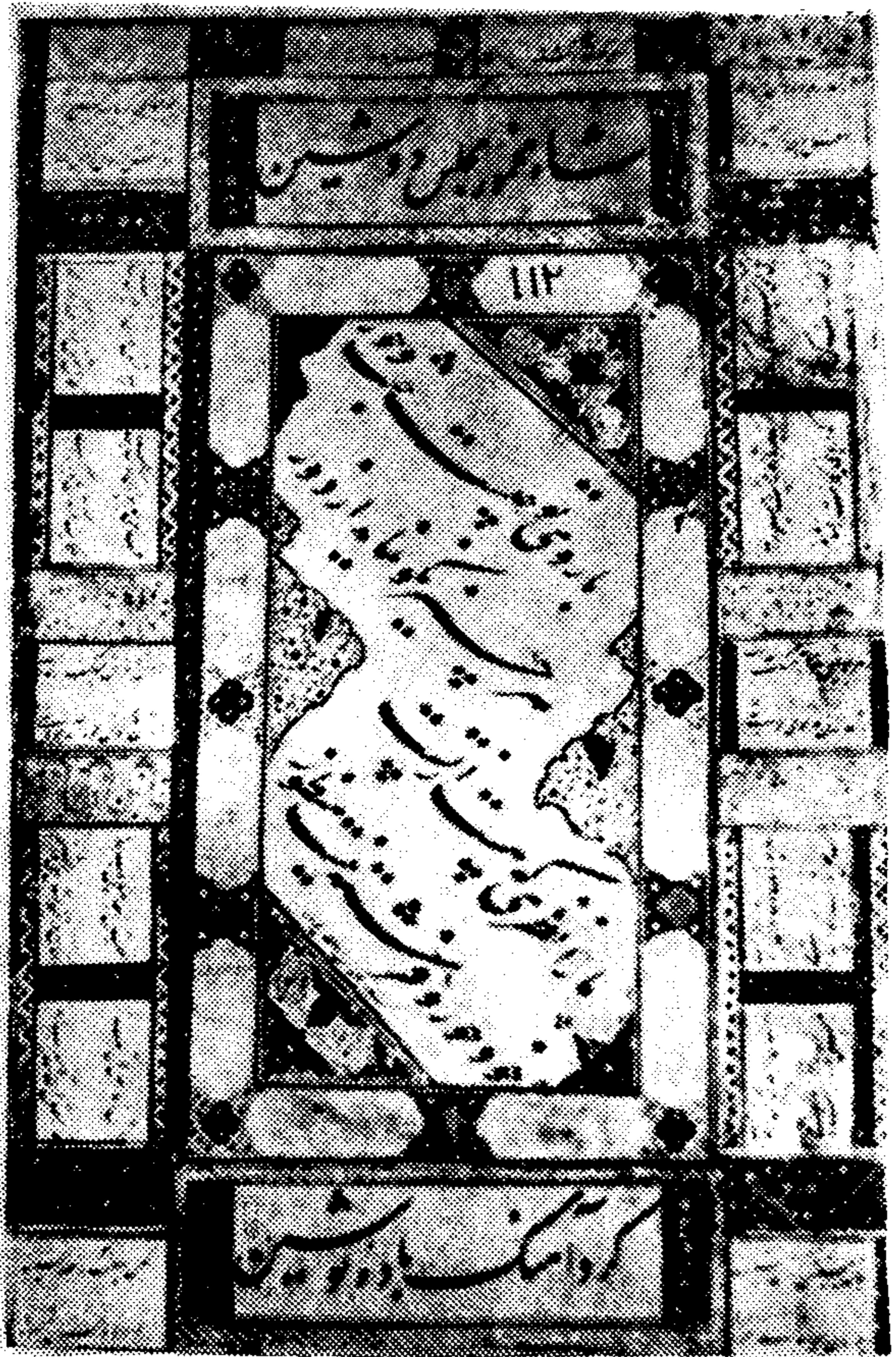


وَأَمَّا الْكُفْرُ فَالْجَحِيمُ	وَأَمَّا الْكُفْرُ فَالْجَحِيمُ
وَأَمَّا الْكُفْرُ فَالْجَحِيمُ	وَأَمَّا الْكُفْرُ فَالْجَحِيمُ
وَأَمَّا الْكُفْرُ فَالْجَحِيمُ	وَأَمَّا الْكُفْرُ فَالْجَحِيمُ
وَأَمَّا الْكُفْرُ فَالْجَحِيمُ	وَأَمَّا الْكُفْرُ فَالْجَحِيمُ
وَأَمَّا الْكُفْرُ فَالْجَحِيمُ	وَأَمَّا الْكُفْرُ فَالْجَحِيمُ
وَأَمَّا الْكُفْرُ فَالْجَحِيمُ	وَأَمَّا الْكُفْرُ فَالْجَحِيمُ
وَأَمَّا الْكُفْرُ فَالْجَحِيمُ	وَأَمَّا الْكُفْرُ فَالْجَحِيمُ
وَأَمَّا الْكُفْرُ فَالْجَحِيمُ	وَأَمَّا الْكُفْرُ فَالْجَحِيمُ
وَأَمَّا الْكُفْرُ فَالْجَحِيمُ	وَأَمَّا الْكُفْرُ فَالْجَحِيمُ
وَأَمَّا الْكُفْرُ فَالْجَحِيمُ	وَأَمَّا الْكُفْرُ فَالْجَحِيمُ
وَأَمَّا الْكُفْرُ فَالْجَحِيمُ	وَأَمَّا الْكُفْرُ فَالْجَحِيمُ

۱۰. انمونه خطوط جعفر مروی در کتابخانه ملی تهران-نسخی وریحان (سروی هنرپوشیا)



۱۱۱ خط نستعلیق میرعلی هروی



۱۱۲ نستعلیق سلطان محمد نور



۱۳۱ نستعلیق علی مشرہدی



۱۱۴ نستعلیق جلی حسن شاملو ۱۴۰۹ اق برمزار خواجه عبدالله انصاری هرات



۱۱۵ يك صفحه شاهنامه مؤلفه گلستان تهران بخط جعفر بايسنقرى  
(سروى هنرپر شيا) ۸۳۳ق

۱۱۶

شیرین

شیرین

شیرین

شیرین

شیرین

خط شکسته درویش عبدالمجید طالقانی



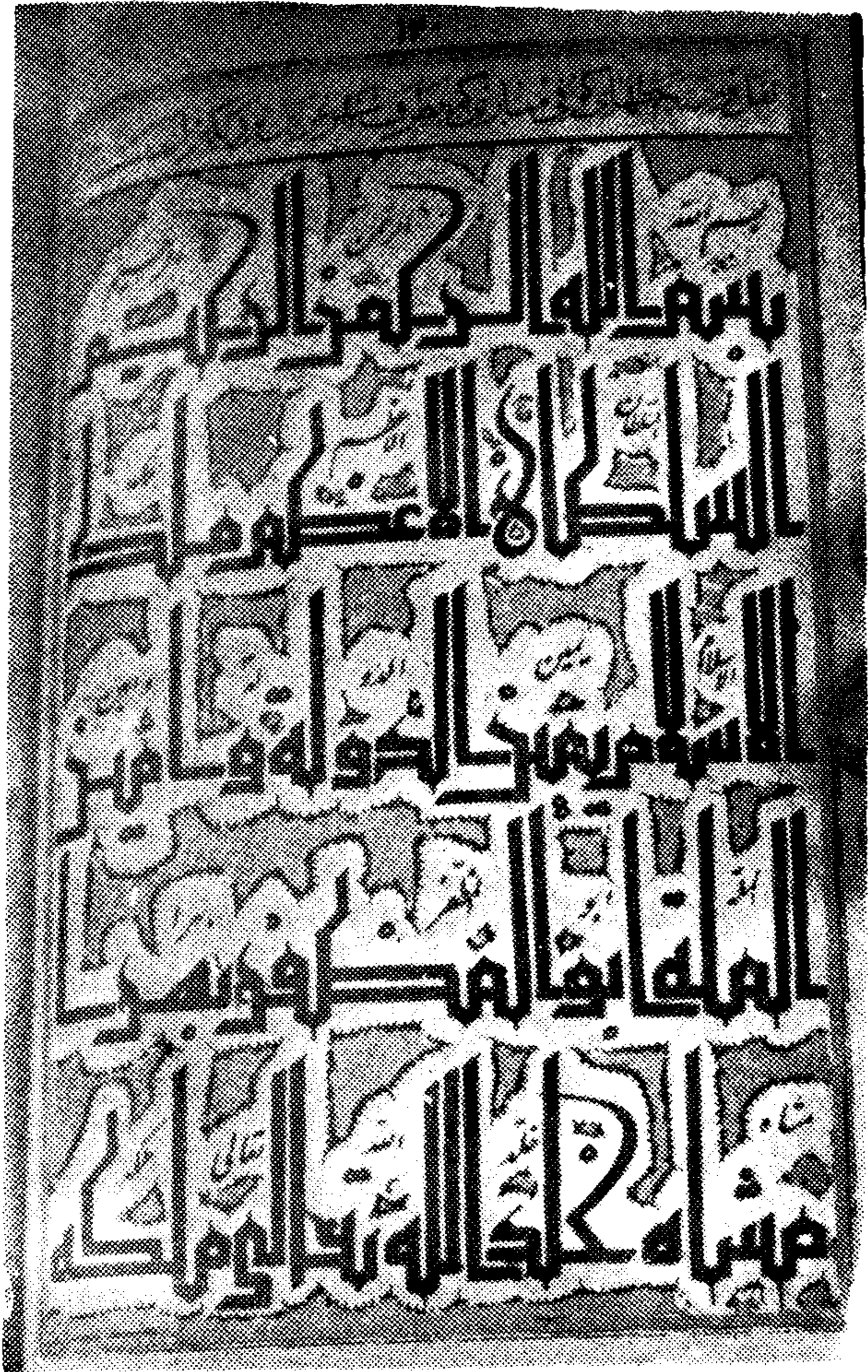




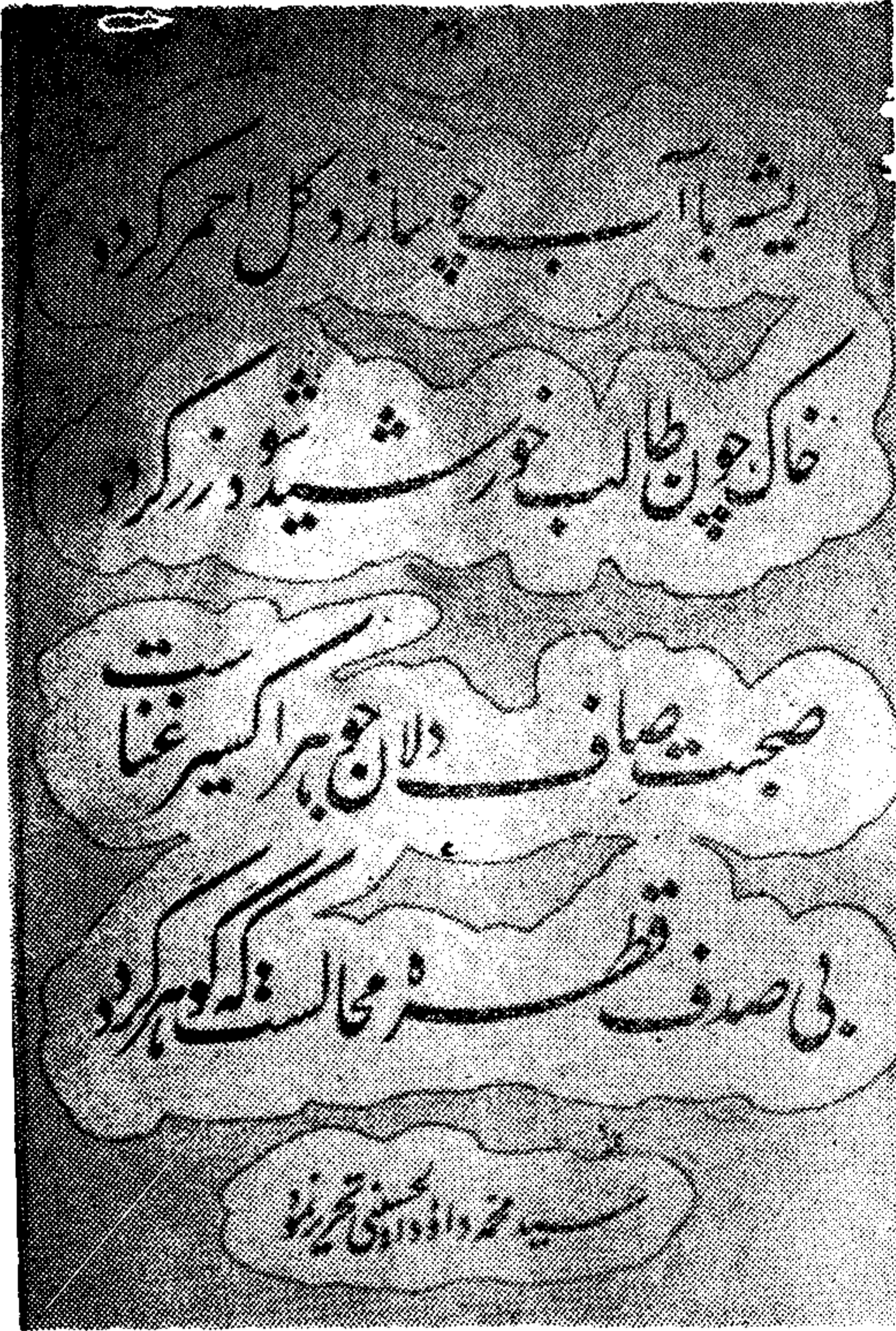
نمبر ۱۱۸

-۲۴۱-





۱۲۰ نمونه خط کوفی ونستعلیق  
وثلث شیخ محمد رضا هروی ۱۳۲۶ ق



نمبر ۱۶۱



نمبر ١٢٢

-٢٤٥-

که پادشاه دور است چنان هم

غلام تمام ماه تابان هم  
نوی احمد شاه پادشاه

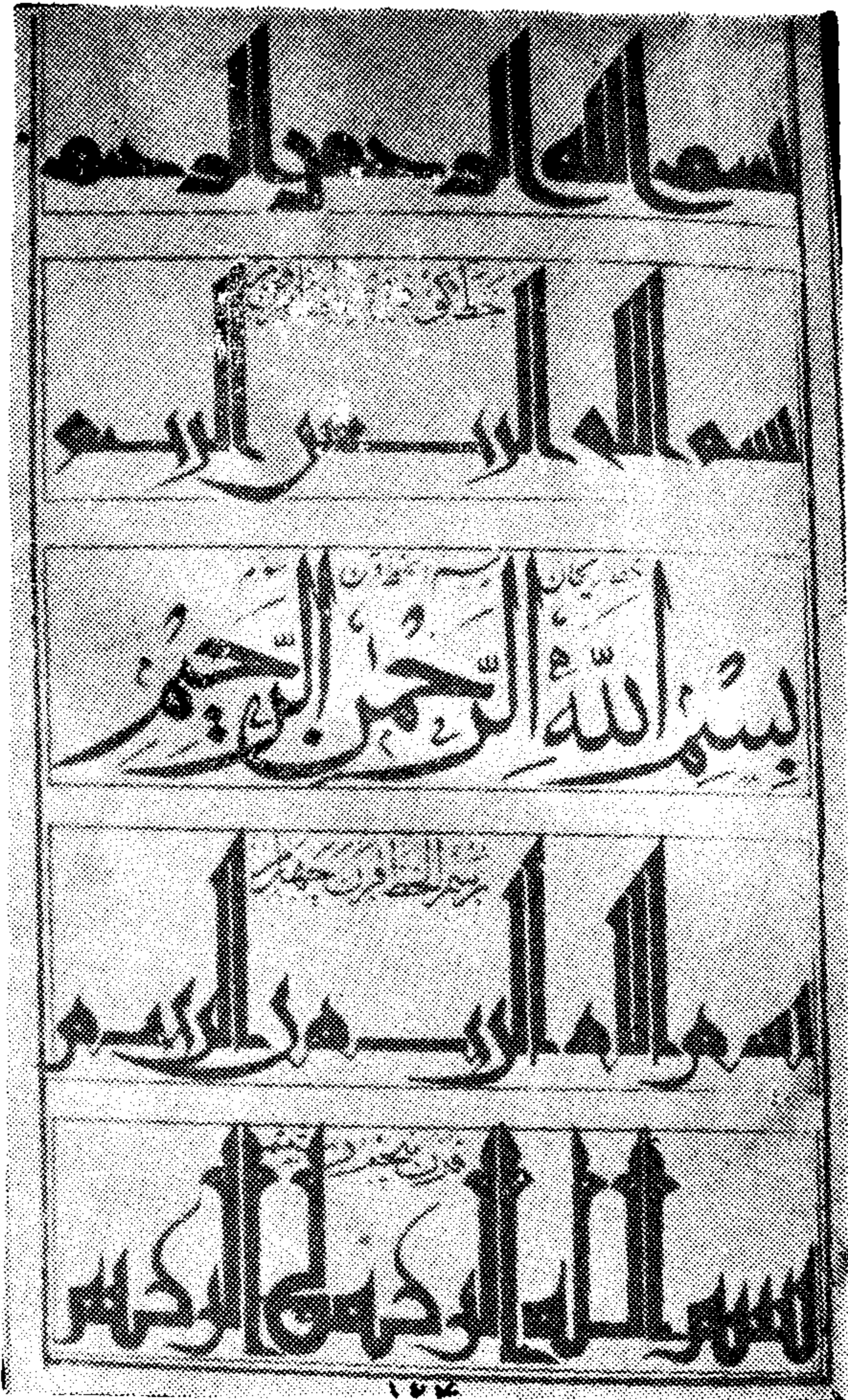
که هر چه که در ورم

آخر مانی و نمان هم

پروشش عماد است

عزیزان و کی و قلزانی

۱۲۳



نمونه خطوط اخوند محمد علی هروی

بماند سالها این نظم و ترتیب

ز ما هر ذره خاک و فیتا و جانی

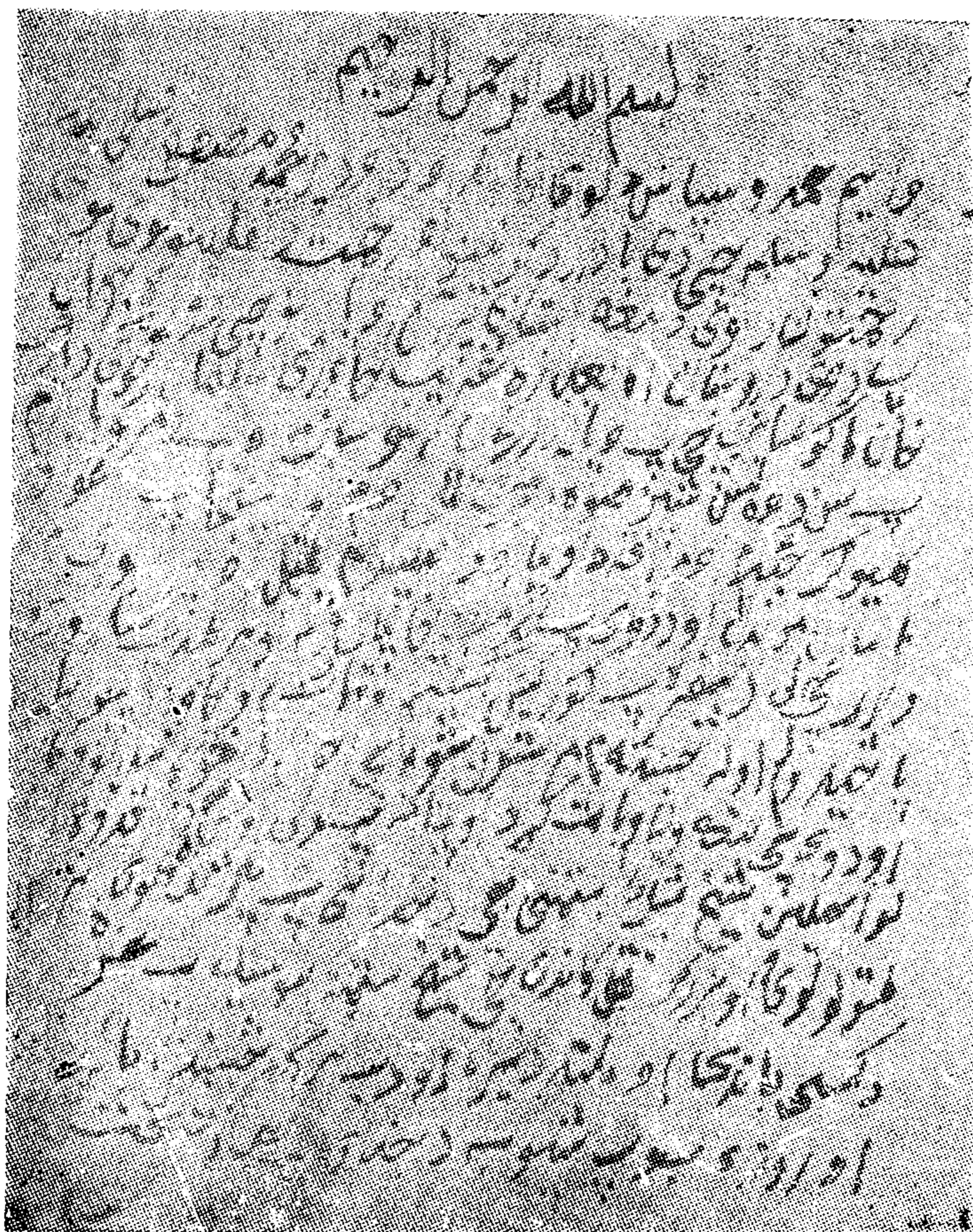
عرض نفس است که ز ما بازماند

که هستی انجمنی بی نام و نسبت  
حسین و فاطماتی



شکل کټونډی	در خیرالبیان	در مخزن	درخاندان خوشحالخان	امثله
ټ	ټ	ټ	ټ	غټ = غټ
څ	څ	څ	څ	څوک = چوک
ځ	ځ	ځ	ځ	ځا = دنا = جما
ډ	ډ	ډ	ډ	ډپر = دټپر
ږ	ږ	ږ	ږ	ږره = زرږه
ښ	ښ	ښ	ښ	ښېږي = رسېږي = رسېږي
ښ	ښ	ښ	ښ	ښاغلی = شاغلی
ښ	ښ	ښ	ښ	ښا = رښا = رښا





نمبر ١٢٨ ، عكس صفحة اول نسخه خطي تذكرة الاولياء سليمان ماکو.

## خطاط معاصر

اکنون که داستان آفرینش خط را در افغانستان شنیدید و نمونه های انواع خطوط مروجه دور های تاریخی را هم دیدید ، ما خوانندگان گرامی خود را به تماشاى پدیده هنری خط در عصر حاضر می آوریم .  
مورث هنری گذشتگان ما درین عصر نیز خوشبختانه زنده اند ، و ممثل بزرگ این هنر در وقت استادقادر القلم عزیزالدین فوفلزائی قند هاری ولد مرحوم حاجی نظام الدین خان ساکن کابل اند ، که باوجود داشتن مرتبه اولین در صف خوشنویسان این زمان ، نویسنده مورخ و شاعر نیز میباشند .



برای اینکه در پایان این کتاب نمونه های زنده هنر خطاطی را در کشور عزیز ما نشان داده باشیم ، از استاد گرامی موصوف خوا هس کردیم که نمونه های انواع خطوط خامه توانای خود را ضمیمه این کتاب فرمایند .

استاد دانشمند این خواهش ما را پذیرفته و (۳۵) قطعه از نمونه های مختلف خطوط خود را برای تکمیل و تزئین این کتاب بما سپردند ، که با تشکر در صفحات آینده آنرا عکاسی کرده ایم ، و خوانندگان محترم دیده می توانند که فروغ هنر کهن هنوز در افق وطن می درخشد ، و کشور عبدالله مر وارید و بایسنقر و میر عبد الرحمن و سید عطا محمد شاه از وجود هنر مندی چون استاد عزیز خالی نیست .  
خدای توانا بر برکات خامه اش بیفزاید .

سلطان عقل و دانش جامی کہ یافت خلد

از باوہ وصالش، ارواح قدس جامی

تاریخ فوت اورا، از عقل خواستم گفت

آہ از فراق جامی، آہ از فراق جامی

قطعه تاریخ فوت مولینا نور الدین عبدالرحمن جامی بنا سبت احتفال پنج صد و پنجاہمین  
سال ولادت آنجناب کہ در سال ہزار و سہ صد و چہل و سہ ۱۳۴۳ ش  
در کابل برپا شد تحریر گردید . عزیز الدین وکیلی فوفلرانی

ہر احترامہ بعالم کسب و امرکان

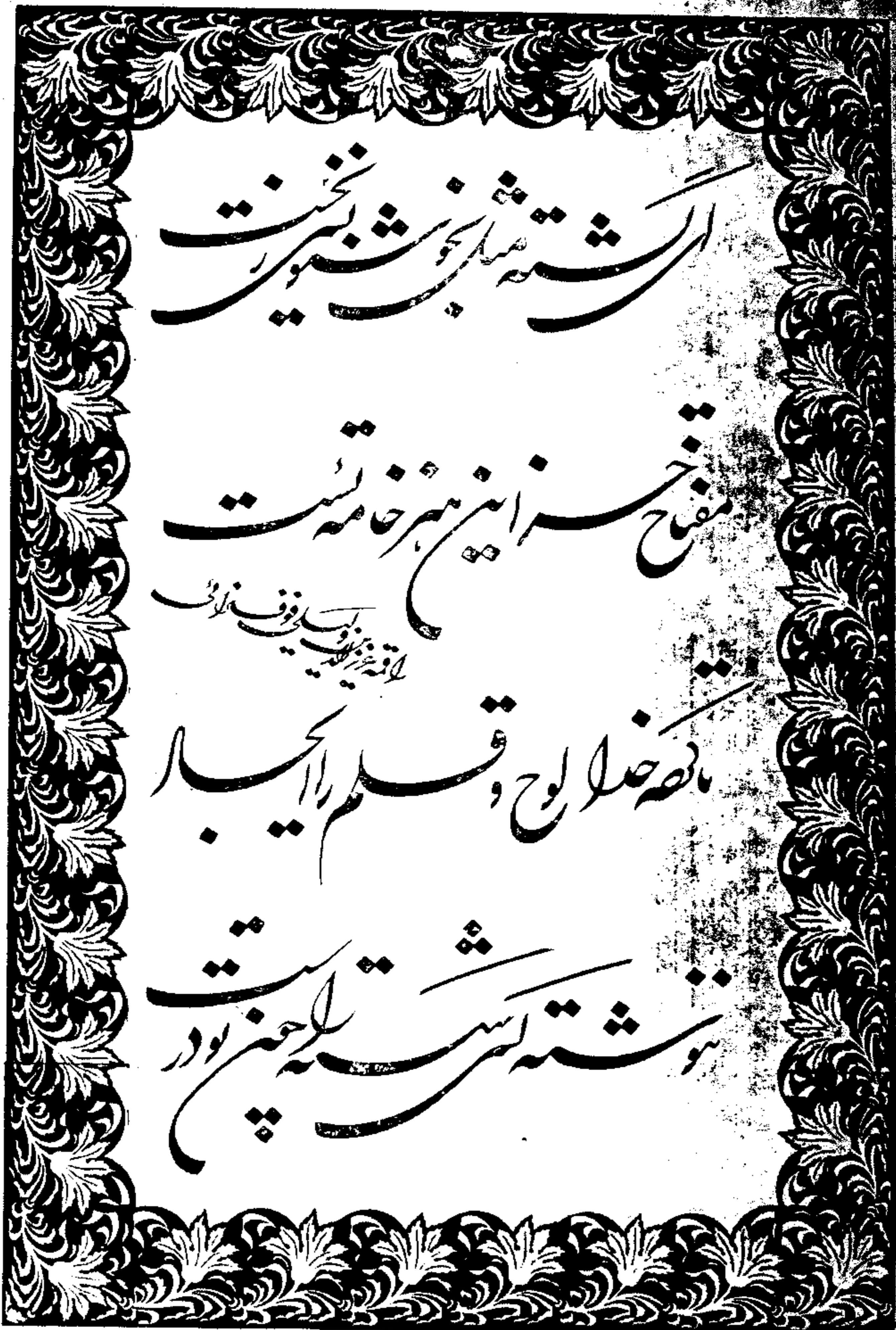
پر مقصدی دایہ عبد الرحمن

ہر سہارہ چہ لہر کندہ سی لہ

پر دین سن می امیر روح و مرمان

بجو اب یکی از قطعات مشہور جناب سید عطا محمد خان قندھاری قلمی

العبد الحقیر الفقیر المذنب عزیز الدین وکیلی فوفلزائی



۳- خط توقیع از قسام شکسته نویسی خراسانی باصنعت حاشیه آن  
شعر استاد خلیلی

لَا كَرِهَ اللَّهُ مُسْتَقِيمًا تَجِيءُ مَكَّانًا

كَمْ خَزَانُكَ يَا بَانْدِي رَاشِي كَمْ بَهَارُ

لِيَكُونِي : عَزِيزُ الدِّينِ وَكِيلِي پوپلزئی

لَا كَرِهَ وَنَهَ مُسْتَقِيمًا تَجِيءُ مَكَّانًا

لِيَكُونِي : عَزِيزُ الدِّينِ وَكِيلِي پوپلزئی

كَمْ خَزَانُكَ يَا بَانْدِي رَاشِي كَمْ بَهَارُ

۴- نمونه خط ثلث و نسخ بسبک عثمانی شعر رحمان بابا افغان



لا اله الا الله  
الله اعلم  
الله اعلم

ریشه بار چو سانه گل عمره  
خارجی طالب حور  
صحب صبا  
وطن ما محاسن کوه

خط معقلی کوفی (۵)

خط توقیع خراسانی (۶)

آن نیمه مان که بیست و نوازی باید

(۷) نستعلیق

و آن جامه که کوک و کد ایی باید

چون لذت خجست که اسلمی را

از رباعیات خلیل الله خان خلیلی

سکر شکنی جهانگشایی باید

(۸) تعلیق

بخط عزیزالدین وکیلی فوفلرانی دُرانی

۱۳۴۷

بطریق کاری قلمی خوش فن و هنر کهنه و نو صد و پنجاه هجری شمسی

عزیزالدین وکیلی فوفلرانی

وَمَا كُنَّا بِمَدِينَةٍ غَافِيَةً  
وَمَا كُنَّا بِمَدِينَةٍ غَافِيَةً

وَمَا كُنَّا بِمَدِينَةٍ غَافِيَةً

تفسیر: ہر قدر ہمیں غیب سے پیدا کرنے کی قدرت ہے، اور تو نے ہمیں فرمایا کہ ہم تم کو یاد رکھیں اور تم کو یاد رکھیں۔  
۱۳۴۳ھ

۹- سطر اول ثلث - دوم نستعلیق - سوم شکستہ آمیز (طرز مناشیر)

هوالمعز  
درین بهار در میان  
بستان  
که راه حق گویان  
بستان

بهار عمده  
بستان  
بستان  
بستان

بهاره  
بستان  
بستان  
بستان

۱۰- نستعلیق سبک خراسانی شعر استاد خلیلی

(۱۱) - تعلیق عربی که بنام دیوانی یا  
خط دفتری نیز معروفست .

در سه بار در هر خط  
یک حرف در هر خط  
هر سال در هر خط  
هر یک حرف در هر خط  
هر یک حرف در هر خط

(۱۲) - توقیع مخصوص مکاتیب و  
شراعیین

بسم الله الرحمن الرحیم  
والتوفیق من الله العزیز  
الجلیل

بسم الله الرحمن الرحیم  
والتوفیق من الله العزیز  
الجلیل



۱۳۔ نستعلیق باستقبال قطعہ جناب استاد میر عبدالرحمن مرحوم



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
 أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ  
 الْقُرْآنَ الْعَرَبِيَّ  
 مُبِينًا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى  
 مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ  
 وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ  
 ۱۳۵  
 ۱۳۹۱

عَزَّ وَجَلَّ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ  
 الْعَلِيِّ الْعَلِيِّ



مجموعه کتب خطی در دسترس

ساده و بی خط و لغوی در دسترس

بمهر و جوی بی خط و بی خط

خطی و مصحح در دسترس

لازمه و نمونه از خطی و بی خط

جَاهُ قِضْدٍ وَتَرْفِي كَرِي

حَوِيلِي، مَعْرِفَتِ وَعَرَفَانِي

خَالِصَانِي بِرَبِّ سَعِي طَبِيعِ

دَائِمًا قِضْدٍ وَهَمَلَانِي

خَطُّ رَقْعَةٍ بِقَامِ عَزِيزِ الدِّينِ وَكَيْيَافِي فَوْفَلَانِي

استاد عشق له و بنودك شوه حڪرونه  
 ستاپه لاسره كښي بايل اخلې سر و نه  
 كه هر خومي د دنيا ملكونه د پرشي  
 زما تخه هېر نشي داستا بنكلي باغونه  
 در قيب د ژوند متاع به تار په تار كرم  
 چه په تور و پښتانه كا گذار و نه  
 اته را سمه زړې كي ز ما فارغ شي  
 بي له تامي اندېښني د زړه مار و نه  
 د دهلي تخت هېر و مه چه را يا د كرم  
 ز ما د بنكلي پښتو نخواد غرو سر و نه  
 كه تمامه دنيا يو خواته بل خوايي  
 ز ما خو خوښ دى ستا تاش د كرونه  
 "احمد شاه به دغه ستا قدر هېر نكا  
 كه ونيسي د تمه جهان ملكونه

ليکونکی: عزیزالدین وکیلی پوښلی ۱۳۴۲

۱۸- خط نسخ پښتو، غزل احمد شاه بدالی

قلم‌نویس  
 در خط دیوانی حروف تساج . سبک منشیان قدیم

۱۹ - خط دیوانی دارای حروف تساج . سبک منشیان قدیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

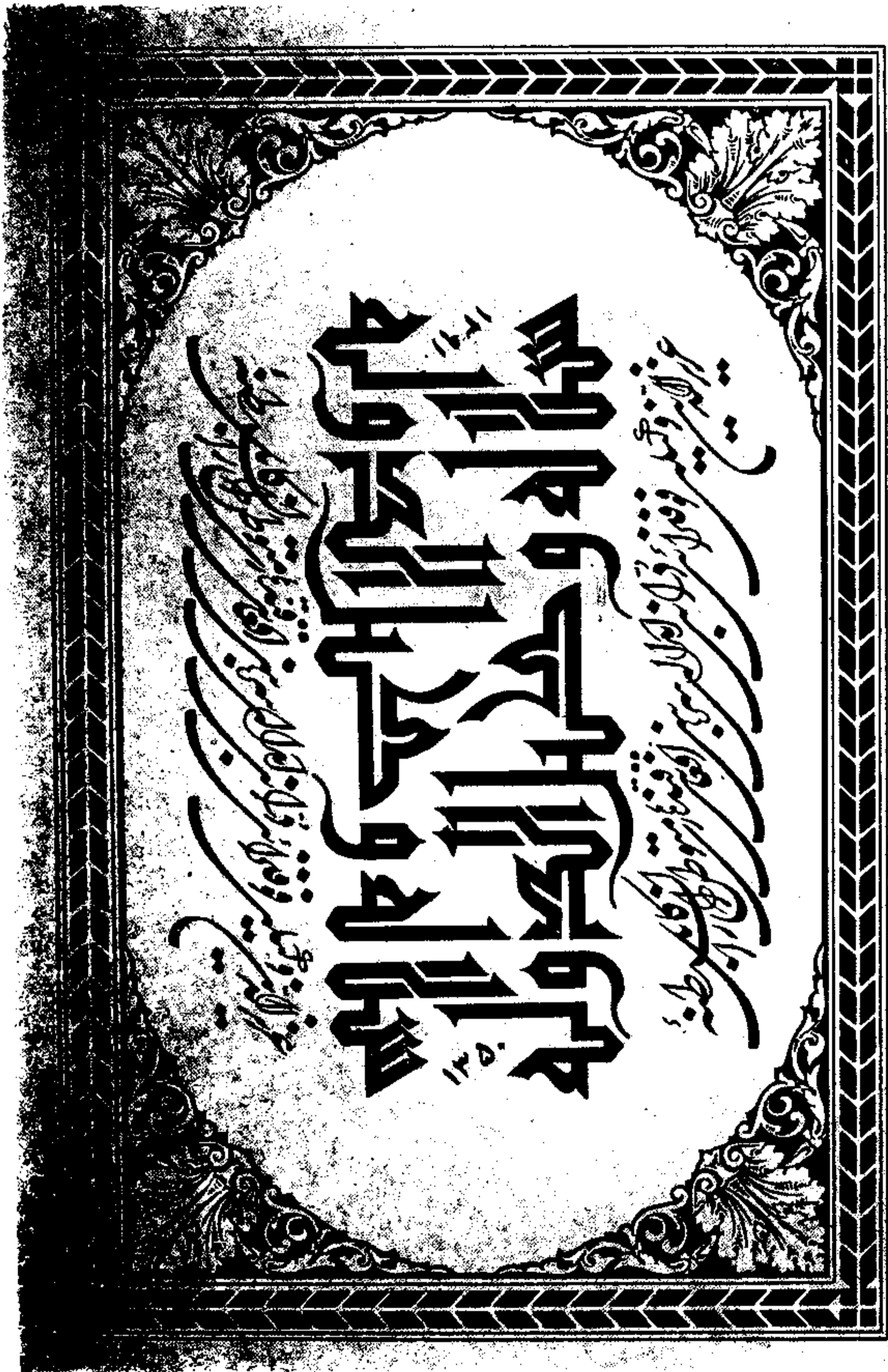
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۲۰- خط نسخ (فرآنی) بسبک ممتاز مکتب عالی عثمانی



۲۱- خط کوفی و شکسته طرز مناشیر باصنعت حواتمی



۲۲- طغرای خط دیوانی با حروف تاج و صنعت تزئین حاشیه

شسته مبارک شسته مبارک

مفتح سزایم هر جامه است  
لا اله الا الله محمد رسول الله

بانه خدای لوح و قلم را کبار

هوشسته سزایم هر جامه است



با این کتاب که پیام روزگار است و به حق است و تمام بهر چه که تصور کنیم در صورت حجاب و تانیخ حاکمان این عالم  
 معلمان آموزگار این علم و علمان آموزگار این علم و در واقع به این معنی و مراد است که با مجاهدت و محنت و  
 سعی و کوشش و بهر چه که در این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است  
 معلمان و توفیق است که در این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است

در این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است  
 هم معلم و معلمان در این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است  
 در واقع معلمان و معلمان در این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است  
 در کارگاه و در این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است  
 معارف است و در این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است  
 تحقیق و در این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است

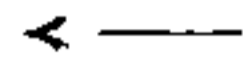
حکومت این کتاب است که در این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است  
 و در این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است  
 با این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است  
 علم و در این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است

در این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است  
 در این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است  
 در این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است و در این علم است

Handwritten text in a cursive script, likely Persian or Arabic, covering the majority of the page. The text is dense and appears to be a historical or administrative document. It is written in a dark ink on aged paper. The script is highly stylized and characteristic of the period.

۲۵ - شیوه توقع سبک خراسانی





درین آرزوست باد و بدی

عزیزان

خلایق منعم کمال بدو پیش

تیرم کار بدی

یاره در

مکاران

بدرین آرزوست باد و بدی  
خلایق منعم کمال بدو پیش

صبحی دم من عمرت با گل بوختی  
بازگرم لنگه درین باغ نسیم چو سلف  
بگنج نیدرده از دست بگم و دل  
ببچ عانت سخن بلع معسومیت

عزیزانه نیر کبیری و فلکات تحریر

۱۳۴۷

۲۹ - يك شیوه از خط مناشیر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۳۰- خطثلث ونسخ بر اساس استادى مکتب عالی عثمانى

دلانکه سپاسه فیتنه اعاره

لهم که سرشته به لاساره

غمی زمانه لافزوبند

اولیت ساطیک سیک باره

۳۱- شیوه مناشیر شعر استاد خلیلی

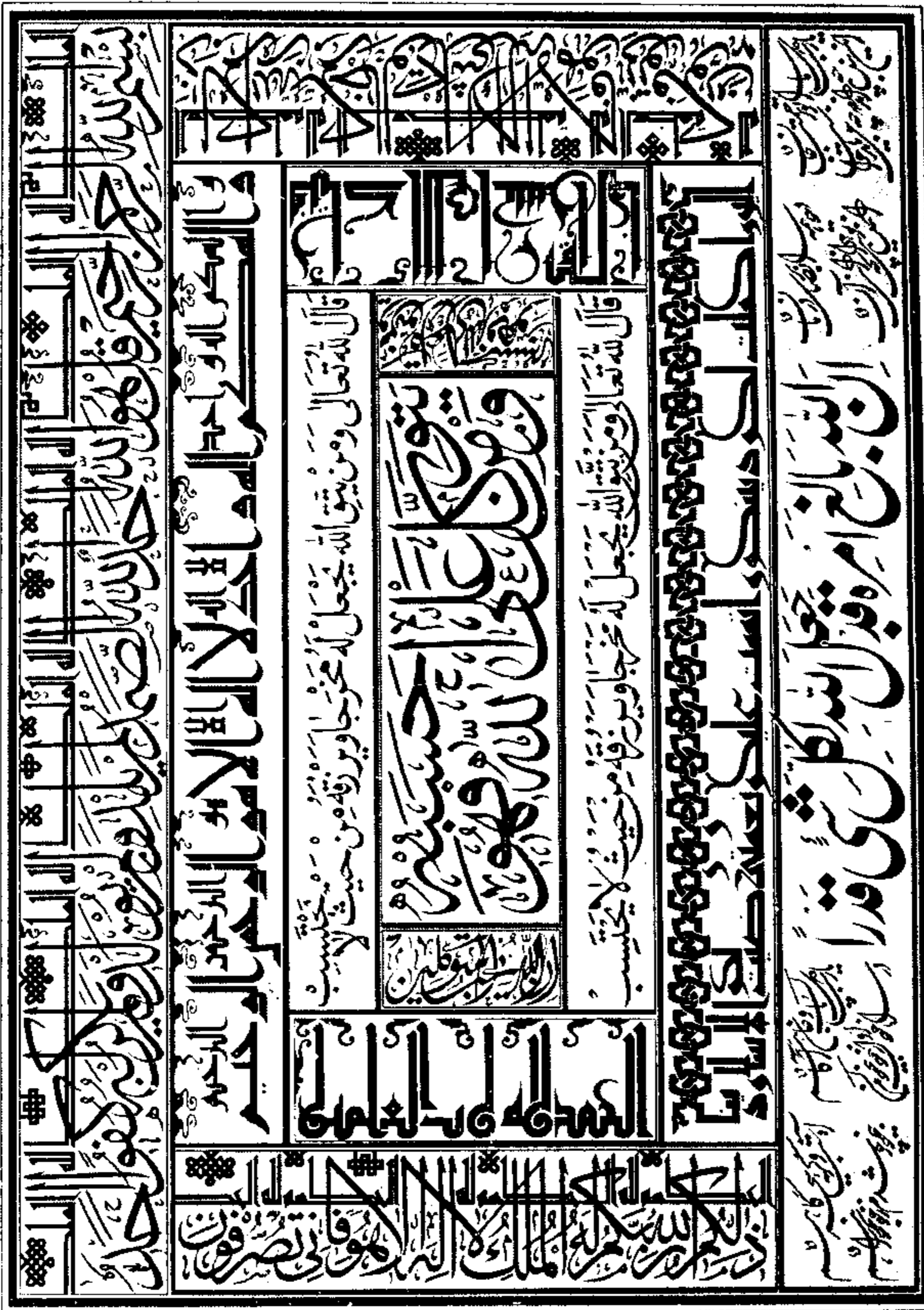
باجور سبک سبک سبک سبک  
باجور سبک سبک سبک سبک  
باجور سبک سبک سبک سبک  
باجور سبک سبک سبک سبک

لله عزوجل و کتبه و فیکر اول و در لفظه ۱۳۵

۳۲- تعلیق سبک خراسانی







۳۴ قطعه هفت قلم خامه استاد عزیزالدین فوفلزائی که باستقبال قطعه  
خط آخوند محمد علی عطار هروی نگاشته اند .

م  
اَنْزَلْنَا مِنْ سَمَاءٍ مَوْجِدًا يَسْفِكُ الْبُحْرَانَ كَمَا يَسْفِكُ الْبُحْرَانَ  
وَالْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ وَالْغَيْبِ وَالنَّجْوَى وَالْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ  
وَالْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ وَالْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ وَالْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ

م  
وَالْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ وَالْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ وَالْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ  
وَالْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ وَالْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ وَالْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ  
وَالْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ وَالْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ وَالْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ

م  
وَالْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ وَالْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ وَالْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ  
وَالْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ وَالْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ وَالْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ  
وَالْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ وَالْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ وَالْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ

م  
وَالْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ وَالْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ وَالْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ  
وَالْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ وَالْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ وَالْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ  
وَالْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ وَالْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ وَالْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ

(۳۵) نمونه دیگر از خط تعلیق (دیوانی) عربی بقلم خطاط هفت قلمی  
عزیزالدین وکیلی فوفلزائی

## فهارس اعلام

رجال ، اماکن \*، طوایف ، قبایل ، خاندانها ،  
کتب ، رسایل ، زبانها ، خطوط ، انجمنها و غیره

مرتب

حبیب‌الله رفیع

---

\* نامهای اماکن توسط ستاره (\*) مشخص شده است .

«آ»

- \* آب ما هیان (حوض) ۲۸
- \* آتن ۱۸
- آثار الباقیه (کتاب) ۷۱، ۲۶
- \* آرا ۴۲، ۲۹
- آرامی (خط) ۱۵، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷
- تا ۷۲، ۶۷ تا ۶۵، ۶۱، ۲۲، ۲۱، ۱۸
- . ۱۱۶، ۸۲
- آرامی (زبان) ۷ تا ۶۷، ۲۵، ۱۸، ۱۱
- آرامیان ۷
- آرت خاندان کوشان (کتاب) ۴۲
- \* آریانا ۷۱ (نیز رك : آریانه)
- آریانا (مجله) ۱۱۴، ۱۷، ۱۰، ۵
- آرین ۱۵
- \* آریانه ۵۸، ۵۴، ۲۵، ۲۱، ۱۴، ۲، ۱
- . ۷۰، ۶۹، ۶۸، ۶۷
- آریانه انتیکوا (کتاب) ۲۸، ۲۵، ۲۱
- \* آریانه ویجه ۲
- آریایی ۱۱۶، ۹۰، ۷۷، ۷۱، ۲
- آزس ۲۳
- \* آستان رضوی مشهد ۱۱۰، ۹۵
- \* آستان قدس مشهد (رك : آستان
- رضوی) ۱۰۵
- آستان قدس (نامه) ۱۰۳، ۱۰۲
- \* آسیا ۷، ۳، ۲
- \* آسیای میانه ۹۶، ۹۳، ۹۰، ۷۱، ۱۶
- . ۱۰۸، ۱۰۴، ۱۰۰
- \* آشور ۷۴
- آشور بانیپال (کتابخانه) ۷۴
- آشوری (خط) ۷
- آشوری (زبان) ۷
- آشوریان ۷
- آشوکا ۹ تا ۲۷، ۲۲، ۱۸، ۱۷، ۱۳
- . ۶۱، ۴۷، ۳۷
- \* آکسفورد ۵۰، ۲۵
- آل بانیجو ر ۸۸، ۶۹
- آل طا هر ۸۸
- آل فر یغون ۸۸
- آل کورت هرات ۱۰۱
- \* آمو ۲۱، ۱۸
- آنند ۳۸
- \* آی خانم ۱۸، ۱۷، ۱۵
- \* آیر لند ۹۲، ۵

«الف»

- ابراهيم سلطان ابن شاهرخ ۱۰۶،  
 ۱۰۷ .  
 ابن درستويه ۹۰، ۹۱ .  
 ابن طيفور احمد بن ظاهر ۸۱ .  
 ابن قتيبه ۹۰، ۹۱ .  
 ابن مقفع ۹۰ .  
 ابن نديم ۷۶، ۷۷، ۸۱، تا ۸۴، ۸۶،  
 ۹۰، ۹۵ .  
 ابنيه و آثار تاريخي اسلام در اتحاد  
 شوروي (كتاب) ۹۵ .  
 ابوالبركات رازي ۹۵ .  
 ابوالحسن عراقي ۹۳ .  
 ابوالعباس الوليد بن عبدالملك  
 خليفه اموي ۸۴ .  
 ابوالعلاء (شيخ) ۱۰۱ .  
 ابوالفضل ۱۰۲ .  
 ابوالفضل بن عميد ۷۶ .  
 ابوالفضل علامي ۱۱۰ .  
 ابوالقاسم منصور بن محمد هروي  
 ۹۵ .  
 ابوالمعاني محمد بن عبيدالله ۹۳  
 ابوالوفا ۱۱۰ .  
 ابوبكر (رض) ۸۳ .  
 ابوبكر الصولي ۹۱ .  
 ابوبكر بن احمد بن عبيدالله  
 الغزنوي ۹۶ .  
 ابوبكر عتيق بن محمد بن خسرو  
 ۹۹ .  
 ابو جعفر محمد بن عبدالجبار بن  
 محمد ۹۸ .  
 ابو سعيد ميرزا ۱۱۰ .  
 ابو سليمان ۷۶ .  
 ابو سهل بن نو بخت ۷۶ .  
 ابو معشر بلخي ۷۶ .  
 ابومنثور ثعالبی ۷۵ .  
 ابو نصر احمد (امير) ۶۹ .  
 ابو نصر محمد بن فریغون ۸۸ .  
 ابو يعلى حمزه حسن ۸۳ .  
 ابهي دهرمه ۲۸، ۷۹ .  
 ابهي ساره پرسته ۴۳ .  
 ابی منصور بختگين ۹۳ .  
 \* اتحاد شوروي ۱۶ .  
 \* اتره فل گونه ۴۸ .  
 \* اتك ۲۹، ۳۱، ۶۴، ۹۸ .  
 اتهر ۳۱ .  
 احمد بن ابو خالد احوال ۹۱  
 احمد بن اسد ۸۸ .  
 احمد بن اسماعيل ۸۸ .  
 احمد بن جعفر بن احمد ۸۸ .  
 احمد بن خالد احوال (رك): احمد  
 بن ابو خالد احوال) ۸۶ .  
 احمد بن محمد بن احمد ۸۸ .  
 احمد بن محمد بن خلف ۸۸ .  
 احمد هروي ۱۱۱ .  
 احمد يسوي (خواجه) ۱۰۶ .  
 اخبار خراسان (كتاب) ۸۲ .  
 اخبار ماوراء النهر (كتاب) ۸۲  
 اختلاف الزيجه (كتاب) ۷۶ .

\* اسکندریه ۷۶ .  
 اسلام (دین) ۱، ۳، ۴، ۱۷، ۲۸، ۴۴،  
 ۴۸، ۵۳، ۵۸، ۶۳، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۱،  
 ۷۳، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۵،  
 ۸۸، ۹۰، ۹۱، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۵،  
 ۱۰۶، ۱۱۸ .  
 اسماعیل بن احمد ۸۸ .  
 اشکانیان ۶۵، ۷۵، ۷۷ .  
 اشکانیان (کتاب) ۷۷ .  
 اشک بلخی ۶۵ .  
 \* اشغفر ۳۲، ۳۸ .  
 اشوغه ۱۸ .  
 \* اصفهان ۸۵، ۹۳، ۱۰۴ .  
 اظهر (مولانا) ۱۱۲ .  
 اغو شمريک ۷۲ .  
 افشین ۷۸، ۷۹ .  
 افغانان ۱۱۶ .  
 \* افغانستان ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۹،  
 ۱۲، ۱۴، ۱۶ تا ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۳،  
 ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۳۱، ۳۴، ۵۰، ۵۳، ۵۴،  
 ۶۶، ۶۹، ۷۴، ۷۵، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲،  
 ۸۶، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۸، ۹۹، ۱۰۱،  
 ۱۰۴، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۱ .  
 افغانها (نیز رک : افغانان) ۸۰ .  
 افغانی (رک : پښتو) ۱۱۹، ۱۲۱ .  
 افلاطون ۱۸ .  
 \* اکادیمی اوزبک ۱۰۲ .  
 اکبر نامه ۱۰۲ .  
 اکشه بیکه ۳۵ .  
 \* اکوره ختک ۱۲۰ .  
 آگاتمرو کلیس ۱۲ .

اختیار هروی (خواجه) ۱۱۰ .  
 \* اخمیم سعید مصر (کلیسا) ۸۳ .  
 اخوند درويزه ۱۲۰، ۱۲۱ .  
 ادب الكتاب الصولى ۸۶، ۹۱ .  
 \* اراکوزیا ۲۳، ۴۴ .  
 ارتبان ۶۵ .  
 ارداویرا فنامه (کتاب) ۷۵ .  
 اردشیر بن دیلمسپار قطبی ۹۴ .  
 ارساس ۶۵ .  
 ارسطو ۱۸، ۲۰ .  
 ارشک ۶۵ .  
 \* ارغسان قندهار ۱۱۸ .  
 \* ارغنداب ۹، ۱۰، ۱۸، ۲۱، ۲۳،  
 ۶۹ .  
 \* ارمن (ارمنستان) ۷۷ .  
 \* اروپا ۲، ۴، ۹۲، ۱۲۱ .  
 ارهت ها ۴۶ .  
 ازیس ۳۰، ۴۱ .  
 ازیس اول ۸ .  
 \* اسپانیا ۹۲ .  
 \* استانبول ۱۰۹، ۱۱۱ .  
 \* استخر پارس ۹۳ .  
 اسحاق راهب ۷۶ .  
 اسد خان ختک ۱۲۰ .  
 اسدی طوسی ۹۴، ۹۸ .  
 اسرار التوحید (کتاب) ۱۰۹ .  
 اسرائیل ولفنسون (دکتور) ۶۸،  
 ۸۳ .  
 اسروشنه ۷۸، ۸۸ .  
 اسکندر رومی ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۲۰،  
 ۷۵، ۷۶، ۷۷ .

- \* انجمن تاريخ (افغانستان) ۵۸ .
- \* انجمن شاهي آسيایي بنگال ۲۲ .
- \* اندراب ۸۸، ۶۹ .
- \* اندوس ۱۲ .
- انديا آفس لندن (کتابخانه) ۹۹ .
- انصاری (خواجہ عبداللہ ، رک :
- پير هرات) ۱۱۱ .
- \* انگلستان ۹۲، ۹۶ .
- انگليس (ملت) ۳۰ .
- انگلیسی (خط) ۱۱۷ .
- انگلیسی (زبان) ۱۶ .
- انند پالہ ۷۸
- \* اوبہارہ ۴۰
- اوت ۷۲
- \* اورامان ۷۷
- \* اورگنج ۱۰۳، ۱۰۲
- اورل ستین ۴۰، ۵۰
- اوزو موجہ ۳۹
- اوزاھاریس نیتی ۷۵
- \* اوز گند ۱۰۸
- \* اوسلو (یونیورسٹی) ۲۵
- اوستا (کتاب ۲، ۶۷، ۷۵، ۷۷، ۹۰،
- اؤفا ۹۲
- اوگرہ بوت ۷۸
- اولہ وردہہ ۴۱
- اولد پرشن (کتاب) ۱۱۷
- اولیاکہ کو سولو کہ ۴۶
- اوی جیتہ سنہا ۵۰
- اویس ۲۳
- اویدا ۳۱
- ایاز ۳۰
- \* اگور ۴۱ .
- اگی سالا ۴۲ .
- اگی سیلوس ۴۲ .
- اگی شلہ ۴۲ .
- الابنیہ عن حقایق الادویہ ۹۴، ۹۸ .
- البدو والتاریخ ۹۳ .
- البلاذری ۸۵، ۹۰ .
- البیرونی ۱۰۶، ۷۸، ۵۷، ۲۶ .
- الپتگین ۸۸، ۶۹ .
- التفهیم ۱۰۶، ۷۱ .
- التنبیہ والاشراف ۹۴، ۷۵ .
- الریاسی (خط) ۹۱، ۸۶ .
- الصولی ۹۱، ۹۰ .
- العربی ۶۳، ۲۲ .
- الغیبگ ۱۰۶ .
- الفہرست (کتاب) ۸۱، ۷۷، ۷۶ ،
- ۹۱، ۹۰، ۸۶، ۸۵، ۸۳، ۸۲
- انکسندر برنس ۶۴ .
- المختصر من کتاب الوقف ۹۹ .
- المعتمد (خلیفہ) ۹۱ .
- النہمطان (کتاب) ۷۶ .
- الوثایق السیاسیہ ۸۳ .
- الہلال (مجلہ) ۸۳ .
- \* الی شنک ۶، ۴ .
- الیاس ۶۹ .
- \* امب ۳۱ .
- امرای پارس ۱۰۱ .
- امری القیس ۸۳ .
- \* امریکا ۱۱۷ .
- امویان ۸۷، ۷۷، ۷۰ .
- انتی ماکوس ۱۲ .

ایران شهر (مجله) ۸۵	ایاس ۳۰
ایزو قراطیس ۱۸	ایاسه ۴۱،۳۰
ایست ایندویست (مجله) ۵	ایاسیه که موی (ملکه) ۳۷
ایس - کی (رک: کتاب خروشتی)	* ایبت آباد ۳۷
۲۶	* ایتالیا ۹۷،۹۲،۵
ایشوه رکه ۴۶	* ایدک ۶۳،۵۷
ایمن نوبخت ۵۵	* ایله ۳۳
اینته وهریا ۴۶	* ایران ۷۴، ۶۹، ۶۵، ۵۳، ۲۳، ۲، ۷۶، ۷۷، ۹۰، ۹۳، ۹۴، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۱۲
ایندره ۴۱	ایران از آغاز تا اسلام (کتاب) ۷۷
ایندره دیوه ۴۰	
ایندره شینه ۴۵	
ایو کراتید یس ۲۲	

•••

«ب»

* باکو ۱۰۲،۹۲	بابر ۱۷، ۱۰۳
* بالا حصار کابل ۱۲۲	بابرنامه ۵۷
بالی کینه ۴۷	بابری (خط) ۱۰۳، ۱۰۲
* بامیان ۲۱، ۲۵، ۲۷، ۷۹، ۸۰	* بابل ۱۲، ۱۴، ۷۴
۸۱، ۸۸، ۹۰، ۹۱، ۱۰۰	بابلی (یان) ۸
بایزید انصاری ۱۲۰، ۱۱۹	* باجور ۲۹
بایسنغر شاهرخ ۱۰۷	* باختر ۲۰، ۱۵، ۱۴، ۲
بایقرا (سلطان) ۱۱۲	باختری (زبان) ۵۳
* بتکره ۴۹	باختری یونانی (شاهان) ۱۵
* بخارا ۱۰۸، ۱۰۷، ۱۰۴، ۱۰۰	* بادلیان اکسفورد ۹۹
بختی شوع ۱۱۱	بارک خان ۱۱۸
بدیع الزمان ۱۰۶	بارکزی ۴
براهمی (خط) ۲۲، ۲۱، ۱۳، ۱۲	باستانشناسی شو روی (مجله)
۲۴، ۲۸، ۴۷، ۶۱، ۸۲	۸۸
* برتانیه ۶۹، ۲۶	* باغ شاهی ۲۸
بردی (اوراق) ۸۹، ۸۴، ۷۴	* باغ عدنانی هرات ۱۰۵



* بلخ ۲۱، ۲۵، ۶۶، ۶۹، ۷۵،	بورکب ۷
۷۷، ۸۷، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۶	برزمهر ۵۵
بلخیان ۴۷	برز مهر پور ۵۵
* بلژیک ۱۱	برگس ۹۲
* بلوچستان ۴۷	* برگول (کوه) ۵۶
بله جیا ۴۳	* برلین ۸۵، ۷۶
	* برما ۴۱
بله سمی ۴۴	برمکیان بلخی ۸۶
* بلهیکه ۳۱	برنس ۶۴
* بمبئی ۸۵	برنیت (دکتور) ۹
* بمپور ۷۰، ۸۹	بروکلمن ۸۱
* بنج (کوه) ۳۸	برهان قاطع ۳۶
* بنون ۵۷	برهما ۱۲، ۴۱
* بهار ۴۱	برهمن واسو دیوه ۴۰
بهار ۸۵	برهمی (نیزک : براهمی) ۲۷،
بهاسه ۱۳، ۶۶	۶۶
* بهاولپور ۴۳	برهمی (زبان) ۴۲
بهاوه ۴۳	
بهرامشاه ۹۶	* بریکوت سوات ۶۳
بهگه وت ۳۹	بریپت سمپیتا ۴۷
* بهلول (شهر) ۴۱	بزرگ بن شهر یار ۷۸
به همه لینه ۴۷	* بست ۹۰، ۹۴، ۹۶، ۹۷، ۱۰۰،
* بهیم نگر ۲۲	۱۰۵
بودا ۱۰، ۱۶، ۱۷، ۲۸، ۳۰، ۳۱،	* بغداد ۷۶، ۷۸، ۸۵، ۹۰، ۹۲،
۳۲، ۳۵، ۳۶، ۴۱، ۴۸، ۵۶، ۷۹، ۸۰	* بغلان ۲۷، ۳۶، ۵۳، ۵۴، ۵۵
بوداو رمه ۳۳، ۳۵	۵۶، ۵۷، ۵۸، ۱۱۸
بوداها ۳۰، ۳۶، ۴۵، ۴۶	* بگرام ۱۷، ۲۱، ۹۰
بودا ثیان (رک : بوداها) ۴۱، ۷۷	بگ شا کنیشکی نا مو برگ
بودایی (دین) ۹، ۱۱، ۱۶ تا ۱۸،	۵۴
۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۳۲،	* بگ لنگ (رک : بغلان) ۵۴
۴۵، ۸۰، ۸۱، ۹۰، ۱۰۵	بلاش اول ۷۷
بودها بله ۱۳	بلانندی ۴۳

بوسر ... خا قان خیل ۵۹  
 بوسه ور من ۳۵  
 بویر ۲۵  
 بیاض (خط) ۸۶  
 بیان الاد یان (کتاب) ۹۳  
 بیان قلی خان ۱۰۸  
 \* بیت المقدس ۶۸  
 \* بید ادی ۳۰  
 بیست مقاله قزوینی (کتاب) ۸۵  
 بیستون پارس (کتیبه) ۱۱۶  
 بیلین ۱۰۹  
 \* بیما ران (قریه) ۳۰  
 بینزا نتین ۹۰، ۹۱، ۱۰۵  
 بیو هلر ۲۱، ۲۵  
 بیسقی ۱۰۵

بود هار کشیته ۳۳، ۳۵  
 بود ها گوشه ۳۵  
 بود ها میترا ۳۵  
 بود هه پریه ۳۵  
 بود هه سا کیا مونی ۴۷  
 بود هه ور مه ۳۸  
 \* بود هی ستوا ۳۸، ۴۰، ۴۶  
 بود یزم ۲۷، ۲۸  
 \* بودی ستوا (نیز رك: بودهی ستوا) ۲۸، ۲۹  
 بوذا سف (رك: بود ا) ۷۷  
 بورو ۴۲  
 بور یته ۳۶  
 بور یحان بیرو نی (نیز رك: البیرونی) ۷۰

«پ»

\* پتنه ۲۲، ۳۴  
 پتھا نان (کتاب) ۶۳  
 پتیکه ۴۶  
 \* پختیا ۸۹  
 پرا کریت (زبان) ۱۰، ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۲۷، ۵۴  
 پر تهوه (رك: پهلووی) ۶۵  
 پرت یی که بود ها ۴۶  
 پر یسکا ۷۵  
 پر نسپ ۲۵، ۶۴  
 \* پر وان ۶۹  
 پرویز ناقل خانلری (داکتر) ۷۲  
 \* پشاور ۲۳، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۵

\* پاتود هیری ۳۸  
 \* پاتھیار ۳۹  
 \* پاچا ۳۲، ۳۸  
 پادری هیوز ۱۲۱  
 \* پارت ۶۵  
 پار تنها ۷۷  
 پار تهی (شا هان) ۱۷، ۲۳  
 پار تی (زبان) ۷۷  
 \* پارس ۲، ۱۴، ۷۵  
 پارسی (زبان) ۶۷، ۶۸  
 \* پار یس ۳۹، ۱۲۱  
 \* پالا تود هیری ۴۹  
 پالی (زبان) ۴۲  
 پانی نی ۲۳

- ۳۸، ۴۰، ۴۱ تا ۴۴، ۴۸، ۴۹، ۹۰، ۱۲۲  
پشاور (کتاب) ۴۲  
پشاور بیان ۲۹  
\* پشکلاوه تی ۳۵، ۳۲  
\* پشین ۵۱  
پښتانه شعراء (کتاب) ۱۱۸  
پښتو (خط) ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۱  
پښتو (زبان) ۵۳، ۵۴، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱  
پښتون (قوم) ۱۱۶  
\* پښتو نستان ۷۰، ۱۱۶  
\* پلخمری ۵۴  
\* پنجاب ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۳۵، ۳۹، ۴۹، ۷۸  
پنجا بی (زبان) ۱۲۰  
\* پنجتار ۳۸  
\* پنج کنت ۷۱، ۹۰  
\* پنجکوره ۴۰
- پور داؤد ۷۵، ۷۷  
پونیه مته ۳۹  
\* پوروا شا چه ۴۸  
\* پوهنځی ادبیات و علوم بشری ۴  
پهلوی (خط) ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۷۲، ۸۲  
پهلوی (زبان) ۱۲، ۱۳، ۱۶، ۱۷، ۳۶، ۵۳، ۵۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۷۷  
پیا مبر (نیز رک: محمد) ۸۳، ۸۵  
پی په له کبه ۳۳  
پیتهو مقدس ۱۹  
پیر آموز (خط) ۹۵، ۹۶  
پیر رو بنان ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱  
پیر علمدار ۹۴  
پیر گر یمال ۱۹  
پیرو ۱۳، ۶۶  
پیر وچ ۶۶  
پیر هرات ۱۱۲  
\* پیلانہ (قریه) ۳۵  
پیه دسی ۱۰

### «ت، ث»

- تاج الدین (خواجه) ۱۱۰  
تاریخ ادبیات عرب ۸۱  
تاریخ افغانستان ۶۵  
تاریخ افغانستان بعد از اسلام ۷۰، ۷۶  
تاریخ التمدن الاسلامی ۸۷  
تاریخ اللغات السامیه ۶۹، ۷۰، ۸۳، ۸۴  
تاریخ بخارا ۸۷  
تاریخ بغداد ۸۱  
تاریخ بیسقی ۱۰۵  
تاریخ زبان فارسی (کتاب) ۷۲  
تاریخ سنی الملوك الارض والانبياء  
تاریخ سیستان ۶۸  
تاریخ لغات سامی ۶۸  
تاریخ یمینی ۶۳  
تاریکه ۱۳  
تازیان (نیز رک: عرب) ۷۱

- \* تا شکند ۹۵ ، ۱۰۲  
تا کهتید ره ۴۰  
\* تبت ۵۶  
تبتی (خط) ۱۶  
تبریز ۱۰۴  
تپه اشتر ۲۸  
\* تپه سر دار غزنه ۹۰  
\* تچه ۴۴  
\* تخار ۱۸  
\* تخارستان ۶۹  
تخاری (زبان) ۱۶ ، ۱۷ ، ۵۳ ، ۲۷  
، ۵۴ ، ۵۵ ، ۵۶ ، ۵۷ ، ۵۸ ، ۵۹ ، ۶۰ ،  
۶۵ ، ۶۶ ، ۶۸ ، ۱۱۶ ، ۱۱۸  
تخاری یو نانی (خط) ۱۴  
\* تخت باهی ۳۸ ، ۴۴  
\* تخته زرین ۴۵  
تذکرة الا ولیاء ۱۱۸ ، ۱۱۹  
تذکرة خوشنو یسان ۱۱۱  
ترجمان البلاغه ۹۴ ، ۹۸ ، ۹۹  
ترسل (خط) ۱۰۸ ، ۱۰۹  
\* ترکستان ۹۳ ، ۱۰۶ ، ۱۰۸  
\* ترکستان چینی ۲۲ ، ۵۱ ، ۷۱  
\* ترکستان شرقی ۲۲ ، ۲۴ ، ۵۰ ،  
۵۱  
ترکی چغتایی (زبان) ۱۰۸  
ترکی (زبان) ۵۳ ، ۵۴ ، ۷۱  
تره وشه کوره ۴۰  
تربیا لو س ۱۸  
تزرک بابر (کتاب) ۱۰۲  
تسای - لون ۷۴  
تعلیق (خط) ۹۹ ، ۱۰۰ ، ۱۰۱ ،  
۱۰۷ ، تا ۱۱۳
- تعلیقات برد بیا چه دو ست محمد  
کتابدار هروی ۱۱۴  
تفسیر ابو بکر عتیق سور آبادی  
۹۹  
\* تکسیلا ۸ ، ۹ ، ۲۲ ، ۲۳ ، ۲۴ ، ۳۰ ،  
۳۱ ، ۳۵ ، ۴۴ ، ۴۵ ، ۴۶ ، ۴۷ ، ۴۹ ،  
۸۱  
\* تکشه شیلا (رک: تکسیلا) ۴۵ ،  
۴۶  
تکمله پارسی (کتاب) ۱۱۱  
تگین خرا سان شاه ۶۶  
\* تنگی تا یغان ۱۶ ، ۵۶  
\* توجی ۱۶ ، ۵۷ ، ۵۸ ، ۵۹ ، ۶۳ ،  
۶۹ ، ۷۰ ، ۸۹ ، ۱۱۶  
\* تورچ هیری ۲۳ ، ۴۷  
\* تورغان ۹۳  
تورو شکه ۶۴  
توقیع (خط) ۸۴ ، ۱۰۰ ، ۱۰۱ ،  
۱۰۶ ، ۱۰۷ ، ۱۰۸ ، ۱۰۹ ، ۱۱۰  
\* توی ۱۱۹  
تہاید وره ۳۳  
\* تہران ۱۹ ، ۷۲ ، ۷۴ ، ۷۵ ، ۷۷ ،  
۷۹ ، ۸۵ ، ۹۳ ، ۹۵ ، ۹۷ ، ۹۹ ، ۱۱۶ ،  
\* تہل ۲۲ ، ۴۷  
تہوارہ ۴۵  
تہیود وروس ۳۳ ، ۴۴ ، ۴۵  
تہیو دورہ (نیزرک: تہاید وروس)  
تہیو دورس ۳۳  
\* تہیر تم ۴۷  
تیرہ جہ سہ ایاسہ ۳۰  
تیمور (امیر) ۱۰۴ ، ۱۰۶ ، ۱۰۹ ،  
۱۱۰ ، ۱۱۱ ، ۱۱۲

تیمور نامہ ۵۷  
 تیمور یان ۹۸، ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳  
 تیمور یان ہرات ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۹، ۱۱۲  
 ۱۰۶، ۱۰۷  
 تیموری ہند ۱۰۲  
 ثلث (خط) ۸۵، ۸۶، ۹۱، ۹۳،  
 ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸،

«ج»

\*جام (منار) ۹۸، ۱۰۰  
 \*جامع او لیا ۹۷  
 \*جاو لیا (معبد) ۴۵  
 \*جامی (مولا نا) ۱۰۸، ۱۱۲  
 \*جبل دروز شام ۶۸، ۸۲  
 \*جبل سلع مدینہ ۸۹  
 \*جرجی زید ان ۸۷  
 \*جزق سیستان ۸۷  
 \*جعفر (مؤلف) ۴۲  
 \*جعفر بایسنغری ۱۰۴، ۱۰۷،  
 ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۱۳  
 \*جعفر بن محمد ۸۷  
 \*جغتو ۶، ۱۶، ۵۶، ۵۷، ۱۱۶  
 \*جعفر افیای قدیم ہند ۱۱  
 \*جلال آباد ۱۰، ۲۱، ۲۸، ۲۹، ۳۰  
 \*جلال جعفر ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۱۳  
 \*جلال ہمایی ۷۹  
 \*جمال گر ہی ۳۲، ۳۸  
 \*جمال مینہ ۱  
 \*جمنا ۲۲، ۳۳، ۴۰  
 \*جور نال ایشیاتک سوسائیتی ۱۰۹  
 \*جوز جان ۶۹، ۸۸، ۹۷، ۹۸  
 \*جون مار شل ۸، ۹، ۴۲، ۴۶، ۴۷  
 \*جی (شہر) ۷۶  
 \*جیلیم ۱۴، ۳۶  
 \*جیمس پر نسیب ۱۳، ۲۴  
 \*جیہ پالہ ۷۸  
 \*جیہ پالہ دیوا ۶۳  
 \*جینہ ۴۸  
 \*جی ہو نی ۴۷

«چ»

\*چار سدہ ۳۳، ۳۵، ۴۳  
 \*چچ (رک: کشتہ پہ چو کہسہ)  
 ۴۷  
 \*چستر بیٹی (مجموعہ) ۹۶  
 \*چشت ۹۷  
 \*چک ۳۶  
 \*چنگیز یان ۱۰۱  
 \*چہل زینہ ۱۷  
 \*چین ۲، ۱۰، ۱۱، ۱۵، ۴۱، ۵۰  
 ۷۴، ۷۶، ۷۷، ۸۲، ۱۰۴، ۱۰۵  
 \*چینا ب ۴۳  
 \*چینی (خط) ۷۴  
 \*چینی (زبان) ۷۱، ۸۰  
 \*چینیان ۱۱

((ح))

حسین با یقرا (سلطان) ۱۰۴،  
 ۱۱۰  
 حسین صفوی (شاه) ۱۰۲  
 حسین وفا سلجوقی ۱۱۴، ۱۱۵  
 حفصه ۸۵  
 حکیم تو مزی ۱۰۸  
 حمزه بن حسن اصفها نی ۷۵  
 حمید بن قحطبه طایی ۸۷  
 \* حوض زمزم ۱۱۲  
 \* حیره ۸۳  
 \* حوض کر پاس ۱۰۷  
 حی بن عمار ۷۰

\* حبشه ۸۳  
 حبیب الله خان (امیر) ۴  
 حبیبی (عبدا لعی) ۵۸، ۵۶، ۱  
 ۱۱۸  
 \* حجاز ۸۴  
 حجاز یان ۶۸  
 \* حران ۶۸، ۸۲  
 حسن (امام) ۸۳، ۸۵  
 حسن ابدال ۳۵  
 حسن خان شا ملو ۱۱۲  
 حسین ابن علی ۸۵

«خ»

خرو شتهی (خط) ۹، ۸، ۱۲، ۱۳  
 ۱۶، ۲۱ تا ۳۲، ۳۴، ۳۶، ۳۷، ۳۹  
 ۴۰ تا ۴۶، ۴۴ تا ۵۲، ۵۷، ۶۵، ۱۱۶  
 خرو شتهی انسکر پشنز (کتاب)  
 ۲۵  
 \* خزانه الما مون ۸۴  
 خسرو دوم ۶۵  
 \* خلتسی ۴۷، ۴۸  
 خلیج فارس ۷  
 خلیفه مو جه وت ۳۰، ۳۱  
 \* خوات ۲۶، ۲۷، ۲۹  
 \* خوا تای ۳۶  
 خواجه نظام الدین احمد هروی  
 ۱۰۲  
 \* خوا رزم ۱۰۱، ۱۰۲  
 خوار زمشا هیان ۱۰۰، ۱۰۴  
 خودو خیل ۳۳، ۳۸، ۳۹

خالد بر مکی بلخی ۸۲  
 خالد بن ولید ۸۷  
 خا ندان گو ۵۸، ۵۹  
 خان قزل ۵۹  
 خا نیکوف ۹۲  
 \* ختن ۲۱، ۲۲، ۵۰، ۵۱  
 \* ختن قدیم ۵۰  
 ختنی (خط) ۷۹  
 \* خرا سان ۳، ۶۵، ۷۷، ۷۸، ۸۱  
 ۸۲، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۹۱ تا ۹۴، ۱۰۰  
 ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸،  
 ۱۰۹، ۱۱۱  
 خرا سان خو تاو ۶۶  
 خرا سانیان ۷۷  
 خرو تهی ۲۵  
 خرو شته ۲۵

خود وید که ۳۶  
 \*خوده چه ۳۶  
 خوده چه ویها ر ۴۰  
 خو شعا لخاں ۱۲۰، ۱۲۲  
 خوره اپزوت ۶۶

\*خیبر ۲۱، ۸۲، ۱۱۹  
 خیندر ۷۸  
 خیر البیان (کتاب) ۱۱۹ تا ۱۲۲  
 خیر خا تون (بی بی) ۱۱۹

((د، د، ذ))

داتیا ۳۳  
 دار مستتر فرا نسوی ۱۲۱  
 دار یوش هخامنشی ۷۵، ۸  
 ۱۱۶  
 \*دانشگاه پهلوی شیراز ۱۱۷  
 دانیل پور گو یس ۱۱  
 داؤد ۶۹  
 داؤد بن عباس ۸۸  
 \*داور ۹۰  
 دبیر الملك ۱۲۲  
 دینستو نخوا هارو بهار (کتاب) (ب)  
 ۱۲۱  
 \*دجله ۷۸، ۷، ۲  
 درانی ۴  
 درخم ۴۵  
 \*درگئی ۳۳  
 \*در وازه گنج ۴۱  
 \*درونه ۱۰، ۱۱  
 درونی په دره ۴۳  
 درویش عبدالمجید طالقانی ۱۱۳  
 درویش صوفی ۱۱۱  
 دری (زبان) ۳۰، ۵۳، ۵۴، ۵۷،  
 ۶۳، ۵۹، ۶۸، ۷۹، ۹۷، ۱۱۶، ۱۱۸،  
 ۱۲۲

\*در یای نیه ۵۰  
 ده شه وه هره ۲۹  
 دفتر افشین ۷۹  
 دقیقی ۶۸  
 \*دلف ۱۹  
 دلفوس ۱۹  
 دمنا ش بن عبدا لله ۱۰۹  
 دمتراته ۴۳  
 دم، دنلوب ۸۳  
 \*دمشق ۷، ۸۳، ۸۴، ۸۷، ۹۲  
 دمنه ۴۳  
 دنکن فور بس ۶۲  
 دوست محمد بریخ ۱۲۰  
 دولت ۱۱۹  
 دو لشاه بن حبشی تولکی ۱۰۰  
 \*دو کی ۴۷  
 دهامه پده ۲۲  
 دهرم داسه ۴۴  
 دهرمه ۲۸، ۵۶  
 دهرمه را جیکه ۴۶، ۴۹  
 دهره میکه ۳۰  
 ده مه ۲۹  
 \*دهلی ۱۳، ۱۰۰، ۱۰۳  
 \*دیبل ۷۰

دیو دو توس ۱۴	دیپا نکه ره ۴۰
دیوه پترو کنشکا ۴۳	دیمتر یوس ۲۲
دیوه نا گری (خط) ۸، ۱۱، ۱۲	دین دبیره (خط) ۶۵، ۶۷
۶۳، ۶۴، ۱۱۶	دینکرت ۷۷
دیوی ۳۱	دیو اشتیج ۷۱، ۷۲
دهیری ۳۳	دیوان احمد شاه بابا ۱۲۱
ذوالر یا ستین (رك: فضل بن	دیوان دو لت ۱۲۰
سهل) ۸۶، ۸۷	دیوان مختاری ۷۹

(و)

۱۰۹، ۱۱۲	را پسون ۲۵
رود کی ۶۸	*را تهی تره (تالاب) ۳۹
*روزگان ۱۶، ۵۵، ۵۷، ۵۸، ۱۱۶	*را جر ۳۲
روزن فیلد ۴۲	راجن دا میجه ده ۴۱
*روم ۸۷، ۹۷	راجه تر نگینی ۲۹
*رو ما ۵	راور تی ۱۲۱
رو من (یان) ۴۴	*راول ۴۰
رومی (زبان) ۷۶	*راو لپندی ۳۱
رومی کیسره ۲۹	*رباط شرف سر خس ۹۷
روهی نی میتره ۴۶	*رباط هرات ۱۰۱
رهنمای تکسیلا ۹	رحیم عقیفی (دکتر) ۷۵
ریا سی (خط) ۸۶	رستم ۷۱
ریاض الا لواح ۹۵	رستم محمد خان ۱۱۲
ریحان (خط) ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۰۷	رقاع (خط) ۸۶، ۹۱، ۹۶، ۹۷، ۱۰۸
۱۰۸، ۱۰۷، ۱۰۶، ۱۰۱، ۱۰۰	۱۰۸، ۱۰۷، ۱۰۶، ۱۰۱، ۱۰۰، ۱۱۲

(ز، ژ)

زر دشت ۶۷، ۷۵، ۹۰	*زابل ۳۴، ۵۶
زد شتیا ن ۳۶، ۶۵، ۷۶	*زا بلستان (رك: زابل) ۶۶
*زرنج ۶۸، ۶۹، ۸۷، ۸۸	*زاوول (رك: زابل) ۵۶
زند ۷۵	*زبد ۸۲



زیو نیسس ۴۷  
\*ژوب ۲۲  
ژور فال ازیا تیک (مجله) ۷۹

زمباور ۸۷، ۸۸  
ژنو س ۱۸  
\*زیله ۴۸  
زین العا بدین خوافی ۱۱۲

((س))

سندو ۴۰  
سند هنی ۱۳  
سراج الا خبار افغا نیه ۴  
سراج الملة والدین ۴  
سرا وړل ستین ۲۹، ۵۰  
سر اولف کیرو ۶۳  
\*سرخ کوتل ۱۵، ۱۷، ۲۷، ۵۴،  
۵۷، ۵۸  
\*سر کپ ۴۵، ۴۷  
سرنند یا (کتاب) ۵۰  
سرو استیوا ده ۳۴، ۴۸  
سروا ستیوا دین ۲۳، ۲۷، ۴۲،  
۴۷  
سروی آرت پر شیا ۸۵، ۸۸، ۹۰،  
۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶  
سر یا نی (زبان) ۸۲  
سعد ۸۶  
\*سغد ۲، ۷۱، ۷۴، ۹۰  
سغدی (خط) ۷۱، ۷۲  
سغدی (زبان) ۷۱  
\*سغد یا نه ۱۴، ۷۱  
سفا ۳۲  
\*سکا تلند ۸۳  
\*سکاره د هیری ۴۳  
سکندر ۲۰، ۷۶، ۷۷  
\*سکستان ۱۶

سا بهو تی ۱۵  
ساتر اپها ۲۱، ۲۲  
سا رویه ۷۵  
ساسا نیان ۱۷، ۶۶، ۹۳، ۱۰۵  
سا سانی (رک: ساسا نیان) ۶۵  
ساکه ۱۴، ۲۷، ۳۲، ۳۷، ۳۹، ۴۰،  
۴۱، ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۹  
ساکه (زبان) ۲۹  
سا کیا مونی ۲۷، ۳۴، ۴۴، ۴۶  
\*سالم پور ۳۸  
سا ما نیان بلخی ۶۸، ۸۸  
سا می (زبا نها) ۶۷  
\*سا نچی (معبده) ۱۳  
\*سا هو سرای (سودا گرسرای)  
۵۹  
سایر بن عبد الله ۸۸  
سبط ابن جوزی ۸۵  
سبکتگین ۶۳، ۶۸، ۶۹، ۸۸، ۹۶  
سبک شنا سی ۸۵  
\*سپین غر ۳۴  
\*سپین وام ۵۷، ۶۳  
ستا تیر ۴۵  
سترا بو ۱۵  
سترا تون ۱۹  
ستین کو نو ۲۳، ۲۵، ۲۸، ۴۲  
۴۳، ۴۷، ۴۹

- سلجو قیان ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴  
سلطان احمد خان ۱۱۱  
سطا نشا ۱۰۱  
سلطان علی مشہدی ۱۱۰، ۱۱۲  
سلطان محمد خندان ۱۱۳  
سلطان محمد نور ۱۱۳  
سلوک الغزاة ۱۲۰  
سلیم آغا ۱۰۹  
سلیمان ما کو ۱۱۸
- \*سمر قند ۷۱، ۸۷، ۹۰، ۱۰۰،  
۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۹  
\*سمنگان ۶، ۵
- سمنیہ (رک: بودا ٹیان) ۷۷  
\*سنت پیتر (کلیسا) ۹۲  
سنترل ایشیاریو یو ۱۰۳  
\*سنجولی (قل) ۷۱
- \*سند ۸، ۱۴، ۱۵، ۲۲، ۲۹،  
۳۷، ۳۸، ۴۸، ۴۹، ۵۱، ۵۳، ۵۷،  
۵۸، ۶۳، ۶۵، ۶۶، ۷۷، ۸۸، ۸۹،  
۹۰، ۱۰۰
- سنسکریت (زبان) ۸، ۱۱، ۱۶،  
۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۸، ۴۷، ۵۳، ۵۴،  
۵۸، ۵۹، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۸،  
۷۰، ۷۹، ۸۰
- سنگہ ۵۶  
سنگار ۴۶، ۶۲  
سنگہا ور ۳۵  
سنگہوہ کشیتہ ۳۰  
سنگہ میترہ ۲۸، ۳۸، ۴۸  
\*سوا بی ۳۷، ۴۸
- \*سوات ۲۲، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۴۰  
۴۳، ۴۵، ۴۷، ۴۹، ۶۸  
سو تی ۷  
سورا شترین ۱۷  
سورہ بودھی ۳۶  
سور یان غور ۱۱۶  
\*سور یہ ۷  
سو فیتیسی ۱۵  
سوند دال در تاریخ (کتاب) ۷۴  
سو نگ یون ۱۰  
\*سوئیس ۵  
\*سوی وینہار ۴۳
- سہلان بن مکتوم ۸۸  
\*سہ ویرا ہا ۴۸  
سیتی ۱۴  
سیتھی ۳۰  
سید حسن ابدال ۱۰۷  
سید عطا محمد قند ہاری ۱۱۴  
سید محمد ایشان حسینی ۱۱۵
- \*سیستان ۱۴، ۲۲، ۳۶، ۶۵، ۶۹،  
۸۷، ۱۰۱  
\*سیلون ۱۲  
سیلون لوی ۷۹  
سیلیو کید ۱۶  
سینارت ۲۵  
سینہا مترہ ۳۵
- سی ہارہ کشیتہ ۴۵  
سی ہی لیکہ ۳۵  
سی -یو- کی ۱۰، ۱۱

(ش)

- شفا پور ۱۷  
شفا پور سوم ۶۶  
شماره دا (خط) ۶۸، ۶۳، ۶۱، ۵۸  
شماره دا - ناگری (خط) ۸۲، ۷۰ ،  
۱۱۶
- \* شفا ش ۱۰۰  
\* شالا (معبده) ۴۳  
\* شفا لی (دره) ۵۵  
\* شام ۶۸  
\* شاه پور (قریه) ۴۵
- \* شفا هجی و هیری ۴۱  
\* شاه داور ۴۱  
\* شفا هرخ ۱۰۴ ، ۱۰۷ ، ۱۱۱ ، ۱۰۱
- ۱۱۳
- شاه زنده سمر قند ۱۰۸ ، ۱۰۹  
شا هنامه با یسنغری ۱۱۲  
شا هناما مه فردو سی ۱۰۴  
\* شتر هده ۸۰  
شرا مانه گو تمه ۳۱  
شر او ستنی ۴۸  
شراو که پو ته که ۳۲  
شر او که ها ۳۶
- شرح تعرف ۹۸  
شر حیل ۸۲  
شر منه دهر مه پری یه ۳۵  
شره منه سد هر مه ره ته ۳۵  
شری تیله که ۶۴  
شفاء ۸۵
- شفیعا ی هروی ۱۱۳  
شفیعه (خط) ۱۱۳  
\* شکر دره کیمبل پور ۴۲  
شکسته (خط) ۱۱۲ ، ۱۱۳  
شکته پرت ۷۸
- شلوم بر ژه ۱۷، ۱۰  
\* شله تک ۱۱ ، ۶۱  
شمال (ملك) ۷  
شمس النهار (جریده) ۱۲۲  
\* شور وی ۱۸  
شو یده ور مه ۳۴  
شهاب الدین عبد الله غا وردانی
- \* شهباز گر هی ۲۲
- شهر ستا نی (علی اکبر) ۴  
\* شهر ناپر سان ۳۸  
شیخ الا سلام محمد بن احمد ۱۰۷  
شیخ او یس ایلکا نی ۱۱۱
- شیخ محمد طغرا بی ۱۰۷  
شیدر ۸  
شیرا ۴۵  
\* شیر تلا ۵۹
- شیر علی خان (امیری) ۱۲۲  
شیزو گر گک ۵۵  
شیوه ر کس کیته ۴۱  
شیوه ر کشیته ۳۰  
شیوه سینه کستر په ۴۳

((ص، ض، ط، ظ))

- صاحب سری زکی بن محمد بن  
 علی عبدا لحمید البامیانی ۹۹  
 صباحت عظیم جانو ۱۰۲  
 صدوق (شیخ) ۹۵  
 صفات الشیعہ (کتاب) ۹۵  
 صلاح الدین منجد ۹۲  
 ضحی الا سلام (کتاب) ۸۱  
 \*ضلع جیلیم ۳۵  
 \*ضلع هزارہ ۴۱  
 طاہر بن حسین ۸۸  
 طاہر بن عبد اللہ ۸۸  
 طاہر بن محمد بن عمر ۸۸  
 طاہر یان پو شنگی ۶۹  
 طبری (شخص) ۹۰
- طبری (کتاب تاریخ) ۷۵، ۷۸،  
 ۷۹  
 طبریہ ۸۷  
 طبقات اکبری (کتاب) ۱۰۲  
 طبقات الصوفیہ ۱۰۹، ۱۱۱  
 \*طراز ۱۰۰  
 طغرل بن امیران فوشنجی ۱۰۱  
 طغری (خط) ۱۰۱  
 طلحہ بن طاہر ۸۸  
 \*طور سینا (شبہ جزیرہ) ۸۳  
 \*طوس (?) ۱۱۹  
 ظلمو ۸۲  
 ظہیر الدولہ سلطان ابراہیم ۹۷

((ع))

- عباسی (رک: عباسیان) ۸۱  
 عباسیان ۷۷، ۸۶، ۸۷، ۹۰، ۸۵  
 ۹۱، ۹۲  
 عبدا لحنی منشی ۱۱۰  
 عبد لرزاق سمرقندی ۱۰۷  
 عبدا لعلی (میرزا) ۱۲۲  
 عبدا لقا در بداونی ۱۰۲  
 عبدا لله ۱۱۲  
 عبدا لله (امیر) ۷۸  
 عبدا لله الولید امیر المؤمنین  
 ۸۴  
 عبدا لله بن جبر ۶۸  
 عبدا لله بن خیر (جبر) ۸۴
- عبدا لله بن طاہر پو شنگی ۸۱  
 عبدا لله بن علی ۹۹  
 عبدا لله طباطبائی ۱۰۷  
 عبدا لله عدویہ ۸۵  
 عبدا لله صیرفی ۱۰۱  
 عبدا لله مر وارید ۱۰۷، ۱۱۰  
 عبدا لمطلب بن ہاشم ۸۴  
 عبدا لملک بن مروان ۸۴، ۸۷  
 عبدا لملک بن نوح سامانی ۹۳  
 عبدا لملک بن یزید خراسانی ۸۷  
 عتابی ۸۱  
 عثمان (رض) ۸۵

عثمان بن حسين وراق غزنوی ۹۵	۱۲۲
*عثمانی (مملکت ترکیه) ۱۰۱،	
علاء الدو له قز وینی ۱۰۲	
علی بن ابو طالب ۸۳، ۸۵	۱۱۲
علی بن الحسین ۸۵	عجا ئب الطبقات ۱۰۳
علی بن حسین مسعودی ۹۳	عجا ئب المخلوقات ۱۱۱
علی بن عیسی ۸۷	عجایب الهند ۷۸
علی بن موسی ۷۰، ۸۵	عجم ۹، ۸۱، ۱۲۱، ۱۲۲
علی جوینی (قاضی) ۱۰۹	*عراق ۹۴، ۱۰۱
علی گرھ ۶۹	عراقی (سبک خط) ۸۶
علی نشا پوری ۱۰۰	عرب (ها) ۷۹، ۷۷، ۸۲، ۹۱
عمر (رض) ۸۳	*عربستان ۷
عمر بن خطاب (رك: عمر (رض))	عربها ۹۰
عربی (خط) ۵۸، ۵۹، ۶۵، ۶۸، ۸۵	
عمر بن شبه ۸۴	۶۹، ۷۰، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۶، ۸۷،
عمر زئی ۳۳	۸۸، ۸۹، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۸، ۱۰۰،
عمرو ۸۳	۱۱۶، ۱۰۸
عمر وبن لیث ۸۸	عربی (زبان) ۵۹، ۶۳، ۶۸، ۶۹
عیسی (ع) ۹۲	۷۰، ۷۱، ۷۴، ۷۷، ۸۲، ۸۳، ۸۷،
عیسی بن عبدا لله بلخی ۹۵	۹۴، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲
عیسی بهنام (داکتر) ۹۷	عزیز الدین فو فلزایی ۱۱۴، ۱۱۵

(غ)

غبار (خط) ۹۱، ۸۶	
غور اخبار ملوک فرس و سیر هم	
غسان بن عباد ۸۷	۷۵
غطر یف بن عطا ۸۷	*غزد هیبری ۳۲
غطر یفی (درهم) ۸۷	غز نویان ۶۳، ۶۸، ۸۸، ۹۷، ۹۸،
غلام محمد دهلوی ۱۱۱	۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴
*غور ۵۵، ۱۰۰، ۱۱۶	غزنه ۹۳، ۹۶، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۵،
غور یان ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴	۱۱۶
غیاث الدین محمد ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۱	غزنی (رك: غزنه) ۱۶، ۲۱، ۵۶،
غیاث الدین منصور (امیر) ۱۱۲	

غیاث الدین محمد سام (رک): غیاث الدین غوری (رک): غیاث الدین  
 غیاث الدین محمد (محمد) ۱۰۱

((ف))

*فرغانه ۸۸	*فارسی ۷۶، ۸۷
فر هنگ اساطیریو نان وروم ۱۹	فارسی (زبان، نیز، رک: دری)
فصیحی هروی (میرزا) ۱۱۳	۳۶، ۵۸، ۷۵، ۷۶، ۹۴، ۹۵، ۹۸،
فضل بن سهل سرخسی ۸۶،	۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۲۰، ۱۲۱،
۸۷، ۹۱	۱۲۲
فقیر بہار تو بی ۱۱۹	فارسیان ۸۷
فکری سلجوقی ۱۱۴	*فتح جنگ ۳۱
فن تحریر (کتاب) ۶۱، ۷، ۶۹	فتوح البلدان ۸۵
فنیقیان ۸، ۷	فخر الدین رازی (?) ۱۰۲
فوشک ۲۹	*فرات (دریا) ۸۲، ۷
فوشه ۶	*فرانسه ۱۰، ۱۷، ۹۲
فہرست مسکوکات اسلامی ۸۷	فرانسوی (زبان) ۱۰، ۱۹
فیر آموز (رک: پیر آموز، خط) ۹۵	فردوسی ۷۵
	فارس قدیم (زبان) ۱۶، ۱۱۶، ۱۱۷

((ق))

۹۵، ۹۶، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲	قاآنی ۱۰۹
۱۰۵ تا ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱	قاموس ہندوستانی بہ انگلیسی
*قرغہ بی ۱۱، ۶۱	۶۲
*قرہ بلغسون ۷۱	*قاہرہ ۷۴، ۷۶، ۸۳، ۸۶، ۸۷،
قزاقستان ۵۶	۹۴
*قسطنطنیہ ۹۱	*قبط ۸۳
*قفقاز ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳	قبطی (زبان) ۷۶
*قلعہ سنگ ۳۳	*قبہ صخرہ بیت المقدس ۸۴
*قندھار ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۵،	قثم بن عباس ۱۰۸
۱۲۰، ۱۰۷، ۵۶، ۲۲، ۲۰، ۱۸، ۱۷	قرآن (کتاب مقدس اسلام) ۱۷،
*قنسرین ۸۲	۶۹، ۷۸، ۸۲، ۸۳، ۸۵، ۹۲، ۹۳،

قیصر ۲۹

قوام الدین ۱۰۵  
\* قوه الا سلام (مسجد) ۱۰۰

((ك))

- \* کابل ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۰، ۱۷، ۱۸، ۱۲۰، ۱۲۱
- \* کتا بخانه شا هي ۷۵ ، ۲۱، ۲۹، ۳۲، ۳۴، ۴۴، ۵۴
- \* کتابخانه عامه کابل ۱۲۰ ۵۸، ۶۹، ۸۱، ۹۰، ۱۱۴، ۱۱۸
- \* کتا بخانه مجلس تهران ۱۰۶ کابل (کتاب) ۶۴
- \* کتا بخانه مشهد رضوی ۸۵ کا پلشاه ۷۸
- کابلشا هان ۳۶، ۴۸، ۵۷، ۶۳، ۱۰۲
- \* کتا بخانه ملی پاریس ۹۶، ۱۱۱ ۶۸، ۷۸
- \* کتا بخانه نور عثمانیه ۱۱۱ \* کاپیسا ۱۱، ۸۱
- کتاب مانی ۹۳ \* کا پیشا (رك: کا پیسا) ۳۷
- کتاب مزدك ۷۹ کار سنگه داسه کو تهومه ۳۴
- کتاب مکه ۸۴ \* کا شیه پیه ۳۰
- کتاب و کتا بخانه ها (کتاب) ۹۵ \* کا لدره ۳۳، ۴۵
- \* کانگرا (رك: پنجاب) ۲۲، ۳۹، ۹۶
- کتر یاس ۷۵ ۴۹
- \* کتگله ۴۰ \* کا نهیا ره ۴۹
- کتیبه های خرو شتهی ( کتاب ) \* کا نیزه ۳۳
- ۲۸، ۵۰ کاوو س ۷۸
- کتیبه های کوفی قصر مسعود \* کپه (شهرزا ده) ۴۴
- سوم ۹۷ کتاب الکتاب ۹۱
- کد فیسس ۴۹ کتاب الو زراء والکتاب ۷۶
- \* کرا چی ۷۰ کتاب الهند ۵۷، ۷۸
- کرش ایا سشه ۴۹ \* کتا بخانه باد لیان اکسفورد ۹۸
- \* کر مان ۶۹، ۸۷ \* کتا بخانه تا شکند ۱۲۱
- \* کرنال ۲۲، ۳۳ \* کتابخانه تحقیقات شر قی اکادیمی
- \* کرنول (رك: کرنال) ۱۲ علوم اوز بکستان ۱۰۳
- کر یسه کوی ۳۳ \* کتا بخانه تو بنگن آلمان ۱۱۹
- \* کسوه ۳۹ \* کتا بخانه خطی کابل ۸۵، ۱۰۰

کشتج (کتاب) ۷۶

کشته په ۳۶، ۳۷، ۴۶

کشته په چو کپسه ۴۶، ۴۷

کشته په لیا که ۴۸

\* کشمیر ۲۷، ۶۱، ۷۸، ۱۰۲

\* کشیمی ۴۶

\* کلب افسران ۴۰

\* کلکته ۹، ۱۰، ۲۵، ۱۱۱

کلپنه ۲۹

کلیات خو شا لخان ختک ۱۱۹

۱۲۰

کلی ار خوس ۱۹، ۲۰

کلیله و منه ۷۱، ۷۹

کلید افغانی ۱۲۱

کموش ۱۲

کمه گو لیه ۲۶

کنجکاو یهای علمی واد بسی

(مجموعه) ۱۱۶

کنت ۱۱۷

\* کنر ۴

کنگم ۱۱

کنیشکا ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۲۹، ۳۱

۴۱، ۴۲، ۴۸، ۴۹، ۵۴، ۵۵

کنیشکه (رک: کنیشکا)

\* کو پنهاگ دنمارک ۶۷

کو جوله کره کد فیسس ۲۳

کو چیان ۵۷

کورت (جنرال) ۲۵

\* کورم ۳۴، ۸۹

کو روش ۸

کوز گا شکی پور ۵۵

کو شانہ مهارا جه ۳۹

کو شانہ ۳۶

کو شانی (نیز رک: کوشا نیان)

۲۸، ۲۹، ۳۰، ۵۰، ۵۳، ۵۴، ۵۷،

۵۹، ۶۸، ۶۹

کوشا نی (زبان) ۵۳

کوشا نیان ۱۳، ۱۷، ۲۱، ۲۳، ۲۷،

۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۴۰، ۴۲، ۴۴،

۴۵، ۴۹، ۵۱، ۵۳، ۶۶، ۱۰۵، ۱۱۸،

\* کو شان شهر ۲۸

\* کو شک ماخک بخارا ۸۷

کوفی (خط) ۱۷، ۵۹، ۶۹، ۷۰،

۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹،

۹۲، ۹۳، ۹۴ تا ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۰۷،

۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۶، ۱۱۸

\* کو کچه ۱۸

کو لی (پرو فیسر) ۹

کونو (رک: ستین کونو) ۶۵

\* کو هسان ۱۰۶

\* کوه سلع مدینه ۸۳

\* کوه سلیمان ۱۱۶

\* کوه مغ ۷۱

\* کو هات ۳۱

\* کهنه ونه ۳۵

کهو جنه پتره ۵۹

کهو شانہ ۴۶

کیداره ۱۳

کیداره کو شانہ شا ۱۳

کیدار یان ۱۳، ۶۶

کمیبرج هستری آف اندیا ۱۲

\* کیمبل پور ۴۲

کی نه و یو ۱۹



((گ))

۱۰۵، ۹۰، ۸۱	گا تنها ۷۷، ۷۵، ۶۷
*گند هاره (رك: گند هارا)	*گاز رگاہ هرات ۱۱۲، ۱۰۷، ۱۰۰
*گنگا ۲	گا نسیگیم (?) ۵۵
گو پتا (عصر) ۷۹	*گجرات ۱۷
گوپته (خط) ۶۱	*گد روز یا ۱۴
گودود مان ۵۸، ۵۹	*گر دیز ۶۸
گودو هره ۴۴	*گر گان ۷۷
گو کد ۵۸	گره نه و هریه که ۳۷
گو مان ۵۸	*گزه ۸۷
گومل ۵۷، ۶۸، ۸۹	گشتا سپ ۷۵
گومل بغپور ۵۸	گلچین معانی ۱۰۲
گومنه ۳۷	گلشن روه ۱۲۱
گوندو فریس ۱۶	*گلگت ۲۷، ۸۰
گو هرا فشین ۷۹، ۹۳	گنجینه خطوطدر افغانستان ۱۱۴
*گوهر شاد (مسجد) ۱۰۵	گنجینه قرآن ۹۶، ۹۵، ۱۰۲
گوهر شاد (ملکه) ۱۰۵	گنجینه مشہد رضوی ۱۰۱، ۹۶
گیر شمن ۷۷	۱۰۸، ۱۰۷
	*گند هارا ۲۲، ۲۸، ۳۱، ۴۴، ۸۰

((ل))

*لمکان (رك: لغمان) ۶۲	لارد کر زن ۴۱
*لندن ۲۱، ۲۶، ۶۴	*لار کانه ۲۲، ۴۹
لود یان ۱۱۶	*لان-پو ۱۱
*لور لایی ۲۴، ۴۷	*لاهور ۲۹، ۶۳، ۹۹، ۱۲۱
*لور یان ۳۵	*لداخ ۲۲، ۴۸، ۴۵، ۴۹
لو کنبل (رك: دبیرالملک)	*لشکری با زار ۹۷، ۱۰۵
	*لغمان ۴، ۵، ۶، ۱۰، ۱۰ تا ۱۲، ۱۲ تا ۱۲۲
لويس رو بورت ۲۰	۸۱، ۶۳
لويس دو پری ۵	لله (جنرال) ۳۶
لويك بوسر ۵۵	*لمبا که (رك: لغمان) ۱۱

\* لیدن ۷۸ ، ۹۱  
\* لیه ۴۸

لینا بی ۹۲  
لیث بن علی لیث ۸۸

((م))

مجله آسیا بی بنگال ۲۵  
مجله آسیا بی پاریس ۲۷  
مجله آسیایی شاهی انگلستان ۸۳  
مجله پا کستان قدیم ۷۰  
مجله سکه شنا سی ۶۶  
مجله مستشرقین آلمان ۸۳  
مجله مسکوکات ۱۳  
مجله هنر ۹۷  
مجمع النوادر ۱۱۱  
مجوس ۷۹  
محقق (خط) ۸۶، ۹۱، ۱۰۱، ۱۰۶  
۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹  
محمد (ص) ۷۰، ۸۵  
محمد اسحاق صدیقی ۶۹  
محمد اعظم (شیخ) ۱۲۰  
محمد او بهی ۱۱۲  
محمد بابر شاه ۱۰۲  
محمد بن ابی بکر ۱۰۲  
محمد بن احمد با نیجور ۸۸  
محمد بن اسما عیل غوری ۹۷  
محمد بن اظہر ۱۱۲  
محمد بن شیخ یوسف اباری سید  
الخطا ط ۱۰۸  
محمد بن طاہر ۸۸  
محمد بن عبد الملک زیات ۷۹  
محمد بن عبدوس جہشیا ر ۷۶  
محمد بن عثمان غزنوی ۹۶

\* ماتو رای ۲۲  
مادر زبان دری (کتاب) ۳۶، ۵۴  
\* مادز ۵۸  
مار گوس ۳۷  
مار یگہ = مریکہ = ماریگت ۲۷  
\* ما شور ۱۸  
ما مون (خلیفہ) ۸۶، ۹۱  
\* ما نسپیہرہ ۲۲، ۳۰، ۳۷  
مانوی (رک: مانویان) ۹۰  
مانوی (او راق) ۹۴  
مانویان ۹۳، ۹۴  
مانی ۹۳، ۹۴، ۱۰۵  
مانیان ۹۰  
\* مانی کیالہ ۲۲، ۲۵، ۳۱، ۳۵  
۳۷، ۴۰  
مانی گولہ ۴۷  
\* ماوراء النہر ۳، ۷۸، ۸۸، ۱۰۱  
۱۰۴، ۱۰۹، ۱۱۲  
\* ما ہجیہ ۳۱  
ماہی فہ تیہ ۳۴  
ما یتر یہ ۳۹  
\* ما یرہ ۳۵  
\* متورا (نیز رک: ماتو رای) ۲۷،  
۳۷، ۶۱  
\* متورہ (نیز رک: ما تورای) ۵۱  
\* متہورہ (نیز رک: ما تورای) ۴۰  
۴۲



\* مرو ۶۹، ۸۱، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۱۰۱  
 مروان بن محمد ۷۰  
 مروج الذهب ۷۵، ۹۰  
 مر یگک ۵۵  
 مست ز مند (ملا) ۱۲۰  
 \*مسجد الر شید ۱۰۲  
 \*مسجد المهدی ۹۲  
 \*مسجد بی بی خانم سمر قند ۱۰۸  
 \* مسجد کهنه ارض روم ۱۰۹  
 \*مسجد گو هر شاد ۱۰۶، ۱۰۷  
 مسجد مفاک عطاری بخا را ۹۵  
 مسعود (شهرزاده) ۱۰۵  
 مسعود سوم ۹۷  
 مسعود علاء الدوله بن ابرا هیم  
 ۹۷  
 مسعودی ۷۵، ۹۰  
 \*مسکو ۸۸  
 مسلما نان ۸۷، ۹۱، ۹۲  
 مسلم کا لگرا فی ۹۲، ۹۵، ۹۶،  
 ۱۰۲  
 مسیح ۲۳، ۹۲  
 مشجر مشکول (خط) ۱۰۶  
 \*مشهد ۱۰۰، ۱۰۷  
 \*مشهد رضوی ۹۳، ۹۵، ۱۰۲،  
 ۱۰۳  
 \*مصر ۷، ۶۹، ۷۴، ۷۵، ۸۴، ۸۹  
 مطهر بن طاهر مقدسی ۹۳  
 معاویه ۸۷  
 معتصم عباسی ۷۸  
 معجم الا نساب ۸۷، ۸۸  
 معقلی (خط) ۹۳، ۱۰۶، ۱۰۷،

محمد بن عیسی ۹۹  
 محمد بن قاسم ۷۰  
 محمد بن موسی ۹۳  
 محمد حمید الله حیدر آبادی  
 (داکتر) ۸۳  
 محمد داؤد حسینی ۱۱۵  
 محمد رضاء هر وی (شیخ) ۱۱۵  
 محمد زائنی ۴  
 محمد شفیع لا هوری ۹۹  
 محمد صالح ۱۰۹  
 محمد طا هر بن قاسم ۱۰۳  
 محمد علی هروی (آخوند) ۱۱۵  
 محمد عوض ۱۱۱  
 محمد فر یغونی ۶۹  
 محمد نبی واصل ۱۲۲  
 محمد یعقوب کا بلی (میرزا) ۱۱۴  
 محمود بن گر گین تر کی ۹۹  
 محمود غزنوی (سلطان) ۶۳، ۶۸،  
 ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۱۰۵  
 محمود فرخ ۱۰۳  
 محمود هدایت ۷۵  
 مختاری غزنوی ۷۹  
 مخزن اسلام ۱۲۰، ۱۲۲  
 \*مد راس ۱۲  
 مرآة الزمان ۸۵  
 مرتان شاه ۶۶  
 مرتضی قلی شا ملو هروی ۱۱۳  
 \*مردان ۳۲  
 مر سیا ۹۲  
 مرقع شا هی ۱۱۰  
 مر گلیو ت ۱۰۹

،۶۳، ۵۹، ۵۸، ۴۹، ۴۸، ۴۵

- \* موزه تکسیلا ۴۶  
 \* موزه قا هره ۸۳  
 \* موزه کابل ۱۰، ۶۹، ۵۲، ۸۷، ۸۰  
 \* موزه کراچی ۹۸  
 \* موزه کلکتہ ۴۹، ۳۷، ۳۵  
 \* موزه گلستان تهران ۱۰۴، ۱۱۲  
 \* موزه لاہور ۴۹  
 \* موزه لوور پاریس ۹۳  
 \* موزه متو رای ہند ۳۷  
 \* موزه متہورہ (رک) : موزہ متواری  
 ہند) ۴۰  
 \* موزہ مصر ۶۸، ۹۶  
 \* موزہ ملی تهران ۱۱۲، ۱۱۳  
 \* موزہ وا تیکان روم ۷۵  
 \* موزہ ہرات ۹۷  
 \* موزیم ایشیا تک سو سا یتسی  
 ہنگال ۶۴  
 \* موزیم پشاور ۳۳، ۳۸، ۳۹،  
 ۴۰  
 \* موزیم لاہور ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵،  
 ۳۸، ۴۲، ۴۳، ۴۸، ۶۳  
 موگہ ۴۶  
 \* موہن جود یرو ۲۲، ۵، ۴۹، ۱۵  
 مویس (رک: موگہ) ۴۶  
 مویکہ ۳۹  
 \* مہا بن ۳۱، ۳۳، ۳۸، ۳۹  
 مہاتہ ۳۰  
 مہارا جہ ۳۰  
 مہا را جہ کنیشکہ ۳۶  
 مہا سا نگہیکہ ۲۶، ۲۷

- معین (دکتور) ۷۷، ۱۱۶  
 مغل ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴  
 مغو لستان شما لی ۷۱  
 مقفل (خط) ۱۰۶  
 مقو قس ۸۳  
 مکا تبات (خط) ۸۶  
 مکتوم بن حرب ۶۹، ۸۸  
 \* مکہ ۱۰۲  
 \* ملتان ۱۴، ۱۱۶، ۱۲۰  
 ملکہ گو ہر شاد ۱۰۷  
 \* ملہ کند (کوتل) ۳۳  
 ملوک خرا سانی ۸۱  
 \* ممانی د ہیری ۳۵  
 م.م دیا کو نو و ۷۷  
 \* منار قطب ۱۰۰  
 منا شیر (خط) ۱۰۶  
 منتخب التوار ریخ ۱۰۲  
 \* مند لای (معبد) ۴۱  
 مندر بن ساوی ۸۳  
 منشور (خط) ۸۶  
 \* منصورہ ۷۸  
 منگ- لین ۷۴  
 \* مواب ۱۲  
 موجہ وت ۳۰، ۳۱  
 \* مو چای ۳۸  
 موریہ (خاندان) ۹، ۱۷، ۲۱، ۴۴  
 \* موزہ استا نبول ۹۸  
 \* موزہ ایران با ستان ۱۰۰  
 \* موزہ بر تا نیا ۳۷، ۸۵  
 \* موزہ پشاور ۳۵، ۳۶، ۴۲، ۴۴

میر عبدا لر حمن هروی ۱۱۴  
 میر عرب بخا را ۱۰۸  
 میر علی تبریزی قبله الكتاب ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 میر علی هروی ۱۱۲  
 میر محمد علی هروی ۱۱۴  
 میرید رخ ۳۳، ۴۴، ۴۵  
 میر یدر کوس ۴۴  
 میوه ۴۴  
 میسون ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۳۱  
 میشع ۱۲  
 \*میلان (کتا بخانه) ۹۵  
 میلیت ۱۸  
 مینا ند روس ۴۰  
 مینا ندره ۴۰

مها سینه ۴۲  
 مها کشتتر په رجو له ۳۷  
 \*مهتر لام ۱۱، ۶۱  
 \*مهتر لمک (مزار) ۱۱  
 \*مهتر ۴۳  
 \*مهتر با جور ۲۹  
 مهتر داد ۲۳  
 مهتر داد دوم ۶۵  
 مهرو گک ۷۸  
 مهروه ۵۵  
 \*میان کلی ۲۹  
 میترا ۴۵  
 میتره ورد هنه ۴۱  
 میخی (خط) ۱۱۷، ۱۱۸، ۶۷  
 \*میر زیارت ۳۸

((ن))

\*نسا ۷۷  
 نستعلیق (خط) ۱۱۰، تا ۱۱۴ ،  
 ۱۱۹ تا ۱۲۲  
 نسخ (خط) ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۲ ،  
 ۱۲۱  
 نسخی (خط ، رك: نسخ) ۶۳، ۶۹،  
 ۷۰، ۸۳، ۸۴، تا ۸۷، ۸۹، ۹۲، ۹۳،  
 ۹۵، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۶،  
 ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۱۸،  
 ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲  
 \*نشا پور ۶۹، ۸۱، ۱۰۰، ۱۰۱  
 نصر بن احمد ۸۸  
 نصر بن عبدا لله قزوینی ۹۵  
 نصر بن علی ایلك ۸۸

نافذ پاشا ۱۰۹  
 ناکه ده ته ۴۳  
 ناگری (خط) ۱۳، ۶۱، ۶۸  
 ناگری (زبان) ۶۱، ۶۳، ۶۵  
 نامه تنسر ۷۵  
 \*ناور ۵۷  
 \*ناو گرام ۳۸  
 \*نا بین (مسجد) ۹۴  
 نبطی (خط) ۶۸، ۸۲، ۸۳  
 نجاشی ۸۳  
 ندر محمد خان ۱۰۳  
 نده دیا که ۳۷  
 نرجس (خط) ۸۶  
 نروا نای ۲۹

نو شا ده ۵۵  
 نوشته های خرو شتهی (کتاب)  
 ۲۵  
 نوشته های فرس قدیم در خط  
 میخی ۱۱۷  
 \*نو شهره ۳۸  
 نو کونز وک کنار نک ۵۵  
 \*نوه چه (شهر) ۴۶

\* نغر کوت ۵۷، ۷۸  
 نفا یس الما ثر ۱۰۲  
 \* نمازه ۸۳  
 \* ننگر هار ۱۰، ۲۸، ۸۰، ۸۱  
 نوبخت ۵۸  
 نو بخت بهار ۵۸  
 نوبل ۲۵  
 نور من شارپ ۱۱۷

(۹)

ولید بن عبدا لملک ۸۶  
 وگره مر یگه ۲۶  
 ویدا ۲۱  
 ویشپا سی ۳۶  
 ویشپا سیه ۳۶  
 ویلسون ۲۱، ۲۵، ۲۸  
 ویما شا ۵۷  
 ویما کد فیسی ۴۹  
 ویما کو تهی سه ۴۹  
 ویمه کد فیسی ۴۷  
 وینا یا (کتاب) ۲۸، ۷۹  
 \*ویهاره ۲۶، ۳۶، ۴۲، ۴۳، ۴۷  
 \*ویهنده ۴۸، ۶۴، ۶۸، ۹۸، ۱۰۰

\*وادی نیل ۷۴  
 واره شا هی ۱۳  
 واه سشته ۳۲  
 واسود یوه ۲۴  
 وامق و عذرای عنصری ۹۹  
 وجهشکه ۲۹  
 \*ودهی تیره ۳۲  
 وراقی (خط) ۸۶  
 \*وردگ ۲۱، ۲۳، ۲۶، ۲۹، ۴۷  
 وار ها میپیره ۴۷  
 \*ور هوان ۱۳، ۶۶  
 \*وزیر ستان ۵۷، ۵۹، ۶۸  
 وشی (خط) ۸۶  
 وشی شو که ۳۸  
 ولخش ۷۷

(۱۰)

هخامنشی (دوره) ۱۸، ۲۱، ۲۲  
 ۹۰، ۱۱۷  
 هخامنشیان ۷، ۸، ۹، ۶۵، ۷۵  
 هدایة المتعلمین ۹۸، ۹۹

هارونالر شید ۸۷  
 هاکن ۷۹  
 هپتل خو تاو ۶۶  
 هپیه دهیه ۴۸

۸۲، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۱۲، ۱۲۱	* هده ۴۸، ۹۰
هند سی (خط) ۱۰۶	* هده ۲۱، ۲۵، ۲۸
هند وارو پایی (انژاد) ۲	* هرات ۶۶، ۶۹، ۸۷، ۹۷، ۹۸
هند وان ۳۲، ۶۱	۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷
* هندو ستان (نیز رك: هند) ۲،	۱۰۸، ۱۱۲، ۱۱۳
۱۴، ۵۷، ۷۸	* هر تفورد ۱۲۱
* هندو كش ۲، ۴، ۲۲، ۶۶	* هر تك طبر ستان ۸۷
هندو ی (زبان) ۱۲۱ (نیز رك:	* هر ثمه بن اعین ۸۷
هندي)	هرما یو س ۲۳
هندي (خط) ۵۸، ۶۳، ۶۶، ۶۸،	هر مس ۱۸، ۱۹
۷۶، ۷۷	* هر پرود ۶۵
هندي (زبان) ۲۳، ۵۴، ۵۸، ۷۷،	* هزار سم ۶۰، ۶۵
۷۸	* هزاره (وادی) ۴۳
هندو ها (نیز رك: هندوان) ۲۲	* هسپا نیا ۵
هنر خطدرافغانستان (کتاب) ۱۱۴	هشام بن عبد الملك ۹۳، ۹۴
هنر و مردم (مجله) ۷۴، ۷۵	هشتمو نه مر یگه ۲۶
هورنل (دكتور) ۱۰۹	هفتا لی (عصر) ۶۵
هوره شده ۴۴	هفتا لیان ۵۵، ۶۵، ۶۶
هونان هفتلی ۱۳	هفت کتیه قد یم ۵۴، ۵۶، ۵۷،
هونان یفتلی (رك: هونان هفتلی)	۵۸، ۱۱۸
۶۴، ۶۶	* هلمند ۱۸، ۵۱، ۵۳، ۵۸، ۶۵،
هوو يشكه ۲۴، ۲۶، ۲۷	۶۶، ۶۹، ۹۶
هیر کلیس ۱۸، ۱۹	* هما لیا ۶۵
هیرو غلیفی (خط) ۷۴	* هند ۲، ۳، ۷، ۸، ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۵،
هیمه ۳۱	۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴،
هیون تسنگ ۱۱، ۱۵، ۵۳، ۸۱	۲۵، ۲۷، ۳۱، ۳۴، ۳۷، ۴۱، ۴۸،
	۵۰، ۵۴، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۷۴،

(ی)

یحیی (امام) ۹۷	یاددا شتهای قز وینی ۱۱۱
یحیی بن خالد بر مکی ۸۲، ۸۶،	یاشه ۳۴
۹۱	یا کو بی ۴۸

، ۵۵ ، ۵۶ ، ۵۷ ، ۵۸ ، ۵۹ ، ۶۵ ، ۶۶ ،

۶۸ ، ۸۲ ، ۸۴ ، ۱۱۶ ، ۱۱۸

یونا نی (زبان) ۱۰ ، ۱۴ ، ۱۶ ، ۱۷ ،

، ۱۸ ، ۱۹ ، ۲۰ ، ۲۳ ، ۲۹ ، ۳۳ ، ۳۴ ،

، ۴۰ ، ۴۲ ، ۴۴ ، ۴۵ ، ۵۳ ، ۵۴ ، ۶۷ ،

۶۸ ، ۸۲ ، ۸۷

یونا نیان ۱۴ ، ۲۰ ، ۴۴

، یونا نیان با ختر ۲۲ ، ۳۹ ، ۴۴ ،

۴۵

یونانی با ختر (شا هان) نیز رک:

یونا نیان باختر ۱۲ ، ۱۴ ، ۱۶ ، ۱۷ ،

۱۸ ، ۲۲ ، ۳۰

یونانی با ختری (خط) ۱۷ ، ۲۱

یوهه راجه فره وستہ ۳۷

یویہ چی ۲۴

یہود یان ۸۵

یزد گرد ۸۱

یسنا ۷۵

یعقوب لیث صفاری ۶۸ ، ۶۹

۸۸

ین (شا هان) ۷۴

یوچ یلیا کہ ۳۲

یورہ شا ۳۰

یورہ سہ کہ ۴۶

یوسف بن کبیر ۱۰۲

یوسفزایی ۳۳ ، ۳۸

یولہ میرہ ۴۷

\* یونان ۲ ، ۱۴ ، ۱۵ ، ۱۸ ، ۱۹ ، ۲۰ ،

۲۶ ، ۲۷ ، ۲۹ ، ۴۲ ، ۷۴

یونانی (خط) ۸ ، ۹ ، ۱۰ ، ۱۲ ، ۱۳ ،

، ۱۴ ، ۱۵ ، ۱۶ ، ۱۷ ، ۱۸ ، ۱۹ ، ۲۰ ،

، ۲۱ ، ۲۳ ، ۲۴ ، ۲۷ ، ۴۱ ، ۴۳ ، ۵۴ ،

۴